

نظریه مشورتی ۲۳ جولای ۲۰۲۵ دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد تعهدات دولت‌ها در رابطه با تغییرات اقلیمی (پژوهشی)

ساوالان محمدزاده *

معصومه حسینی **

عباس صفری ***

رضوانه سپاسی ****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۴

مقدمه

صلاحیت و صلاح‌دید

پرسش‌های مطرح‌شده نزد دیوان، واجد ماهیت حقوقی هستند. دیوان از صلاحیت لازم جهت ارائه نظر مشورتی درخواستی برخوردار است. هیچ دلیل قاطع و موجهی وجود ندارد که دیوان را از ارائه نظر مشورتی درخواستی بازدارد.

سياق [تاریخی] تصویب قطعنامه ۷۷/۲۷۶ - پیامدهای شدید و گسترده تغییرات اقلیمی - اقدامات مهم و مرتبط در سطح بین‌المللی از ۱۹۶۸ تا ۲۰۱۵ به منظور شناسایی مخاطرات برای حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست - پیشینه علمی مرتبط - گزارش‌های هیئت بین‌الدولی

* مترجم مسئول، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
savalan.mohamadzadeh75@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران
masoomeh.hosseini1994@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران
a.safari@ciia.ir.

**** کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
sepasi.rz@gmail.com



<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

تغییرات اقلیمی^۱ به‌عنوان بهترین منبع علمی موجود در خصوص علل، ماهیت و پیامدهای تغییرات اقلیمی - یافته‌های هیئت مذکور درباره علل و پیامدهای تغییرات اقلیمی - انتشار گازهای گلخانه‌ای^۲ و تغییرات اقلیمی - تدابیر تعدیلی و سازگاری.

گستره و مفاد پرسش‌های مطرح‌شده از سوی مجمع عمومی

پرسش‌های (الف) و (ب) به یکدیگر پیوسته بوده و دیوان را ملزم می‌کند تا تعهدات دولت‌ها را در قبال فعالیت‌هایی که بر سیستم اقلیمی اثرات سوء دارند، و همچنین مسئولیت‌های حقوقی ناشی از نقض این تعهدات را احراز کند - رفتار مرتبط شامل کلیه فعل‌ها یا ترک فعل‌های دولت‌هاست که از طریق انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، منجر به تأثیر منفی بر سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست می‌شود - گستره (موضوعی) پرسش‌ها، طیف کامل فعالیت‌های انسانی را که به واسطه انتشار گازهای گلخانه‌ای در تغییرات اقلیمی مؤثرند، در بر می‌گیرد - در رسیدگی دیوان، هیچ‌گونه محدودیت سرزمینی وجود ندارد - گستره زمانی.

گستره و مفاد پرسش (الف) - مجمع عمومی نظر دیوان را در خصوص تعهدات الزام‌آور دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل درخواست کرده است - پرسش (الف) محدود به شناسایی و تعیین تعهدات موجود است.

گستره و مفاد پرسش (ب) - پیامدهای حقوقی ناشی از نقض تعهداتی [توسط دولت‌ها] که ذیل پرسش (الف) شناسایی شده‌اند - از دیوان خواسته شده است که پیامدهای حقوقی را به‌طور کلی بررسی کند، نه در خصوص دولت یا گروه خاصی از دولت‌ها - پیامدها برای دولت‌هایی که از طریق فعل یا ترک فعل خود، ممکن است سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست را از رهگذر انتشار گازهای گلخانه‌ای متأثر ساخته باشند - پیامدها در قبال دولت‌هایی که به‌ویژه متأثر یا به‌طور مشخص/آسیب‌پذیر هستند - قواعد مربوط به مسئولیت دولت‌ها طبق حقوق بین‌الملل عرفی، بسته به طبقه یا وضعیت دولت متضرر، تفاوتی نمی‌کند - دیوان مکلف به تعیین پیامدهای حقوقی خاص نسبت به دولت‌های زیان‌دیده معین یا گروهی از دولت‌ها نیست - پیامدهای حقوقی نسبت به مردمان و/فرد - اهمیت معاهدات خاص و سایر اسناد حقوقی که حقوق و تعهدات رویه‌ای (شکلی) و ماهوی ایجاد می‌کنند.

1. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)
2. Greenhouse gas (GHG)

پرسش (الف) مطرح شده نزد دیوان: تعهدات دولت‌ها در خصوص تغییرات اقلیمی

حقوق قابل اعمال - فهرستی که توسط دیوان ارائه شده است، بدون خدشه به سایر قواعد حقوق بین‌الملل که ممکن است مرتبط باشند.

مستقیم‌ترین [قواعد] حقوق معاهداتی مرتبط - منشور سازمان ملل متحد^۳ - معاهدات تغییرات اقلیمی - کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی،^۴ پروتکل کیوتو^۵ و موافقت‌نامه پاریس^۶ - کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا^۷ - معاهدات محیط‌زیستی - کنوانسیون لایه اوزون،^۸ پروتکل مونترال،^۹ اصلاحیه کیگالی پروتکل مونترال،^{۱۰} کنوانسیون تنوع زیستی^{۱۱} و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی.^{۱۲}

مستقیم‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مرتبط - وظیفه دولت‌ها برای پیشگیری از زیان‌های قابل توجه محیط‌زیستی - وظیفه همکاری برای حفاظت از محیط‌زیست.

مستقیم‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل بشر مرتبط - معاهدات اصلی حقوق بشر - میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۱۳} - میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۱۴} - حقوق بشر به رسمیت شناخته شده به موجب حقوق بین‌الملل عرفی.

اصول راهنمای تفسیر و اعمال مستقیم‌ترین قواعد حقوقی مرتبط - اصل توسعه پایدار - اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط - انصاف - عدالت میان‌نسلی - رویکرد یا اصل احتیاط.

کاربست قاعده حقوق خاص^{۱۵} منجر به کنارگذاشتن کامل سایر قواعد حقوق بین‌الملل از سوی معاهدات تغییرات اقلیمی نمی‌شود.

تعهدات دولت‌ها به موجب چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی

بررسی معاهدات تغییرات اقلیمی و تصمیمات مرتبط با ارکان حاکمه آن‌ها - تمایز میان تعهدات

3. Charter of the United Nations

4. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

5. Kyoto Protocol

6. Paris Agreement

7. United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS)

8. Ozone Layer Convention

9. Montreal Protocol

10. Kigali Amendment to Montreal Protocol

11. Biodiversity Convention

12. Desertification Convention

13. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

14. International Covenant on Civil and Political Rights

15. Lex specialis

رفتاری (تعهدات به وسیله)^{۱۶} و تعهدات به نتیجه^{۱۷} همواره کاملاً مشخص و قطعی نیست - اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط در معاهدات تغییرات اقلیمی - رویکرد یا اصل احتیاط که از طریق ارجاع در پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس وارد شده است - اصل توسعه پایدار در معاهدات تغییرات اقلیمی گنجانده شده است - انصاف و عدالت میان‌نسلی در معاهدات تغییرات اقلیمی لحاظ شده است - وظیفه همکاری به‌عنوان اصل در چارچوب معاهدات تغییرات اقلیمی شناسایی شده است - اهمیت و اثر حقوقی تصمیمات ارکان حاکم بر معاهدات تغییرات اقلیمی - ارتباط میان کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس - قاعده قانون لاحق^{۱۸} - عدم تعارض میان سه معاهده مربوط به تغییرات اقلیمی - تعهدات دولت‌ها بر اساس کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی - چارچوب کلی برای پرداختن به تغییرات اقلیمی ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت - تعهدات مربوط به تعدیل - تعهدات دولت‌های مندرج در ضمیمه اول - تعهدات سازگاری - تعهدات همکاری و مساعدت - وظیفه همکاری، تعهدی به وسیله است که اجرای آن بر اساس معیار مراقبت مقتضی^{۱۹} ارزیابی می‌شود.

تعهدات دولت‌ها بر اساس پروتکل کیوتو - پروتکل، برخی از تعهدات مندرج در کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی را به‌صورت مشخص و الزام‌آور درآورد و برای برخی دولت‌ها کاهش کمی میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای را مقرر کرد - پروتکل، تعهدات مربوط به تعدیل انتشار گازهای گلخانه‌ای به شرح مندرج در کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی را مشخص و تقویت می‌کند - پروتکل کیوتو همچنان لازم‌الاجرا است.

تعهدات دولت‌های عضو موافقت‌نامه پاریس - تعهدات مربوط به تعدیل انتشار گازهای گلخانه‌ای، سازگاری، تأمین مالی، توسعه و انتقال فناوری، شفافیت اقدامات و حمایت‌ها، و ظرفیت‌سازی - آستانه ۱.۵ درجه سانتی‌گراد ماده ۲، هدف [محدودیت] دمایی اصلی مورد توافق طرف‌ها برای محدودکردن افزایش متوسط دمای جهانی است - اهمیت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط - وظیفه همکاری در چندین ماده منعکس شده است - تعهدات رفتاری و تعهدات به نتیجه که به‌صورت متقابل از یکدیگر پشتیبانی می‌کنند - پایبندی طرف‌ها به تعهدات رفتاری بر اساس میزان اعمال مراقبت مقتضی و به‌کارگیری بهترین تلاش‌ها توسط آن‌ها ارزیابی می‌شود.

16. Obligations of conduct

17. Obligations of result

18. Lex posterior

19. Due diligence

تعهدات مربوط به تعدیل انتشار گازهای گلخانه‌ای - بند ۲ ماده ۴ موافقت‌نامه پاریس - تعهد به نتیجه در راستای تهیه، اعلام و حفظ مشارکت‌های معین ملی^{۲۰} - طرفین در خصوص محتوای مشارکت‌های معین ملی، اختیار محدودی دارند - ارتباط اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط - مشارکت‌های معین ملی باید در مجموع، قادر به تحقق اهداف موافقت‌نامه پاریس باشند - تعهدات رفتاری برای اجرای مشارکت‌های معین ملی و اتخاذ تدابیر داخلی تعدیل انتشار گازهای گلخانه‌ای - این تعهدات مستلزم آن هستند که طرفین با انجام مراقبت مقتضی عمل کنند - معیار مراقبت مقتضی در این زمینه سختگیرانه است.

تعهدات مربوط به سازگاری - بند ۹ ماده ۷ موافقت‌نامه پاریس - انجام تعهدات سازگاری طرفین بر اساس معیار مراقبت مقتضی ارزیابی می‌شود - تعهدات سازگاری مکمل تعهدات تعدیل انتشار هستند.

تعهدات همکاری، از جمله در زمینه کمک مالی، انتقال فناوری و ظرفیت‌سازی - وظیفه عرفی همکاری برای حفاظت از محیط‌زیست، تعهدات همکاری معاهده‌محور مندرج در موافقت‌نامه پاریس را تقویت می‌کند - دولتها در انتخاب شیوه‌های همکاری آزادند - شیوه‌های همکاری باید با تعهدات حسن‌نیت و مراقبت مقتضی سازگار باشند - اشکال اصلی همکاری شامل کمک مالی، انتقال فناوری و ظرفیت‌سازی است.

تعهدات دولتها به موجب حقوق بین‌الملل عرفی مرتبط با تغییرات اقلیمی

وظیفه پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست - اجرای این وظیفه نسبت به سیستم اقلیمی - وجود زیان قابل توجه به محیط‌زیست، شرط لازم برای اجرای این وظیفه است - احتمال یا پیش‌بینی‌پذیری وقوع زیان و شدت یا گستره آن از عوامل تعیین‌کننده محسوب می‌شوند - انباشت گازهای گلخانه‌ای در جو که موجب ایراد زیان قابل توجه به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست می‌شود - اعمال این وظیفه با وجود ماهیت پراکنده و چندوجهی اشکال مختلف رفتارهایی که به تغییرات اقلیمی انسان‌زاد منجر می‌شوند، منتفی نیست - مراقبت مقتضی به‌عنوان معیار رفتاری لازم - اهمیت اطلاعات علمی و فناوریانه - نقش تصمیمات کنفرانس‌های دولتهای عضو - توانمندی‌های دولتها عامل کلیدی در تعیین میزان رعایت معیار مراقبت مقتضی محسوب می‌شود - رویکرد یا اصل احتیاط راهنمای دولتها در تعیین معیار رفتاری لازم است - ارزیابی اثرات زیست‌محیطی^{۲۱} - ماهیت خاص ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در زمینه تغییرات اقلیمی - اطلاع‌رسانی و مشاوره.

20. Nationally determined contributions (NDCs)

21. Environmental Impact Assessment (EIA)

وظیفه همکاری - ماهیت خاص تغییرات اقلیمی مستلزم آن است که دولت‌ها اقدامات مستقل را در چارچوب همکاری با سایر دولت‌ها انجام دهند - دولت‌ها موظف‌اند با حسن‌نیت تلاش کنند تا به اشکال مناسب اقدام جمعی دست یابند - اهمیت ویژه این وظیفه در زمینه نیاز به دستیابی به هدف جمعی - وظیفه همکاری بر تمامی دولت‌ها اعمال می‌شود.

رابطه میان تعهدات ناشی از معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی در ارتباط با تغییرات اقلیمی - قواعد معاهده‌ای و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی هر یک دارای وجود مستقلی هستند - تعهدات ناشی از معاهدات تغییرات اقلیمی و رویه دولت‌ها در اجرای آن‌ها، تعهدات عرفی عام را توسعه بخشیده و روشن می‌کنند و بالعکس - پایبندی یک دولت به معاهدات تغییرات اقلیمی حاکی از آن است که آن دولت به‌طور قابل‌توجهی به وظایف عرفی عام خود دائر بر پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه به محیط‌زیست و همکاری پایبند است - دولت غیرعضو که به گونه‌ای معادل با همکاری دولت‌های عضو معاهدات تغییرات اقلیمی با جامعه بین‌المللی همکاری می‌کند، ممکن است به‌عنوان ایفاکننده تعهدات عرفی خود تلقی شود - بار مسئولیت بر عهده دولت غیرعضو است تا نشان دهد سیاست‌ها و اقداماتش با تعهدات عرفی آن مطابقت دارد.

تعهدات دولت‌ها بر اساس معاهدات زیست‌محیطی - کنوانسیون لایه اوزون - پروتکل مونترال - کنوانسیون تنوع زیستی - کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی - دیوان مأمور رسیدگی به تمامی معاهدات قابل اعمال و مرتبط با حمایت از سیستم اقلیمی نیست - تعهدات ناشی از معاهدات زیست‌محیطی در حمایت از سیستم اقلیمی واجد اهمیت‌اند - معاهدات زیست‌محیطی، معاهدات تغییرات اقلیمی و تعهدات مرتبط در حقوق بین‌الملل عرفی، مکمل و تبیین‌کننده یکدیگرند.

تعهدات دولت‌ها بر اساس حقوق دریاها و مسائل مرتبط - تعهدات دولت‌ها طبق کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا - انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت می‌تواند در معنای مندرج در کنوانسیون حقوق دریا، به‌عنوان آلودگی محیط‌زیست دریایی تلقی شود - قابلیت اعمال بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریا - قابلیت اعمال مواد ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۷ و ۲۰۶ کنوانسیون حقوق دریا - کنوانسیون حقوق دریا، معاهدات تغییرات اقلیمی، معاهدات زیست‌محیطی و قواعد عرفی حقوق بین‌الملل یکدیگر را تبیین و تکمیل می‌کنند - تعهدات دولت‌ها در رابطه با بال‌آمدن سطح دریا و موضوعات مرتبط - مسائلی همچون حفظ خطوط مبدأ، حقوق دریایی، تحدید حدود دریایی و دولت‌بودگی - دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها هیچ تعهدی به به‌روزرسانی نقشه‌ها یا فهرست مختصات جغرافیایی ندارند - پس از تشکیل دولت، ناپدیدشدن یکی از عناصر سازنده آن الزاماً به معنای ازبین‌رفتن بقای دولت (دولت‌بودگی) نیست.

تعهدات دولت‌ها طبق حقوق بین‌الملل بشر - آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی بر بهره‌مندی از حقوق بشر - حفاظت از محیط‌زیست پیش‌شرط بهره‌مندی از حقوق بشر است - حقوق بشری که

بهره‌مندی مؤثر از آن‌ها می‌تواند در نتیجه تغییرات اقلیمی مختل شود - حق حیات - حق بر سلامت - حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی - حق بر حریم خصوصی، خانواده و مسکن - حقوق زنان، کودکان و مردمان بومی - حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار - گستره سرزمینی معاهدات حقوق بشری باید در پرتو مقررات خاص هر سند بررسی شود.

پرسش (ب) مطرح‌شده نزد دیوان: پیامدهای حقوقی ناشی از فعل‌ها و ترک فعل‌های دولت‌ها که موجب ایراد زیان قابل‌توجه به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست می‌شوند - قابلیت اعمال قواعد مربوط به مسئولیت دولت‌ها - مسئولیت ناشی از نقض تعهدات در زمینه تغییرات اقلیمی باید بر اساس قواعد مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل عرفی تعیین شود.

تعیین مسئولیت دولت‌ها در زمینه تغییرات اقلیمی - گستره زمانی تعهدات شامل عناصری از ارزیابی عینی و موردی^{۲۲} [ارزیابی موردی دقیق و توأم با درنظرگرفتن واقعیت‌ها و اسناد موجود در پرونده] است - این مسئله فراتر از حدود نظر مشورتی حاضر است - انتساب - دشواری‌های انتساب فعل‌ها یا ترک فعل‌ها به یک دولت - رفتار کنشگران بخش خصوصی - ماهیت تجمعی رفتار متخلفانه - قواعد مسئولیت دولت‌ها از حیث اصولی قابلیت اعمال بر وضعیت‌هایی را دارند که در آن‌ها خسارت ناشی از اقدام چندین دولت است - هر دولت زیان‌دیده می‌تواند جداگانه مسئولیت هر دولتی را که مرتکب فعل متخلفانه بین‌المللی منجر به ایراد زیان به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست شده است، مطرح کند - در مواردی که چندین دولت در قبال فعل متخلفانه بین‌المللی واحد مسئول‌اند، مسئولیت هر یک از آن دولت‌ها قابل استناد است - رابطه سببیت - قابلیت اعمال معیار حقوقی موجود دائر بر وجود ارتباط سببی مستقیم و قطعی - در زمینه تغییرات اقلیمی، رابطه سببی باید در هر مورد از طریق ارزیابی عینی و موردی احراز شود - تعهدات مربوط به حمایت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، تعهدات عام‌الشمول (ارگا امنس)^{۲۳} محسوب می‌شوند - امکان استفاده از راه‌حل‌های جبرانی^{۲۴} برای دولت‌های زیان‌دیده یا دولت‌های غیرزیان‌دیده.

پیامدهای حقوقی ناشی از اعمال متخلفانه - پیامدها بستگی به نوع تعهد نقض‌شده و ماهیت خسارت خاص دارند - تکلیف به اجرای تعهد^{۲۵} - تکلیف به توقف عمل متخلفانه و تضمین عدم تکرار^{۲۶} - تکلیف

22. In Concreto Assessment

23. Erga omnes

24. Remedies

25. Duty of performance

26. Duty of cessation and guarantees of non-repetition

به جبران خسارت^{۲۷} از طریق اعاده وضع به حال سابق،^{۲۸} پرداخت غرامت^{۲۹} یا جلب رضایت.^{۳۰}

نظر مشورتی

حاضران: رئیس ایواساوا؛ نایب‌رئیس: سِپوتینده؛ قضات: تومکا، آبراهام، یوسف، شوئه، بهانداری، نولته، چارلزورث، برانت، گومس روبلدو، کلیولند، اورسکو، تلادی؛ ثبت‌کننده: گوتیه.^{۳۱}

در خصوص تعهدات دولت‌ها در قبال تغییرات اقلیمی، دیوان با ترکیب فوق، نظر مشورتی خود را به شرح ذیل ارائه می‌کند:

۱. پرسش‌هایی که نظر مشورتی دیوان درباره آن‌ها خواسته شده است، در قطعنامه شماره ۷۷/۲۷۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۲۹ مارس ۲۰۲۳ بیان شده‌اند. دبیرکل سازمان ملل متحد طی نامه‌ای در ۱۲ آوریل ۲۰۲۳ که در ۱۷ آوریل ۲۰۲۳ دریافت شد، تصمیم مجمع عمومی دائر بر ارجاع این پرسش‌ها برای نظر مشورتی را رسماً به دیوان اعلام کرد. نسخه‌های گواهی‌شده انگلیسی و فرانسوی از متن قطعنامه به نامه پیوست بود. متن قطعنامه به شرح زیر است:

«مجمع عمومی، با اذعان به اینکه تغییر اقلیم، چالش بی‌سابقه با ابعاد تمدنی است و رفاه نسل حاضر و نسل‌های آینده بشریت به پاسخ فوری و قاطع ما به این پدیده وابسته است، با یادآوری قطعنامه ۷۷/۱۶۵ ۱۴ دسامبر ۲۰۲۲ و تمامی قطعنامه‌ها و تصمیمات دیگر خود در خصوص حفاظت از اقلیم جهانی برای نسل‌های حاضر و آینده بشریت، و نیز قطعنامه ۷۶/۳۰ ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۲ درباره حق بشر به محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار، همچنین با یادآوری قطعنامه ۷۰/۱ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ با عنوان دگرگون‌کردن دنیای ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، و نیز با یادآوری قطعنامه ۵۰/۹ شورای حقوق بشر ۷ ژوئیه ۲۰۲۲ و تمامی قطعنامه‌های پیشین آن شورا درباره حقوق بشر و تغییرات اقلیمی، از جمله قطعنامه ۴۸/۱۳ ۸ اکتبر ۲۰۲۱ و با تأکید بر ضرورت تحقق برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، با تأکید بر اهمیت منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها، کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اوزون، پروتکل مونترال در مورد مواد مخرب لایه اوزون، کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با بیابان‌زایی در کشورهای که دچار

27. Duty to make reparation

28. Restitution

29. Compensation

30. Satisfaction

31. President IWASAWA; Vice-President SEBUTINDE; Judges TOMKA, ABRAHAM, YUSUF, XUE, BHANDARI, NOLTE, CHARLESWORTH, BRANT, GÓMEZ ROBLED, CLEVELAND, AURESCU, TLADI; Registrar GAUTIER.

خشکسالی و/یا بیابان‌زایی شدید هستند، به‌ویژه در آفریقا، و سایر اسناد بین‌المللی مرتبط، و همچنین اصول و تعهدات ذی‌ربط حقوق بین‌الملل عرفی، ازجمله آنچه در اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط‌زیست انسانی و اعلامیه ریو درباره محیط‌زیست و توسعه بازتاب یافته است، در خصوص رفتار دولت‌ها در طول زمان نسبت به فعالیت‌هایی که به تغییرات اقلیمی و آثار نامطلوب آن منجر می‌شوند، با یادآوری کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس به‌عنوان بیان اراده جمعی برای مقابله قاطع با تهدید ناشی از تغییرات اقلیمی، و با ترغیب همه طرف‌ها به اجرای کامل آن‌ها، و با نگرانی از شکاف قابل‌توجه بین اثر جمعی تعهدات ملی فعلی دولت‌ها و کاهش انتشار گازهای لازم برای محدودکردن افزایش متوسط دمای جهانی به کمتر از ۲ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطح پیشاصنعتی و تلاش برای محدودکردن افزایش دما به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطح پیشاصنعتی، و نیز بین سطح فعلی سازگاری و سطح لازم برای پاسخ به آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی، با یادآوری این نکته که کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و موافقت‌نامه پاریس بر اساس اصل انصاف و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط دولت‌ها، با توجه به شرایط ملی متفاوت اجرا خواهند شد، با توجه به نگرانی عمیق دائر بر اینکه انتشار گازهای گلخانه‌ای همچنان در حال افزایش است، با وجود آسیب‌پذیری همه دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های در حال توسعه، نسبت به آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی، و اینکه دولت‌هایی که به‌طور مشخص آسیب‌پذیر هستند و محدودیت ظرفیت قابل‌توجه دارند، مانند دولت‌های کمتر توسعه‌یافته و دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه، در حال تجربه افزایش چنین آثار هستند، ازجمله خشکسالی‌های پایدار و رویدادهای آب و هوایی شدید، ازدست‌رفتن و تخریب زمین، بالآمدن سطح دریا، فرسایش سواحل، اسیدی‌شدن اقیانوس‌ها و عقب‌نشینی یخچال‌های کوهستانی، که منجر به جابه‌جایی افراد آسیب‌دیده و تهدید بیشتر امنیت غذایی، دسترسی به آب و معیشت‌ها، و نیز تلاش‌ها برای ریشه‌کن کردن فقر در تمامی اشکال و ابعاد و دستیابی به توسعه پایدار می‌شود، با توجه به نگرانی شدید از اجماع علمی، ازجمله گزارش‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، دائر بر اینکه انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، بی‌تردید عامل اصلی گرمایش جهانی از میانه قرن بیستم بوده است، و اینکه تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت‌های انسان، ازجمله بروز رویدادهای شدید و مکرر، باعث آثار نامطلوب گسترده و خسارات مرتبط به طبیعت و انسان‌ها فراتر از تغییرات طبیعی آب و هوا شده است و در تمامی بخش‌ها و مناطق، افراد و سیستم‌های آسیب‌پذیر به‌طور نامتناسب تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، با اذعان به افزایش دما، آثار ناشی از رویدادهای شدید اقلیمی و آب و هوایی، و نیز رویدادهای آهسته‌رخداد، تهدید اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی روزافزون ایجاد خواهند کرد، با تأکید بر ضرورت افزایش فوری اقدامات و حمایت‌ها، ازجمله تأمین مالی، ظرفیت‌سازی

و انتقال فناوری، برای تقویت توان تطبیقی و اجرای رویکردهای مشارکتی جهت پاسخ مؤثر به آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی، و همچنین برای پیشگیری، به حداقل رساندن و جبران خسارات ناشی از این آثار در دولت‌های در حال توسعه که به‌طور ویژه در معرض این آثار قرار دارند، با ابراز نگرانی جدی از اینکه هدف دولت‌های توسعه‌یافته برای بسیج سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار آمریکا تا ۲۰۲۰ در چارچوب اقدامات مؤثر تعدیلی و شفافیت در اجرای آن تا کنون محقق نشده است، و با ترغیب دولت‌های توسعه‌یافته به دستیابی به این هدف، تصمیم می‌گیرد مطابق ماده ۹۶ منشور سازمان ملل متحد، از دیوان بین‌المللی دادگستری، طبق ماده ۶۵ اساسنامه دیوان، درخواست کند تا نظر مشورتی خود را در خصوص پرسش زیر ارائه دهد: با توجه ویژه به منشور سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، موافقت‌نامه پاریس، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها، تکلیف به مراقبت مقتضی، حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصل پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست و وظیفه حفاظت و صیانت از محیط‌زیست دریایی،

(الف) تعهدات دولت‌ها، به موجب حقوق بین‌الملل، برای تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، هم برای دولت‌ها و هم برای نسل‌های حاضر و آینده چیست؟

(ب) پیامدهای حقوقی این تعهدات برای دولت‌ها در صورتی که با فعل و ترک فعل خود باعث ایراد زیان قابل توجه به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست شده باشند چیست، با توجه به:

(یک) دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه، که به دلیل شرایط جغرافیایی و سطح توسعه خود، آسیب دیده یا به‌طور خاص تحت تأثیر قرار گرفته‌اند یا به‌طور ویژه در معرض آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی قرار دارند؛

(دو) مردمان و افراد نسل‌های حاضر و آینده که تحت تأثیر آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرند؟»

۲. طی نامه‌های ۱۷ آوریل ۲۰۲۳، معاون دبیرخانه دیوان، مطابق بند ۱ ماده ۶۶ اساسنامه، تمام دولت‌هایی را که حق حضور در دیوان دارند، از درخواست نظر مشورتی مطلع کرد.

۳. طی قرار ۲۰ آوریل ۲۰۲۳، رئیس دیوان تصمیم گرفت که سازمان ملل متحد و دولت‌های عضو آن احتمالاً قادر خواهند بود اطلاعاتی در خصوص پرسش‌های ارجاع‌شده برای نظر مشورتی در اختیار دیوان قرار دهند و ۲۰ اکتبر ۲۰۲۳ را به‌عنوان مهلت ارائه اظهارات مکتوب درباره این

پرسش‌ها مطابق بند ۲ ماده ۶۶ اساسنامه دیوان تعیین کرد. همچنین ۲۲ ژانویه ۲۰۲۴ را به‌عنوان مهلت ارائه نظرات مکتوب دولتها و سازمان‌های بین‌المللی نسبت به بیانیه‌های مکتوب ارائه شده توسط سایر دولتها و سازمان‌های بین‌المللی، مطابق بند ۴ ماده ۶۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تعیین کرد.

۴. طی نامه‌های ۲۱ آوریل ۲۰۲۳، دبیرخانه دیوان تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری را به سازمان ملل متحد و دولت‌های عضو آن اطلاع داد و نسخه‌ای از قرار صادرشده را برای آن‌ها ارسال کرد.

۵. دیوان با صدور حکمی در مورد درخواست‌های اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (۱۹ مه ۲۰۲۳)، کمیسیون دولتهای جزیره‌ای کوچک درباره تغییرات اقلیمی و حقوق بین‌الملل (۱ ژوئن ۲۰۲۳)، اتحادیه اروپا (۱۴ ژوئن ۲۰۲۳) و اتحادیه آفریقا (۶ ژوئیه ۲۰۲۳)، مطابق ماده ۶۶ اساسنامه‌اش، تصمیم گرفت که این سازمان‌های بین‌المللی احتمالاً قادر خواهند بود اطلاعاتی درباره پرسش‌های ارجاع شده ارائه کنند و بنابراین می‌توانند این کار را در چارچوب مهلت‌های تعیین شده طبق قرار رئیس دیوان ۲۰ آوریل ۲۰۲۳ انجام دهند.

۶. مطابق بند ۲ ماده ۶۵ اساسنامه دیوان، دبیرخانه سازمان ملل متحد، در ذیل نامه‌ای از مشاور حقوقی سازمان ملل متحد، مورخ ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳، پرونده‌ای از اسناد را که احتمالاً روشن‌کننده پرسش‌های مطرح شده توسط مجمع عمومی باشد، به دیوان ارسال کرد که در دبیرخانه در ۳ ژوئیه ۲۰۲۳ دریافت شد.

۷. در ژوئیه ۲۰۲۳، وانواتو و ۱۴ دولت امضاکننده، کمیسیون دولتهای جزیره‌ای کوچک درباره تغییرات اقلیمی و حقوق بین‌الملل و شیلی جداگانه درخواست کردند که دیوان مهلت سه ماهه‌ای برای تمدید مهلت‌های تعیین شده طبق قرار رئیس دیوان در ۲۰ آوریل ۲۰۲۳ اختصاص دهد.

۸. در قرار ۴ اوت ۲۰۲۳، رئیس دیوان مهلت ارائه تمامی اظهارات مکتوب درباره پرسش‌ها به دیوان را مطابق بند ۲ ماده ۶۶ اساسنامه دیوان تا ۲۲ ژانویه ۲۰۲۴ تمدید و مهلت ارائه نظرات مکتوب دولتها و سازمان‌های بین‌المللی نسبت به سایر اظهارات مکتوب را مطابق بند ۴ ماده ۶۶ اساسنامه تا ۲۲ آوریل ۲۰۲۴ تمدید کرد.

۹. با بررسی درخواست دریافتی از سازمان دولتهای صادرکننده نفت در ۱۱ اوت ۲۰۲۳، رئیس دیوان مطابق ماده ۶۶ اساسنامه دیوان تصمیم گرفت که این سازمان بین‌المللی احتمالاً قادر به ارائه اطلاعات درباره پرسش‌های ارجاع شده است و بنابراین می‌تواند این اطلاعات را در چارچوب مهلت‌های تمدید شده در قرار رئیس دیوان در ۴ اوت ۲۰۲۳ ارائه کند.

۱۰. با بررسی درخواست‌های دریافتی از سازمان دولتهای آفریقایی، کارائیب و اقیانوسیه (۶

سپتامبر ۲۰۲۳)، گروه ملانزین اسپیرهد^{۳۲} (۱۱ سپتامبر ۲۰۲۳)، انجمن سازمان شیلات (۱۱ سپتامبر ۲۰۲۳)، جامعه اقیانوسیه (۲۵ سپتامبر ۲۰۲۳) و مجمع جزایر اقیانوسیه (۱۸ اکتبر ۲۰۲۳)، دیوان مطابق ماده ۶۶ اساسنامه دیوان تصمیم گرفت که این سازمان‌های بین‌المللی احتمالاً قادر به ارائه اطلاعات درباره پرسش‌های ارجاع‌شده هستند و بنابراین می‌توانند این اطلاعات را در چارچوب مهلت‌های تمدیدشده در قرار رئیس دیوان ۴ اوت ۲۰۲۳ ارائه کنند.

۱۱. مطابق بند ۲ ماده ۶۵ اساسنامه دیوان، دبیرخانه سازمان ملل متحد، در ذیل نامه‌ای از مشاور حقوقی سازمان ملل متحد در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۳، اسناد تکمیلی را برای درج در پرونده اسناد که احتمالاً در جهت شفاف‌سازی پرسش‌های ارجاع‌شده به دیوان باشد، به دیوان ارسال کرد.

۱۲. در نوامبر و دسامبر ۲۰۲۳، جامعه اقیانوسیه، کیریباتی، اتحادیه آفریقا و نائورو درخواست کردند که دیوان تمدید حداقل چهار ماهه‌ای برای مهلت‌های تعیین‌شده طبق قرار رئیس دیوان در ۴ اوت ۲۰۲۳ اختصاص دهد.

۱۳. طی قرار ۱۵ دسامبر ۲۰۲۳، رئیس دیوان با توجه به درخواست‌های مذکور و اهمیت ارائه نظر مشورتی دیوان در زمان مناسب، مهلت ارائه تمامی اظهارات مکتوب درباره پرسش‌های مطروحه به دیوان را مطابق بند ۲ ماده ۶۶ تا ۲۲ مارس ۲۰۲۴ و همچنین مهلت ارائه نظرات مکتوب دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نسبت به سایر اظهارات را مطابق بند ۴ ماده ۶۶ اساسنامه دیوان تا ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴ تمدید کرد.

۱۴. با بررسی درخواست دریافتی از اتحادیه دولت‌های جزیره‌ای کوچک (۳۰ نوامبر ۲۰۲۳)، دیوان مطابق ماده ۶۶ اساسنامه دیوان تصمیم گرفت که این سازمان بین‌المللی احتمالاً قادر به ارائه اطلاعات درباره پرسش‌های ارجاع‌شده است و بنابراین می‌تواند این اطلاعات را در چارچوب مهلت‌های تمدیدشده در قرار رئیس دیوان در ۱۵ دسامبر ۲۰۲۳ ارائه کند.

۱۵. با بررسی درخواست دریافتی از جزایر کوک در ۲۱ دسامبر ۲۰۲۳، دیوان تصمیم گرفت که به این دولت اجازه دهد تا بیانیه و نظرات مکتوب خود را نسبت به بیانیه‌های مکتوب سایر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی، در جریان رسیدگی مشورتی و در مهلت‌های تمدیدشده در قرار رئیس دیوان در ۱۵ دسامبر ۲۰۲۳ ارائه کند.

۱۶. با بررسی درخواست‌های دریافتی از دفتر طرف‌های موافقت‌نامه نائورو (۲۱ فوریه ۲۰۲۴) و سازمان جهانی سلامت (۲۱ مارس ۲۰۲۴)، دیوان مطابق ماده ۶۶ اساسنامه دیوان تصمیم گرفت که این سازمان‌های بین‌المللی احتمالاً قادر به ارائه اطلاعات درباره پرسش‌های ارجاع‌شده به دیوان هستند و در نتیجه می‌توانند این اطلاعات را در چارچوب مهلت‌های تمدیدشده در قرار رئیس دیوان

در ۱۵ دسامبر ۲۰۲۳ ارائه کنند.

۱۷. در مهلت تمدیدشده طبق قرار رئیس دیوان در ۱۵ دسامبر ۲۰۲۳، بیانیه‌های مکتوب به ترتیب وصول در دبیرخانه دیوان از سوی دولت‌های زیر تسلیم شد:

پرتغال، جمهوری دموکراتیک کنگو، کلمبیا، پالاو، تونگا، سازمان دولت‌های صادرکننده نفت، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، سنگاپور، پرو، جزایر سولومون، کانادا، جزایر کوک، سیشل، کنیا، دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد (به‌طور مشترک)، گروه ملانزی اسپیرهد، فیلیپین، آلبانی، وانواتو، ایالات فدرال میکرونزی، عربستان سعودی، سیرالئون، سوئیس، لیختن‌اشتاین، گرنادا، سنت لوسیا، سنت وینسنت و گرنادین‌ها، بلیز، پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، پادشاهی هلند، باهاما، امارات متحده عربی، جزایر مارشال، دفتر طرف‌های موافقت‌نامه ناٹورو، مجمع جزایر اقیانوسیه، فرانسه، نیوزیلند، اسلوونی، کیریباتی، آژانس شیلات، چین، تیمور-لسته، جمهوری کره، هند، ژاپن، ساموآ، اتحادیه دولت‌های جزیره‌ای کوچک، جمهوری اسلامی ایران، لتونی، مکزیک، آفریقای جنوبی، اکوادور، کامرون، اسپانیا، باربادوس، اتحادیه آفریقا، سری‌لانکا، سازمان دولت‌های آفریقایی، کارائیب و اقیانوسیه، ماداگاسکار، اروگوئه، مصر، شیلی، نامیبیا، تووالو، رومانی، ایالات متحده آمریکا، بنگلادش، اتحادیه اروپا، کویت، آرژانتین، موریس، ناٹورو، سازمان جهانی سلامت، کاستاریکا، اندونزی، پاکستان، فدراسیون روسیه، آنتیگوا و باربودا، کمیسیون دولت‌های جزیره‌ای کوچک در خصوص تغییر اقلیم و حقوق بین‌الملل، السالوادور، بولیوی، استرالیا، برزیل، ویتنام، جمهوری دومینیکن، غنا، تایلند و آلمان.

۱۸. طی اطلاعیه ۲۸ مارس ۲۰۲۴، دبیرخانه دیوان به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی که بیانیه مکتوب ارائه کرده بودند ابلاغ کرد که بیانیه‌های سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از طریق پرتال اینترنتی ویژه‌ای که توسط دبیرخانه مدیریت می‌شود، قابل دانلود است.

۱۹. دیوان به‌طور استثنایی به نپال، بورکینافاسو و گامبیا اجازه داد تا پس از انقضای مهلت مقرر، بیانیه‌های مکتوب خود را ارائه کنند.

۲۰. طی نامه‌های ۱۲ آوریل ۲۰۲۴، دبیرخانه دیوان، سازمان ملل متحد و همچنین دولت‌هایی را که حق حضور در برابر دیوان دارند ولی بیانیه مکتوبی ارائه نکرده‌اند، از فهرست بیانیه‌های مکتوب ارائه‌شده در جریان رسیدگی آگاه کرد.

۲۱. پس از ثبت بیانیه‌های مکتوب، در طی ماه‌های آوریل و مه ۲۰۲۴، دولت‌های فیجی، نیجریه، بنگلادش، ناٹورو، سازمان دولت‌های آفریقایی، کارائیب و اقیانوسیه، جزایر کوک، پالاو، کیریباتی، آژانس شیلات، فیلیپین، آنتیگوا و باربودا، گروه ملانزی اسپیرهد، وانواتو، کمیسیون دولت‌های جزیره‌ای کوچک در خصوص تغییرات اقلیمی و حقوق بین‌الملل، تووالو، ساموآ، شیلی، تیمور شرقی، اتحادیه

دولت‌های جزیره‌ای کوچک، گرانادا، سنت لوشیا، سنت وینسنت و گرنادین و مصر از دیوان درخواست کردند که مهلت ارائه نظرات مکتوب را تمدید کند.

۲۲. طی قرار ۳۰ مه ۲۰۲۴، رئیس دیوان با در نظر گرفتن درخواست‌های فوق‌الذکر و همچنین اهمیت ارائه نظر مشورتی دیوان در بازه زمانی مناسب، مطابق بند ۴ ماده ۶۶ اساسنامه دیوان، مهلت ارائه نظرات مکتوب دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی درباره سایر بیانیه‌های مکتوب را تا ۱۵ اوت ۲۰۲۴ تمدید کرد.

۲۳. طبق اطلاعیه ۸ ژوئیه ۲۰۲۴، دبیرخانه دیوان به سازمان ملل متحد، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی‌ای که محتمل بود بتوانند اطلاعاتی در خصوص پرسش‌های مطرح‌شده از سوی مجمع عمومی ارائه کنند، اعلام نمود که دیوان تصمیم دارد جلسات استماع علنی درباره درخواست نظر مشورتی برگزار کند که از ۲ دسامبر ۲۰۲۴ آغاز خواهد شد. در ادامه، از دعوت‌شدگان خواسته شد تا تاریخ ۲ اکتبر ۲۰۲۴ دبیرخانه را از قصد خود برای شرکت در جلسات استماع مطلع کنند. همچنین تصریح شد که در جریان جلسات شفاهی، سازمان ملل متحد، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی که احتمالاً قادر به ارائه اطلاعات درباره سؤالات هستند، صرف‌نظر از اینکه قبلاً بیانیه مکتوب ارائه کرده باشند یا خیر، می‌توانند بیانیه‌های شفاهی خود را ارائه دهند.

۲۴. در مهلت مقرر به موجب قرار رئیس دیوان در ۳۰ مه ۲۰۲۴، نظرات مکتوب درباره اظهارات مکتوب دیگر در دبیرخانه دیوان به ترتیب دریافت از سوی دولت‌های زیر ارائه شد:

پالاتو، جمهوری دومینیک، تیمور شرقی، اتحادیه اروپا، جمهوری دموکراتیک کنگو، سیشل، فرانسه، گروه ملانزی اسپرهد، کنیا، آنتیگوا و باربودا، السالوادور، لتونی، جزایر سولومون، باهاما، نامیبیا، نیوزیلند، کلمبیا، کیریباتی، جزایر کوک، ایالات فدرال میکرونزی، عربستان سعودی، سریلانکا، فیلیپین، سوئیس، کاستاریکا، کمیسیون دولت‌های جزیره‌ای کوچک در خصوص تغییرات اقلیمی و حقوق بین‌الملل، تووالو، جزایر مارشال، دفتر طرف‌های معاهده ناٹورو، ژاپن، گامبیا، وانواتو، سیرالئون، آلبانی، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، ایالات متحده آمریکا، باربادوس، موریس، ساموآ، جمهوری اسلامی ایران، سازمان دولت‌های آفریقایی، کارائیب و اقیانوسیه، بورکینافاسو، شیلی، برزیل، ناٹورو، بلیز، کامرون، پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، پاکستان، اروگوئه، مکزیک، پادشاهی هلند، استرالیا، اکوادور، گرانادا، سنت لوشیا، سنت وینسنت و گرنادین، ویتنام، بنگلادش، اتحادیه آفریقا، مصر و مجمع جزایر اقیانوسیه.

۲۵. طبق نامه‌های ۱۹ اوت ۲۰۲۴، دبیرخانه دیوان به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی‌ای که بیانیه‌های مکتوب خود را ارائه کرده بودند اطلاع داد که نظرات مکتوب نسبت به بیانیه‌های مکتوب دیگر که در مهلت مقرر و تمدیدشده بر اساس قرار رئیس دیوان در ۳۰ مه ۲۰۲۴ ثبت شده‌اند، از طریق پرتال اینترنتی دبیرخانه قابل دسترسی و بارگیری است.

۲۶. طبق نامه‌های ۳۰ اوت ۲۰۲۴، دبیرخانه دیوان، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی‌ای را که لوائح کتبی خود را تقدیم کرده بودند، مطلع کرد که رئیس دیوان به‌طور استثنایی اجازه داده است که غنا پس از انقضای مهلت مربوطه، نظرات کتبی خود را تسلیم کند و این نظرات از طریق درگاه اینترنتی یادشده که توسط دبیرخانه اداره می‌شود، قابل دریافت است.

۲۷. طبق نامه‌های ۳ سپتامبر ۲۰۲۴، دبیرخانه دیوان، سازمان ملل متحد و نیز دولت‌های واجد صلاحیت حضور در برابر دیوان را که لوائح کتبی خود را ارائه نکرده بودند، مطلع کرد که لوائح کتبی و نظرات کتبی ارائه‌شده از سوی دولت‌ها، مشارکت‌کنندگان و سازمان‌های بین‌المللی از طریق درگاه اینترنتی اختصاصی اداره‌شده توسط دبیرخانه قابل دسترسی است.

۲۸. متعاقباً دبیرخانه دیوان، سازمان ملل متحد و همچنین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی‌ای را که احتمال می‌رفت بتوانند اطلاعاتی درباره پرسش‌های مطروحه از سوی مجمع عمومی ارائه کنند، مطلع کرد که سازمان‌های غیردولتی به ابتکار خود و مطابق با دستورالعمل اجرایی شماره ۱۲، لوائح کتبی در چارچوب این فرآیند رسیدگی مشورتی تسلیم کرده‌اند و این لوائح برای مخاطبان از طریق درگاه اینترنتی ویژه‌ای که دبیرخانه برای این منظور ایجاد کرده، در دسترس است. دبیرخانه همچنین یادآور شد که طبق دستورالعمل اجرایی شماره ۱۲، این لوائح، بخشی از پرونده محسوب نمی‌شوند. بر اساس همین دستورالعمل، چنین لوائحی در دسترس عموم قرار دارد و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی که لوائح کتبی یا شفاهی خود را در پرونده ارائه می‌کنند، می‌توانند همانند سایر منابع منتشرشده عمومی به آن‌ها استناد کنند.

۲۹. با تصمیم‌گیری درباره درخواستی که از سوی دولت فلسطین در ۲ اکتبر ۲۰۲۴ دریافت شد مبنی بر اینکه اجازه یابد مطابق ماده ۶۶ اساسنامه دیوان در دادرسی شفاهی شرکت کند، دیوان تشخیص داد که دولت فلسطین احتمالاً قادر خواهد بود اطلاعاتی درباره پرسش‌های مطروحه از سوی مجمع عمومی ارائه کند. از این رو طبق ماده ۶۶ اساسنامه، دولت فلسطین مجاز به شرکت در دادرسی شفاهی شد.

۳۰. طبق نامه‌های ۱۵ اکتبر ۲۰۲۴، دبیرخانه دیوان، فهرست مشارکت‌کنندگان در دادرسی شفاهی را به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی شرکت‌کننده ابلاغ و برنامه تفصیلی جلسات شفاهی را نیز ضمیمه کرد. در همان نامه‌ها، وی آنان را از برخی ترتیبات عملی مربوط به سازماندهی دادرسی شفاهی نیز مطلع کرد.

۳۱. در پی تصمیم دیوان دائر بر اجازه به دولت‌های بیشتری برای شرکت در دادرسی شفاهی، دبیرخانه دیوان طی نامه ۵ نوامبر ۲۰۲۴، برنامه به‌روزشده جلسات استماع را به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی شرکت‌کننده ارسال کرد.

۳۲. بر اساس نامه‌های ۶ نوامبر ۲۰۲۴، دبیرخانه دیوان، برنامه دادرسی شفاهی شامل فهرست و ترتیب مشارکت‌کنندگان را به سازمان ملل متحد و آن دسته از دولت‌های عضو که در جلسات شفاهی شرکت نمی‌کردند، اطلاع داد.

۳۳. در ۲۶ نوامبر ۲۰۲۴، بنا به دعوت دیوان، گروهی از نویسندگان پیشین و کنونی گزارش‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی با اعضای دیوان دیدار کردند تا فهم دیوان از یافته‌های کلیدی علمی مندرج در گزارش‌های ادواری این هیئت را ارتقا بخشند؛ گزارش‌هایی که به مبانی علمی، آثار و خطرات آتی تغییرات اقلیمی و گزینه‌های سازگاری و تعدیل آن می‌پردازند.

۳۴. طبق ماده ۱۰۶ آیین دادرسی دیوان، دیوان تصمیم گرفت که لوایح کتبی و نظرات کتبی تسلیم‌شده به آن پس از آغاز جلسات شفاهی برای عموم قابل دسترس شود. لوایح و نظرات کتبی دولت‌هایی که در جلسات شفاهی شرکت نداشتند، در نخستین روز دادرسی شفاهی منتشر شد و لوایح و نظرات کتبی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی شرکت‌کننده، در پایان روزی که بیانات شفاهی خود را ارائه کردند، در دسترس عموم قرار گرفت.

۳۵. در جریان دادرسی‌های شفاهی که در روزهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ دسامبر ۲۰۲۴ برگزار شد، دیوان بیانات شفاهی را به ترتیب زیر استماع نمود:

از طرف جمهوری وانواتو و گروه ملانزی اسپیرهد:

رالف رگنووو، فرستاده ویژه در امور تغییرات اقلیمی و محیط‌زیست؛

آرنولد کیل لاوفمن، دادستان کل؛

ایلن کیلو، سخنگو و مدیر برنامه سیاست، امنیت و امور حقوقی؛

جولیان آگوان، رئیس و بنیان‌گذار مؤسسه حقوقی اقیانوس آبی، مستقر در هاگاتنیا، گوام؛

خورخه انریکه وینیوالس، استاد حقوق و سیاست زیست‌محیطی در دانشگاه کمبریج و عضو انجمن

بین‌المللی حقوق؛

مارگارتا وورینکه سینگ، دانشیار حقوق پایداری در دانشگاه آمستردام، استاد مدعو حقوق در دانشگاه

فیجی و عضو کانون وکلای وانواتو؛

سینتیا روسا باریگه‌اکا هونیوهی، سخنگو و فعال از گروه دانشجویان جزایر اقیانوسیه برای مقابله

با تغییرات اقلیمی.

از طرف جمهوری آفریقای جنوبی:

ووسیموزی مادونسلا، سفیر جمهوری آفریقای جنوبی در پادشاهی هلند؛

رومی برمر، مشاور ارشد حقوقی دولت در حوزه حقوق بین‌الملل، وزارت روابط و همکاری‌های

بین‌المللی؛

کونرلیوس شولتس، مشاور حقوقی سفارت جمهوری آفریقای جنوبی در پادشاهی هلند.
از طرف جمهوری آلبانی:

آرمند اسکاپی، دبیر کل وزارت امور اروپا و روابط خارجی؛
شری بلر، رئیس مؤسسه راهبردی امنیا و عضو کانون وکلای انگلستان و ولز.
از طرف جمهوری فدرال آلمان:

ویبکه روکرت، معاون مشاور حقوقی و مدیر حقوق بین‌الملل عمومی در وزارت امور خارجه جمهوری فدرال آلمان؛

آندریاس زیمرمان، استاد حقوق عمومی، حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق اتحادیه اروپا در دانشگاه پوتسدام و مدیر مرکز حقوق بشر پوتسدام.
از طرف آنتیگوا و باربودا:

گاستون براون، نخست‌وزیر آنتیگوا و باربودا؛
زکری آر. فیلیپس، مشاور حقوقی در دفتر دادستان کل، وزارت امور حقوقی.
از طرف پادشاهی عربستان سعودی:

شاهزاده جلاوی ترکی آل سعود، کاردار سفارت پادشاهی عربستان سعودی در پادشاهی هلند؛
سر مایکل وود، مشاور عالی حقوقی (دارای نشان شوالیه و عنوان وکیل ارشد)، عضو کانون وکلای انگلستان و ولز؛

غیدا بجبا، کارشناس حقوقی.
از طرف استرالیا:

جسی کلارک، مشاور ارشد حقوق بین‌الملل در اداره حقوق بین‌الملل، وزارت دادستان کل؛
استیون دانهیو، وکیل کل استرالیا؛
کیت پارلت، عضو کانون وکلای انگلستان و ولز.
از طرف اتحادیه دولت‌های مشترک‌المنافع باهاما:

لئو رایان پیندر، دادستان کل و وزیر امور حقوقی؛
کانوی بلیک، وکیل و مشاور حقوقی دادگاه‌های عالی انگلستان و ولز و عضو کانون وکلای دادگاه عالی حوزه دریای کارائیب شرقی.
از طرف جمهوری خلق بنگلادش:

طارق محمد، سفیر جمهوری خلق بنگلادش در پادشاهی هلند؛
پیام/خون، پژوهشگر ارشد و رئیس کرسی حقوق بشر در کالج مَسی دانشگاه تورنتو، عضو دیوان دائمی دآوری، عضو وابسته انجمن بین‌المللی حقوق، عضو انجمن وکلای انتاریو و عضو کانون وکلای ایالت نیویورک؛

کاترین/امیرفار، وکیل و عضو کانون وکلای دیوان عالی ایالات متحده آمریکا و ایالت نیویورک.
از طرف باربادوس:

کری دی. سیموندز، وزیر امور خارجه و تجارت خارجی؛
فرانسوا/جکمن، نماینده دائم باربادوس در سازمان ملل متحد و سفیر این دولت؛
رابرت جی. ولتر، نماینده همکار باربادوس، وکیل و مشاور حقوقی ثبت‌شده در انجمن وکلای
استان اونتاریو (کانادا)، وکیل و مشاور حقوقی در انگلستان و ولز، از مؤسسه حقوقی ولتر/فیتا، استاد
مدعو حقوق در کالج لندن و مدرس ارشد مدعو در کالج کینگ لندن؛
گنجن شارما، عضو کانون وکلای ایالت نیویورک، مؤسسه حقوقی ولتر/فیتا
از طرف بلیز:

کنریک ویلیامز، مدیر کل وزارت توسعه پایدار و تغییرات اقلیمی؛
سم وردزورث، وکیل، عضو کانون وکلای انگلستان و ولز و کانون وکلای پاریس، از مؤسسه
حقوقی/سکس کورت چمبر؛
ایمی سندرز، وکیل، از مؤسسه حقوقی/سکس کورت چمبر و عضو کانون وکلای انگلستان و ولز.
از طرف دولت چندملیتی بولیوی:

روبرتو کالز/ادیا سارمینتو، سفیر دولت چندملیتی بولیوی در پادشاهی هلند.
از طرف جمهوری فدراتیو برزیل:

لوئیس آلبرتو فیگوئیریدو ماشادو، فرستاده ویژه در امور تغییرات اقلیمی،
جرج رودریگو باندیرا گالین دو، مشاور حقوقی در وزارت امور خارجه.
از طرف بورکینافاسو:

لئوپولد تونگوئونوما بنکونگو، سفیر بورکینافاسو در پادشاهی بلژیک،
مامادو هبیه، دانشیار حقوق بین‌الملل در دانشگاه لیدن، عضو دیوان دائمی داوری و عضو کانون
وکلای ایالت نیویورک.

از طرف جمهوری کامرون:

خانم مادلن لیگموه/وندوآ، سفیر جمهوری کامرون در پادشاهی هلند؛
پی‌یر-اولیویه ساووا، شریک مؤسسه داوری ساووا در پاریس، عضو کانون وکلای استان اونتاریو؛
ایالت نیویورک و پاریس.

از طرف جمهوری فیلیپین:

خوزه ادواردو مالایا سوم، سفیر جمهوری فیلیپین در پادشاهی هلند؛
مناردو گوئوارا، معاون دادستان کل؛
کارلوس سورتا، نماینده دائم جمهوری فیلیپین در دفتر سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های

بین‌المللی در ژنو.

از طرف کانادا:

لوئی-مارتین /ومه، مشاور حقوقی و مدیرکل، دفتر حقوق بین‌الملل، امور جهانی کانادا.

از طرف جمهوری شیلی:

خانم خیمنه فوئنتس تورینخو، سفیر جمهوری شیلی در پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند

شمالی؛

والریا کیاپینی کوشینا، مشاور حقوقی در اداره حقوق بین‌الملل، معاهدات و امور قانونگذاری

وزارت امور خارجه.

از طرف جمهوری خلق چین:

جناب آقای شین‌مین ما، مشاور حقوقی وزارت امور خارجه و عضو کمیسیون حقوق بین‌الملل.

از طرف جمهوری کلمبیا:

جناب آقای لوئیس گیلبرتو موریلو /وروتیا، وزیر امور خارجه؛

خانم کارولینا آلارته باکارس، سفیر جمهوری کلمبیا در پادشاهی هلند.

از طرف دولت مشترک المنافع دومینیکا:

لوی پیتیر، دادستان کل؛

خانم وانیکا سوپرز-جوزف، وکیل مدافع و وکیل ارشد دولتی.

از طرف جمهوری کره:

آقای جون‌شیک هوانگ، مدیرکل امور حقوقی بین‌المللی وزارت امور خارجه؛

آقای کیون‌گوان لی، استاد دانشکده حقوق دانشگاه ملی سئول.

از طرف جمهوری کاستاریکا:

جناب آقای آرنولدو برنس کاسترو، سفیر جمهوری کاستاریکا در پادشاهی هلند؛

جناب آقای مارسلو کوهن، استاد ممتاز (بازنشسته) حقوق بین‌الملل در مؤسسه عالی مطالعات بین‌المللی

و توسعه ژنو، عضو افتخاری و دبیرکل پیشین مؤسسه حقوق بین‌الملل.

از طرف جمهوری ساحل عاج:

آقای اوژن زاکره، مدیر امور حقوقی و دعاوی در وزارت محیط‌زیست و توسعه پایدار؛

آقای آرمان سروریان، مشاور حقوقی و استاد مدعو حقوق بین‌الملل عمومی در دانشگاه سوری.

از طرف پادشاهی دانمارک، جمهوری فنلاند، ایسلند، پادشاهی نروژ و پادشاهی سوئد (به‌صورت

مشترک):

خانم کایا سوواتو، مدیرکل امور حقوقی وزارت امور خارجه جمهوری فنلاند؛

آقای کریستین جرو، مدیرکل امور حقوقی وزارت امور خارجه پادشاهی نروژ؛

خانم ویکه پاسترناک بورگنسن، سفیر و معاون وزیر در امور حقوقی وزارت امور خارجه پادشاهی دانمارک.

از طرف جمهوری عربی مصر:

آقای وائل ابوالمجد، دستیار وزیر در امور تغییرات اقلیمی، امور محیط‌زیست و توسعه پایدار، وزارت امور خارجه، مهاجرت و مهاجران مصری.

از طرف جمهوری السالوادور:

آگوستین واسکز گومز، سفیر جمهوری السالوادور در پادشاهی هلند؛

آقای فرناندو لوسا بوردین، دانشیار کالج سیدنی ساسکس، دانشگاه کمبریج، و عضو کانون وکلای برزیل.

از طرف امارات متحده عربی:

آقای عبدالله بالالا، معاون وزیر در امور انرژی و پایداری، وزارت امور خارجه.

از طرف جمهوری اکوادور:

آقای مارسلو واسکز - برمودز، سفیر و نماینده دائم جمهوری اکوادور در دفتر سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی در ژنو، و عضو کمیسیون حقوق بین‌الملل؛

آقای آلفردو کروزاتو نیومن، استادیار حقوق بین‌الملل در دانشگاه کادیر هاس استانبول و عضو کانون وکلای لیما؛

آقای امری سنذر، دکترای علوم حقوقی، وکیل در مؤسسه حقوقی اس. هورویتز و شرکا.

از طرف پادشاهی اسپانیا:

خانم کونسوئلو کاسترو ری، وکیل دولتی در دفتر دادستان کل، (وکیل در بخش دولتی)

آقای اوریول سولا پاردل، مشاور حقوقی در دفتر امور حقوقی بین‌المللی، وزارت امور خارجه، اتحادیه اروپا و همکاری؛

سانتیاگو ریپول کارویا، رئیس دفتر امور حقوقی بین‌المللی، وزارت امور خارجه، اتحادیه اروپا و همکاری.

از طرف ایالات متحد آمریکا:

خانم مارگارت تیلور، مشاور حقوقی وزارت امور خارجه ایالات متحده.

از طرف فدراسیون روسیه:

آقای ماکسیم موسیخین، مدیر اداره حقوقی وزارت امور خارجه.

از طرف جمهوری فیجی:

آقای لوک داوونیالو، سفیر و نماینده دائم جمهوری فیجی نزد دفتر سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی در ژنو، آقای گراهام لئونگ، دادستان کل.

از طرف جمهوری فرانسه:

آقای دیه‌گو کولاس، مشاور حقوقی و مدیر امور حقوقی وزارت اروپا و امور خارجه.

از طرف جمهوری سیرالئون:

آقای محمد لمین تاراولی، دادستان کل و وزیر دادگستری،

آقای چارلز چرنور جالو، استاد حقوق بین‌الملل و صاحب کرسی ریچارد هاوسلر در دانشکده حقوق دانشگاه میامی، عضو و گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، و عضو کانون وکلای انتاریو.

از طرف جمهوری غنا:

آقای فرانسیس دانتی کوتیا، سفیر جمهوری غنا در پادشاهی هلند،

خانم سیلویا اما آدوسو، دادستان کل کشور و رئیس بخش حقوق بین‌الملل در دفتر دادستان کل و وزارت دادگستری،

خانم نامیرا نگیم، سفیر و مشاور حقوقی پیشین اتحادیه آفریقا؛

آقای مؤتین بوآس، عضو مؤسسه حقوقی گریت جیمز/ستريت چیمبرز، عضو کانون وکلای انگلستان و ولز، دانشیار حقوق بین‌الملل در دانشگاه دربی.

از طرف دولت گرنادا:

خانم ری توماس، وکیل در دفتر دادستان کل و وزارت امور حقوقی؛

خانم کلودت جوزف، دادستان کل و وزیر امور حقوقی؛

آقای جاستین سویون، استادیار در دانشکده حقوق دانشگاه اوکلند، نیوزیلند.

از طرف جمهوری گواتمالا:

عالیجناب خانم آنا کریستینا رودریگز پیندا، سفیر جمهوری گواتمالا در پادشاهی هلند.

از طرف جزایر کوک:

خانم ساندریا توندو، مدیر بخش معاهدات، امور چندجانبه و اقیانوس‌ها وزارت امور خارجه و مهاجرت؛

آقای فویماونو دیلن آسافو، دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه اوکلند.

از طرف جمهوری جزایر مارشال:

عالیجناب آقای جان سیلک، سفیر و نماینده دائم جمهوری جزایر مارشال نزد سازمان ملل متحد در نیویورک،

خانم کتی جتنیل - کجینر، نماینده ویژه در امور تغییرات اقلیمی؛

آقای جان‌اتن کاکوامی، معاون دادستان کل.

از طرف جزایر سولومون:

آقای جان موری جونپور، دادستان کل،

- آقای هارجیوان نارولا، وکیل دادگستری، عضو مؤسسه وکلای دوتی استریت در لندن.
از طرف جمهوری هند:
- آقای لوتر رانگریجی، معاون دبیر و مشاور حقوقی، وزارت امور خارجه.
از طرف جمهوری اسلامی ایران:
- آقای سید علی موسوی، مدیر کل اداره امور حقوقی بین‌المللی، وزارت امور خارجه.
از طرف جمهوری اندونزی:
- آقای عارف هاواس/اوگروسنو، معاون وزیر امور خارجه.
از طرف جامائیکا:
- عالیجناب خانم کامینا جانسون/سمیت، وزیر امور خارجه و تجارت خارجی،
خانم شریس گیل، دستیار ارشد دادستان کل، دفتر دادستان کل،
خانم میشل واکر، معاون دادستان کل.
از طرف دولت مستقل پاپوا گینه نو:
- عالیجناب آقای فرد ساروفا، سفیر و نماینده دائم دولت مستقل پاپوا گینه نو نزد سازمان ملل متحد
در نیویورک؛
- عالیجناب آقای پیلا کوله نینینگی، دادستان کل و وزیر دادگستری؛
آقای اریک لوکای کوا، معاون وزیر، وزارت دادگستری و دفتر دادستان کل؛
آقای لسلو بنجامین مامو، وکیل دادگستری.
از طرف جمهوری کنیا:
- عالیجناب خانم حلیمه موچکه، سفیر جمهوری کنیا در پادشاهی هلند؛
خانم فیبی/وکوا، استاد حقوق بین‌الملل عمومی در دانشگاه کوئین مری لندن، عضو کمیسیون
حقوق بین‌الملل و وکیل دادگاه عالی کنیا.
از طرف جمهوری کیریباتی:
- عالیجناب آقای تیورورو تیتو، سفیر و نماینده دائم جمهوری کیریباتی نزد سازمان ملل متحد در
نیویورک؛
- آقای آرتاکه پنتاکه، مدیر حقوق بشر، وزارت دادگستری؛
آقای ایال بن‌ونیستی، استاد افتخاری در رشته حقوق بین‌الملل، دانشگاه کمبریج، عضو انستیتوی
حقوق بین‌الملل.
از طرف دولت کویت:
- عالیجناب آقای طلال سلیمان/الفصام، سفیر دولت کویت در جمهوری اتریش و نماینده دائم
کویت نزد سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی در وین؛

آقای دن سروشی، وکیل ارشد (دارای عنوان کینگز کانسل) و مشاور حقوقی.
از طرف جمهوری لتونی:

عالیجناب خانم سولوویتا آبولتینا، سفیر فوق‌العاده و تام‌الاختیار جمهوری لتونی در پادشاهی هلند؛

آقای مارتینش پاپارینسکیس، استاد حقوق بین‌الملل عمومی در کالج دانشگاهی لندن، عضو کمیسیون حقوق بین‌الملل و عضو دیوان دائمی داوری.
از طرف امارت لیختن‌اشتاین:

عالیجناب آقای پاسکال شافهاوزر، سفیر شاهزاده‌نشین لیختن‌اشتاین در پادشاهی بلژیک.
از طرف جمهوری مالاوی:

عالیجناب آقای تابو چاکاکا - نی‌رند، دادستان کل؛
خانم تافادزوا پاسیپانودیا، شریک مؤسسه حقوقی فولی هوگ.
از طرف جمهوری مالدیو:

عالیجناب آقای احمد /وشام، دادستان کل؛
خانم جسیکا ولنر، عضو کانون وکلای انگلستان و ولنر، مؤسسه وکلای /سکس کورت؛
خانم نائومی هارت، عضو کانون وکلای انگلستان و ولنر، مؤسسه وکلای /سکس کورت.
از طرف اتحادیه آفریقا:

خانم حاجر گولدیچ، مشاور حقوقی اتحادیه آفریقا؛
آقای ماکانه موئیز مینگو، استاد حقوق بین‌الملل و مدیر دپارتمان حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی در دانشگاه ژنو، عضو وابسته انستیتوی حقوق بین‌الملل.
از طرف ایالات متحد مکزیک:

عالیجناب خانم کارمن مورنو توسکانو، سفیر ایالات متحد مکزیک در پادشاهی هلند؛
خانم آلیسیا پاتریشیا پرز گالیانا، مشاور، رئیس بخش امور حقوقی چندجانبه در سفارت مکزیک در پادشاهی هلند؛

آقای آلفونسو آسنسیو هررا، وزیر و معاون رئیس هیئت نمایندگی سفارت مکزیک در پادشاهی هلند؛

آقای پابلو آدریان آروچا اولابوئنگا، مشاور حقوقی وزارت امور خارجه.
از طرف ایالات فدرال میکرونزی:

آقای کلمنت یو ملالاپ، مشاور حقوقی.
از طرف جمهوری اتحادیه میانمار:

عالیجناب آقای یو سولین هان، سفیر جمهوری اتحادیه میانمار در پادشاهی بلژیک، پادشاهی

هلند، دوک‌نشین بزرگ لوکزامبورگ، جمهوری کرواسی و اتحادیه اروپا.

از طرف جمهوری نامیبیا:

عالیجناب خانم مگندجو کاپاند - گیرنوس، سفیر جمهوری نامیبیا در پادشاهی بلژیک، پادشاهی هلند و دوک‌نشین بزرگ لوکزامبورگ و رئیس هیئت نمایندگی نزد اتحادیه اروپا؛ آقای نچودی ندیونیمبا، وکیل در انگلستان و ولز.

از طرف ژاپن:

آقای ناکامورا کازوهیکو، مدیر کل امور جهانی، وزارت امور خارجه؛ خانم تاکامورا یوکاری، استاد مؤسسه ابتکارات آینده، دانشگاه توکیو؛ خانم آلینا میرون، استاد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آنژ، عضو کانون وکلای پاریس، و شریک بنیان‌گذار مؤسسه حقوقی فار/وکت.

از طرف جمهوری نائورو:

جناب آقای لیونل روون آینگیمئا، وزیر امور خارجه و بازرگانی؛ آقای اریک بیورگه، وکیل، استاد حقوق دانشگاه بریستول.

از طرف نپال:

عالیجناب خانم آرزو رانا دیوبا، دکترای حقوق، وزیر امور خارجه؛ آقای اودایا راج ساپکوتا، معاون وزیر وزارت دادگستری، قانون و امور پارلمانی؛ آقای سووانگا پراجولی، معاون مدیر کل، وزارت امور خارجه.

از طرف نیوزیلند:

خانم ویکتوریا هالوم، معاون وزیر امور حقوقی چندجانبه، وزارت امور خارجه و تجارت. از طرف دولت فلسطین:

عالیجناب آقای عمار حجازی، سفیر و نماینده دائم دولت فلسطین نزد سازمان‌های بین‌المللی در هلند؛

خانم کیت مکیتاش، مشاور حقوقی؛

خانم نیلوفر ارال، مشاور حقوقی.

از طرف جمهوری اسلامی پاکستان:

آقای منصور عثمان اعوان، از دفتر دادستان کل پاکستان.

از طرف جمهوری پالاتو:

عالیجناب آقای گوستاو آیتارو، وزیر کشور؛

خانم ارنستین رینگیل، دادستان کل.

از طرف جمهوری پاناما:

آقای فرناندو گومز آریلاز، مدیر امور حقوقی بین‌المللی و معاهدات، وزارت امور خارجه.
از طرف پادشاهی هلند:

آقای رنه لِفیر، مشاور حقوقی، وزارت امور خارجه؛
آقای مِرت کومرو، نماینده جوانان، جوانان جهان برای عدالت اقلیمی.
از طرف جمهوری پرو:

عالیجناب خانم فرانکا دِزا فرچيو، سفیر جمهوری پرو در پادشاهی هلند.
از طرف جمهوری دموکراتیک کنگو:

آقای ایون میگاشانگ، استاد دانشگاه کینشاسا، عضو کمیسیون حقوق بین‌الملل، عضو افتخاری
کانون وکلای بروکسل و عضو کانون وکلای کینشاسا/گومبه،
خانم ساندیرین مالژان-دوبوا، مدیر پژوهش در مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه، دانشکده
حقوق و علوم سیاسی دانشگاه اکس-مارسی،
آقای نیکولا آنجلت، استاد دانشگاه‌های گنت و آزاد بروکسل، عضو کانون وکلای بروکسل و
عضو وابسته مؤسسه وکلای داتی/استریت لندن.
از طرف جمهوری پرتغال:

خانم پاتریشیا گالوائو تلس، مدیر دپارتمان امور حقوقی، وزارت امور خارجه.
از طرف جمهوری دومینیکن:

آقای بونی گوئرو کاتو، مدیر امور حقوقی، وزارت امور خارجه جمهوری دومینیکن؛
خانم آنخاندرا تورس کامپروبی، استاد حق‌التدریسی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، دانشکده حقوق
دانشگاه IE، مشاور حقوقی بین‌المللی در مؤسسه تورس/لوریس، عضو کانون وکلای مادرید و پاریس؛
آقای خولیو روخاس باتر، استاد حقوق بین‌الملل، دانشگاه ایروآمریکانا، نایب رئیس کمیته حقوقی
بین‌آمریکایی و گزارشگر ویژه در خصوص پیامدهای حقوقی بالآآمدن سطح آب دریاها در زمینه منطقه‌ای
بین‌آمریکایی، عضو کانون وکلای جمهوری دومینیکن.
از طرف رومانی:

خانم آلینا اوروشان، مدیر کل امور حقوقی.
از طرف پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی:

لرد ریچارد هرمر، مشاور پادشاه، دادستان کل انگلستان و ولز.
از طرف سنت لوسیا:

آقای دزمووند سیمون، کاردار موقت سفارت دولت‌های حوزه کارائیب شرقی در پادشاهی بلژیک
و هیئت‌های نمایندگی نزد اتحادیه اروپا؛

خانم ژان /ایوز رمی، مشاور خارجی، مدیر مرکز شریداثت رافال؛
 خانم کیت ویلسون، کارشناس حقوقی، اداره توسعه پایدار، خانم روجل جان-چارلز، وکیل (درجه چهارم)، دفتر دادستان کل.
 از طرف سنت وینسنت و گرنادین‌ها:
 آقای /ادموند جکسون، هماهنگ‌کننده کشوری مشارکت NDC در واحد توسعه پایدار؛
 خانم شرنل هادی، مشاور پارلمانی سوم، دفتر دادستان کل، وزارت امور حقوقی، معاون رئیس شورای مشورتی نخست‌وزیر در امور جوانان و تغییرات اقلیمی؛
 آقای جاستین سوبیون، دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه اوکلند، نیوزیلند.
 از طرف دولت مستقل ساموآ:
 خانم پستیا نومئا سیمی، مدیرکل وزارت امور خارجه و تجارت؛
 خانم سوا هلن والورک، دادستان کل، دفتر دادستان کل.
 از طرف جمهوری سنگال:
 عالیجناب خانم راماتولایه با فایه، سفیر جمهوری سنگال در پادشاهی هلند.
 از طرف جمهوری سیشل:
 عالیجناب آقای فلاوین ژوبر، وزیر کشاورزی، تغییرات اقلیمی و محیط‌زیست؛
 آقای ژان-مارک توونان، استاد دانشگاه پاریس ناتر، دبیرکل آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه، عضو وابسته انستیتو حقوق بین‌الملل، عضو کانون وکلای پاریس، مؤسسه حقوقی شرکای سیگنا؛
 آقای آندرس ویه‌گاس جارامیلو، عضو وابسته مؤسسه حقوق بین‌الملل اسپانیایی-آمریکایی درخو، همکار پیشین قضات دیوان بین‌المللی دادگستری، عضو کانون وکلای کلمبیا، مؤسسه حقوقی شرکای سیگنا؛
 عالیجناب آقای آنتونی درژاک، وزیر حمل و نقل.
 از طرف جمهوری گامبیا:
 عالیجناب آقای پا موسا جوبارته، سفیر جمهوری گامبیا در پادشاهی بلژیک و رئیس هیئت نمایندگی جمهوری گامبیا در اتحادیه اروپا؛
 آقای چارلز چرنور جالو، استاد حقوق بین‌الملل و دارنده کرسی ریچارد ای. هاوسلر در دانشکده حقوق دانشگاه میامی، عضو و گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، عضو کانون وکلای انتاریو؛
 آقای اندرو لوون/استاین، شریک مؤسسه حقوقی فولی هوگ؛
 خانم کریستینا هیوراس، شریک مؤسسه حقوقی فولی هوگ.
 از طرف جمهوری سنگاپور:
 خانم رنالی، سفیر در امور حقوق بین‌الملل، مدیر اجرایی دفتر مالکیت فکری سنگاپور.

از طرف جمهوری اسلونی:

آقای مارکو راکوچ، مدیر کل امور حقوق بین‌المللی، وزارت امور خارجه و اروپا؛
خانم واسیلکا سانچین، استاد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه لیوبلیانا؛
آقای دانیل مولر، شریک مؤسسه حقوقی فاروکت، عضو کانون وکلای پاریس.

از طرف جمهوری سودان:

آقای مروان / احمد محمد خیر، معاون رئیس هیئت نمایندگی، کارشناس حقوقی، سفارت جمهوری
سودان در پادشاهی هلند؛
آقای فایان اُ. رایمونلو، دانشیار حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه ماستریخت، عضو کانون وکلای
شهر لا پلاتا (آرژانتین).

از طرف جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی سری لانکا:

جناب عالی پرایندا راناسینگه جونیور، مشاور رئیس‌جمهور و دادستان کل؛
خانم آواتتی پررا، معاون دادستان کل.

از طرف کنفدراسیون سوئیس:

جناب آقای فرانتس پرز، رئیس اداره حقوق بین‌الملل، وزارت امور خارجه فدرال.

از طرف جمهوری صربستان:

آقای الکساندار گاجیچ، مشاور ارشد حقوقی، وزارت امور خارجه.

از طرف پادشاهی تایلند:

خانم سوفانواسا چوتیکاجان تانگ، مدیر کل اداره معاهدات و امور حقوقی،
آقای سونگ‌چای چای‌پاتیوت، معاون مدیر کل اداره معاهدات و امور حقوقی.
از طرف جمهوری دموکراتیک تیمور شرقی:

خانم الیزابت گوویا لیت اکسپوستو، رئیس دفتر نخست‌وزیر و مدیر اجرایی مرزهای زمینی و
دریایی؛

جناب آقای آدائو سوارس باربوسا، فرستاده ویژه و دیپلمات بلندپایه در امور اقلیمی؛

آقای ارن استوگر، مشاور حقوقی، وکیل دعاوی و مشاور در حقوق بین‌الملل، استاد مدعو حقوق
در دانشکده حقوق بروکلین، مدرس حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در دانشکده مطالعات حرفه‌ای
دانشگاه کلمبیا.

از طرف پادشاهی تونگا:

خانم لیندا سمیکی فولاموئتویی، دادستان کل، دفتر دادستان کل؛

خانم گیتانجالی باجاج، شریک و رئیس مشترک بخش دآوری بین‌المللی در منطقه آسیا-اقیانوسیه،
شرکت دی ال ای پیپر.

از طرف دولت تووالو:

عالیجناب خانم *اسلی آلفا آپینلو*، کمیسر عالی تووالو در فیجی و دبیر کل کمیسیون دولت‌های جزیره‌ای کوچک در زمینه تغییرات اقلیمی و حقوق بین‌الملل؛

جناب آقای *لانگانه ایتاللی تالیا*، دادستان کل تووالو؛

خانم *فیلیپا وب*، استاد حقوق بین‌الملل عمومی در مدرسه حکمرانی بلاواتنیک دانشگاه آکسفورد، عضو کانون وکلای بلیز، انگلستان و ولز و ایالت نیویورک، مؤسسه *تونتی/اسکس* لندن.

از طرف اتحادیه کومور:

جناب آقای *یوسف موندو/آسومانی*، سفیر اتحادیه کومور در جمهوری فدرال دموکراتیک اتیوپی و نماینده دائم نزد اتحادیه آفریقا؛

آقای *گای-فلوری انتواری*، دکترای حقوق، مشاور حقوقی پیشین اتحادیه آفریقا؛

خانم *کیارا نری*، استاد حقوق بین‌الملل و مدیر مرکز حقوق بین‌الملل دانشگاه ژان مولن لیون ۳. از طرف جمهوری شرقی اروگوئه:

جناب آقای *آلوارو گونزالس/وترو*، سفیر جمهوری شرقی اروگوئه در پادشاهی هلند؛

خانم *ماریانا کابررا*، معاون رئیس دفتر رئیس‌جمهور، جمهوری شرقی اروگوئه؛

آقای *مارکوس دوتا سالگوئیرو*، مدیر امور حقوق بین‌الملل، وزارت امور خارجه؛

خانم *یاس بنی فاطمی*، شریک بنیان‌گذار مؤسسه حقوقی *گایلارد بنی فاطمی شلبایا*، استاد وابسته حقوق در دانشگاه پانتئون-سوربن، استاد مدعو حقوق در دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد.

از طرف جمهوری سوسیالیستی ویتنام:

خانم *نگوین تی لان آن*، معاون رئیس، آکادمی دیپلماتیک ویتنام؛

آقای *نگوین دانگ تانگ*، مشاور حقوقی، مدیرکل اداره حقوق بین‌الملل و معاهدات، وزارت امور خارجه.

از طرف جمهوری زامبیا:

آقای *مارشال موچنده*، دادستان کل، وزارت دادگستری؛

خانم *سامبوا سیمبیاکولا-چیلیمبو*، معاون مدیر، وزارت دادگستری؛

آقای *کریستین تامز*، مشاور حقوقی، رئیس کرسی حقوق بین‌الملل و مدیر مرکز حقوق و امنیت بین‌الملل گلاسگو.

از طرف آژانس شیلات مجمع:

آقای *پیو مانوا*، معاون مدیرکل و مشاور حقوقی آژانس شیلات مجمع.

از طرف اتحادیه دولت‌های جزیره‌ای کوچک:

جناب آقای *فاتوما ناوا-او-آپولو سوم*، *پائوله لی لوترو*، سفیر و نماینده دائم دولت مستقل ساموآ

در سازمان ملل متحد، نیویورک و رئیس اتحادیه دولتهای جزیره‌ای کوچک؛

آقای ریچارد بروس رودیک، مشاور حقوقی.

از کمیسیون دولتهای جزیره‌ای کوچک در زمینه تغییرات اقلیمی و حقوق بین‌الملل:

جناب خانم *اسلی آلفا آپیلو*، کمیسر عالی تووالو در فیجی و دبیر کل کمیسیون دولتهای جزیره‌ای

کوچک در زمینه تغییرات اقلیمی و حقوق بین‌الملل؛

خانم *کاترین امیرفر*، از مؤسسه حقوقی *دبویواز و پلیمپتون*، عضو کانون وکلای دیوان عالی

ایالات متحده آمریکا و ایالت نیویورک، نماینده مشترک اتحادیه دولتهای جزیره‌ای کوچک؛

آقای *پیام/خوان*، دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکترای علوم حقوقی از دانشگاه هاروارد،

دارنده نشان افتخار ایالت انتاریو و عضو انجمن سلطنتی کانادا، استاد حقوق بین‌الملل، دارنده کرسی

حقوق بشر و پژوهشگر ارشد کالج مسی در دانشگاه تورنتو، عضو دیوان دائمی داوری، عضو وابسته

انستیتوی حقوق بین‌الملل، عضو کانون وکلای ایالت نیویورک و عضو انجمن حقوقی انتاریو، نماینده

مشترک اتحادیه دولتهای جزیره‌ای کوچک.

از طرف جامعه اقیانوسیه:

آقای *استوارت مینچین*، مدیر کل؛

خانم *کورال پاسیسی*، مدیر بخش تغییرات اقلیمی و پایداری زیست‌محیطی؛

آقای *ویشال پراساد*، مدیر سازمان *دانشجویان جزایر اقیانوسیه در مبارزه با تغییرات اقلیمی*.

از طرف مجمع جزایر اقیانوسیه:

آقای *اسلا نایاسی*، معاون دبیر کل در امور سیاست‌گذاری راهبردی و برنامه‌ریزی.

از طرف سازمان دولتهای آفریقایی، کارائیب و اقیانوسیه:

خانم *کریستل پرات*، معاون دبیر کل؛

عالیجناب خانم *شریل الوئیز بزارد*، دارنده عنوان وکیل ارشد، رئیس مجمع دولتهای جزیره‌ای

کوچک در حال توسعه وابسته به سازمان دولتهای آفریقایی، کارائیب و اقیانوسیه؛

آقای *پی-ماری دوپی*، استاد بازنشسته حقوق بین‌الملل، دانشگاه پاریس ۲ (پانتئون-آساس) و

مؤسسه تحصیلات عالی بین‌المللی و توسعه ژنو، عضو مؤسسه حقوق بین‌الملل؛

خانم *برندا رسون ساپورو*، نماینده جوانان.

از طرف سازمان جهانی سلامت:

آقای *تندروس آدهانوم گبریئسوس*، مدیر کل؛

آقای *درک والتون*، مشاور حقوقی.

از طرف اتحادیه اروپا:

آقای *آندره بکه*، مشاور حقوقی، عضو اداره خدمات حقوقی کمیسیون اروپا؛

خانم ژوزفین نوریس، عضو اداره خدمات حقوقی کمیسیون اروپا؛
 خانم مارگریتا بروتی لیبرتی، عضو اداره خدمات حقوقی کمیسیون اروپا؛
 آقای برنهارد هوفستوتر، عضو اداره خدمات حقوقی کمیسیون اروپا.
 از طرف اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت:
 خانم گرتل آگیلار، مدیر کل،
 خانم کریستینا ویگت، استاد حقوق در دانشگاه اسلو، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل و رئیس
 کمیسیون جهانی حقوق محیط‌زیست اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت،
 آقای فرانچسکو سیندیکو، استاد حقوق بین‌الملل، دانشگاه استرکلاید، و رئیس مشترک گروه
 تخصصی حقوق تغییرات اقلیمی کمیسیون جهانی حقوق محیط‌زیست اتحادیه بین‌المللی حفاظت
 از طبیعت.
 ۳۶. در پایان رسیدگی شفاهی، چهار نفر از اعضای دیوان پرسش‌هایی را برای مشارکت‌کنندگان
 مطرح کردند؛ ۶۷ نفر مطابق درخواست، در مهلت مقرر به صورت کتبی به آن‌ها پاسخ دادند.

بخش اول. صلاحیت و صلاحدید

۳۷. هنگامی که دیوان با درخواستی برای صدور نظر مشورتی مواجه می‌شود، ابتدا باید بررسی
 کند که آیا صلاحیت صدور نظر مشورتی درخواستی را دارد یا خیر؛ و در صورت احراز صلاحیت،
 آیا دلیلی وجود دارد که دیوان در راستای اعمال صلاحدید خود، از پاسخگویی به آن درخواست
 خودداری کند یا خیر.^{۳۳}

الف. صلاحیت

۳۸. صلاحیت دیوان برای صدور نظر مشورتی مبتنی بر بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه آن است که
 مقرر می‌دارد: «دیوان می‌تواند به درخواست هر رکن که طبق منشور ملل متحد مجاز به ارائه چنین
 درخواستی باشد، درباره هر مسئله حقوقی نظر مشورتی بدهد». دیوان یادآور می‌شود که طبق بند ۱
 ماده ۹۶ منشور، «مجمع عمومی می‌تواند از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کند در خصوص
 هر مسئله حقوقی نظر مشورتی ارائه دهد».
 ۳۹. بر اساس الزامات مندرج در ماده ۹۶ منشور و ماده ۶۵ اساسنامه، دیوان باید احراز کند که

33. See Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Advisory Opinion of 19 July 2024, para. 22; Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 111, para. 54.

پرسشی که از او خواسته شده درباره آن نظر دهد، پرسشی حقوقی است.

۴۰. پرسش نخست از دیوان، به تعهدات دولت‌ها طبق حقوق بین‌الملل برای تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت برای دولت‌ها و نسل‌های کنونی و آینده مربوط می‌شود. پرسش دوم، به پیامدهای حقوقی ناشی از این تعهدات برای دولت‌هایی مربوط است که با فعل یا ترک فعل خود، زیان قابل توجهی به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست وارد کرده‌اند، و این در ارتباط با دولت‌ها، مردمان و افراد نسل‌های کنونی و آینده‌ای است که از آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی متأثر شده‌اند. دیوان تشخیص می‌دهد که این دو پرسش، پرسش‌هایی حقوقی هستند.

۴۱. دیوان همچنین خاطر نشان می‌کند که «عدم شفافیت در طرح پرسش، صلاحیت دیوان را از میان نمی‌برد، بلکه چنین ابهامی مستلزم شفاف‌سازی در تفسیر است و دیوان در موارد متعدد چنین تفسیرهای لازم را ارائه کرده است».^{۳۴}

۴۲. دیوان در صورت لزوم، پرسش‌های مطرح‌شده را تفسیر خواهد کرد.^{۳۵}

۴۳. با توجه به مطالب فوق، دیوان نتیجه می‌گیرد که درخواست مطروحه با شرایط مندرج در منشور و اساسنامه دیوان مطابقت دارد و در نتیجه، دیوان صلاحیت دارد نظر مشورتی درخواستی را صادر کند.

ب. صلاحیت

۴۴. صرف اینکه دیوان صلاحیت ارائه نظر مشورتی دارد، به این معنا نیست که الزاماً موظف به اعمال آن است. همان گونه که دیوان بارها تأکید کرده است، بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه باید بدین معنا تفسیر شود که دیوان اختیار دارد [بر مبنای صلاحیت خود] حتی در صورت احراز شرایط صلاحیت، از ارائه نظر مشورتی خودداری کند.^{۳۶}

۴۵. وجود چنین صلاحیتی برای دیوان، به منظور پاسداری از تمامیت کارکرد قضایی دیوان به عنوان رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد است.^{۳۷} دیوان آگاه است که پاسخ آن به درخواست

34. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), pp. 153-154, para. 38; Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Advisory Opinion of 19 July 2024, para. 29.

35. See paragraphs 98-111 below.

36. Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory . Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Advisory Opinion of 19 July 2024, para. 30.

37. Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Advisory Opinion of 19 July 2024, para. 30; Legal Consequences of

نظر مشورتی، در واقع مشارکت آن در فعالیت‌های سازمان ملل متحد به شمار می‌رود و در اصل نباید از آن خودداری شود.^{۳۸}

۴۶. بنابراین، صرفاً وجود دلایل قانع‌کننده می‌تواند دیوان را بر آن دارد تا از اظهارنظر در مورد درخواستی که در چارچوب صلاحیت آن قرار می‌گیرد، خودداری کند.^{۳۹}

۴۷. دیوان خاطرنشان می‌کند که قطعنامه ۷۷/۲۷۶ با حمایت مشترک ۱۳۲ دولت عضو سازمان ملل متحد ارائه شد و بدون رأی‌گیری به تصویب رسید. این امر بیانگر علاقه و رغبت دولت‌های عضو سازمان ملل متحد به بررسی این درخواست از سوی دیوان است.

۴۸. دیوان یادآور می‌شود که در جریان رسیدگی، یکی از مشارکت‌کنندگان نگرانی‌هایی مطرح کرد دائر بر اینکه آیا پاسخ دیوان به پرسش‌های مطرح‌شده ممکن است فراتر از کارکرد قضایی آن بوده و به ایفای نقش قانونگذاری تعبیر شود یا خیر. با این حال، دیوان خاطرنشان می‌کند که: «کارکرد دیوان بیان حقوق موجود است، نه قانونگذاری؛ حتی اگر در جریان تبیین و اعمال حقوق، ناگزیر باشد گستره آن را مشخص یا گاهی به روند کلی آن اشاره کند».^{۴۰}

۴۹. با توجه به آنچه در بالا بیان شد، دیوان نتیجه می‌گیرد که هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای خودداری از ارائه نظر مشورتی درخواستی مجمع عمومی وجود ندارد.

بخش دوم. سیاق کلی و جنبه‌های علمی

۵۰. دیوان پس از آنکه صلاحیت خود را احراز کرد و دریافت که هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای خودداری از ارائه نظر مشورتی درخواستی مجمع عمومی وجود ندارد، اکنون به بررسی سیاق و چارچوبی که در آن قطعنامه ۷۷/۲۷۶ به تصویب رسیده و نیز به بررسی پیش‌زمینه علمی مرتبط با آن می‌پردازد.

the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 113, para. 64.

38. Interpretation of Peace Treaties with Bulgaria, Hungary and Romania, First Phase, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1950, p. 71; Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 113, para. 65; Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Advisory Opinion of 19 July 2024, para. 30.

39. Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Advisory Opinion of 19 July 2024, para. 31; Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 113, para. 65.

40. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996 (I), p. 237, para. 18.

الف. سیاق تاریخی تصویب قطعنامه ۲۷۹/۷۷

۵۱. در ۳ دسامبر ۱۹۶۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۲۳۹۸ به‌ویژه یادآور شد که «کیفیت محیط‌زیست انسانی به‌طور مستمر و فزاینده‌ای در اثر عواملی نظیر آلودگی هوا و آب، فرسایش و سایر اشکال تخریب خاک، پسماند، آلودگی صوتی و آثار ثانویه مواد بیوسیدی (ضدآفات زیستی) رو به وخامت است»، و نگرانی خود را از «آثار ناشی از آن بر وضعیت انسان، سلامت جسمی، روانی و اجتماعی او، شأن انسانی و بهره‌مندی وی از حقوق بنیادین بشر» ابراز داشت. مجمع عمومی، با اذعان به ضرورت اقداماتی شدیدتر در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به منظور محدودکردن و در صورت امکان، رفع زیان‌های واردآمده بر محیط‌زیست انسانی، تصمیم گرفت که در ۱۹۷۲ کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط‌زیست انسانی را تشکیل دهد. در ادامه، دیوان به برخی از مهم‌ترین اقدامات انجام‌شده در سطح بین‌المللی برای شناسایی مخاطرات به منظور حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست اشاره خواهد کرد.

۵۲. کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط‌زیست انسانی در ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم برگزار شد. در این کنفرانس، اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط‌زیست انسانی (از این پس اعلامیه استکهلم) به تصویب رسید که مشتمل بر مجموعه‌ای از اصول با هدف صیانت از محیط‌زیست انسانی، همچنین برنامه اقدام برای محیط‌زیست انسانی و چندین قطعنامه دیگر بود. کنفرانس از دولت‌ها و مردمان درخواست کرد تا برای «حفظ و بهبود محیط‌زیست انسانی، به نفع تمامی مردم و نسل‌های آینده، تلاش‌های مشترکی مبذول دارند».

۵۳. در فوریه ۱۹۷۹ نخستین کنفرانس جهانی آب و هوا (که کنفرانسی از متخصصان اقلیم و بشر بود) به ابتکار سازمان جهانی هواشناسی در ژنو برگزار شد. اعلامیه‌ای که در این کنفرانس به تصویب رسید، تصریح می‌کند که:

«می‌توان با درجه‌ای از اطمینان گفت که سوزاندن سوخت‌های فسیلی، جنگل‌زدایی و تغییرات کاربری زمین در طول قرن گذشته موجب افزایش حدود ۱۵ درصدی میزان دی‌اکسیدکربن در جو زمین شده است و در حال حاضر نیز این میزان سالانه حدود ۰/۴ درصد افزایش می‌یابد. احتمالاً این روند افزایشی در آینده نیز ادامه خواهد یافت. دی‌اکسیدکربن، نقشی اساسی در تعیین دمای جو زمین دارد و به نظر می‌رسد که افزایش مقدار آن در جو می‌تواند به گرمایش تدریجی لایه‌های پایین‌تر جو، به‌ویژه در عرض‌های جغرافیایی بالا منجر شود».

۵۴. در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا برای امضا گشوده شد. این کنوانسیون نظام حقوقی برای دریاهای و اقیانوس‌ها ایجاد می‌کند و از جمله به حفاظت و صیانت از محیط‌زیست دریایی می‌پردازد. کنوانسیون یادشده در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد و

در حال حاضر ۱۷۰ دولت عضو دارد.

۵۵. در ۱۹۸۵ دولت‌ها کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اوزون (از این پس کنوانسیون لایه اوزون) را تصویب کردند. هدف این کنوانسیون آن است که «از سلامت انسان و محیط‌زیست در برابر آثار نامطلوب ناشی از فعالیت‌های انسانی که موجب تغییر یا احتمالاً موجب تغییر لایه اوزون می‌شود، حفاظت کند» (ماده ۲، بند ۱). این کنوانسیون در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ لازم‌الاجرا شد و در حال حاضر ۱۹۸ دولت عضو دارد.

۵۶. همچنین در ۱۹۸۵ کنفرانس بین‌المللی ارزیابی نقش دی‌اکسیدکربن و سایر گازهای گلخانه‌ای در تغییرات اقلیمی و پیامدهای مرتبط با همکاری برنامه محیط‌زیست ملل متحد، سازمان جهانی هواشناسی و شورای بین‌المللی علم در شهر ویلاخ اتریش برگزار شد که دانشمندی از ۲۹ کشور در آن حضور داشتند. در بیانیه پایانی کنفرانس آمده بود:

«تغییرات اقلیمی و بالآمدن سطح دریاها ناشی از گازهای گلخانه‌ای، پیوند نزدیکی با سایر مسائل عمده زیست‌محیطی نظیر باران‌های اسیدی و تهدیدهای وارده بر سپر اوزون زمین که عمدتاً ناشی از تغییر در ترکیب جو توسط فعالیت‌های انسانی هستند دارند».^{۴۱}

همچنین تأکید شد که «کاهش مصرف زغال‌سنگ و نفت و به‌کارگیری اقدامات صرفه‌جویی انرژی که برای کاهش باران‌های اسیدی انجام می‌شوند، موجب کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای نیز خواهند شد» و اینکه «کاهش انتشار کلروفلوئوروکربن‌ها ضمن کمک به حفاظت از لایه اوزون، سرعت تغییرات اقلیمی را نیز کاهش می‌دهد».^{۴۲} بر اساس این بیانیه، این نتایج مبتنی بر /جماع درک علمی موجود بود مبنی بر اینکه از جمله، «گازهای گلخانه‌ای احتمالاً مهم‌ترین علت تغییرات اقلیمی در قرن آینده خواهند بود».^{۴۳} کنفرانس توصیه کرد که دولت‌ها و جامعه علمی برنامه‌ای جامع درباره تغییرات اقلیمی را ترویج دهند.

۵۷. در ۱۹۸۷ پروتکل مونترال درباره مواد تخریب‌کننده و کاهنده لایه اوزون (از این پس پروتکل مونترال) به تصویب اعضای کنوانسیون لایه اوزون رسید. این پروتکل به کاهش تدریجی و زمان‌بندی‌شده تولید و مصرف مواد اصلی تخریب‌کننده لایه اوزون می‌پردازد. پروتکل در ۱ ژانویه ۱۹۸۹ لازم‌الاجرا شد و اکنون ۱۹۸ دولت عضو دارد.

۵۸. در ۶ دسامبر ۱۹۸۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه ۴۳/۵۳ را تصویب و با نگرانی خاطر نشان کرد که شواهد جدید نشان می‌دهد افزایش مداوم غلظت گازهای گلخانه‌ای در

41. Report of the International Conference on Assessment of the Role of Carbon Dioxide and of Other Greenhouse Gases in Climate Variations and Associated Impacts, Villach, Austria, 9-15 October 1985, WMO –No. 661, 1986, p. 1, para. 2.

42. Ibid.

43. Ibid., p. 2.

جو ممکن است منجر به گرمایش جهانی شود. مجمع عمومی برای نخستین بار تصریح کرد که «تغییرات اقلیمی، نگرانی/دغدغه مشترک بشریت است زیرا آب و هوا شرط اساسی تداوم حیات بر زمین است» و افزود که تغییرات اقلیمی «تمامی بشریت را متأثر می‌کند و باید در چارچوبی جهانی و با لحاظ منافع حیاتی همه انسان‌ها مورد مقابله قرار گیرد».

۵۹. مجمع عمومی در همان قطعنامه، تصمیم سازمان جهانی هواشناسی و برنامه محیط‌زیست ملل متحد را برای تأسیس مشترک «یک هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی جهت ارائه ارزیابی‌های علمی هماهنگ بین‌المللی از میزان، زمان‌بندی و آثار زیست‌محیطی و اجتماعی-اقتصادی تغییرات اقلیمی و راهکارهای واقع‌بینانه مقابله با آن» تأیید کرد.

۶۰. هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی در ۱۹۸۸ تشکیل شد و هم‌اکنون ۱۹۵ دولت عضو دارد. وظیفه کارشناسان آن، ارائه راهنمایی به دولت‌ها به وسیله ارزیابی‌های منظم از مبانی علمی تغییرات اقلیمی، آثار و خطرات آینده آن و گزینه‌های سازگاری و تعدیل است. هیئت مذکور، هر پنج تا هفت سال یک بار ارزیابی‌های جامع خود را منتشر می‌کند و در این فرآیند، هزاران مقاله علمی و گزارش‌های نهادهایی چون سازمان جهانی هواشناسی، سازمان جهانی سلامت، سازمان بین‌المللی دریانوردی، همکاری برنامه محیط‌زیست ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی را بررسی می‌کند تا خلاصه‌ای جامع از وضعیت دانش درباره تغییرات اقلیمی ارائه دهد. این هیئت از طریق گزارش‌های خود، میزان اجماع علمی در حوزه‌های مختلف را مشخص و نیازهای پژوهشی آتی را تعیین می‌کند. کارشناسانی که این گزارش‌ها را تهیه می‌کنند در سه گروه کاری فعالیت دارند: گروه کاری اول به مبانی علمی و فیزیکی تغییرات اقلیمی می‌پردازد؛ گروه کاری دوم بر آثار تغییرات اقلیمی، سازگاری با آن و میزان آسیب‌پذیری تمرکز دارد؛ و گروه کاری سوم مسئول تعدیل پیامدهای تغییرات اقلیمی است. گزارش‌های ارزیابی، پیش از آنکه توسط گروه کاری مربوطه یا در نشست عمومی هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی پذیرفته یا تصویب شوند، تحت بازبینی‌های گسترده کارشناسان و دولت‌ها قرار می‌گیرند. یافته‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، یا به صورت بیانیه‌هایی مبتنی بر واقعیت‌های علمی ارائه می‌شوند، یا با سطحی مشخص از اطمینان علمی ارزیابی شده همراه هستند. هر گزارش هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی شامل خلاصه‌ای برای سیاست‌گذاران است که سطر به سطر در نشست‌های عمومی و با حضور نمایندگان دولت‌های عضو هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی بررسی و تأیید می‌شود.

۶۱. نخستین گزارش ارزیابی هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی در ۱۹۹۰ منتشر شد. مهم‌ترین یافته‌های علمی این گزارش شامل این موارد بود: «انتشار گازها در نتیجه فعالیت‌های انسانی، به‌طور قابل توجهی غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو را افزایش داده است»؛ «دی‌اکسید کربن بیش

از نیمی از اثر گلخانه‌ای شدید [منظور اثر گلخانه‌ای فراتر از حد طبیعی است] در گذشته را موجب شده و احتمالاً در آینده نیز چنین خواهد بود» و اینکه «دولت‌های صنعتی و در حال توسعه در برابر مشکل تغییرات اقلیمی و آثار نامطلوب آن، دارای مسئولیتی مشترک اما متفاوت هستند». هئیت در گزارش نخست خود تصریح کرد که دولت‌های صنعتی باید پیش‌قدم شوند زیرا «بخش عمده‌ای از انتشار گازهایی که بر جو اثر می‌گذارند، از این دولت‌ها سرچشمه می‌گیرد و بیشترین ظرفیت تغییر نیز در همین دولت‌ها وجود دارد». همچنین یادآور شد که «انتشار گازها توسط دولت‌های در حال توسعه برای پاسخگویی به نیازهای توسعه‌ای آنان در حال افزایش است و در نتیجه، به‌مرور زمان سهم فزاینده‌ای از انتشار جهانی را تشکیل خواهد داد». این یافته‌ها متعاقباً تا حد زیادی در مقدمه و مفاد کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی منعکس شدند.

۶۲. در ژوئن ۱۹۹۲ کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط‌زیست و توسعه که به اجلاس زمین نیز معروف است، در شهر ریودوژانیرو برگزار شد. در جریان این کنفرانس، دو معاهده برای امضا گشوده شد: کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و کنوانسیون تنوع زیستی. ۶۳. کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی در ۲۱ مارس ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد و هم‌اکنون ۱۹۸ عضو دارد. این کنوانسیون چارچوبی کلی برای همکاری میان‌دولتی در مقابله با آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی ایجاد و تصریح می‌کند که:

«ماهیت جهانی تغییرات اقلیمی مستلزم همکاری هرچه گسترده‌تر تمامی دولت‌ها و مشارکت آن‌ها در قالب واکنش بین‌المللی مؤثر و مناسب است، با در نظر گرفتن مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت، توانایی، ظرفیت‌ها و شرایط اجتماعی و اقتصادی هریک از دولت‌ها». (بند ششم مقدمه)

هدف کنوانسیون عبارت است از: «تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو در سطحی که از ایجاد اختلال خطرناک انسان‌ساخت در سیستم اقلیمی جلوگیری کند... در بازه زمانی کافی امکان سازگاری طبیعی زیست‌بوم‌ها با تغییرات اقلیمی را بدهد» (ماده ۲). کنفرانس اعضا (کاپ)،^{۴۴} نهاد عالی است که توسط کنوانسیون چارچوب ایجاد شده تا «اجرای کنوانسیون و هرگونه اسناد حقوقی مرتبطی را که ممکن است کنفرانس اعضا تصویب کند، به‌طور منظم بررسی کند و در چارچوب مأموریت خود، تصمیمات لازم را برای پیشبرد اجرای مؤثر کنوانسیون اتخاذ کند» (بند ۲ ماده ۷).

۶۴. کنوانسیون تنوع زیستی در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۳ لازم‌الاجرا شد و اکنون ۱۹۶ عضو دارد. هدف از آن «حفاظت از تنوع زیستی، استفاده پایدار از اجزای آن و تقسیم عادلانه و منصفانه منافع ناشی از بهره‌برداری از منابع ژنتیکی است».

۶۵. در ژوئن ۱۹۹۴ کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با بیابان‌زایی در کشورهایی که دچار خشکسالی یا بیابان‌زایی شدید هستند، به‌ویژه در آفریقا تصویب شد. هدف این کنوانسیون، حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست از طریق جلوگیری از بیابان‌زایی و تخریب زمین(فرونشست)، و ترویج جنگل‌کاری و احیای منابع جذب و ذخیره گازهای گلخانه‌ای است. این کنوانسیون در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا شد و اکنون ۱۹۷ عضو دارد.

۶۶. در ۱۱ دسامبر ۱۹۹۷ پروتکل کیوتو به منظور اجرایی‌سازی مفاد کنوانسیون چارچوب تصویب شد. این پروتکل دولت‌های توسعه‌یافته و دیگر دولت‌های مندرج در ضمیمه اول کنوانسیون را متعهد می‌کند تا انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را بر اساس اهداف کمی تعیین‌شده محدود کنند و کاهش دهند.^{۴۵} پروتکل در ۱۶ فوریه ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شد و اکنون ۱۹۲ عضو دارد. این سند، ازجمله، اهداف الزام‌آور کاهش انتشار برای دوره‌های تعهد مشخص را پیش‌بینی کرده است که آخرین آن در ۲۰۲۰ به پایان رسید.^{۴۶}

۶۷. در ۳ ژوئن ۲۰۰۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه ۶۳/۲۸۱ را تصویب کرد و نسبت به آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی، ازجمله بالا آمدن سطح دریاها که می‌تواند پیامدهای امنیتی نیز در پی داشته باشد، ابراز نگرانی کرد. مجمع از نهادهای ذی‌ربط سازمان ملل متحد خواست تا تلاش‌های خود را برای بررسی و مقابله با تغییرات اقلیمی، ازجمله جنبه‌های امنیتی آن، تقویت کنند. همچنین از دبیرکل خواست گزارشی جامع درباره پیامدهای امنیتی احتمالی تغییرات اقلیمی ارائه کند. دبیرکل در گزارش ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۹ تأکید کرد که تغییرات اقلیمی، امنیت غذایی و سلامت انسان را تهدید می‌کند و میزان در معرض قرارگیری انسان در برابر رویدادهای حاد اقلیمی را افزایش می‌دهد. وی خاطرنشان کرد که مهاجرت، رقابت بر سر منابع طبیعی و سایر واکنش‌های مقابله‌ای خانوارها و جوامعی که با تهدیدات اقلیمی مواجه هستند، می‌تواند خطر بروز درگیری‌های داخلی را افزایش داده و تبعات بین‌المللی در پی داشته باشد. همچنین اشاره کرد که ناپدیدشدن سرزمین‌ها در اثر تغییرات اقلیمی می‌تواند بر حقوق، امنیت و حاکمیت دولت‌ها اثرگذار باشد و تأکید نمود که ممکن است اثر تغییرات اقلیمی بر منابع بین‌المللی مشترک یا مرزبندی‌نشده، پیامدهایی برای همکاری‌های بین‌المللی داشته باشد.^{۴۷}

۶۸. در ۲۰۱۰ کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی در شانزدهمین نشست خود، موافقت‌نامه‌های کانکون را تصویب کرد که ازجمله به اهداف دمایی

45. See paragraph 81 below.

46. See paragraph 118 below.

47. Report of the Secretary-General on climate change and its possible security implications, 11 September 2009, UN doc. A/64/350.

پرداختند. در این موافقت‌نامه‌ها تصریح شد که:

«بر اساس یافته‌های علمی و آن گونه که در چهارمین گزارش ارزیابی هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی آمده است، کاهش چشمگیر در انتشار گازهای گلخانه‌ای در سطح جهانی ضروری جلوه می‌کند. به این منظور، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تا جایی که افزایش دمای میانگین جهانی کمتر از ۲ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطح پیشاصنعتی باقی بماند، در نظر گرفته شده است. همچنین تأکید شد که دولت‌ها باید به‌صورت فوری و منصفانه، در چارچوب علم و انصاف، برای دستیابی به این هدف بلندمدت اقدام کنند».^{۴۸}

کنفرانس همچنین تصمیم گرفت که بازبینی دوره‌ای درباره کفایت هدف بلندمدت جهانی مذکور انجام شود. این بازبینی می‌بایست «بر پایه اصول انصاف، برابری و مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط هدایت شود و از جمله [.....] شامل بررسی موضوع تقویت هدف بلندمدت جهانی با توجه به یافته‌های علمی، از جمله افزایش دما تا ۱/۵ درجه سانتی‌گراد باشد».^{۴۹}

۶۹. در ۲۰۱۱ کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی در هفدهمین نشست خود تصمیم گرفت کارگروه موقت پلتفرم دوربان برای اقدام تقویت‌شده را تشکیل دهد. در دیباچه این تصمیم، با ابراز نگرانی شدید، به مسئله اهداف دمایی اشاره شده و آمده است که

«میان اثر کلی تعهدات دولت‌ها در زمینه تعدیل انتشار گازهای گلخانه‌ای تا ۲۰۲۰ و مسیرهای کلی انتشار که با حفظ احتمال بالا برای محدودکردن افزایش دمای میانگین جهانی به کمتر از ۲ یا ۱.۵ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطح پیشاصنعتی سازگار باشند، شکاف قابل توجهی وجود دارد».^{۵۰}

۷۰. در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵، کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی در بیست‌ویکمین نشست خود موافقت‌نامه پاریس را تصویب کرد که در ۴ نوامبر ۲۰۱۶ لازم‌الاجرا شد و تا به امروز ۱۹۵ عضو دارد. این موافقت‌نامه با هدایت اصولی همچون «انصاف، برابری و مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، با در نظر گرفتن شرایط ملی متفاوت»، در پی تقویت پاسخ جهانی به تهدید تغییرات اقلیمی، از جمله از طریق اقداماتی برای محدودکردن افزایش دمای میانگین جهانی است.

۷۱. در نهایت، در ۲۹ مارس ۲۰۲۳، مجمع عمومی سازمان ملل، قطعنامه ۷۷/۲۷۶ را به تصویب رساند.

48. Decision 1/CP.16, 10-11 December 2010, UN doc. FCCC/CP/2010/7/Add.1, p. 3, para. 4.

49. Ibid., p. 23, para. 139.

50. Decision 1/CP.17, 11 December 2011, UN doc. FCCC/CP/2011/9/Add.1, second preambular paragraph.

ب. پیشینه علمی مرتبط

۷۲. بسیاری از مشارکت‌کنندگان به پیامدهای فاجعه‌آمیز و قابل‌توجهی که در نتیجه تغییرات اقلیمی با آن روبه‌رو هستند، اشاره کرده و بر ماهیت فوری مشکل و نزدیکی تهدیدی که برای جمعیت‌ها، قلمروهای سرزمینی، اقتصادها، سنت‌های فرهنگی و - برای برخی - اساس و بنیان وجودی دولتشان ایجاد می‌کند، تأکید ورزیدند. همان‌طور که در ادامه این بخش توضیح داده شده است، از نظر علمی ثابت شده است که سیستم اقلیمی تحت تغییرات گسترده و سریعی قرار گرفته است، از جمله و به‌ویژه، افزایش در دمای سطح جهانی، یا گرمایش جهانی. تغییرات اقلیمی ناشی از انباشت برخی گازهای خاص در جو است که تابش نور خورشید را در اطراف زمین به دام می‌اندازد که منجر به اثر گرمایش گلخانه‌ای می‌شود. در حالی که برخی گازهای گلخانه‌ای به‌طور طبیعی ایجاد می‌شوند، از نظر علمی ثابت شده است که افزایش غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو، عمدتاً به دلیل فعالیت‌های انسانی است، چه در نتیجه انتشار گازهای گلخانه‌ای، از جمله از طریق سوزاندن سوخت‌های فسیلی، یا در نتیجه تضعیف یا تخریب مخازن و چاهک‌های کربن، مانند جنگل‌ها و اقیانوس که گازهای گلخانه‌ای را از جو جذب کرده یا حذف می‌کنند.

۷۳. پیامدهای تغییرات اقلیمی شدید و گسترده هستند؛ آن‌ها هم زیست‌بوم‌های طبیعی و هم جمعیت‌های انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. افزایش دما باعث ذوب‌شدن ورقه‌های یخ و یخچال‌ها می‌شود که منجر به بالا آمدن سطح دریا و تهدید جوامع ساحلی با سیلاب‌های بی‌سابقه می‌شود. رویدادهای شدید آب و هوایی، مانند طوفان‌ها، خشکسالی‌ها و امواج گرما، مکررتر و شدیدتر می‌شوند که کشاورزی را ویران، جمعیت‌ها را آواره و کمبود آب را تشدید می‌کنند. علاوه بر این، اختلال در زیستگاه‌های طبیعی، گونه‌های خاص (حیوانی) را به سمت انقراض سوق می‌دهد و منجر به ازدست‌دادن غیرقابل بازگشت تنوع زیستی می‌شود. زندگی و سلامت انسان نیز با افزایش شیوع بیماری‌های مرتبط با گرما و گسترش بیماری‌های مرتبط با مسائل اقلیمی در معرض خطر است. این پیامدها بر تهدید فوری و وجودی ناشی از تغییرات اقلیمی تأکید می‌کنند.

۷۴. دیوان این مسائل را با جزئیات بیشتری بررسی خواهد کرد. در این راستا، دیوان عمدتاً بر گزارش‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی تکیه خواهد کرد که مشارکت‌کنندگان اتفاق نظر دارند بهترین (یافته‌های) علمی موجود در خصوص علل، ماهیت و پیامدهای تغییرات اقلیمی را تشکیل می‌دهند. دیوان همچنین بیان می‌کند که اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی بر سیستم اقلیمی توسط سازمان ملل متحد، از جمله برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی آن، مانند سازمان جهانی هواشناسی، سازمان جهانی سلامت و سازمان بین‌المللی دریانوردی تأیید شده‌اند.

۷۵. هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی در ضمیمه ۱ واژه‌نامه خود، سیستم اقلیمی را به‌عنوان

«نظام جهانی متشکل از پنج جزء اصلی: جو/اتمسفر، هیدروسفر، کرایوسفر، لیتوسفر و بایوسفر و تعاملات میان آن‌ها» تعریف می‌کند.^{۵۱} دیوان برای اهداف این نظر مشورتی خاطرنشان می‌کند که این تعریف اساساً معادل تعریف بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی است که سیستم/اقلیمی را به‌عنوان کلیت جو، هیدروسفر، بایوسفر و ژئوسفر و تعاملات آن‌ها تعریف می‌کند.

۷۶. طبق نظر هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، تغییرات اقلیمی به

«تغییر در وضعیت اقلیم اشاره دارد که... ممکن است به دلیل فرآیندهای داخلی طبیعی یا عوامل خارجی مانند تعدیل چرخه‌های خورشیدی، فوران‌های آتشفشانی و تغییرات پایدار انسان ساخت در ترکیب جو یا در کاربری زمین باشد».^{۵۲}

دیوان برای اهداف این نظر مشورتی خاطرنشان می‌کند که این تعریف با تعریفی که در بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی آمده سازگار است که تغییرات اقلیمی را به‌عنوان «تغییری در [سیستم] اقلیمی که مستقیماً یا غیرمستقیماً به فعالیت‌های انسانی نسبت داده می‌شود که ترکیب جو جهانی را تغییر می‌دهد و مضاف بر نوسانات طبیعی اقلیمی است که در دوره‌های زمانی قابل مقایسه مشاهده می‌شود» توصیف می‌کند.

۷۷. جدیدترین گزارش‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی در طول دوره [تهیه و تدوین گزارش]

ارزیابی ششم تولید شدند که در مارس ۲۰۲۳ با انتشار گزارش تلفیقی/جامع تغییرات اقلیمی^{۵۳} ۲۰۲۳ تکمیل شد. دیوان متذکر می‌شود که در آن گزارش‌ها، هیئت دریافت که تغییرات گسترده و سریعی در جو، اقیانوس، کرایوسفر و بایوسفر رخ داده است، و اینکه «تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت‌های انسانی در حال حاضر بسیاری از رویدادهای شدید آب و هوایی و اقلیمی را در هر منطقه در سراسر جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد». هیئت اظهار داشت که این امر منجر به «تأثیرات زیانبار گسترده و خسارات و آسیب‌های مرتبط به طبیعت و مردم» شده است. با این حال، جوامع آسیب‌پذیری که از نظر تاریخی کمترین سهم را در تغییرات اقلیمی داشته‌اند، «به‌طور نامتناسبی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند».^{۵۴} به‌طور خاص، هیئت نتیجه گرفت که تأثیر (مداخلات و اعمال) انسانی احتمالاً عامل اصلی بالآمدن سطح دریا از ۱۹۷۱ بوده است و احتمالاً شانس رویدادهای شدید مانند امواج گرما، بارش سنگین،

51. Annex I, Glossary (hereinafter “IPCC 2023 Glossary”), IPCC, 2023, Climate Change 2023: Synthesis Report, Contribution of Working Groups I, II and III to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change (hereinafter “IPCC, Climate Change 2023: Synthesis Report”).

52. IPCC 2023 Glossary, p. 122.

53. Climate Change 2023: Synthesis Report

54. Climate Change 2023: Synthesis Report, pp. 42-51, section 2).

خشکسالی‌ها و طوفان‌های گرمسیری را افزایش داده است.^{۵۵} هیئت همچنین با اطمینان بالا نتیجه گرفت که تغییرات اقلیمی منجر به آسیب قابل توجه و زیان‌های به‌طور فزاینده غیرقابل بازگشتی در زیست‌بوم‌ها، از جمله از بین رفتن گونه‌ها (ی جانوری) و تنوع زیستی شده است.

۷۸. هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی معین کرده است که تقریباً ۳.۳ تا ۳.۶ میلیارد نفر به شدت در برابر تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر هستند و با اطمینان بسیار بالا نتیجه گرفته است که در تمام مناطق، افزایش در رویدادهای گرمای شدید، منجر به تلفات و بیماری در انسان شده است و شیوع بیماری‌های مرتبط با اقلیم افزایش یافته است. علاوه بر این، افزایش رویدادهای شدید آب و هوایی و اقلیمی میلیون‌ها نفر را در معرض ناامنی غذایی حاد و کاهش امنیت آبی قرار داده است. معیشت افراد از طریق تخریب خانه‌ها و زیرساخت‌ها، و از بین رفتن اموال، درآمد و سلامت انسان تحت تأثیر قرار گرفته است.

۷۹. دیوان همچنین خاطرنشان می‌کند که طبق یافته‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی: «فعالیت‌های انسانی عمدتاً از طریق انتشار گازهای گلخانه‌ای، به‌طور غیرقابل انکاری باعث گرمایش جهانی شده‌اند، به‌طوری که دمای سطح جهانی در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۰ به ۱.۱ درجه سانتی‌گراد بالاتر از ۱۸۵۰-۱۹۰۰ رسیده است. با سهمیه‌ای نابرابر تاریخی و جاری ناشی از استفاده ناپایدار از انرژی، کاربری زمین و تغییر کاربری زمین، سبک‌های زندگی و الگوهای مصرف و تولید در مناطق مختلف، بین و درون کشورها و در میان افراد انتشار جهانی گازهای گلخانه‌ای همچنان رو به افزایش بوده است».^{۵۶}

۸۰. به‌طور خاص‌تر، هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی تأکید کرده است که دمای سطح جهانی از ۱۹۷۰ سریع‌تر از هر دوره ۵۰ ساله دیگری در طول حداقل ۲۰۰۰ سال گذشته افزایش یافته است، که افزایش غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو/اتمسفر از حدود ۱۷۵۰ به‌طور غیرقابل انکاری ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای با منشأ انسانی بوده است (با اطمینان بالا بیان می‌کند که حدود ۴۲ درصد از این انتشار انباشته شده بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ رخ داده است) و اینکه غلظت سه گاز گلخانه‌ای اصلی (دی‌اکسید کربن (CO₂)، متان (CH₄) و اکسید نیتروژن (N₂O)) اکنون بیشتر از هر زمان دیگری در حداقل ۸۰۰,۰۰۰ سال گذشته است (اطمینان بسیار بالا). همچنین خاطرنشان کرده است که میانگین انتشار سالانه گازهای گلخانه‌ای در طول سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۹ بالاتر از هر دهه قبلی ثبت شده بوده است و کاهش انتشار (گازهای گلخانه‌ای) کمتر از افزایش انتشار (گازهای گلخانه‌ای) ناشی از سطوح فزاینده فعالیت جهانی بوده است. هیئت همچنین تأکید کرد که سهمیه تاریخی

55. IPCC, 2023, Summary for Policymakers, Climate Change 2023: Synthesis Report, Contribution of Working Groups I, II and III to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change (hereinafter "IPCC, 2023 Summary for Policymakers"), p. 5, Statements A.2-A.2.1).

56. IPCC, 2023 Summary for Policymakers, p. 4, Statement A.1.

انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌طور قابل‌توجهی در مناطق مختلف متفاوت است و این تفاوت‌ها امروز نیز باقی است، به نحوی که دولت‌های کمتر توسعه‌یافته و دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه، در انتشار گازهای گلخانه‌ای سرانه بسیار پایین‌تری نسبت به میانگین جهانی دارند.^{۵۷} کارگروه سوم هیئت به‌طور خاص در مورد انتشار گاز دی‌اکسیدکربن گزارش داده است که «سه منطقه در حال توسعه در مجموع ۲۸٪ سهم در انتشار انباشته‌شده دی‌اکسیدکربن ناشی از سوخت‌های فسیلی و فعالیت‌های صنعتی بین سال‌های ۲۰۱۹-۱۸۵۰ داشته‌اند، در حالی که دولت‌های توسعه‌یافته ۵۷٪ و دولت‌های کمتر توسعه‌یافته ۰۴٪ سهم داشته‌اند».^{۵۸}

۸۱. هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، گازهای گلخانه‌ای را به‌صورت زیر تعریف می‌کند:

«ترکیبات گازی جو/اتمسفر، چه طبیعی و چه انسان‌ساخت، که در طول موج‌های خاصی از طیف تابش ساطع‌شده توسط سطح زمین، خود جو/اتمسفر و ابرها، تابش را جذب و منتشر می‌کنند. این خاصیت باعث اثر گلخانه‌ای می‌شود».^{۵۹}

مطابق یافته‌های این هیئت، بخار آب (H_2O)، دی‌اکسیدکربن (CO_2)، اکسید نیتروژن (N_2O)، متان (CH_4) و اوزن (O_3) گازهای گلخانه‌ای اصلی در جو/اتمسفر زمین هستند. گازهای گلخانه‌ای که منحصراً توسط فعالیت‌های انسانی تولید می‌شوند، شامل هگزا فلئورید گوگرد (SF_6)، هیدروفلئوروکربن‌ها ($HFCs$)، کلروفلئوروکربن‌ها ($CFCs$) و پرفلوئوروکربن‌ها ($PFCs$) هستند. چندین مورد از این گازها نیز کاهنده لایه اوزون هستند. ترکیب‌های مختلفی از گازها از فعالیت‌های مختلف منتشر می‌شوند. هیئت می‌افزاید که بزرگ‌ترین منبع دی‌اکسیدکربن، احتراق سوخت‌های فسیلی در سیستم‌های تبدیل انرژی مانند دیگ‌های بخار در نیروگاه‌های برق، موتورهای هواپیماها و اتومبیل‌ها و در پخت و پز و سیستم‌های گرمایش در خانه‌ها و کسب و کارها است (تقریباً ۶۴ درصد از انتشار را به خود اختصاص داده است). همچنین هیئت متذکر می‌شود که سوخت‌های فسیلی منبع عمده گاز متان، دومین عامل بزرگ گرمایش جهانی هستند. در نهایت، این هیئت بیان می‌کند که در حالی که بیشتر گازهای گلخانه‌ای از احتراق/سوزاندن سوخت‌های فسیلی می‌آیند، حدود یک چهارم از فعالیت‌های مرتبط با زمین مانند کشاورزی (عمدتاً نیتروژن و متان) و جنگل‌زدایی (عمدتاً دی‌اکسیدکربن) است، با انتشارات مازاد ناشی از فرآیندهای صنعتی (عمدتاً دی‌اکسیدکربن، نیتروژن و گازهای فلئوردار) و نیز پسماند شهری و فاضلاب (عمدتاً متان).^{۶۰}

57. IPCC, 2023 Summary for Policymakers, pp. 4-5, subsection A.1.

58. IPCC, 2022, Climate Change 2022: Mitigation of Climate Change, Contribution of Working Group III to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change (hereinafter "IPCC, 2022 contribution of Working Group III"), p. 218).

59. IPCC 2023 Glossary, p. 124.

60. IPCC, 2022 contribution of Working Group III, p. 194.

۸۲. علاوه بر این، طبق اذعان هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، «در سناریوها و مسیرهای مدل‌سازی‌شده مورد بررسی، تداوم انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر به افزایش گرمایش جهانی خواهد شد و با بهترین تخمین، رسیدن به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد در کوتاه‌مدت [یعنی ۲۰۲۱-۲۰۴۰] رقم خواهد خورد. هر میزان افزایش گرمایش جهانی، چندین خطر همزمان را تشدید خواهد کرد... کاهش عمیق، سریع و پایدار انتشار گازهای گلخانه‌ای، منجر به کاهش قابل تشخیص در گرمایش جهانی طی حدود دو دهه، و همچنین تغییرات قابل تشخیص در ترکیبات جو طی چند سال خواهد شد».^{۶۱}

۸۳. هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی همچنین با اطمینان بسیار بالا نتیجه گرفته است که خطرات و تأثیرات زیانبار پیش‌بینی شده و زیان و آسیب مرتبط ناشی از تغییرات اقلیمی با هر میزان افزایش در گرمایش جهانی تشدید خواهد شد. هیئت افزود که این خطرات، تأثیرات زیانبار پیش‌بینی‌شده و زیان و خسارت مرتبط برای گرمایش جهانی ۱.۵ درجه سانتی‌گراد بالاتر از وضعیت کنونی و حتی بالاتر در دو درجه سانتی‌گراد، وخیم‌تر هستند.^{۶۲} در واقع در ۲۰۱۸ هیئت با اطمینان بالا نتیجه گرفت که «گرمایش ۱.۵ درجه سانتی‌گراد برای اکثر ملت‌ها، جوامع، زیست‌بوم‌ها و بخش‌ها «ایمن» تلقی نمی‌شود و خطرات قابل توجهی را برای سیستم‌های طبیعی و انسانی ایجاد می‌کند».^{۶۳}

۸۴. همان‌طور که در فوق ذکر شد،^{۶۴} دولت‌ها در طول سال‌ها اسنادی را به منظور حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی تصویب کرده‌اند. آن‌ها به‌ویژه متعهد شده‌اند که اقداماتی را برای کاهش و تسهیل سازگاری مکفی با تغییرات اقلیمی انجام دهند.^{۶۵}

۸۵. هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، تعدیل را به‌عنوان «مداخله انسانی برای کاهش انتشار [گازهای گلخانه‌ای] یا تقویت چاهک‌های گازهای گلخانه‌ای» تعریف می‌کند.^{۶۶} تعدیل شامل هر دو مورد کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از طریق اقداماتی مانند گذر از سوخت‌های فسیلی و بهبود بهره‌وری انرژی، و تقویت چاهک‌ها از طریق اقداماتی مانند جنگل‌کاری مجدد و کاهش جنگل‌زدایی است. هیئت توضیح می‌دهد که گرمایش جهانی احتمالاً قبل از ۲۰۴۰ حتی ذیل سناریوی انتشار

61. IPCC, 2023 Summary for Policymakers, p. 12, Statement B.1.

62. IPCC, 2023 Summary for Policymakers, p. 15, Statement B.2.2.

63. IPCC, 2018, Global Warming of 1.5°C: an IPCC special report on the impacts of global warming of 1.5°C above pre-industrial levels and related global greenhouse gas emission pathways, in the context of strengthening the global response to the threat of climate change, sustainable development, and efforts to eradicate poverty, Chap. 5, p. 447.

64. See paragraphs 51-70.

65. See, for example, UNFCCC, Article 4.

66. IPCC 2023 Glossary, p. 126.

گازهای گلخانه‌ای بسیار پایین به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. بهترین تخمین برای گرمایش جهانی تا ۲۰۸۱-۲۱۰۰ از ۱.۴ درجه سانتی‌گراد برای سناریوی انتشار گازهای گلخانه‌ای بسیار پایین تا ۴.۴ درجه سانتی‌گراد برای سناریوی انتشار گازهای گلخانه‌ای بسیار بالا متغیر است.^{۶۷}

۸۶. هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، سازگاری را به‌عنوان «فرآیند تطبیق با اقلیم واقعی یا مورد انتظار و اثرات آن به منظور کاهش آسیب یا بهره‌برداری از فرصت‌های مفید» تعریف می‌کند.^{۶۸} هیئت در ۲۰۲۳ خاطرنشان کرد که گزینه‌های سازگاری وجود دارند که در کاهش خطرات اقلیمی در زمینه‌های خاص، مانند بازسازی زیست‌بوم‌ها، ایجاد سیستم‌های هشدار اولیه و زیرساخت‌های تقویت‌کننده تاب‌آوری مؤثر هستند.^{۶۹}

۸۷. هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی خاطرنشان می‌کند که اقدامات سازگاری هنوز کافی نیستند؛ محدودیت‌های سازگاری در برخی زیست‌بوم‌ها و مناطق به دست آمده است و ناسازگاری (یا سازگاری غلط/سوءسازگاری)^{۷۰} یعنی اقداماتی که ممکن است منجر به افزایش خطرات پیامدهای زیانبار مرتبط با اقلیم، افزایش آسیب‌پذیری در برابر تغییرات اقلیمی، پیامدهای غیرمنصفانه یا کاهش رفاه در اکنون یا در آینده شود در برخی بخش‌ها و مناطق در حال وقوع است. این هیئت افزود که جریان‌های مالی جهانی فعلی برای سازگاری مکفی نیستند و اجرایی‌سازی گزینه‌های سازگاری را به‌ویژه در دولت‌های در حال توسعه، محدود می‌کنند.^{۷۱} هیئت همچنین در ادامه متذکر می‌شود که گزینه‌های سازگاری که امروز امکان‌پذیر و مؤثر هستند، با افزایش گرمایش جهانی محدودتر و کم‌اثرتر خواهند شد. همچنین (هیئت) افزود که زیان و خسارت افزایش خواهد یافت و سیستم‌های انسانی و طبیعی بیشتری به دایره محدودیت‌های سازگاری خواهند رسید (با اطمینان بالا به این یافته رسیده است).^{۷۲} مطابق یافته‌های هیئت، تغییرات اقلیمی، تهدیدی برای بهزیستی انسانی و سلامت سیاره‌ای است و «پنجره فرصتی که برای تأمین آینده‌ای قابل زیست و پایدار برای همه به سرعت در حال بسته شدن است» وجود دارد (با اطمینان بسیار بالا به این نتیجه رسیده است). هیئت افزود که انتخاب‌ها و اقداماتی که بین سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۳۰ اجرا می‌شوند، «تأثیراتی برای اکنون و برای هزاران سال خواهند داشت» (با اطمینان بالا به این نتیجه رسیده است).^{۷۳}

67. IPCC, 2023 Summary for Policymakers, p. 12, Statement B.1.1.

68. IPCC 2023 Glossary, p. 120.

69. IPCC, Climate Change 2023: Synthesis Report, pp. 55-56, section 2.2.3.

70. Maladaptation

71. IPCC, 2023 Summary for Policymakers, pp. 8-9, subsection A.3.

72. Ibid., p. 19, subsection B.4.

73. Ibid., p. 24, Statement C.1.

بخش سوم. گستره موضوعی و معنای پرسش‌های مجمع عمومی

۸۸. دیوان اکنون به گستره موضوعی و معنای دو پرسش مطرح‌شده توسط مجمع عمومی می‌پردازد و یادآوری می‌کند که آن‌ها به شرح ذیل صورت‌بندی شده‌اند:

«با عنایت ویژه به منشور سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، موافقت‌نامه پاریس، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا، وظیفه و تکلیف دائر بر مراقبت مقتضی، حقوق به رسمیت شناخته‌شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصل پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست و وظیفه دائر بر محافظت و صیانت از محیط‌زیست دریایی،

(الف) تعهدات دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل برای تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت برای دولت‌ها و برای نسل‌های کنونی و آینده چیست؟

(ب) پیامدهای حقوقی ذیل این تعهدات برای دولت‌ها در شرایطی که آن‌ها از طریق فعل‌ها و ترک فعل‌های خود، زیان قابل توجهی به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست وارد کرده‌اند، با توجه به موارد زیر چیست:

(یک) دولت‌ها از جمله، و به‌ویژه دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه که به دلیل شرایط جغرافیایی و سطح توسعه خود، زیان دیده یا به‌طور خاص تحت تأثیر اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی قرار گرفته‌اند یا به‌طور خاص در برابر آن‌ها آسیب‌پذیر هستند.

(دو) مردمان و افراد نسل‌های فعلی و آینده که تحت تأثیر اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی قرار گرفته‌اند.

۸۹. همان‌طور که دیوان پیش‌تر بیان کرده است، اختیار دارد به منظور صدور نظر مشورتی به تفسیر پرسش‌های مطرح‌شده نزد آن بپردازد.^{۷۴} این به عهده دیوان است که «مناسب‌بودن تدوین پرسش‌ها را ارزیابی و سنجش کند».^{۷۵} اگر پرسش‌های مطرح‌شده نزد دیوان، مبهم یا مجمل باشند، ممکن است دیوان قبل از ارائه نظر مشورتی، آن‌ها را شفاف‌سازی کند.^{۷۶}

۹۰. در این مورد، دیوان معتقد است که تغییر صورت‌بندی پرسش‌هایی که نزد آن ثبت شده است، ضرورت ندارد.

74. Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Advisory Opinion of 19 July 2024, para. 49.

75. Ibid.

76. Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 between the WHO and Egypt, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1980, p. 87, para. 35.

۹۱. حتی در مواردی که صورت‌بندی مجدد پرسش‌های مطرح‌شده نزد دیوان ضرورت ندارد، دیوان ملحوظ می‌دارد که می‌تواند «در هر جا که شفاف‌سازی لازم باشد، پرسش‌های مطرح‌شده نزد خود را تفسیر کند».^{۷۷} در این خصوص ممکن است دیوان «در صورت لزوم، گستره و معنای پرسش‌های مطرح‌شده از خود را تعیین کند».^{۷۸}

۹۲. در رابطه با این موضوع، از آنجا که دیدگاه‌های متفاوت در مورد گستره و معنای پرسش‌ها ابراز شده است، دیوان پرسش‌های مطرح‌شده از خود را بررسی خواهد کرد تا معنا و گستره دقیق واژه‌ها و عبارات به‌کاررفته در آن‌ها را مشخص کند.

الف. گستره موضوعی درخواست مجمع عمومی

۹۳. دیوان می‌بایست گستره (موضوعی)، سرزمینی و زمانی بررسی‌هایش را در جهت تدوین و آماده‌سازی پاسخ خود به پرسش‌ها صورت‌بندی کند.^{۷۹}

۹۴. در رابطه با گستره موضوعی، دیوان متذکر می‌شود که پرسش (الف) مجمع عمومی از دیوان می‌خواهد که تعهدات حقوقی دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل را برای «تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت» بیان کند. پرسش (ب) از دیوان می‌خواهد که به پیامدهای حقوقی ذیل این تعهدات برای فعل‌ها و ترک فعل‌های دولت‌ها در شرایطی که آن‌ها زیان قابل‌توجهی به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست وارد کرده‌اند، بپردازد. از نظر دیوان، این دو پرسش با یکدیگر مرتبط هستند و از دیوان می‌خواهند که تعهدات دولت‌ها در رابطه با فعالیت‌هایی که بر سیستم اقلیمی تأثیر زیانباری می‌گذارند، و همچنین پیامدهای حقوقی ناشی از نقض این تعهدات را شناسایی و تعیین کند. در این رابطه، دیوان همچنین معتقد است که رفتار مربوطه برای اهداف این رسیدگی مشورتی محدود به رفتاری نیست که خود مستقیماً منجر به انتشار گازهای گلخانه‌ای شود، بلکه شامل تمام فعل‌ها یا ترک فعل‌های دولت‌ها است که منجر به تأثیری زیانبار بر سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست از طریق انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت می‌شود. دیوان معتقد است که گستره موضوعی تحقیق و بررسی‌هایش، طیف کاملی از فعالیت‌های انسانی از جمله فعالیت‌های مرتبط با مصرف و تولید را که از طریق انتشار گازهای گلخانه‌ای در تغییرات اقلیمی نقش دارند، در بر می‌گیرد. پاسخ اکثر مشارکت‌کنندگان به پرسش یکی از اعضای دیوان درباره «تعهدات خاص دولت‌ها در چارچوب

77. Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Advisory Opinion of 19 July 2024, para. 29.

78. Ibid., para 49.

79. Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Advisory Opinion of 19 July 2024, para. 284.

حقوق بین‌الملل در رابطه با سوخت‌های فسیلی تولیدشده در حوزه صلاحیتی آن‌ها» نیز همین تفسیر را تأیید می‌کند. این مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که تعهدات مربوط به حفاظت از سیستم اقلیمی منحصر بر عهده مصرف‌کنندگان و کاربران نهایی نیست، بلکه شامل فعالیت‌هایی مانند تولیدات جاری، صدور مجوز و حمایت مالی (دولتی) از سوخت‌های فسیلی نیز می‌شود.

۹۵. نتیجه‌گیری دیوان در مورد رفتار مربوطه‌ای که در گستره موضوعی پرسش‌ها قرار می‌گیرد، با استفاده از اصطلاحات سیستم اقلیمی و تغییرات اقلیمی در درخواست مجمع عمومی بیشتر تأیید می‌شود. همان‌طور که دیوان در بالا متذکر شده است،^{۸۰} سیستم اقلیمی که هدف تعهداتی است که باید توسط دیوان شناسایی و تعیین شوند و تغییرات اقلیمی نیز در گزارش‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی که در درخواست (مجمع عمومی) به آن‌ها نیز ارجاع داده شده است به‌صورت گسترده تعریف شده‌اند.^{۸۱} بنابراین، تحقیق و بررسی دیوان (در راستای پاسخ به پرسش‌ها) باید دارای گستره موضوعی گسترده‌ای باشد که شامل تعهدات دولت‌ها در مورد تمام فعل‌ها یا ترک فعل‌های دولت‌ها و کنشگران غیردولتی داخل در حوزه صلاحیتی یا تحت کنترل مؤثر آن‌ها است که منجر به تأثیر زیانبار بر سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست از طریق انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت می‌شود. به نظر دیوان، چنین گستره موضوعی گسترده‌ای به‌ویژه در هنگام پرداختن به مسائل حقوقی مربوط به مشکلی با مقیاس تغییرات اقلیمی مناسب است؛ مشکلی که مجمع عمومی آن را به‌عنوان نگرانی/دغدغه مشترک بشریت^{۸۲} و چالش بی‌سابقه با ابعاد تمدنی^{۸۳} توصیف کرده است.

۹۶. در خصوص گستره سرزمینی درخواست، از نتیجه‌گیری‌های دیوان در مورد گستره موضوعی پرسش‌های مطرح‌شده این نتیجه حاصل می‌شود که مجمع عمومی قصد نداشته است هیچ محدودیت سرزمینی بر تحقیق و بررسی‌های دیوان (در راستای پاسخ به پرسش‌ها) تحمیل کند. ارجاعات در مقدمه درخواست به حفاظت/از اقلیم جهانی، دیوان را به این نتیجه می‌رساند که از آن خواسته شده است که پاسخ خود را نه در مورد یک قلمرو یا منطقه خاص، بلکه به‌صورت جهانی تدوین کند، به‌ویژه از آنجا که انتشار گازهای گلخانه‌ای «به‌طور غیرقابل انکاری ناشی از [...] فعالیت‌های انسانی‌ای» هستند^{۸۴} که از لحاظ سرزمینی محدود نیستند. این امر باید از طریق تعیین تعهدات همه دولت‌ها در مورد حفاظت از سیستم اقلیمی به‌طور کلی، و همچنین تعیین پیامدهای حقوقی برای همه دولت‌هایی که در پایبندی به این تعهدات کوتاهی می‌کنند، انجام شود.

۹۷. در رابطه با گستره زمانی درخواست، دیوان اظهار می‌دارد که نظرات متفاوتی توسط

80. See paragraphs 74-76.

81. See General Assembly resolution 77/276, ninth preambular paragraph.

82. See General Assembly resolution 43/53, 6 December 1988.

83. See General Assembly resolution 77/276.

84. IPCC, Climate Change 2023: Synthesis Report, p. 42, section 2.1.

مشارکت‌کنندگان در ارتباط با هر دو پرسش ارائه شده است. مشارکت‌کنندگان متذکر شدند که مسئله زمانی (هم) مربوط به پرسش (الف) است، به این دلیل که مربوط به منصه ظهوررساندن^{۸۵} و شناسایی تعهدات برای دولت‌ها در مورد حفاظت از سیستم اقلیمی در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت است، و هم مربوط به پرسش (ب) است زیرا (تحقق) مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مستلزم تعیین این است که آیا در هنگام وقوع رفتار ادعا شده که منجر به نقض تعهد بین‌المللی شده، آن تعهد برای دولت لازم/اجرا بوده است یا خیر.^{۸۶} ممکن است تعیین اینکه تعهدات عرفی چه زمانی پدید آمده‌اند، یا تعهدات معاهداتی چه زمانی لازم‌الاجرا شده‌اند، تحت تأثیر سایر قواعد حقوقی و مسائل واقعی^{۸۷} قرار گیرد، مانند اصل عدم عطف به ماسبق مندرج در ماده ۲۸ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات در مورد تعهدات معاهداتی، پدیدارشدن قواعد مربوط به حقوق بین‌الملل عرفی، و مسائلی در رابطه با درک علمی مکفی از علل تغییرات اقلیمی و اثرات نامطلوب آن در مورد تعهدات (دولت‌ها) به موجب حقوق بین‌الملل عمومی. دیوان متذکر می‌شود که در حالی که این مسائل زمانی ممکن است به‌ویژه برای ارزیابی عینی و موردی از مسئولیت دولت‌ها برای نقض تعهدات مربوط به حفاظت از سیستم اقلیمی مرتبط باشند، نظر مشورتی حاضر، مربوط به استناد و تعیین مسئولیت فردی یا گروهی دولت‌ها نیست^{۸۸} بلکه تعهدات حقوقی همه دولت‌ها ذیل پرسش (الف) را در نظر می‌گیرد و نظام حقوقی مربوطه قابل اعمال برای پیامدهای حقوقی ناشی از آن تعهدات حقوقی را در پاسخ به پرسش (ب) شناسایی و تعیین می‌کند.

ب. معنا و گستره موضوعی پرسش (الف)

۹۸. اکنون دیوان به گستره پرسش (الف) پرداخته و متذکر می‌شود که از آن خواسته شده است که «تعهدات دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل برای تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست» را شناسایی و تعیین کند. به نظر دیوان، ارجاع بدون قید و شرط به تعهدات به موجب حقوق بین‌الملل، دلالت بر قصد مجمع عمومی برای کسب نظر دیوان در مورد تعهدات بر عهده دولت‌ها به موجب کل مجموعه حقوق بین‌الملل است و نه اینکه مجمع، قصدی دائر بر محدودکردن پاسخ دیوان به منبع یا حوزه خاصی از حقوق بین‌الملل داشته است. بر این اساس، به عهده دیوان است که «حقوقی را که بر وضعیت واقعی ارجاع شده به آن توسط مجمع عمومی در

85. Crystallization

86. International Law Commission (hereinafter "ILC"), Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Yearbook of the International Law Commission, 2001, Vol. II, Part Two (hereinafter "Articles on State Responsibility"), Article 13.

87. Factual Questions

88. See further consideration below at paragraphs 423-424.

درخواست نظر مشورتی خود اعمال می‌شود، تبیین کند»^{۸۹} و تمام قواعد موجود حقوق بین‌الملل را در نظر بگیرد تا حقوق قابل اعمال مربوطه را شناسایی و تعیین کند.^{۹۰}

۹۹. تفسیر فوق از گستره پرسش اول توسط بخش مقدماتی پرسش‌ها تأیید می‌شود، که از دیوان می‌خواهد هنگام تدوین پاسخ خود، توجه ویژه به برخی اسناد حقوقی و قواعد و اصول حقوق بین‌الملل داشته باشد. این اسناد حقوقی، قواعد و اصول، حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل را پوشش می‌دهند و در منابع مختلف یافت می‌شوند. بنابراین، دیوان می‌بایست در مورد مجموعه‌ای از تعهدات حقوقی دولت‌ها برای حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت اظهار نظر کند.

۱۰۰. دیوان بیان می‌دارد که پاسخ آن به پرسش (الف)، به شناسایی تعهدات موجود دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل برای تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، و در نتیجه، روشن ساختن محتوای این تعهدات و شفاف‌سازی رابطه بین تعهدات ناشی از منابع مختلف حقوق بین‌الملل محدود می‌شود. این محدودیت برای کارکرد قضایی دیوان، امری ذاتی است زیرا «دیوان به‌عنوان محکمه قضایی، باید بر مبنای حقوق موجود (و نه حقوقی که باید در آینده وجود داشته باشد)^{۹۱} رأی صادر کند و نمی‌تواند قانون را پیش از آنکه قانونگذار آن را وضع کند، پیش‌بینی کرده و به آن استناد کند».^{۹۲}

ج. معنا و گستره موضوعی پرسش (ب)

۱۰۱. اکنون دیوان به پرسش (ب) می‌پردازد و معتقد است که معنا و گستره پرسش مزبور بر تفسیر این اصطلاحات استوار است: *ذیل این تعهدات، پیامدهای حقوقی، پیامدهای حقوقی برای دولت‌ها و با توجه به دولتهایی که به‌طور ویژه تحت تأثیر قرار گرفته‌اند و پیامدهای حقوقی با توجه به مردمان و افراد.*

۱. ذیل این تعهدات

۱۰۲. در آغاز، دیوان اظهار می‌دارد که پرسش (ب) با پرسش (الف) مرتبط است. در حالی که در پرسش اول مجمع عمومی از دیوان در مورد «تعهدات دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل برای

89. Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 129, para. 137.

90. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996 (I), p. 239, para. 23.

91. sub specie legis ferendae

92. Fisheries Jurisdiction (United Kingdom v. Iceland), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1974, pp. 23-24, para. 53.

تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست» می‌پرسد، پرسش دوم به تعهدات برشمرده شده در پرسش (الف) ارجاع می‌دهد و به‌طور خاص در مورد پیامدهای حقوقی ذیل/این تعهدات برای دولت‌ها (تأکید اضافه شده است) سؤال می‌کند.

۱۰۳. دیوان معتقد است که استفاده از عبارت ذیل/این تعهدات به این معنی است که پیامدهای حقوقی که باید توسط دیوان تعیین شوند، آن‌هایی هستند که از تعهدات مختلف به موجب حقوق بین‌الملل ناشی می‌شوند و از دیوان خواسته شده است تا آن‌ها را ذیل پرسش (الف) شناسایی و تعیین کند.

۲. پیامدهای حقوقی

۱۰۴. در رابطه با اصطلاح پیامدهای حقوقی مندرج در پرسش (ب)، دیوان بیان می‌کند که به‌طور کلی پیامدهای حقوقی از طریق اعمال قواعد ثانویه حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی شناسایی و بررسی می‌شوند.^{۹۳} در فرآیند رسیدگی حاضر، برخی از مشارکت‌کنندگان استدلال کردند که پرسش (ب) از دیوان می‌خواهد تا پیامدهای حقوقی ناشی از نه‌تنها اعمال متخلفانه بین‌المللی، بلکه اعمالی را که توسط حقوق بین‌الملل ممنوع نشده‌اند در صورتی که چنین اعمالی زیان قابل توجهی به سیستم اقلیمی وارد کرده باشند، تعیین کند.

۱۰۵. به زعم دیوان، هیچ چیز در پرسش مزبور دلالت بر این ندارد که مجمع عمومی قصد داشته است از دیوان بخواهد تا در مورد پیامدهای حقوقی، در صورت وجود، برای آسیب‌های ناشی از اعمالی که توسط حقوق بین‌الملل ممنوع نیستند، نظر دهد. در واقع، ذیل حقوق مسئولیت دولت‌ها، اصطلاح پیامدهای حقوقی به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی وابسته است و از آن نشأت می‌گیرد^{۹۴} و بنابراین درخواست مجمع عمومی از دیوان برای بیان پیامدهای حقوقی ناشی از تعهدات دولت‌ها باید به معنای پیامدهای حقوقی ناشی از نقض تعهدات دولت‌ها که ذیل پرسش (الف) شناسایی و تعیین شده‌اند، درک و فهم شود.

۱۰۶. در این سیاق، دیوان معتقد است که از آن خواسته شده است تا به پیامدهای حقوقی به‌صورت کلی بپردازد و نه اینکه مسئولیت حقوقی دولتی خاص یا گروهی از دولت‌ها را شناسایی و تعیین کند. همچنین باید در این زمینه توجه داشت که مسئولیت فردی دولت‌ها یا گروهی از دولت‌ها نیازمند ارزیابی عینی و موردی است که باید بر اساس هر پرونده جداگانه صورت پذیرد. به زعم دیوان، در رابطه با پرسش (ب)، تنها از وی خواسته شده است تا اولاً چارچوب حقوقی قابل اعمال

93. See paragraph 3 of the general commentary, ILC Articles on State Responsibility, p. 31; see also paragraphs 407-420 below.

94. See ILC Articles on State Responsibility, Article 28.

مسئولیت دولت‌ها را در مورد دولت‌هایی که تعهدات خود در قبال حفاظت از سیستم اقلیمی را نقض کرده‌اند، مشخص و تعیین و ثانیاً پیامدهای حقوقی ناشی از آن را به‌صورت کلی ترسیم کند. در راستای انجام این امر، دیوان در مورد ماهیت هیچ ادعای احتمالی که ممکن است در آینده در رابطه با موضوع فرآیند رسیدگی حاضر نزد دادگاه‌ها یا دیوان‌ها مطرح شود، پیش‌داوری نمی‌کند.

۳. پیامدهای حقوقی برای دولت‌ها و با توجه به دولت‌هایی که به‌طور ویژه تحت تأثیر قرار گرفته‌اند یا به‌طور مشخص آسیب‌پذیر هستند

۱۰۷. قسمت یک از پرسش (ب) از دیوان می‌خواهد که در مورد پیامدهای حقوقی ذیل تعهدات شناسایی‌شده نظر دهد:

«برای دولت‌ها در شرایطی که آن‌ها از طریق فعل‌ها و ترک فعل‌های خود، زیان قابل‌توجهی به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست وارد کرده‌اند، با توجه به [...] دولت‌ها از جمله دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه که به دلیل شرایط جغرافیایی و سطح توسعه خود آسیب دیده‌اند یا به‌طور ویژه تحت تأثیر قرار گرفته‌اند یا به‌طور مشخص در برابر اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر هستند».

۱۰۸. اصطلاح برای دولت‌ها در این زمینه به دولت‌هایی اشاره دارد که با فعل‌ها یا ترک فعل‌های خود ممکن است تأثیر زیانباری بر سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست از طریق انتشار گازهای گلخانه‌ای گذاشته باشند. اگرچه برخی از مشارکت‌کنندگان در این فرآیند رسیدگی اظهار داشتند که دیوان ممکن است نقض‌های خاصی از تعهدات توسط دولت خاص یا گروهی از دولت‌ها را شناسایی و تعیین کند، دیوان خاطرنشان ساخت که از وی خواسته نشده تا مسئولیت هیچ دولت یا گروهی از دولت‌ها را به موجب حقوق بین‌الملل، به‌طور کلی یا در هر مورد خاصی تعیین کند. ممکن است چنین امری دربردارنده مسائل پیچیده‌ای از جمله در خصوص رابطه سببیت و تخصیص مسئولیت برای آسیب باشد و تنها می‌تواند از طریق ارزیابی عینی و موردی صورت پذیرد که فراتر از قلمرو این فرآیند رسیدگی است.

۱۰۹. در خصوص پیامدهای حقوقی ناظر بر گروه‌های خاصی از دولت‌ها که به‌طور ویژه متأثر یا به‌طور مشخص آسیب‌پذیر هستند، دیوان خاطرنشان می‌کند که اعمال قواعد عرفی مسئولیت دولت‌ها، بر اساس طبقه یا وضعیت دولت زیان‌دیده تغییر نمی‌یابد. بنابراین، دولت‌های به‌طور ویژه متأثر یا به‌طور مشخص آسیب‌پذیر، در اصل، مستحق همان راهکارهای جبرانی هستند که سایر دولت‌های زیان‌دیده از آن برخوردارند. علاوه بر این، از آنجا که در این فرآیند رسیدگی از دیوان خواسته نشده تا دولت‌های خاصی را که ممکن است تعهدات مربوطه خود را نقض کرده باشند،

شناسایی و تعیین کند، این نتیجه حاصل می‌شود که همچنین از دیوان خواسته نشده تا هیچ پیامد حقوقی خاصی را با توجه به دولت‌های آسیب‌دیده خاص یا گروه‌هایی از دولت‌ها تعیین کند.

۱۱۰. با این حال، دیوان تصدیق می‌کند که برخی از دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه، به دلیل شرایط جغرافیایی و سطح توسعه خود، با سطوح بیشتری از آسیب‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی روبه‌رو بوده‌اند و احتمالاً روبه‌رو خواهند شد. همان‌طور که توسط هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی توضیح داده شده است، مناطقی که به‌طور نامتناسبی و بیش از حد در معرض آسیب‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی قرار دارند، شامل زیست‌بوم‌های قطب شمال و مناطق خشک، و همچنین دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه و دولت‌های کمتر توسعه‌یافته هستند.^{۹۵} وضعیت منحصر به فرد دولت‌های جزیره‌ای و دولت‌های ساحلی هم‌سطح/زیرسطح دریا مورد توجه بسیاری از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. آن‌ها نگرانی‌هایی را در مورد مسائل مربوط به بالا آمدن سطح دریا مطرح کردند که باعث عقب‌نشینی سواحل چنین دولت‌هایی شده و در نتیجه به‌طور بالقوه بر حدود بیرونی مناطق دریایی آن‌ها تأثیر می‌گذارد یا حتی اساس و بنیان وجودی آن‌ها را تهدید می‌کند. با این حال، به نظر دیوان، این مسائل در گستره و حدود پرسش (ب) قرار نمی‌گیرند، بلکه تابع قواعد اولیه مربوطه حقوق بین‌الملل، به‌ویژه قواعد مربوط به مناطق دریایی و دولت‌بودگی و ذی‌حق‌بودگی هستند. بر این اساس، به این مسائل در بررسی‌های دیوان نسبت به تعهدات دولت‌ها ذیل پرسش (الف) پرداخته خواهد شد.^{۹۶}

۴. پیامدهای حقوقی در رابطه با مردمان و افراد

۱۱۱. دیوان اظهار می‌دارد که قسمت دو از پرسش (ب) در رابطه با پیامدهای حقوقی «با توجه به [...] مردمان و افراد نسل‌های کنونی و آینده که تحت تأثیر اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی قرار گرفته‌اند» سؤال می‌کند. به اعتقاد دیوان، اینکه آیا افراد، حق استناد به مسئولیت حقوقی دولت‌ها، یا طرح ادعا در شرایط خاص آسیب‌دیدگی یا زیان ناشی از تغییرات اقلیمی را دارند یا خیر، به تعهدات اولیه دولت‌ها بستگی دارد.^{۹۷} دیوان در این رابطه خاطرنشان می‌کند که برخی از معاهدات، کنشگران دیگری بجز دولت‌ها، مانند افراد یا سایر کنشگران خصوصی را قادر می‌کنند تا ادعاهایی را علیه دولت‌ها در سطح بین‌المللی مطرح کنند. بنابراین، اینکه آیا افراد، حق استناد به مسئولیت دولت برای عدم رعایت تعهدات شناسایی ده ذیل پرسش (الف) را دارند یا خیر، نه به قواعد عمومی مسئولیت دولت‌ها، بلکه به معاهدات خاص و سایر اسناد حقوقی که حقوق و تعهدات رویه‌ای (شکلی)

95. IPCC, Climate Change 2023: Synthesis Report, p. 71, section 3.1.2.

96. See Part IV.E below

97. See Article 33, paragraph 4 of the commentary, ILC Articles on State Responsibility, p. 95.

و ماهوی حاکم بر رابطه بین دولتها و افراد مربوطه را ایجاد و تنظیم می‌کند، بستگی دارد.

بخش چهارم. پرسش (الف) مطرح شده نزد دیوان: تعهدات دولتها در خصوص تغییرات اقلیمی

۱۱۲. پس از تعریف گستره و معنای پرسش‌های مجمع عمومی، دیوان اکنون به پرسش (الف) می‌پردازد. دیوان با مطمح نظر قرارداد حق قابل اعمال برای پرسش (الف) آغاز خواهد کرد (بخش الف). سپس قبل از تجزیه و تحلیل تعهدات دولتها به موجب حقوق بین‌الملل عرفی (بخش ج)، تعهدات دولتها وفق چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی (بخش ب) را بررسی خواهد کرد. پس از آن، دیوان تعهدات دولتها See Article 33, paragraph 1. بر اساس سایر معاهدات محیط‌زیستی بین‌المللی مرتبط (بخش د)، حقوق دریا (بخش هـ)، و حقوق بین‌الملل بشر (بخش و) را ارزیابی خواهد کرد.

الف. حقوق قابل اعمال

۱۱۳. مجمع عمومی در درخواست خود، از دیوان دعوت می‌کند تا توجه ویژه‌ای به موارد زیر داشته باشد:

«منشور سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، موافقت‌نامه پاریس، کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص حقوق دریاها، وظیفه و تکلیف دائر بر مراقبت مقتضی، حقوق به رسمیت شناخته شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصل پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست و وظیفه و تکلیف دائر بر حفاظت و صیانت از محیط‌زیست دریایی».

۱۱۴. همان طور که در بالا ذکر شد،^{۹۸} عبارت توجه ویژه به، در حالی که بر طیف گسترده‌ای از قواعد و اصول حقوقی بین‌المللی دلالت دارد که به طور بالقوه مرتبط هستند، به این معنی نیست که مجمع عمومی از دیوان می‌خواهد تا به هر قاعده حقوق بین‌الملل، از جمله تعهدات مندرج در آنها در مورد تغییرات اقلیمی بپردازد. بنابراین به عهده دیوان است که «مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال حاکم بر پرسش(هایی) که با آن مواجه شده است» را شناسایی و تعیین کند.^{۹۹} دیوان ابتدا

98. See paragraph 99.

99. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996 (I), p. 243, para. 34.

آن قواعدی را که مستقیم‌ترین ارتباط را دارند، شناسایی کرده^{۱۰۰} و پس از آن تعیین خواهد کرد که آیا هر یک از آن قواعد به موجب اصل تفسیری حقوق خاص کنار گذاشته می‌شوند یا خیر.^{۱۰۱}

۱. منشور سازمان ملل متحد

۱۱۵. منشور سازمان ملل متحد، ستون و پایه^{۱۰۲} حقوق بین‌الملل معاصر است. اهداف آن شامل دستیابی به همکاری بین‌المللی در حل مشکلات بین‌المللی با ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه است (ماده ۱). تغییرات اقلیمی مشکل جهانی است که در تمام این زمینه‌ها و سایر حوزه‌های مورد توجه سازمان ملل متحد بروز و ظهور می‌یابد. منشور همچنین تصریح می‌کند که دولت‌های عضو، از جمله هنگام پرداختن به مشکلاتی مانند تغییرات اقلیمی که دغدغه مشترک بشریت هستند، می‌بایست مطابق با اصول خاصی عمل کنند (ماده ۲). این اصول شامل اجرای توأم با حسن نیت تعهدات پذیرفته‌شده توسط دولت‌ها به موجب منشور است. بر این اساس، منشور ملل متحد، بخشی از مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال مرتبط را تشکیل می‌دهد.

۲. معاهدات تغییرات اقلیمی

۱۱۶. کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس، اصلی‌ترین اسناد حقوقی تنظیم‌کننده پاسخ بین‌المللی به مشکل جهانی تغییرات اقلیمی هستند.

۱۱۷. کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، غایت بنیادی و هماهنگ‌کننده برای اسناد حقوقی مرتبط در خصوص تغییرات اقلیمی محسوب می‌شود. «هدف نهایی آن [...] و (هدف) هر سند حقوقی مرتبطی [...] دستیابی به تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو، در سطحی است که از دخالت‌های خطرناک انسانی در سیستم اقلیمی جلوگیری کند» (ماده ۲).

۱۱۸. پروتکل کیوتو مصوب ۱۹۹۷ سند حقوقی مرتبط در معنای ماده ۲ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی است. این پروتکل، هدف و مقصود کنوانسیون مزبور را از طریق در نظر گرفتن تعهدات کمی محدودسازی و کاهش/انتشار دنبال می‌کند که دستیابی به آن‌ها باید توسط دولت‌های خاصی (که در ضمیمه B فهرست شده‌اند) در طول برهه‌های زمانی تعهد مشخص شده دنبال شود (ماده ۳). اعضای آن در مورد دو برهه زمانی تعهد (۲۰۰۸-۲۰۱۲ و ۲۰۱۳-۲۰۲۰) توافق کرده‌اند. هیچ برهه زمانی تعهد دیگری توسط اعضا پس از ۲۰۲۰ مورد توافق قرار نگرفته است.

100. See subsections 1-7, paragraphs 115-161, below.

101. See subsection 8, paragraphs 162-171, below.

102. Pillar

۱۱۹. موافقت‌نامه پاریس در ۲۰۱۵ توسط کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، در بیست‌ویکمین نشست خود در راستای دستیابی به هدف این کنوانسیون (بند سوم مقدمه) تصویب شد. بنابراین، موافقت‌نامه پاریس نیز سند حقوقی مرتبط با کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی است. طبق ماده ۲ موافقت‌نامه پاریس «این سند» قصد دارد که پاسخ جهانی به تهدید تغییرات اقلیمی را از طریق بهبود اجرای کنوانسیون چارچوب (ازجمله دستیابی به هدف آن) تقویت کند. برخلاف پروتکل کیوتو، موافقت‌نامه پاریس شامل تعهدات کمی محدودیت و کاهش انتشار برای دولت‌های خاصی نیست، بلکه مشارکت‌های معین ملی را برای پاسخ جهانی به تغییرات اقلیمی توسط همه دولت‌ها در نظر می‌گیرد (ماده ۳).

۱۲۰. کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس مکمل یکدیگرند. کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی هدف نهایی و همچنین اصول اساسی و تعهدات عمومی دولت‌ها در خصوص تغییرات اقلیمی را تعیین می‌کند، در حالی که پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس به ترتیب این اصول اساسی و تعهدات عمومی را به صورت مجموعه‌ای از تعهدات مرتبط و خاص‌تر درمی‌آورند که هر یک بیانگر رویکرد عملی گسترده از جامعه دولت‌های طرف نسبت به معضل تغییرات اقلیمی است. دیوان بر این باور است که فقدان توافق بر سر یک دوره تعهداتی دیگر ذیل پروتکل کیوتو، پس از تصویب موافقت‌نامه پاریس، به منزله خاتمه‌یافتن پروتکل کیوتو نیست. بنابراین، پروتکل کیوتو همچنان بخشی از حقوق قابل اعمال باقی می‌ماند. دیوان در ادامه به این مسئله و به رابطه بین سه معاهده تغییرات اقلیمی به‌طور کلی‌تر باز خواهد گشت.^{۱۰۳}

۱۲۱. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که سه معاهده تغییرات اقلیمی، یعنی کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس، بخشی از مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال مرتبط را تشکیل می‌دهند.

۳. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا

۱۲۲. درخواست مجمع عمومی، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا را در زمره منابعی قرار می‌دهد که از دیوان خواسته شده به آن‌ها توجه ویژه داشته باشد.

۱۲۳. دیوان خاطرنشان می‌کند که دادگاه بین‌المللی حقوق دریا نظر مشورتی خود در خصوص تغییرات اقلیمی و حقوق بین‌الملل را در ۲۱ مه ۲۰۲۴ صادر کرد^{۱۰۴} که به رابطه بین کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا و تغییرات اقلیمی می‌پردازد. دادگاه در آن نظر مشورتی تأیید

103. See paragraphs 187-195.

104. Request for Advisory Opinion submitted by the Commission of Small Island States on Climate Change and International Law; hereinafter “Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024”.

کرد که بسیاری از مفاد کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها، حاوی تعهدات دولت‌ها در خصوص تغییرات اقلیمی هستند.^{۱۰۵}

۱۲۴. به زعم دیوان، کنوانسیون حقوق دریا نیز بخشی از مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال مرتبط را تشکیل می‌دهد.

۴. سایر معاهدات زیست‌محیطی

۱۲۵. دیوان همچنین می‌بایست تعیین کند که کدامیک از معاهدات زیست‌محیطی دیگر، بخشی از مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال مرتبط را تشکیل می‌دهند. چندین معاهده در طول فرآیند رسیدگی به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفتند و در بخش مقدماتی پرسش‌های مطرح‌شده توسط مجمع عمومی نیز به آن‌ها اشاره شده است. اولین آن‌ها معاهدات لایه اوزون، یعنی کنوانسیون لایه اوزون و پروتکل مونترال هستند. سایر معاهداتی که به آن‌ها اشاره شده است، کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی هستند.

۱۲۶. معاهدات لایه اوزون ناظر بر معضلی با دغدغه مشترک هستند که به تغییرات اقلیمی مرتبط است: حفاظت از جو در برابر تخریب توسط برخی از مواد انسان‌ساخت. اگرچه موضوع و هدف اصلی این معاهدات، حفاظت از سلامت انسان و محیط‌زیست است، ارتباط نزدیکی با مسئله تغییرات اقلیمی دارند، بخصوص اصلاحیه کیگالی پروتکل مونترال که در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۶ تصویب شد.^{۱۰۶}

۱۲۷. ماده ۲ کنوانسیون تنوع زیستی، تنوع زیستی را نه تنها شامل تنوع در میان موجودات زنده / از همه منابع، بلکه مجموعه‌های زیست‌بومی^{۱۰۷} که آن‌ها بخشی از آن هستند، به معنای زیست‌بوم‌های آن‌ها تعریف می‌کند. دیوان معتقد است که در موارد خاص، اقدامات مرتبط با حفاظت از زیست‌بوم می‌توانند به‌طور همزمان به‌عنوان اقدامات تعدیلی یا سازگاری با تغییرات اقلیمی عمل کنند.

۱۲۸. مقدمه کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی، به کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی اشاره کرده و تأکید می‌کند که مقابله با بیابان‌زایی، قابلیت کمک به دولت‌ها در دستیابی به هدف کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی را دارد. ماده ۸ این کنوانسیون به تعامل آن با کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی و کنوانسیون تنوع زیستی می‌پردازد.

۱۲۹. با توجه به ارتباط نزدیک آن‌ها با مسئله تغییرات اقلیمی و رابطه تکمیلی این اسناد، دیوان معتقد است که معاهدات لایه اوزون، کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی، بخشی از مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال مرتبط را تشکیل می‌دهند.

105. See paragraphs 337-338 below.

106. See paragraph 324 below.

107. Ecology Complexes

۱۳۰. دیوان آگاه است که معاهدات دیگری نیز وجود دارند که مرتبط با تلاش‌های جامعه بین‌المللی دولت‌ها برای پرداختن به مشکل جهانی تغییرات اقلیمی هستند. چنین معاهداتی برای بخش‌های خاص یا در چارچوب‌های منطقه‌ای منعقد شده‌اند، و همچنین مربوط به مسائل عمومی مانند دسترسی به اطلاعات و مشارکت عمومی هستند. با این حال، دیوان خود را به بررسی مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال مرتبط در خصوص تغییرات اقلیمی محدود می‌کند.^{۱۰۸}

۵. حقوق بین‌الملل عرفی

۱۳۱. دیوان اکنون به بررسی ارتباط و قابلیت اعمال حقوق بین‌الملل عرفی می‌پردازد. در زمینه تغییرات اقلیمی، (الف) وظیفه پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست، و همچنین (ب) وظیفه همکاری برای حفاظت از محیط‌زیست، نیازمند توجه ویژه هستند.

الف. وظیفه پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست

۱۳۲. مشارکت‌کنندگان عموماً موافق‌اند که دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل عرفی وظیفه دارند تا از ورود آسیب قابل توجه به محیط‌زیست پیشگیری کنند. در واقع، دیوان به رسمیت شناخته است که «یک دولت [...] موظف است تمام ابزارهای موجود در اختیار خود را به کار گیرد تا از فعالیت‌هایی که در قلمرو سرزمینی آن یا در هر منطقه‌ای تحت صلاحیت آن رخ داده و موجب ورود خسارت قابل توجهی به محیط‌زیست دولت دیگری می‌شود، جلوگیری کند».^{۱۰۹}

۱۳۳. در مورد قابلیت اعمال وظیفه پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست در سیاق تغییرات اقلیمی، مشارکت‌کنندگان دو موضع را ابراز داشتند. اکثر مشارکت‌کنندگان تأیید کردند که این وظیفه نسبت به تغییرات اقلیمی قابل اعمال است، و به‌ویژه بر ماهیت عمومی اصل عدم ایراد زیان^{۱۱۰} که دیوان وظیفه پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست را از آن استنتاج کرده است تکیه کردند.^{۱۱۱} سایر مشارکت‌کنندگان استدلال کردند که این وظیفه در زمینه تغییرات اقلیمی اعمال نمی‌شود. آن‌ها، ازجمله اظهار داشتند که همان طور که دیوان در گذشته به آن پرداخته است، این وظیفه محدود به موارد زیان مستقیم فرامرزی است و اینکه تغییرات اقلیمی فرآیندی است که به دلیل ماهیت تجمعی و جهانی خود، از فرآیندهای خاص‌تر که منجر به زیان فرامرزی می‌شوند، متمایز است.

108. See paragraph 114 above.

109. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 56, para. 101.

110. No Harm Principle

111. See Corfu Channel (United Kingdom v. Albania), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1949, p. 22.

۱۳۴. دیوان در نظر مشورتی خود در خصوص قانونی بودن تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای،^{۱۱۲} به رسمیت شناخت که:

«وجود تعهد عمومی دولت‌ها برای تضمین اینکه فعالیت‌های داخل در حوزه صلاحیت و تحت کنترل آن‌ها به محیط‌زیست سایر دولت‌ها یا مناطق فراتر از کنترل ملی احترام می‌گذارند، اکنون بخشی از مجموعه حقوق بین‌الملل مربوط به محیط‌زیست است».^{۱۱۳}

این رویه قضایی تأیید می‌کند که وظیفه پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست، محدود به موارد زیان مستقیم فرامرزی نبوده و نسبت به نگرانی‌های زیست‌محیطی جهانی اعمال می‌شود. بنابراین، وظیفه عرفی دائر بر پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست در خصوص سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست نیز اعمال می‌شود.

۱۳۵. وظیفه پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست، تعهد به عمل توأم با مراقبت مقتضی است.^{۱۱۴} همان طور که دیوان تأیید کرده است، اگرچه تعهد به پیشگیری، «تعهد رفتاری است نه تعهد به نتیجه، به این معنی که یک دولت نمی‌تواند متعهد به موفقیت در پیشگیری از ایراد زیان، صرف‌نظر از شرایط باشد»، در عوض «دولت‌ها متعهدند که تمام ابزارهای معقول موجود در اختیار خود را به کار گیرند، به طوری که تا حد امکان از ایراد زیان پیشگیری کنند».^{۱۱۵}

۱۳۶. اقدام مورد نیاز توأم با مراقبت مقتضی چندین مؤلفه و عنصر دارد. این عناصر شامل اتخاذ اقدامات مناسب و در صورت لزوم، اقدامات احتیاطی توسط دولت‌ها، به بهترین شکل توانایی خود است که اطلاعات علمی و فناوری، و همچنین قواعد و استانداردهای بین‌المللی مرتبط را در نظر می‌گیرند، و بسته به قابلیت‌های متناسب هر دولت متفاوت است. سایر عناصر اقدام مورد نیاز شامل انجام ارزیابی‌های ریسک و اطلاع‌رسانی و مشورت با سایر دولت‌ها در صورت لزوم است. دیوان به طور خاص‌تر در زیر به این عناصر خواهد پرداخت.^{۱۱۶}

۱۳۷. تعیین آنچه بر اساس انجام مراقبت مقتضی مورد نیاز است، در نهایت مستلزم ارزیابی عینی و موردی از آنچه است که تحت شرایط خاصی که یک دولت در آن قرار دارد، معقول باشد.^{۱۱۷} این امر، تعیین استاندارد/معیار رفتاری مورد نیاز در سطح کلان را که به ماهیت کلی خطر متوجه بخش مربوطه از محیط‌زیست بستگی دارد منتفی نمی‌کند. این موضوع، به ویژه در رابطه با تغییرات

112. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons

113. I.C.J. Reports 1996 (I), pp. 241-242, para. 29.

114. See Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), pp. 55-56, para. 101, and p. 79, para. 197.

115. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, I.C.J. Reports 2007 (I), p. 221, para. 430.

116. See paragraphs 280-300.

117. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro Judgment, I.C.J. Reports 2007 (I), p. 221, para. 430.

اقلیمی مناسب است زیرا ویژگی خاص خطر ایراد زیان قابل توجه به سیستم اقلیمی به‌طور غیرقابل انکاری ثابت شده است. بهترین یافته‌های علمی موجود، همان طور که توسط هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی ارائه شده است، تأیید می‌کنند که انتشار تجمعی گازهای گلخانه‌ای، منبع اصلی خطرات ناشی از تغییرات اقلیمی با منشأ انسانی است.^{۱۱۸} تمام دولت‌ها هرچند که میزان مشارکت آن‌ها به‌طور قابل توجهی متفاوت است در ایجاد این خطر سهیم هستند و تمام دولت‌ها تحت تأثیر اثرات تجمعی انتشار گازهای گلخانه‌ای، بسته به موقعیت‌های مربوطه خود قرار می‌گیرند. بنابراین، تغییرات اقلیمی خطر ذاتاً جهانی را برای همه دولت‌ها ایجاد می‌کند. این خطر دارای ماهیت عمومی و فوری بوده و نیازمند تعیین استاندارد رفتاری عمومی متناظر است که باید با رعایت اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط اعمال شود.

۱۳۸. وفق این اوضاع و احوال و شرایط، دیوان تصدیق می‌کند که استاندارد مراقبت مقتضی برای پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به سیستم اقلیمی، *سختگیرانه* است.^{۱۱۹} علاوه بر این، همان طور که دیوان توضیح داده است، مراقبت مقتضی «نه تنها مستلزم تصویب قواعد و اقدامات متناسب است، بلکه سطح خاصی از هوشیاری در اجرای آن‌ها و اعمال کنترل اداری را نیز در بر می‌گیرد.^{۱۲۰} در خصوص تغییرات اقلیمی، درجه بالاتری از هوشیاری و پیشگیری مورد نیاز است.

۱۳۹. دیوان نتیجه می‌گیرد که وظیفه دولت‌ها برای پیشگیری از ایراد زیان زیست‌محیطی قابل توجه، در سیاق تغییرات اقلیمی اعمال می‌شود و این وظیفه، بخشی از مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال مرتبط را تشکیل می‌دهد.

ب. وظیفه همکاری برای حفاظت از محیط زیست

۱۴۰. وظیفه همکاری در قانون منشور سازمان ملل متحد جای دارد. ماده ۱ منشور، دولت‌ها را «برای دستیابی به همکاری بین‌المللی در حل مشکلات بین‌المللی با ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه» متعهد می‌کند. این تعهد در «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها مطابق با منشور سازمان ملل متحد»^{۱۲۱} (از این پس: اعلامیه روابط دوستانه) شرح داده شده است. دیوان ملحوظ داشته است که «تصویب اعلامیه روابط دوستانه توسط دولت‌ها نشان‌دهنده اعتقاد حقوقی^{۱۲۲} آن‌ها نسبت به عرفی بودن مفاد آن است. این نگرش

118. See paragraphs 72-87 above.

119. See Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, pp. 91-92, para. 241, pp. 92-93, para. 243, p. 94, para. 248, pp. 137-138, paras. 398-400, and pp. 152-158, para. 441.

120. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 79, para. 197.

121. General Assembly resolution 2625 (XXV) of 24 October 1970.

122. *Opinio Juris*

در مورد وظیفه همکاری نیز صدق می‌کند زیرا چنین وظیفه‌ای در بسیاری از اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور مرتبط با محیط‌زیست بیان شده است. همان طور که در ادامه مورد بحث قرار گرفته است،^{۱۲۳} وظیفه همکاری، تعهد محوری به موجب معاهدات تغییرات اقلیمی و سایر معاهدات زیست‌محیطی است. مثال‌های دیگر شامل اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم و اصل ۷ اعلامیه ریو درباره محیط‌زیست و توسعه است که هر دو، همکاری را به‌عنوان عنصر حیاتی در حفاظت از محیط‌زیست به رسمیت می‌شناسند. با توجه به رویه مرتبط دولت‌ها، دیوان معتقد است که وظیفه دولت‌ها دائر بر همکاری برای حفاظت از محیط‌زیست، قاعده‌ای است که ماهیت عرفی آن تثبیت شده است.^{۱۲۴}

۱۴۱. این وظیفه همکاری ذاتاً با وظیفه پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست مرتبط است زیرا ممکن است تلاش‌های انفرادی انسجام‌نیافته دولت‌ها منجر به نتیجه معناداری نشود. همچنین از این اصل استنباط می‌شود که حفظ و مدیریت منابع مشترک و محیط‌زیست بر اساس منافع مشترک بوده و اصل حسن‌نیت بر آن حاکم است.^{۱۲۵}

۱۴۲. بنا به دلایل فوق، دیوان معتقد است که وظیفه همکاری برای حفاظت از محیط‌زیست، بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است و می‌تواند به‌عنوان اصل راهنما برای تفسیر سایر قواعد نیز عمل کند. این وظیفه، بخشی از مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال مرتبط را تشکیل می‌دهد.

۶. حقوق بین‌الملل بشر

۱۴۳. مشارکت‌کنندگان دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص قابلیت اعمال و ارتباط حقوق بین‌الملل بشر برای پرسش‌های مطرح‌شده ابراز کردند. بنابراین، دیوان می‌بایست تعیین کند که آیا حقوق بین‌الملل بشر، بخشی از مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال مرتبط را تشکیل می‌دهد یا خیر.

۱۴۴. حفاظت از محیط‌زیست و حفاظت از حقوق بشر، حداقل از زمان اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم، به‌طور کلی وابسته به یکدیگر شناخته شده‌اند.^{۱۲۶} مقدمه موافقت‌نامه پاریس از دولت‌ها می‌خواهد تا «هنگام اقدام برای مقابله با تغییرات اقلیمی، [...] تعهدات خود را در مورد حقوق بشر در نظر بگیرند». دادگاه‌های حقوق بشر منطقه‌ای نیز رابطه متقابل بین تعهدات حقوق بشری و قواعد حفاظت از محیط‌زیست طبیعی را به رسمیت شناخته‌اند.^{۱۲۷}

123. See paragraphs 214-218 and 260-267.

124. See Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 110, para. 296; MOX Plant (Ireland v. United Kingdom), Provisional Measures, Order of 3 December 2001, ITLOS Reports 2001, p. 110, para. 82.

125. See Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I. C.J. Reports 1996 (I), p. 264, para. 102; Nuclear Tests (Australia v. France), Judgment, I.C.J. Reports 1974, p. 268, para. 46.

126. See paragraphs 51-52 above and paragraph 388 below.

127. See African Court on Human and Peoples' Rights, La LIDHO, Le MIDH, La FIDH & others v. Republic of Côte d'Ivoire, application 041/2016, judgment of 5 September 2023, paras. 175-186; European Court of Human Rights, Verein KlimaSeniorinnen Schweiz and Others v. Switzerland, Grand Chamber,

۱۴۵. در پرتو آنچه در فوق تبیین شد، دیوان ملحوظ می‌دارد که معاهدات اصلی حقوق بشر، ازجمله میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق بشری که به موجب حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت شناخته شده‌اند، بخشی از مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال مرتبط را تشکیل می‌دهند.

۷. سایر اصول

۱۴۶. دیوان همچنین می‌بایست تعیین کند که آیا برخی از اصول دیگر (حقوقی) بخشی از حقوق قابل اعمال برای اهداف نظر مشورتی حاضر هستند یا خیر. مشارکت‌کنندگان به‌طور متفاوتی اظهار نمودند که دیوان باید به اصول توسعه پایدار، مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، انصاف، عدالت میان‌نسلی، رویکرد یا اصل احتیاطی، و اصل آلوده‌کننده-پروا/دخت‌کننده بپردازد. بیشتر این اصول در کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی به‌عنوان راهنما برای تفسیر و اجرای کنوانسیون و اسناد مرتبط با آن‌ها مورد اشاره قرار گرفته‌اند (مقدمه و ماده ۳).

الف. توسعه پایدار

۱۴۷. اصل توسعه پایدار مربوط به «نیاز به سازش میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست» است.^{۱۲۸} معاهدات تغییرات اقلیمی، توسعه پایدار را به‌عنوان اصل توصیف می‌کنند که اعضا در اقدامات خود برای دستیابی به هدف کنوانسیون و اجرای مفاد آن می‌بایست توسط آن رهنمون شوند.^{۱۲۹} این اصل، به‌طور مستقل از معاهدات نیز توسعه یافته است. برای مثال، این اصل، نقش برجسته‌ای در اعلامیه ریو ایفا می‌کند^{۱۳۰} و اهداف توسعه پایدار است که در ۲۰۱۵ به تصویب مجمع عمومی رسید، بر همین اصل متمرکز است.^{۱۳۱} با در نظر گرفتن به‌سمیت شناخته شدن جهانی مستمر و بی‌چون و چرای اصل توسعه پایدار، دیوان معتقد است که این اصل، تفسیر برخی از معاهدات و تعیین قواعد حقوق بین‌الملل عرفی ازجمله وظیفه پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست و وظیفه همکاری برای حفاظت از محیط‌زیست را رهنمون می‌کند.

judgment of 9 April 2024, application No. 53600/20, paras. 436 and 542; Inter-American Court of Human Rights, Case of La Oroya Population v. Peru, Preliminary Objections, Merits, Reparations and Costs, Judgment of 27 November 2023, Series C No. 511, p. 54, para. 143), as have United Nations treaty bodies (see e.g. Daniel Billy and others v. Australia (Torres Strait Islanders Petition), 21 July 2022, UN doc. CCPR/C/135/D/3624/2019).

128. Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, I.C.J. Reports 1997, p. 78, para. 140.

129. UNFCCC, Article 3, paragraph 4; Kyoto Protocol, Article 2, paragraph 1; and Paris Agreement, Article 2, paragraph 1.

130. Principles 1, 4, 5, 7, 8, 9, 12, 20, 21, 22, 24 and 27.

131. General Assembly resolution 70/1 of 25 September 2015.

ب. مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط

۱۴۸. اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، اصل رهنمون‌ساز محوری برای اجرای معاهدات تغییرات اقلیمی است.^{۱۳۲} به نظر دیوان، اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، بازتاب‌دهنده ضرورت توزیع عادلانه بار تعهدات مربوط به تغییرات اقلیمی است، با در نظر گرفتن از جمله، سهم تاریخی و کنونی دولت‌ها در انتشار تجمعی گازهای گلخانه‌ای و ظرفیت‌های کنونی متفاوت و شرایط ملی آن‌ها از جمله توسعه اقتصادی و اجتماعی‌شان. بنابراین، اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، از یک سو مسئولیت تاریخی برخی دولت‌ها را به رسمیت می‌شناسد، و از سوی دیگر این واقعیت را که اقدامات قابل انتظار از همه دولت‌ها در قبال مقابله با تغییرات اقلیمی یکسان نیست، تأیید می‌کند.

۱۴۹. اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، توسط دولت‌ها در پرتو یافته‌های علمی پیرامون تغییرات اقلیمی تأیید شده است. هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی در اولین گزارش ارزیابی خود در ۱۹۹۰ این موضوع را به رسمیت شناخت که «بخش عمده‌ای از انتشاراتی که در حال حاضر بر جو تأثیر می‌گذارند، از دولت‌های صنعتی سرچشمه می‌گیرد». این یافته در ۱۹۹۲ در مقدمه کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی تأیید شد، که بیان می‌دارد: «با خاطرنشان کردن اینکه بزرگ‌ترین سهم تاریخی انتشارات جهانی و کنونی گازهای گلخانه‌ای از دولت‌های توسعه‌یافته سرچشمه گرفته و انتشارات سرانه در دولت‌های در حال توسعه هنوز نسبتاً پایین است و اینکه سهم انتشارات جهانی که از دولت‌های در حال توسعه سرچشمه می‌گیرد، به دلیل محقق کردن نیازهای اجتماعی و توسعه آن‌ها رشد خواهد کرد».^{۱۳۳}

اخیراً هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی دریافته است که تا ۲۰۱۹ تقریباً ۵۸ درصد از کل میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، از آغاز صنعتی‌شدن قبل از ۱۹۹۰ منتشر شده است، در حالی که ۴۲ درصد باقی‌مانده از این انتشارات بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ منتشر شده است.^{۱۳۴}

۱۵۰. دیوان بدین ترتیب خاطرنشان می‌کند که در یک سوی این طیف، توسعه‌یافته‌ترین دولت‌ها قرار دارند که سهم عمده‌ای در کل حجم انتشار گازهای گلخانه‌ای از زمان انقلاب صنعتی داشته‌اند و از منابع و توانایی فنی برای اجرای کاهش‌های گسترده انتشار برخوردارند و در سوی دیگر آن، کم‌توسعه‌یافته‌ترین دولت‌ها قرار دارند که سهم ناچیزی در انتشارهای تاریخی داشته‌اند و تنها ظرفیت محدودی برای تحول اقتصاد خود دارند. در میانه این دو، دولت‌هایی هستند که از زمان انعقاد کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی در ۱۹۹۲ پیشرفت قابل توجهی در توسعه خود

^{132.} See UNFCCC, Article 3, paragraph 1; Kyoto Protocol, Article 10; Paris Agreement, Article 2, paragraph 2, and Article 4, paragraph 3.

^{133.} Third preambular paragraph; see also Rio Declaration, Principle 7.

^{134.} IPCC, 2023 Summary for Policymakers, p. 4, Statement A.1.3.

داشته‌اند، که همسو با انتظارات این سند است که «سهم دولت‌های در حال توسعه از انتشارهای جهانی به منظور محقق‌ساختن نیازهای اجتماعی و توسعه‌ای آنان افزایش خواهد یافت»^{۱۳۵} و برخی از آنان در حال حاضر سهم عمده‌ای در انتشار جهانی گازهای گلخانه‌ای دارند و از ظرفیت لازم برای مشارکت در تلاش‌های مؤثر و معنادار تعدیلی و سازگاری برخوردارند، و همچنین دیگر دولت‌هایی که از منابع و توانمندی‌های فنی قابل‌توجهی برای کمک به مقابله با تغییرات اقلیمی جهانی برخوردارند.

۱۵۱. اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، تجلی اصل انصاف است^{۱۳۶} و تفسیر تعهدات به موجب حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را فراتر از بیان صریح آن در معاهدات مختلف رهنمون می‌کند.^{۱۳۷} اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، تعهدات جدیدی را ایجاد نمی‌کند اما برای تفسیر معاهدات و تعیین قواعد حقوق عرفی مربوط به محیط‌زیست مرتبط است.

ج. انصاف

۱۵۲. بسیاری از مشارکت‌کنندگان به (اصل) انصاف اشاره کرده و برداشت‌های متفاوتی از این مفهوم را ترسیم کردند. در قضیه فلات قاره (اختلاف میان تونس/جمهوری عربی لیبی)^{۱۳۸} که در آن، موافقت‌نامه ویژه راجع به مرزبندی دریایی از دیوان درخواست کرده بود تا اصول منصفانه را در نظر بگیرد، دیوان تأیید کرد که «انصاف به‌عنوان مفهوم حقوقی، تجلی مستقیمی از ایده عدالت است» و «مفهوم حقوقی عدالت، اصل عمومی است که مستقیماً به‌عنوان حقوق قابل اعمال است».^{۱۳۹} در عین حال، دیوان ملحوظ داشت که «اعمال اصول منصفانه باید از تصمیم مبتنی بر صلاح و صواب‌دید»^{۱۴۰} [که این امکان را فراهم می‌آورد تا محاکم در اتخاذ تصمیم به قواعدی که خارج از چارچوب‌های حقوقی هستند رجوع کنند] متمایز دانسته شود» و خاطرنشان کرد که هنگام اعمال حقوق بین‌الملل موضوعه،^{۱۴۱} دیوان می‌تواند در میان چندین تفسیر ممکن از حقوق (موجود)، تفسیری را انتخاب کند که در پرتو شرایط پرونده، به الزامات عدالت، نزدیک‌تر به نظر می‌رسد.^{۱۴۲}

۱۵۳. عملکرد انصاف به‌عنوان اصل حقوقی، جایگزین کردن حقوق (موجود) یا فراتر رفتن از

135. UNFCCC, third preambular paragraph

136. See paragraphs 152-154 below.

137. See paragraphs 290-292 below; Rio Declaration, Principle 7.

138. The Continental Shelf (Tunisia/Libyan Arab Jamahiriya) Case

139. Judgment, I.C.J. Reports 1982, p. 60, para. 71 (the Continental Shelf Case).

140. *ex aequo et bono*

141. Positive International Law

142. Judgment, I.C.J. Reports 1982, p. 60, para. 71 (the Continental Shelf Case).

محدودیت‌های آن^{۱۴۳} نیست، بلکه استنباط راه‌حل منصفانه متناسب از حقوق قابل اعمال^{۱۴۴} است. به‌عنوان مثال، همان‌طور که دیوان در قضیه صلاحیت ماهی‌گیری^{۱۴۵} اظهار نمود، در سیاق اختلاف ذیل حقوق دریاها:

«مسئله، یافتن صرفاً راه‌حل منصفانه نیست، بلکه راه‌حل منصفانه مستنبط‌شده از حقوق قابل اعمال است. همان‌طور که دیوان در قضایای فلات قاره دریای شمال^{۱۴۶} بیان کرد: ... مسئله اعمال انصاف، صرفاً مسئله عدالت انتزاعی نیست، بلکه مسئله اعمال یک قاعده حقوقی است که خود مستلزم اعمال اصول منصفانه است».^{۱۴۷، ۱۴۸}

۱۵۴. انصاف در این مفهوم در بسیاری از معاهدات مورد اشاره واقع شده است و دیوان نیز در چندین مورد ملاحظات مبتنی بر انصاف را ملحوظ داشته است.^{۱۴۹} در این راستا انصاف همان عملکرد را در زمینه تعهدات دولت‌ها در خصوص تغییرات اقلیمی از جمله تعهدات مندرج در کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و موافقت‌نامه پاریس دارد.

د. عدالت میان‌نسلی

۱۵۵. بسیاری از مشارکت‌کنندگان به عدالت میان‌نسلی نیز استناد کردند. علی‌رغم اینکه مشارکت‌کنندگان، درک‌های متفاوتی از این مفهوم ابراز کردند، ارتباط آن برای تعهدات مرتبط با تغییرات اقلیمی غیرقابل انکار است. بند ۱ ماده ۳ در کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی تصریح می‌کند که «اعضا می‌بایست بر پایه انصاف، سیستم اقلیمی را به نفع نسل‌های کنونی و آینده بشریت محافظت کنند». به نوبه خود، مقدمه موافقت‌نامه پاریس بیان می‌کند که از آنجا که «تغییرات اقلیمی دغدغه مشترک بشریت است، اعضا می‌بایست هنگام اقدام برای مقابله با تغییرات اقلیمی، تعهدات خود در خصوص [...] عدالت میان‌نسلی را رعایت و آن را ترویج کنند و

143. equity contra legem and extra legem

144. equity infra legem

145. The Fisheries Jurisdiction (United Kingdom v. Iceland) case

146. The North Sea Continental Shelf cases

147. I.C.J. Reports 1969, p. 47, para. 85.

148. Fisheries Jurisdiction (United Kingdom v. Iceland), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1974, p. 33, para. 78; see also Frontier Dispute (Burkina Faso/Republic of Mali), Judgment, I.C.J. Reports 1986, p. 633, para. 149.

149. See e.g. Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta), Judgment, I.C.J. Reports 1985, p. 51, para. 71; Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua intervening), Judgment, I.C.J. Reports 1992, p. 514, para. 262; Ahmadou Sadio Diallo (Republic of Guinea v. Democratic Republic of the Congo), Compensation, Judgment, I.C.J. Reports 2012 (I), p. 337, para. 33; Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua), Compensation, Judgment, I.C.J. Reports 2018 (I), p. 27, para. 35; Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Reparations, Judgment, I.C.J. Reports 2022 (I), p. 52, paras. 106-107.

در نظر بگیرند».

این موارد و سایر مفاد، به رسمیت شناخته شدن این مهم توسط دیوان را بازتاب می‌دهند که «محیط‌زیست، انتزاع نیست، بلکه نمایانگر فضای زندگی، کیفیت زندگی و سلامت خود انسان‌ها، از جمله نسل‌های متولد نشده است».^{۱۵۰}

۱۵۶. عدالت میان‌نسلی بیانگر این ایده است که نسل‌های کنونی امانت‌دار بشریت هستند که وظیفه حفظ شرایط زندگی شرافتمندانه و انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده را بر عهده دارند. هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی با اظهار نظر زیر، تأکید کرده است که پیامدهای گرمایش جهانی نسل‌های پیاپی را تحت تأثیر قرار خواهد داد:

«تداوم انتشار بر تمام اجزای اصلی سیستم اقلیمی تأثیر بیشتری خواهد گذاشت و بسیاری از تغییرات در مقیاس‌های زمانی قرن‌ها تا هزاره‌ها غیرقابل بازگشت خواهند بود و با افزایش گرمایش جهانی بیشتر خواهند شد. بدون اقدامات فوری، مؤثر و منصفانه تعدیلی و سازگاری، تغییرات اقلیمی به‌طور فزاینده‌ای زیست‌بوم‌ها، تنوع زیستی و معیشت، سلامت و رفاه نسل‌های کنونی و آینده را تهدید می‌کند (این یافته با اطمینان خاطر زیاد مطرح شده است)».^{۱۵۱}

۱۵۷. به زعم دیوان، عدالت میان‌نسلی تجلی (اصل) انصاف در معنای عمومی است و بنابراین اهمیت حقوقی آن را به‌عنوان راهنما برای تفسیر قواعد قابل اعمال به اشتراک می‌گذارد. بر این اساس، ملاحظات عدالت میان‌نسلی باید نقش انصاف به مثابه قاعده حقوقی^{۱۵۲} را ایفا کنند، بدون اینکه جایگزین یا فراتر از محدودیت‌های حقوق قابل اعمال شوند. توجه لازم نسبت به منافع نسل‌های آینده و پیامدهای بلندمدت اقدامات، ملاحظات مبتنی بر انصاف هستند که، در جایی که دولت‌ها در انجام تعهدات خود به موجب معاهدات مربوطه و حقوق بین‌الملل عرفی، سیاست‌ها و اقدامات را می‌سنجند، در مورد آن‌ها تصمیم می‌گیرند و آن‌ها را اجرا می‌کنند، می‌بایست در نظر گرفته شوند.

هـ رویکرد یا اصل احتیاطی

۱۵۸. بسیاری از مشارکت‌کنندگان این پرسش را مطرح کردند که آیا دولت‌ها ملزم به اعمال احتیاط در سیاست‌ها و اقدامات خود در خصوص تغییرات اقلیمی هستند یا خیر. اصل ۱۵ اعلامیه ریو تصریح می‌کند که:

«به منظور حفاظت از محیط‌زیست، رویکرد احتیاطی می‌بایست به‌طور گسترده توسط دولت‌ها

150. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996 (I), p. 241, para. 29.

151. IPCC, 2023 Summary for Policymakers, p. 24, Statement C.1.3.

152. *infra legem*

مطابق با توانمندی‌های آن‌ها اعمال شود. در جایی که تهدید ایراد زیان جدی یا غیرقابل بازگشت وجود دارد، عدم قطعیت علمی کامل نباید به‌عنوان دلیلی برای به‌تعویق انداختن اقدامات مقرون به صرفه برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست استفاده شود».

دیوان خاطرنشان می‌کند که به موجب ماده ۲ و بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، چنین اقداماتی باید ذیل معاهدات مرتبط تغییرات اقلیمی نیز اتخاذ شوند.

و. اصل آلوده‌کننده-پرداخت‌کننده

۱۵۹. برخی از مشارکت‌کنندگان پیشنهاد کردند که اصلی که به‌عنوان آلوده‌کننده-پرداخت‌کننده شناخته می‌شود، بخشی از حقوق قابل اعمال است. این اصل در معاهدات تغییرات اقلیمی ذکر نشده است اما در اصل ۱۶ اعلامیه ریو بیان شده است، که طبق آن:

«مقامات ملی باید تلاش کنند تا درونی‌سازی هزینه‌های زیست‌محیطی و استفاده از ابزارهای اقتصادی را ترویج کنند. این کار باید با در نظر گرفتن این رویکرد انجام شود که آلوده‌کننده، اصولاً باید هزینه آلودگی را بپردازد - البته با توجه کافی به منافع عمومی و بدون ایجاد اختلال در تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی».

۱۶۰. این توصیه توسط دولت‌ها در برخی معاهدات خاص بخش‌محور و انواع مختلفی از قوانین ملی، عمدتاً به شکل مسئولیت سختگیرانه کنشگران خصوصی برای فعالیت‌های خطرناک خاص دنبال شده است. با این حال، این اصل که آلوده‌کننده باید اصولاً هزینه آلودگی را بپردازد در هیچ‌یک از معاهدات تغییرات اقلیمی پیش‌بینی یا منعکس نشده است. همچنین پذیرفته نشده است که این اصل، بدون اینکه در یک معاهده مشخص تصریح شده باشد، مستقیماً در روابط بین دولت‌ها اعمال شود.^{۱۵۳} بر این اساس، دیوان معتقد نیست که اصل آلوده‌کننده-پرداخت‌کننده، بخشی از حقوق قابل اعمال برای اهداف این نظر مشورتی باشد. این امر مانع از این نمی‌شود که اشکالی از مسئولیت سختگیرانه برای اعمال خطرناک و سایر انواع اعمالی که طبق حقوق بین‌الملل متخلفانه نیستند، در حال توسعه باشند.

153. See Case concerning the audit of accounts between the Netherlands and France in application of the Protocol of 25 September 1991 Additional to the Convention for the Protection of the Rhine from Pollution by Chlorides of 3 December 1976, Decision of 12 March 2004, United Nations, Reports of International Arbitral Awards, Vol. XXV, p. 312, paras. 102-103; see also ILC Principles on the allocation of loss in the case of transboundary harm arising out of hazardous activities, Yearbook of the International Law Commission, 2006, Vol. II, Part Two, pp. 74-75, paras. 11-15.

ز. نتیجه‌گیری

۱۶۱. بنا به دلایلی که مطرح شد، دیوان نتیجه می‌گیرد که اصول توسعه پایدار، مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، انصاف، عدالت میان‌نسلی و رویکرد یا اصل احتیاطی به‌عنوان اصول راهنما برای تفسیر و اعمال مستقیم‌ترین قواعد حقوقی مرتبط هستند.

۸. مسئله حقوق خاص

۱۶۲. دیوان اکنون به این مسئله می‌پردازد که آیا هر یک از قواعد شناسایی‌شده در فوق،^{۱۵۴} به موجب اصل تفسیری حقوق خاص مستثنا می‌شوند یا خیر.^{۱۵۵} این مسئله مربوط به رابطه بین معاهدات تغییرات اقلیمی و سایر قواعد حقوق بین‌الملل است.

۱۶۳. اکثر مشارکت‌کنندگان این دیدگاه را ابراز کردند که اگرچه معاهدات تغییرات اقلیمی می‌توانند اسناد اصلی مرتبط با پاسخ به درخواست مجمع عمومی باشند، آن‌ها بخشی از مجموعه گسترده‌تر از قواعد را تشکیل می‌دهند که دیوان باید آن را بررسی کند. مطابق دیدگاه آن مشارکت‌کنندگان، معاهدات تغییرات اقلیمی در رابطه با سایر قواعد مرتبط با تغییرات اقلیمی، حقوق خاص محسوب نمی‌شوند. مشارکت‌کنندگان، از جمله به مقدمه قطعنامه ۷۷/۲۷۶ مجمع عمومی اشاره می‌کنند که به‌وضوح نشان می‌دهد که فهرست اسناد و قواعد مندرج در مقدمه حصری نیست. سایر مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که دیوان می‌بایست منحصراً بر معاهدات تغییرات اقلیمی تمرکز کند که در واقع نسبت به سایر قواعد و اصول، از جمله آن‌هایی که در مقدمه قطعنامه ۷۷/۲۷۶ مجمع عمومی مورد اشاره قرار گرفته‌اند، حقوق خاص محسوب می‌شوند. از دیدگاه آن‌ها، معاهدات تغییرات اقلیمی جایگزین هر قاعده دیگری می‌شوند زیرا آن معاهدات حاصل مصالحه‌های دقیقی هستند که میان مجموعه‌ای از ملاحظات متعارض، تعادل برقرار می‌کنند. مطابق دیدگاه این مشارکت‌کنندگان، معاهدات تغییرات اقلیمی بر هر قاعده دیگری با ماهیت معاهداتی یا عرفی اولویت دارند و نمی‌توانند توسط منابع دیگر حقوق، لغو یا جایگزین شوند.

۱۶۴. هنگام بحث در خصوص این مسئله که آیا معاهدات تغییرات اقلیمی حقوق خاص محسوب می‌شوند یا نه، بسیاری از مشارکت‌کنندگان بر جنبه‌های مرتبط رابطه میان معاهدات تغییرات اقلیمی و سایر قواعد حقوق بین‌الملل نیز تمرکز کردند. در این راستا، مشارکت‌کنندگان مختلفی تأکید کردند که اگرچه معاهدات تغییرات اقلیمی منشأ اصلی تعهدات دولت هستند، تعهدات ناشی از معاهدات تغییرات اقلیمی و تعهدات ناشی از سایر معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی یکدیگر را تکمیل و تقویت می‌کنند. برخی نیز برای تبیین این رابطه به اصول تفسیر هماهنگ و یکپارچگی سیستمی استناد کردند.

154. See subsections 1-7, paragraphs 115-161.

155. See paragraph 114 above.

۱۶۵. دیوان در ابتدا خاطرنشان می‌کند که این اصل به‌طور کلی شناخته‌شده‌ای است که هنگامی که چندین قاعده بر یک موضوع واحد دلالت دارند، آن‌ها تا حد امکان می‌بایست به گونه‌ای تفسیر شوند که منتهی به مجموعه واحدی از تعهدات سازگار شوند.^{۱۵۶}

۱۶۶. اصل حقوق خاص، قاعده تفسیری است که برای تعیین این امر به کار می‌رود که کدام یک از چندین قاعده به‌طور بالقوه قابل اعمال باید بر دیگری تفوق یابد یا اینکه آیا قواعد مزبور به‌طور همزمان قابلیت اجرا دارند یا خیر. به‌طور کلی پذیرفته شده است که در برخی موارد، قاعده خاص یا مجموعه‌ای از قواعد خاص بر قواعد عام‌تر یا کمتر متمرکز اولویت دارند، حال آنکه در موارد دیگر، قاعده خاص باید به منزله شرح و بسط یک یا چند قاعده عام در نظر گرفته شود، که در این مورد اخیر، آن قواعد عام کماکان در پس‌زمینه به نقش تفسیری خود ادامه می‌دهند. اعمال اصل حقوق خاص به شرایط هر پرونده بستگی دارد. در فرآیند رسیدگی حاضر، مواضع مختلف مشارکت‌کنندگان عمدتاً مربوط به این مسئله است که آیا مجموعه قواعد مندرج در معاهدات تغییرات اقلیمی به‌طور کلی بر سایر قواعد حقوق بین‌الملل تفوق و برتری می‌یابند یا خیر.

۱۶۷. کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان کرده است که:

«صرف اینکه دو مقررۀ حقوقی به یک موضوع واحد بپردازند، برای کاربست اصل حقوق خاص کافی نیست؛ (بلکه) باید تعارض واقعی میان آن‌ها، یا قصد آشکار (قصد قابل تشخیص) دائر بر اینکه یک مقررۀ می‌بایست دیگری را مستثنا کند، وجود داشته باشد. بنابراین، این مسئله اساساً مسئله تفسیری است».^{۱۵۷}

۱۶۸. دیوان نمی‌تواند هیچ تعارض واقعی میان مفاد معاهدات تغییرات اقلیمی و سایر قواعد و اصول حقوق بین‌الملل که ممکن است برای پاسخ به پرسش (الف) مرتبط باشند، بیابد. برعکس، مقدمۀ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و مقدمۀ موافقت‌نامه پاریس، خود دربردارندۀ ارجاعاتی به سایر قواعد و اصول هستند. دولت‌های عضو این معاهدات بدین وسیله به رسمیت شناخته‌اند که تغییرات اقلیمی معضلی است که برای حل آن سایر قواعد و اصول نیز نقش دارند.

۱۶۹. دیوان همچنین نمی‌تواند قصد آشکار را از سوی اعضای معاهدات تغییرات اقلیمی برای کنارگذاشتن (مستثناکردن) سایر قواعد یا اصول قابل اعمال شناسایی کند. چنین قصدی را می‌توان از موضوع و هدف یک معاهده استنباط کرد. با این حال، موضوع و هدف معاهدات تغییرات اقلیمی

156. Conclusions of the work of the ILC Study Group on the Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from Diversification and Expansion of International Law, Yearbook of the International Law Commission, 2006, Vol. II, Part Two, Conclusion 4.

157. Article 55, paragraph 4 of the commentary, ILC Articles on State Responsibility, p. 140.

با سایر قواعد یا اصول حقوق بین‌الملل تناقضی ندارد یا نشان نمی‌دهد که این معاهدات به‌طور کلی قصد جایگزینی چنین قواعد یا اصول دیگری را دارند. حتی اگر معاهدات تغییرات اقلیمی اسناد اصلی رسیدگی به معضل جهانی تغییرات اقلیمی باشند، این امر به این معنی نیست که آن‌ها به‌طور کلی سایر قواعد و اصول حقوق بین‌الملل را کنار می‌گذارند (مستثنا می‌کنند).

۱۷۰. به‌طور خاص، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که بر اساس آن بتوان چنین استنباط نمود که معاهدات ناظر بر تغییرات اقلیمی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که همزمان با اعمال، حقوق بین‌الملل عرفی عام یا سایر قواعد معاهداتی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست را کنار گذاشته و نادیده بگیرند. این واقعیت که معاهدات ناظر بر تغییرات اقلیمی با دقت مورد مذاکره قرار گرفته‌اند و نمایانگر مجموعه‌ای هماهنگ از قواعد به‌هم‌پیوسته هستند، به خودی خود، دلیل کافی برای وجود چنین نشانه‌ای محسوب نمی‌شود. دولت‌های عضو معاهدات تغییرات اقلیمی از سیاق هنجاری آن اسناد آگاه بوده‌اند و می‌توانستند قصد احتمالی برای کنارگذاشتن سایر قواعد و اصول را در صورت تمایل ابراز دارند.

۱۷۱. بنا به دلایل فوق، دیوان معتقد است که استدلالی که طبق آن معاهدات تغییرات اقلیمی تنها حقوق قابل اعمال مرتبط را تشکیل می‌دهند، قابل قبول نیست و بیان می‌کند که حقوق خاص، منجر به مستثان‌مودن کلی سایر قواعد حقوق بین‌الملل توسط معاهدات تغییرات اقلیمی نمی‌شود.

۹. نتیجه‌گیری

۱۷۲. بنا به دلایل ارائه‌شده در فوق،^{۱۵۸} دیوان معتقد است که مستقیم‌ترین حقوق قابل اعمال مرتبط شامل منشور سازمان ملل متحد، کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو، موافقت‌نامه پاریس، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاهای، معاهدات لایه اوزون، کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی، وظیفه یا تکلیف عرفی دائر بر پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست، وظیفه یا تکلیف همکاری برای حفاظت از محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل بشر و همچنین اصول راهنمای خاص برای تفسیر قواعد و اصول مختلف قابل اعمال (توسعه پایدار، مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، انصاف، عدالت میان‌نسلی و رویکرد یا اصل احتیاطی) هستند.

۱۷۳. دیوان تأکید می‌کند که این فهرست صرفاً برای تعیین حقوق قابل اعمالی است که مستقیم‌ترین ارتباط را برای پاسخ به پرسش (الف) مطرح‌شده توسط مجمع عمومی دارد. این امر به اعتبار سایر قواعد حقوق بین‌الملل که ممکن است تحت شرایط مختلف مرتبط با حوزه تغییرات

158. See paragraphs 113-171.

اقلیمی باشند، خدش‌های وارد نمی‌کند. ممکن است چنین قواعدی به‌عنوان مثال، در حقوق تجارت بین‌الملل، حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه یافت شوند.

ب. تعهدات دولت‌ها به موجب چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی

۱. مرور کلی معاهدات تغییرات اقلیمی

۱۷۴. دیوان اکنون به تعهدات دولت‌ها به موجب چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی می‌پردازد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد،^{۱۵۹} چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی شامل سه سند الزام‌آور حقوقی است که توسط دولت‌ها برای رسیدگی به معضل تغییرات اقلیمی ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت منعقد شده‌اند؛ یعنی کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس. در این بخش، دیوان، معاهدات تغییرات اقلیمی و برخی تصمیمات مربوطه ارکان حاکم ذیل آن‌ها را بررسی خواهد کرد تا تعهدات اصلی دولت‌ها در خصوص حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت را شناسایی و شفاف‌سازی کند.

۱۷۵. دیوان یادآوری می‌کند که مشارکت‌کنندگان اظهارات متفاوتی را در خصوص ماهیت و گستره تعهدات حقوقی به موجب چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی ارائه کردند. در سطح کلی، دیوان اظهار می‌دارد که برخی از مشارکت‌کنندگان استدلال کردند که معاهدات تغییرات اقلیمی «تعهدات الزام‌آور و دشواری را برای دولت‌ها به منظور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با اثرات نامطلوب آن‌ها ایجاد می‌کنند»، در حالی که برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان استدلال کردند که معاهدات به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دشوار نباشند یا حتی در برخی موارد الزام‌آور نباشند. محل اختلاف دیگر بین مشارکت‌کنندگان مربوط به این است که آیا برخی از تعهدات به موجب معاهدات تغییرات اقلیمی، به‌ویژه آن‌هایی که ذیل موافقت‌نامه پاریس هستند، تعهدات رفتاری هستند یا تعهدات به نتیجه. دیوان یادآوری می‌کند که تمایز میان تعهدات رفتاری و تعهدات به نتیجه، امر مفیدی است که دیوان در گذشته آن را به کار برده است.^{۱۶۰} در عین حال، دیوان متذکر می‌شود که مرز میان این دو نوع تعهد همواره کاملاً مشخص و قطعی نیست و ممکن است برخی از تعهدات، ویژگی‌های هر دو تعهد رفتاری و تعهد به نتیجه را دربرداشته باشند. همچنین نمی‌توان

159. See paragraphs 116-121.

160. See Dispute over the Status and Use of the Waters of the Silala (Chile v. Bolivia), Judgment, I.C.J. Reports 2022 (II), p. 644, para. 83; Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 77, para. 187; see also Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, I.C.J. Reports 2007 (I), p. 221, para. 430; see also paragraph 204.

ادعا کرد که یکی از این دو نوع تعهد، به خودی خود،^{۱۶۱} سنگین‌تر و دشوارتر از دیگری است؛ این دو نوع تعهد، اغلب همزیستی داشته (و قابل جمع و اجرا به صورت همزمان هستند) و به دنبال دستیابی به اهداف یکسان از طریق ابزارهای متفاوت هستند. در این راستا، دیوان خاطرنشان می‌کند که همه مفاد یک معاهده به آسانی قابل طبقه‌بندی به عنوان دربردارنده تعهدات رفتاری یا تعهدات به نتیجه نیستند، و هر مفاد یا مقرره‌ای می‌بایست بر اساس ضوابط خود و در پرتو شرایط خاص خود بررسی شود. دیوان یادآوری می‌کند که تعهدات رفتاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست متضمن تعهد به عمل توأم با مراقبت مقتضی هستند که دولت‌های عضو را ملزم می‌دارد تا با هدف انجام تعهدات بین‌المللی خود، تمام ابزارهای در اختیارشان را به کار گیرند.^{۱۶۲}

۱۷۶. در شناسایی و شفاف‌سازی تعهدات ذیل این معاهدات، دیوان قواعد تفسیری مندرج در مواد ۳۱ تا ۳۳ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات را که حقوق بین‌الملل عرفی را نیز منعکس می‌کنند اعمال خواهد کرد.^{۱۶۳}

۱۷۷. باید خاطرنشان ساخت بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات تصریح می‌کند که «معاهده با حسن نیت و مطابق با معنای متداولی که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد». بند ۲ ماده ۳۱ آنچه را که باید به عنوان سیاق عبارت در نظر گرفته شود، تعیین می‌کند. بند ۳ ماده ۳۱ تصریح می‌کند که هر گونه توافق بعدی میان اعضا در خصوص تفسیر یا اجرای معاهده، هر گونه رویه بعدی که مؤید چنین توافقی باشد، و هر گونه قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل که در روابط میان اعضا قابل اعمال باشد، باید همراه با سیاق عبارت در نظر گرفته شود.^{۱۶۴} باید همه این روش‌های تفسیری را در کنار هم و به عنوان یک مجموعه در نظر گرفت و به کار برد.^{۱۶۵}

۱۷۸. در فرآیند تفسیر، دیوان قواعد، اصول، سازکارها و نهادهایی را که در چارچوب معاهدات تغییرات اقلیمی ایجاد شده‌اند، مورد توجه قرار خواهد داد تا تعهدات اعضا را شناسایی و شفاف کند. در این زمینه، اصول کلیدی که در هر سه معاهده تغییرات اقلیمی جریان دارند، همان اصول مندرج

161. ipso facto

162. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 56, para. 101; see paragraphs 132-139.

163. See e.g. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (The Gambia v. Myanmar), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2022 (II), p. 510, para. 87; Question of the Delimitation of the Continental Shelf between Nicaragua and Colombia beyond 200 Nautical Miles from the Nicaraguan Coast (Nicaragua v. Colombia), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2016 (I), p. 116, para. 33.

164. Maritime Delimitation in the Indian Ocean (Somalia v. Kenya), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2017, p. 29, para. 64.

165. See Articles 27 and 28, paragraph 8 of the commentary, ILC Draft Articles on the Law of Treaties, Yearbook of the International Law Commission, 1966, Vol. II, pp. 219-220.

در ماده ۳ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی هستند. این اصول رهنمون‌ساز شامل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، رویکرد یا اصل احتیاطی، توسعه پایدار، انصاف و عدالت میان‌نسلی هستند. دیوان این اصول را پیش‌تر در بندهای ۱۴۷-۱۵۸ بررسی کرده است. دیوان یادآور می‌شود که هرچند این اصول، تعهدات مستقلی در چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی ایجاد نمی‌کنند، در تفسیر تعهدات ناشی از معاهده، نقش راهنما دارند. علاوه بر این اصول، دیوان متذکر می‌شود که بر اساس معاهدات تغییرات اقلیمی، وظیفه همکاری که پیش‌تر به‌عنوان تعهد ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی شناسایی شد^{۱۶۶} نیز به‌عنوان اصل راهنما عمل می‌کند. در ادامه، دیوان به نحوه خاصی که این اصول در معاهدات تغییرات اقلیمی گنجانده شده‌اند، می‌پردازد.

۱۷۹. اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، یکی از اصول بنیادین چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی است که در چندین مقرر از این معاهدات گنجانده شده است.^{۱۶۷} اگرچه کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و موافقت‌نامه پاریس، تعهداتی را برای همه اعضا ایجاد می‌کنند، تصدیق کرده‌اند که چنین تعهداتی می‌تواند بر اساس وضعیت اقتصادی دولت‌ها، سهم تاریخی آن‌ها در انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت و توانایی‌شان در سازگاری و کاهش آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی متفاوت باشد. برای نمونه، بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی چنین بیان می‌کند که: «دولت‌های توسعه‌یافته باید در مبارزه با تغییرات اقلیمی و آثار نامطلوب آن پیشگام باشند(رهبری کنند)»، و بند ۲ ماده ۳ همین کنوانسیون مقرر می‌دارد که باید به نیازهای خاص و شرایط ویژه دولت‌های در حال توسعه توجه کامل شود. به‌طور مشابه، بند ۳ ماده ۴ موافقت‌نامه پاریس تصریح می‌کند که مشارکت‌های معین ملی هر دولت باید بازتاب‌دهنده شرایط و توانایی‌های ملی متفاوت آن باشد. رویکرد پروتکل کیوتو که تعهدات کمی برای محدودسازی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را تنها برای دولت‌های توسعه‌یافته و دولت‌هایی که در حال گذار به اقتصاد بازاری^{۱۶۸} هستند مقرر کرده و چنین تعهداتی را برای دولت‌های در حال توسعه پیش‌بینی نکرده است، خود نمونه‌ای از کاربست اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط است.

۱۸۰. دیوان اظهار می‌دارد که معاهدات تغییرات اقلیمی، رویکرد یا اصل احتیاطی را نیز درون خود گنجانده‌اند.^{۱۶۹} بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی تصریح می‌کند که «در جایی که تهدید ایراد زیان جدی یا غیرقابل‌بازگشت وجود دارد، عدم قطعیت علمی کامل نباید به‌عنوان

166. See paragraphs 140-142 above.

167. See UNFCCC, preamble, Article 3, paragraphs 1 and 2, and Article 4; Kyoto Protocol, Article 10; Paris Agreement, Article 2, paragraph 2, and Article 4, paragraphs 3, 4 and 19; see also paragraphs 148-151 above.

168. Market Economy

169. See paragraph 158 above.

دلیلی برای به تعویق انداختن چنین اقداماتی (احتیاطی) استفاده شود». این اصل با ارجاع به کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی در پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس نیز درج شده است.^{۱۷۰} دیوان پیش‌تر این فرصت را داشته است که ارتباط احتمالی رویکرد یا اصل احتیاطی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و در تفسیر و اعمال معاهدات مربوط به حفاظت از محیط‌زیست را تصدیق کند،^{۱۷۱} و [بنابراین] این رویکرد یا اصل را در تفسیر و اجرای تعهدات طرفین به موجب معاهدات تغییرات اقلیمی مدنظر قرار خواهد داد.

۱۸۱. اصل توسعه پایدار نیز به عنوان اصل رهنمون ساز در معاهدات تغییرات اقلیمی گنجانده شده است.^{۱۷۲} همانند سایر اصول، دیوان متذکر می‌شود که اصل توسعه پایدار، به خودی خود، حق‌ها و تعهدات خاصی برای دولت‌ها ایجاد نمی‌کند، بلکه تنها به تفسیر تعهدات ذیل معاهدات تغییرات اقلیمی کمک می‌کند.

۱۸۲. علاوه بر این، معاهدات تغییرات اقلیمی، مفاهیم انصاف و عدالت میان‌نسلی را در خود گنجانده‌اند. بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی تصریح می‌کند که «طرفین باید سیستم اقلیمی را به نفع نسل‌های کنونی و آینده بشریت، بر اساس انصاف، محافظت کنند». این اصول، رهنمون هر دو پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس هستند.^{۱۷۳} افزون بر این، معاهدات مزبور، حاوی مقررات دیگری در خصوص انصاف هستند، مانند بند ۲ ماده ۲ موافقت‌نامه پاریس که بیان می‌کند این موافقت‌نامه «به گونه‌ای که بازتاب‌دهنده انصاف و اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، با توجه به شرایط ملی متفاوت باشد، اجرا خواهد شد». در زمینه تعهدات به موجب چارچوب معاهدات تغییرات اقلیمی، دیوان معتقد است که انصاف و عدالت میان‌نسلی می‌بایست در تفسیر معاهدات مربوطه مورد لحاظ قرار گیرند.^{۱۷۴}

۱۸۳. دیوان بیان می‌کند که وظیفه همکاری نیز به عنوان اصل در چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی شناسایی شده است و چندین مقررۀ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس، این اصل را به شیوه‌های مختلف اجرا می‌کنند.^{۱۷۵} محتوای وظیفه همکاری ذیل هر معاهده در ادامه بررسی می‌شود.

170. See Paris Agreement, third preambular paragraph; Kyoto Protocol, fourth preambular paragraph ("Being guided by Article 3 of the [UNFCCC]").

171. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 71, para. 164.

172. Article 3, paragraph 4, of the UNFCCC; see also Article 10 of the Kyoto Protocol, Article 3 of the Paris Agreement and paragraph 147 above.

173. See Paris Agreement, third preambular paragraph; Kyoto Protocol, fourth preambular paragraph.

174. See paragraphs 152-157 above.

175. UNFCCC, preamble, Article 3, paragraph 5, Article 4, paragraph 7, and Articles 5, 6 and 9; Kyoto Protocol, Articles 10, 11 and 12; Paris Agreement, Articles 5, 6, 7 and 8, Article 9, paragraph 1, Article 10, paragraphs 2 and 6, Articles 11 and 12, and Article 13, paragraphs 9 and 10.

۱۸۴. دولت‌ها در تفسیر تعهدات خود به موجب معاهدات مرتبط با تغییرات اقلیمی باید به تصمیمات ارکان حاکم بر این معاهدات، یعنی کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، کنفرانس اعضای که به‌عنوان نشست/مجمع طرف‌های پروتکل کیوتو و کنفرانس اعضای که به‌عنوان نشست/مجمع طرف‌های موافقت‌نامه پاریس عمل می‌کند نیز مراجعه کنند. دیوان اظهار می‌دارد که تصمیمات این ارکان، در برخی شرایط، دارای آثار حقوقی معینی هستند. نخست، تصمیمات کنفرانس‌های اعضا، هنگامی که معاهده چنین مقرر کرده باشد، می‌توانند برای دولت‌های عضو، تعهدات الزام‌آور حقوقی ایجاد کنند. این امر در خصوص بند ۸ ماده ۴ موافقت‌نامه پاریس مصداق دارد، که مقرر می‌دارد:

«تمامی دولت‌های عضو، هنگام اعلام برنامه مشارکت‌های معین ملی خود باید اطلاعات لازم برای شفافیت، وضوح و قابلیت فهم را مطابق با تصمیم ۱/CP.21 و هرگونه تصمیم مرتبط کنفرانس اعضا که به‌عنوان نشست/مجمع طرف‌های این موافقت‌نامه عمل می‌کند، ارائه کنند».

دوم، تصمیمات این ارکان، تا جایی که بیانگر توافق ماهوی میان دولت‌های عضو در خصوص تفسیر معاهده مربوطه باشند می‌توانند طبق بند ۳ (الف) ماده ۳۱ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات، به‌عنوان توافق‌های بعدی محسوب شوند، و در نتیجه باید به‌عنوان یکی از روش‌های تفسیر معاهدات تغییرات اقلیمی مورد توجه قرار گیرند.^{۱۷۶}

۱۸۵. بنابراین، همان گونه که در بالا اشاره شد،^{۱۷۷} و مطابق با معنا و گستره موضوعی پرسش‌ها،^{۱۷۸} دیوان تعهدات دولت‌ها به موجب هر یک از معاهدات را تا آنجا که مستقیماً به حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت مربوط می‌شود شناسایی و تعیین خواهد کرد. در این خصوص، دیوان متذکر می‌شود که ملزم نیست به تک‌تک تعهدات طرف‌ها به موجب معاهدات تغییرات اقلیمی بپردازد. در واقع، اقدامی که به‌صورت فنی تعهدات مختلف، اعم از رویه‌ای (شکلی) و ماهوی را فهرست کند، کمکی به مجمع عمومی نخواهد کرد زیرا درخواست مجمع عمومی در پرسش (الف) بر تعهدات دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل به‌طور کلی متمرکز است. از این رو دیوان بررسی خود را بر تعهدات اصلی دولت‌ها به موجب هر معاهده، که مربوط به تعهد حفاظت از سیستم اقلیمی در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت است، متمرکز خواهد کرد. دیوان بر این باور است که به‌طور کلی می‌توان تعهدات اصلی مزبور را در سه دسته تعهدات تعدیلی، سازگاری و همکاری دسته‌بندی کرد.

176. See Conclusion 11, paragraph 38 of the commentary, ILC Conclusions on subsequent agreements and subsequent practice in relation to the interpretation of treaties, Yearbook of the International Law Commission, 2018, Vol. II, Part Two, pp. 73-74.

177. See paragraph 174.

178. See paragraphs 98-100.

۱۸۶. بر این اساس، دیوان معتقد است که نیازی نیست به تفصیل به مقرراتی بپردازد که منحصرأ به چارچوب نهادی، روش‌شناسی یا شکلی که دولت‌ها در آن چارچوب، تعهدات معاهده‌ای خود را اجرا می‌کنند مربوط می‌شوند. برای نمونه، می‌توان به مقررات مربوط به شیوه رأی‌گیری یا ترکیب ارکان ایجادشده وفق معاهدات، یا حقوق مشارکتی مرتبط با آن ارکان اشاره نمود. با وجود این، دیوان از نقش مهم چارچوب سازمانی و شکلی معاهدات تغییرات اقلیمی در تحقق مؤثر موضوع و هدف این معاهدات آگاه است.

۲. رابطه میان کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس

۱۸۷. برخی از مشارکت‌کنندگان، دیدگاه‌های متفاوتی درباره رابطه میان سه معاهده‌ای که چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی را تشکیل می‌دهند، ابراز کردند. در این خصوص، دیوان خاطرنشان می‌کند که برخی از مشارکت‌کنندگان بر این نظر بودند که قاعده قانون لاحق که در ماده ۳۰ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات منعکس شده است، بر روابط میان سه معاهده تغییرات اقلیمی حاکم است. در این راستا استدلال شد که تعهدات دولت‌ها به موجب موافقت‌نامه پاریس، جایگزین تعهدات آن‌ها به موجب کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو شده است، و بر اساس قواعد حقوق خاص و قانون لاحق، فرض کلی وجود دارد دائر بر اینکه در صورت تعارض هنجاری میان این معاهدات، موافقت‌نامه پاریس باید بر سایر اسناد موجود در چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی حاکم باشد.

۱۸۸. دیوان یادآور می‌شود که ماده ۳۰ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات، که حقوق و تعهدات دولت‌های عضو معاهدات متوالی^{۱۹۹} مرتبط با یک موضوع واحد را تنظیم می‌کند، در بخش مرتبط چنین مقرر می‌دارد:

«۲- هرگاه معاهده تصریح کند که تابع معاهده پیشین یا بعدی است، یا اینکه نباید با آن معاهده سازگار تلقی شود، مقررات آن معاهده دیگر برتری دارد.

۳- زمانی که تمامی طرف‌های معاهده پیشین، طرف معاهده لاحق نیز باشند، ولی معاهده پیشین طبق ماده ۵۹ فسخ یا اجرای آن معلق نشده باشد، معاهده پیشین تنها در حدودی اعمال می‌شود که مقررات آن با مقررات معاهده لاحق سازگار باشد».

۱۸۹. دیوان خاطرنشان می‌کند که بندهای ۲ و ۳ ماده ۳۰ در مورد وضعیت حاضر قابل اعمال نیستند. بند ۲ ناظر به مواردی است که معاهده لاحق تصریح می‌کند که تابع معاهده پیشین یا بعدی

است، یا اینکه نباید ناسازگار با آن تلقی شود. بند ۳ ناظر به مواردی است که «تمامی طرف‌های معاهده پیشین، طرف معاهده لاحق نیز باشند»؛ وضعیتی که در اینجا وجود ندارد زیرا همه دولت‌های عضو کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی، عضو پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس نیستند. افزون بر این، در خصوص قابلیت اعمال قاعده قانون لاحق در حقوق بین‌الملل عرفی، دیوان بیان می‌کند که تنها زمانی این قاعده جاری است که معاهدات با یکدیگر ناسازگار (متعارض) باشند؛ یعنی امکان اجرای همزمان تعهدات وجود نداشته باشد، که در این حالت تعهدات مؤخر بر تعهدات سابق برتری خواهند یافت. صرف این واقعیت که چند معاهده ناظر بر موضوع واحدی هستند، به خودی خود تعارض ایجاد نمی‌کند یا موجب نمی‌شود که یکی از آن‌ها دیگری را نسخ کرده یا جایگزین آن شود. ۱۹۰. دیوان، رابطه میان معاهداتی را که چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی را تشکیل می‌دهند، از طریق بررسی سازگاری تعهدات آن‌ها احراز خواهد کرد. معین کردن این امر مستلزم تفسیر هر سه معاهده با اعمال قواعد تفسیر معاهدات است که در مواد ۳۱ تا ۳۳ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات تدوین شده‌اند.

۱۹۱. دیوان با آغاز بررسی خود از کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی - معاهده‌ای بنیادین برای مقابله با تغییرات اقلیمی - اظهار می‌دارد که خود این معاهده حاوی مقرراتی است که به رابطه آن با پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس مرتبط می‌شود. ماده ۲ کنوانسیون، صلاحیت کنفرانس اعضا را برای تصویب اسناد حقوقی مرتبط به منظور تحقق اهداف کنوانسیون به رسمیت می‌شناسد. این ماده همچنین مقرر می‌دارد که اسناد حقوقی مرتبط باید مطابق با مقررات مربوطه کنوانسیون عمل کنند. افزون بر این، ماده ۱۷ کنوانسیون مقرر می‌دارد که: «کنفرانس اعضا می‌تواند در هر اجلاس عادی، پروتکل‌هایی را برای کنوانسیون تصویب کند».

۱۹۲. در خصوص پروتکل کیوتو، دیوان متذکر می‌شود که مقدمه آن بیان می‌دارد که این پروتکل در پی تحقق هدف نهایی مندرج در ماده ۲ کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی است. دیوان علاوه بر تصدیق رابطه پروتکل کیوتو با کنوانسیون چارچوب، بیان می‌کند که پروتکل مزبور، تعهدات دولت‌های توسعه‌یافته مندرج در بند (۲) (الف) و (ب) ماده ۴ کنوانسیون، و همچنین سایر اعضای مندرج در ضمیمه ۱ کنوانسیون را با تعیین تعهدات کمی برای کاهش و محدودسازی انتشار (ماده ۳) تحکیم بخشیده و تقویت کرده است. پروتکل کیوتو توافق بین‌المللی الزام‌آور حقوقی است که با متعهدکردن برخی دولت‌های توسعه‌یافته عضو به محدودسازی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای طبق اهداف فردی مورد توافق، تعهدات ناشی از کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی را عملیاتی می‌کند. اگرچه تمامی اعضای پروتکل کیوتو باید عضو کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی نیز باشند، پروتکل مقررات خاص خود را در مورد چگونگی لازم‌الاجراشدن و معیارهای مشارکت اعضا دارد.

۱۹۳. برخلاف پروتکل کیوتو، موافقت‌نامه پاریس پروتکل کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی وفق ماده ۱۷ محسوب نمی‌شود، بلکه این موافقت‌نامه حاصل فرآیندی است که توسط تصمیم ۱/CP.17 دسامبر ۲۰۱۱ کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی ایجاد شد.^{۱۸۰} این تصمیم که تحت عنوان مأموریت دوربان^{۱۸۱} برای موافقت‌نامه پاریس شناخته می‌شود، خواستار تدوین «یک پروتکل، یک سند حقوقی دیگر یا نتیجه توافق‌شده دارای الزام حقوقی ذیل کنوانسیون و قابل اعمال نسبت به تمامی اعضا» شد.^{۱۸۲}

۱۹۴. مقدمه موافقت‌نامه پاریس بیان می‌کند که این موافقت‌نامه «در راستای تحقق هدف کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی و تحت هدایت اصول آن» تصویب می‌شود. مواد ۲ و ۴ موافقت‌نامه پاریس برای تعیین رابطه آن با کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی اهمیت خاصی دارند. بند ۱ ماده ۲ مقرر می‌دارد که: «این موافقت‌نامه، در جهت تقویت اجرای کنوانسیون، از جمله هدف آن، در پی آن است که پاسخ جهانی نسبت به تهدید تغییرات اقلیمی را تقویت کند»، و در ادامه، یک هدف (محدودیت) دمایی را برای تحقق توسط دولت‌های عضو تعیین می‌کند. بند ۱ ماده ۴ از دولت‌های عضو می‌خواهد که در سریع‌ترین زمان ممکن به اوج (کاهش) انتشار جهانی گازهای گلخانه‌ای برسند. از نظر دیوان، این تعهدات و اهداف در راستای تحقق هدف نهایی کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی یعنی «تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو در سطحی که مانع از ایجاد مداخله خطرناک انسانی در سیستم اقلیمی شود»^{۱۸۳} قرار دارند.

۱۹۵. به اعتقاد دیوان، هیچ‌گونه تعارضی میان سه معاهده مرتبط با تغییرات اقلیمی وجود ندارد. برعکس، این معاهدات یکدیگر را حمایت و تقویت می‌کنند، به‌طوری که پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس، جزئیات بیشتر و دقیق‌تری در مورد تعهدات کلی مندرج در کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی ارائه می‌دهند. در واقع، با توجه به اینکه کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی یک کنوانسیون چارچوب است و با در نظر گرفتن ماهیت کلی تعهدات مندرج در آن، تصمیمات متعاقب دولت‌های عضو، از جمله تصمیمات مربوط به تصویب پروتکل‌ها و موافقت‌نامه‌ها ذیل کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی با هدف تفسیر یا عینیت‌بخشیدن به تعهدات مندرج در این کنوانسیون اتخاذ می‌شوند، و نه با هدف نسخ یا تعدیل آن‌ها. علی‌رغم این ملاحظات، چنانچه میان معاهدات مزبور تعارضی مشاهده شود، دیوان بر این باور است که چنین تعارضی باید با

180. See decision 1/CP.17, Establishment of an Ad Hoc Working Group on the Durban Platform for Enhanced Action, 11 December 2011, UN doc. FCCC/CP/2011/9/Add.1.

181. Durban

182. Ibid., p. 2, para. 2.

183. UNFCCC, Article 2.

به‌کارگیری قواعد تفسیر معاهدات حل و فصل شود.^{۱۸۴}

۳. تعهدات دولت‌ها به موجب کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد دربارهٔ تغییرات اقلیمی

۱۹۶. دیوان اکنون به تعهدات دولت‌های عضو به موجب کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد دربارهٔ تغییرات اقلیمی می‌پردازد و خاطرنشان می‌کند که این کنوانسیون یک چارچوب کلی برای رسیدگی به معضل تغییرات اقلیمی ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت فراهم می‌آورد. در این رابطه، کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی، تمامی انواع گازهای گلخانه‌ای را پوشش می‌دهد، به استثنای آن دسته که پیش از این توسط پروتکل مونترال تحت کنترل قرار گرفته‌اند.^{۱۸۵}

۱۹۷. هدف غایی کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی، همان گونه که در ماده ۲ مطرح شده است، عبارت است از دستیابی به «تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو در سطحی که از ایجاد اختلال خطرناک انسانی در سیستم اقلیمی جلوگیری کند» و همچنین تضمین اینکه «این سطح باید در چارچوب زمانی‌ای محقق شود که امکان سازگاری طبیعی زیست‌بوم‌ها با تغییرات اقلیمی را فراهم سازد، امنیت تولید غذا را تهدید نکند و اجازه دهد توسعه اقتصادی به‌صورت پایدار ادامه یابد». به زعم دیوان، این ماده هدفی را تعیین می‌کند که «سایر مفاد معاهده باید در پرتو آن تفسیر و اعمال شوند».^{۱۸۶}

۱۹۸. در راستای دستیابی به هدف غایی خود، ماده ۳ کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی از دولت‌های عضو می‌خواهد که اصولی نظیر مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، نیازها و شرایط ویژهٔ دولت‌های در حال توسعه، توسعه پایدار و همکاری، و اقدامات احتیاطی را در اجرای مفاد این کنوانسیون مدنظر قرار دهند.

۱۹۹. یکی از ویژگی‌های کلیدی این کنوانسیون چارچوب، تمایزی است که میان دولت‌های عضو توسعه‌یافته و دولت‌های عضو در حال توسعه ایجاد می‌کند؛ تمایزی که نتیجهٔ آن، تفاوت در نوع تعهدات این دو گروه از اعضا است. کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی این تمایز را از طریق پیش‌بینی تعهدات مازادِ مشخص برای برخی از دولت‌های توسعه‌یافته و سایر اعضایی که در ضمیمهٔ ۱ فهرست شده‌اند، محقق می‌کند. در حالی که بند ۱ ماده ۴ بر مبنای «مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و اولویت‌ها، اهداف و شرایط خاص توسعه ملی و منطقه‌ای»، دربردارندهٔ تعهداتی برای همهٔ

184. See also paragraphs 310-311 below.

185. See UNFCCC, Article 4.

186. See Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objection, Judgment, I.C.J. Reports 1996 (II), p. 814, para. 28.

اعضا است، بند ۲ ماده ۴، اعضای ضمیمه ۱ را ملزم می‌کند که با اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات لازم برای کاهش تغییرات اقلیمی از طریق محدودسازی انتشار گازهای گلخانه‌ای و تقویت مخازن و چاهک‌های این گازها، در مقابله با تغییرات اقلیمی پیشگام باشند. علاوه بر این، بند ۳ ماده ۴ دولتهای توسعه‌یافته و سایر اعضای مندرج در ضمیمه ۲ را که زیرمجموعه‌ای از اعضای ضمیمه ۱ را تشکیل می‌دهند ملزم می‌کند که کمک‌های مالی و انتقال فناوری را برای دولتهای عضو درحال توسعه فراهم کنند. دیوان این تعهدات قابل اعمال بر دسته‌های مختلف اعضا را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد داد تا تعیین کند که آیا تعهدات مزبور، تعهدات دولتها به موجب حقوق بین‌الملل در معنای پرسش (الف) محسوب می‌شوند یا خیر؛ و در صورت مثبت‌بودن پاسخ، ماهیت و گستره این تعهدات را مشخص کند.

(الف) تعهدات تعدیلی به موجب کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی

۲۰۰. دیوان ملحوظ می‌دارد که تعدیل انتشار در قانون هدف کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی قرار دارد؛ هدفی که عبارت است از تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو در سطحی که از ایجاد اختلال خطرناک انسانی در سیستم اقلیمی جلوگیری کند. کنوانسیون چارچوب می‌کوشد هدف مرتبط با تعدیل انتشار خود را از دو طریق محقق سازد: نخست، با محدودکردن انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت از سوی منابع تولیدکننده آن، و دوم، با حفظ، نگهداری و تقویت چاهک‌ها و مخازن گازهای گلخانه‌ای.^{۱۸۷} در این راستا، دیوان یادآور می‌شود که منبع عبارت است از «هر فرآیند یا فعالیتی که گاز گلخانه‌ای، آتروسول/هواویز^{۱۸۸} یا پیش‌ساز گاز گلخانه‌ای را به جو رها می‌کند»؛ چاهک فرآیند، فعالیت یا سازکاری است که گازهای گلخانه‌ای را از جو حذف می‌کند؛ و مخزن، بخشی از سیستم اقلیمی است که امکان ذخیره‌سازی گازهای گلخانه‌ای را فراهم می‌آورد.^{۱۸۹}

۲۰۱. تعهدات اصلی مربوط به تعدیل انتشار در کنوانسیون چارچوب در ماده ۴ یافت می‌شود، که در بخش مرتبط به شرح زیر است:

«۱- همه اعضا، با در نظر گرفتن مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت خود و اولویت‌ها، اهداف و شرایط خاص توسعه ملی و منطقه‌ای‌شان، می‌بایست:

(الف) بر اساس مفاد ماده ۱۲، فهرست‌های ملی انتشارات گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت توسط

187. Article 4, paragraph 2 (a).

188. Aerosol

189. Article 1.

منابع - گازهایی که تحت پوشش پروتکل مونترال نیستند - و نیز میزان جذب این گازها توسط مخازن و چاهک‌ها را با روش‌شناسی‌های قابل مقایسه و مورد تأیید کنفرانس اعضا توسعه دهند، به‌طور دوره‌ای به‌روزرسانی و منتشر کنند و در اختیار کنفرانس بگذارند؛

(ب) برنامه‌های ملی، و در صورت لزوم، برنامه‌های منطقه‌ای حاوی اقداماتی برای تعدیل آثار تغییرات اقلیمی از طریق مقابله با انتشارات گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت از منابع - گازهایی که تحت پوشش پروتکل مونترال نیستند - و جذب این گازها توسط مخازن یا چاهک‌ها و همچنین برنامه‌های حاوی اقداماتی برای تسهیل سازگاری مناسب با آثار تغییرات اقلیمی را تدوین، اجرا، انتشار و به‌طور منظم به‌روزرسانی کنند؛

.....
(ی) اطلاعات مربوط به اجرای (تعهدات خود) را مطابق با ماده ۱۲ به کنفرانس اعضا ارائه کنند».

۲۰۲. دیوان بر این باور است که بند ۱ ماده ۴ واجد تعهدات الزام‌آور حقوقی است. معنای عادی اصطلاحات این مقرر، ازجمله استفاده از کلمه «می‌بایست»^{۱۹۰} نشان‌دهنده قصد اعضا برای ایجاد تعهدات الزام‌آور حقوقی است. سیاق این مقرر، نیز، ازجمله ایجاد سازکارهایی برای اجرای این تعهدات در بند ۲ ماده ۱۰، همراه با بند ۱ ماده ۱۲، بیانگر آن است که این تعهدات از لحاظ حقوقی الزام‌آور هستند. افزون بر این، این تفسیر با موضوع و هدف کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی، همان گونه که در ماده ۲ منعکس شده، سازگار است. رویه عملی اعضا پس از تصویب کنوانسیون چارچوب نیز توافق آن‌ها را نسبت به این تفسیر نشان می‌دهد. برای نمونه، اعضای که عضو ضمیمه ۱ نیستند، گزارش‌های دوسالانه ارائه می‌دهند که شامل به‌روزرسانی فهرست‌های ملی انتشار گازهای گلخانه‌ای است؛ و اعضای ضمیمه ۱ هر سال گزارش‌های فهرست ملی انتشار ارائه می‌کنند که حاوی اطلاعات تفصیلی و به‌روزرسانی‌شده درباره تمامی منابع انتشار گازهای گلخانه‌ای و حذف آن‌ها است.

۲۰۳. دیوان اظهار می‌دارد که برخی تعهدات مندرج در بند ۱ ماده ۴، مانند تعهد به توسعه، به‌روزرسانی، انتشار و در دسترس قرار دادن فهرست‌های ملی انتشارات گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت و میزان جذب آن‌ها توسط مخازن یا چاهک‌ها همان طور که در شق (الف) بند ۱ ماده ۴ آمده است و نیز تعهد به تدوین و انتشار برنامه‌های ملی، مطابق شق (ب) بند ۱ ماده ۴ و همچنین تعهد به ارائه اطلاعات به کنفرانس اعضا طبق شق (ی) بند ۱ ماده ۴، تعهداتی از جنس تعهد به نتیجه هستند. این تعهدات دولت‌ها را ملزم می‌کنند که به نتیجه مشخصی دست یابند و در این مورد، علاوه بر آن، انجام برخی اقدامات، رفتارها یا به‌کارگیری ابزارهای معینی را که برای تحقق آن نتیجه تعیین شده‌اند نیز الزام می‌کنند. سایر تعهدات مندرج در بند ۱ ماده ۴، تعهدات رفتاری هستند

زیرا دولت‌ها را ملزم نمی‌کنند که به نتیجه‌ای مشخص دست یابند، بلکه از آن‌ها می‌خواهند تا تمام تلاش خود را برای دستیابی به نتایج مشخص مرتبط با تعدیل انتشار به کار گیرند. تعهد به همکاری در توسعه و توزیع فناوری‌ها و روش‌هایی که «انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت را کنترل کرده، کاهش داده یا از آن جلوگیری می‌کنند»^{۱۹۱} نمونه‌ای از چنین تعهدی است.

۲۰۴. همان گونه که دیوان در قضیه پروژه گابچیکوو-ناگیماروس (مجارستان/اسلواکی) بیان کرده است، اعضای معاهده می‌توانند تعهدات رفتاری، تعهدات اجرایی و تعهدات به نتیجه را در سند واحد بپذیرند.^{۱۹۲} به زعم دیوان، تعهدات حقوقی مندرج در بند ۱ ماده ۴، مجموعه‌ای درهم‌تنیده از تعهدات رفتاری و تعهدات به نتیجه هستند.

۲۰۵. دیوان اکنون به بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی می‌پردازد، که در بخش مرتبط به شرح زیر است:

«۲. دولت‌های توسعه‌یافته عضو و سایر اعضای مندرج در ضمیمه ۱، به‌طور مشخص مطابق موارد زیر متعهد می‌شوند:

(الف) هر یک از این طرف‌ها می‌بایست با تصویب سیاست‌های ملی و اتخاذ اقدامات لازم، در راستای تعدیل تغییرات اقلیمی از طریق محدود کردن انتشارات گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت و حفاظت و تقویت چاهک‌ها و مخازن این گازها عمل کنند [...]

(ب) هر یک از این طرف‌ها می‌بایست [...] اطلاعات تفصیلی درباره سیاست‌ها و اقداماتی که ذیل شق (الف) فوق به آن‌ها اشاره شده است، و نیز پیش‌بینی‌های مربوط به انتشارات [گازهای گلخانه‌ای] انسان‌ساخت از منابع و حذف گازهای گلخانه‌ای توسط چاهک‌ها را ارائه کنند [...]. با هدف آنکه به‌طور فردی یا مشترک به سطح انتشارهای سال ۱۹۹۰ خود برای دی‌اکسیدکربن و سایر گازهای گلخانه‌ای بازگردند.

.....

(ه) هر یک از این طرف‌ها می‌بایست:

(یک) در صورت اقتضا، با سایر طرف‌ها هماهنگ کرده و از ابزارهای اقتصادی و اداری مرتبطی که به منظور تحقق هدف کنوانسیون توسعه یافته‌اند، استفاده کنند؛ و

(دو) سیاست‌ها و رویه‌های خود را که موجب تشویق فعالیت‌هایی می‌شوند که میزان انتشارات گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت - گازهایی که تحت پوشش پروتکل مونترال نیستند - به سطح بالاتری از وضعیت عادی می‌رسانند، شناسایی و به‌طور دوره‌ای بازبینی کنند [...].

بنا به همان دلایلی که در خصوص تعهدات بند ۱ ماده ۴ بیان شد، دیوان معتقد است که تعهدات

191. Article 4, paragraph 1 (c).

192. Judgment, I.C.J. Reports 1997, p. 77, para. 135.

مقرر در بند ۲ ماده ۴ نیز تعهدات الزام‌آور حقوقی برای اعضای ضمیمه ۱ محسوب می‌شوند.

۲۰۶. دیوان اظهار می‌دارد که بند ۲ ماده ۴ مجموعه‌ای از تعهدات متمایز اما به‌هم‌پیوسته را مطرح می‌کند. نخست، این بند مقرر می‌دارد که هر یک از اعضای ضمیمه ۱ می‌بایست با تصویب سیاست‌های ملی و اتخاذ اقدامات لازم، در راستای تعدیل تغییرات اقلیمی از طریق محدود کردن انتشارات گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت و حفاظت و تقویت چاهک‌ها و مخازن این گازها، عمل کند.^{۱۹۳} دوم، اعضای ضمیمه ۱ ملزم هستند که به‌طور دوره‌ای اطلاعات تفصیلی درباره این سیاست‌ها و اقدامات، و همچنین پیش‌بینی‌های مربوط به انتشارات انسان‌ساخت از منابع و حذف گازهای گلخانه‌ای توسط چاهک‌ها را با هدف بازگشت فردی یا مشترک به سطوح انتشار ۱۹۹۰ خود ارائه کنند.^{۱۹۴} سوم، تعهدی بر عهده اعضای ضمیمه ۱ قرار دارد دائر بر اینکه در صورت اقتضا، با سایر اعضا هماهنگ کرده و از ابزارهای اقتصادی و اداری مرتبطی که به منظور تحقق هدف کنوانسیون توسعه یافته‌اند، استفاده کنند.^{۱۹۵} در نهایت، اعضای ضمیمه ۱ موظف‌اند سیاست‌ها و رویه‌های خود را که منجر به افزایش سطح انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت می‌شود، شناسایی و به‌طور دوره‌ای بازبینی کنند.^{۱۹۶}

۲۰۷. با شناسایی تعهدات مربوط به تعدیل انتشار گازهای گلخانه‌ای برای تمامی دولت‌های عضو^{۱۹۷} و همچنین تعهدات تعدیلی برای دولت‌های عضو مندرج در ضمیمه ۱،^{۱۹۸} اکنون دیوان ضروری می‌داند تا خاطرنشان سازد که تمامی تعهدات مذکور، صرف‌نظر از آنکه از نوع تعهدات رفتاری باشند یا تعهدات به نتیجه، از لحاظ حقوقی برای دولت‌های عضو الزام‌آور هستند. همان گونه که دیوان پیش‌تر اشاره کرده است،^{۱۹۹} مرز میان تعهدات رفتاری و تعهدات به نتیجه همواره کاملاً مشخص و قطعی نیست.

۲۰۸. باید تأکید شود که هر یک از انواع تعهدات رفتاری یا تعهدات به نتیجه، در صورت نقض، می‌توانند موجب مسئولیت بین‌المللی دولت شوند. هرچند موضوع مسئولیت در پاسخ به پرسش (ب) و در بخش پنجم نظر مشورتی با تفصیل بیشتری بررسی می‌شود، دیوان در اینجا مفید می‌داند که توضیح دهد در رابطه با تعهدات رفتاری، دولت هنگامی مرتکب عمل متخلفانه می‌شود که از به‌کارگیری تمامی ابزارها و توانایی‌های در دسترس خود برای تحقق هدف مقرر در تعهد مورد نظر، قصور ورزد؛ اما اگر دولت همه اقدامات ممکن را به منظور اجرای تعهد اتخاذ کند، حتی اگر نتیجه

193. Article 4, paragraph 2 (a).

194. Article 4, paragraph 2 (b).

195. Article 4, paragraph 2 (c) (i).

196. Article 4, paragraph 2 (c) (ii).

197. See Article 4, paragraph 1.

198. See Article 4, paragraph 2.

199. See paragraph 175 above.

مطلوب نهایی محقق نشود، مرتکب عمل متخلفانه‌ای نشده است. در مقابل، و در رابطه با تعهدات به نتیجه، دولت هنگامی مرتکب عمل متخلفانه می‌شود که نتیجه مقرر در تعهد را محقق نسازد. در عین حال، نمی‌توان چنین انگاشت که تعهد به نتیجه، نظیر تعهد به «تصویب سیاست‌های ملی و اتخاذ اقدامات لازم در زمینه تعدیل تغییرات اقلیمی»، صرفاً با تصویب هر گونه سیاست یا اتخاذ هر نوع اقدامی محقق خواهد شد. برای رعایت و اجرای چنین تعهدی [تعهد به نتیجه]، سیاست‌ها و اقدامات اتخاذشده باید قابلیت دستیابی به هدف مقرر شده را داشته باشند. به بیان دیگر، تصویب سیاست‌ها و اتخاذ اقدامات مربوطه، صرفاً به‌عنوان یک نوع تشریفات (به‌طور صوری)، برای تحقق تعهد به نتیجه کافی نیستند.

(ب) تعهدات مربوط به سازگاری به موجب کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی

۲۰۹. دیوان تصریح می‌کند که سازگاری با آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی، در کنار تعدیل انتشار، یکی از حوزه‌های اصلی اقدام از سوی طرف‌های کنوانسیون چارچوب است. سازگاری طبق تعریف هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی عبارت است از «فرآیند تطبیق با اقلیم واقعی یا مورد انتظار و آثار آن، به منظور کاهش زیان یا بهره‌برداری از فرصت‌های سودمند».^{۲۰۰}

۲۱۰. چندین مقرر از کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی به تعهدات مربوط به سازگاری می‌پردازد. برای نمونه، شق (ب) از بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون چارچوب مقرر می‌دارد که تمامی طرف‌ها باید «برنامه‌های ملی و در صورت اقتضا، برنامه‌های منطقه‌ای مشتمل بر تدابیری برای [...] تسهیل سازگاری کافی و مناسب با تغییرات اقلیمی را تدوین، اجرا، منتشر و به‌طور منظم به‌روزرسانی کنند». شق (ه) از بند ۱ ماده ۴ طرف‌ها را متعهد می‌کند که:

«در آماده‌سازی برای سازگاری با آثار تغییرات اقلیمی همکاری کنند و طرح‌های مناسب و یکپارچه‌ای برای مدیریت نواحی ساحلی، منابع آب و کشاورزی و همچنین برای حفاظت و احیای مناطقی، به‌ویژه در آفریقا که در معرض خشکسالی، بیابان‌زایی یا سیل قرار دارند، تدوین و توسعه دهند». شق (و) بند ۱ ماده ۴ طرف‌ها را ملزم می‌کند که «تا حد امکان، ملاحظات تغییرات اقلیمی را در سیاست‌ها و اقدامات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی خود لحاظ کنند». این بند همچنین از طرف‌ها می‌خواهد «از روش‌های مناسب، مانند ارزیابی آثار که به‌صورت ملی تدوین و تعیین شده‌اند، استفاده کنند»، به گونه‌ای که آثار منفی احتمالی پروژه‌ها یا اقدامات سازگاری بر اقتصاد، سلامت عمومی یا کیفیت محیط‌زیست به حداقل برسد. این مقررات، همانند سایر مقررات بند ۱

200. IPCC 2023 Glossary, p. 120; see paragraph 86 above.

ماده ۴، با واژه باید^{۲۰۱} آغاز می‌شوند و ماهیت الزام‌آور حقوقی دارند.

۲۱۱. در حالی که تعهدات فوق شامل تمامی اعضا می‌شود، بند ۴ ماده ۴ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی تصریح می‌کند که طرف‌های مندرج در ضمیمه دوم باید به دولت‌های در حال توسعه عضو که به‌طور مشخص در برابر آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر هستند، در تأمین هزینه‌های سازگاری با این آثار نامطلوب کمک کنند. این تعهد برای تمامی طرف‌های فهرست‌شده در ضمیمه دوم الزام‌آور است.

۲۱۲. بند ۸ ماده ۴ کنوانسیون، طرف‌ها را ملزم می‌کند که در اجرای تعهدات خود به‌طور کامل در نظر بگیرند که:

«چه اقداماتی طبق کنوانسیون لازم است، از جمله اقدامات مربوط به تأمین مالی، بیمه و انتقال فناوری برای پاسخ به نیازها و نگرانی‌های خاص دولت‌های در حال توسعه عضو که ناشی از آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی و/یا پیامدهای اجرای اقدامات مقابله‌ای است».

این ماده همچنین دسته‌بندی‌هایی از دولت‌ها ارائه می‌کند که ممکن است به‌طور ویژه تحت تأثیر قرار بگیرند (شق الف تا ط بند ۸ ماده ۴). دیوان خاطرنشان می‌کند که تأمین مالی، بیمه و انتقال فناوری سه اقدام سازگاری هستند که در بند ۸ ماده ۴ مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. افزون بر این، بند ۹ ماده ۴ مقرر می‌دارد که «طرف‌ها باید در اقدامات خود در خصوص تأمین مالی و انتقال فناوری، به‌طور کامل نیازها و شرایط خاص دولت‌های کمتر توسعه‌یافته را در نظر گیرند».

۲۱۳. دیوان بر این باور است که اصطلاحات به‌طور کامل مدنظر قرار دادن^{۲۰۲} و به‌طور کامل درنظرگرفتن^{۲۰۳} در بندهای ۸ و ۹، به‌ترتیب، به اعضا در اجرای تعهدات‌شان تحت ماده ۴ حاشیه صلاحدید اعطا می‌کند. با این حال، این حاشیه صلاحدید از ماهیت الزام‌آور حقوقی این تعهدات نمی‌کاهد. در این خصوص، دیوان خاطرنشان می‌کند که چارچوبی نهادی، از جمله کنفرانس اعضا و یک نهاد فرعی برای پابندی (به تعهدات) وجود دارد که به شفاف‌سازی تعهدات ذیل کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی می‌پردازد. در همین راستا چندین تصمیم کنفرانس اعضا به منظور کمک به اجرای تعهدات طرف‌ها ذیل کنوانسیون مزبور و شفاف‌سازی و تعیین دقیق تعهدات طبق بندهای ۸ و ۹ ماده ۴ اتخاذ شده‌اند.^{۲۰۴}

201. Shall

202. Give full consideration

203. Take full account

204. See e.g. decision 3/CP.3, Implementation of Article 4, paragraphs 8 and 9, of the Convention, 11 December 1997, UN doc. FCCC/CP/1997/7/Add.1, p. 32; decision 5/CP.4, Implementation of Article 4.8 and 4.9 of the Convention (decision 3/CP.3 and Articles 2.3 and 3.14 of the Kyoto Protocol), 14 November 1998, UN doc. FCCC/CP/1998/16/Add.1, p. 17; decision 12/CP.5, Implementation of Article 4, paragraphs 8 and 9, of the Convention and matters relating to Article 3, paragraph 14, of the Kyoto Protocol, 4 November 1999, UN doc. FCCC/CP/1999/6/Add.1, p. 32; decision 5/CP.7, Implementation of Article 4,

(ج) تعهدات همکاری و مساعدت به موجب کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی

۲۱۴. دیوان تصریح می‌کند که کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، تعهد به همکاری در حوزه‌های مختلف را برای طرف‌ها ایجاد کرده است، از جمله در زمینه «توسعه، کاربرد و گسترش انتقال فناوری‌ها، روش‌ها و فرآیندهایی برای کنترل، کاهش و پیشگیری از انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت» (شق ج بند ۱ ماده ۴) و «در صورت لزوم، حفاظت و تقویت چاهک‌ها و مخازن تمامی گازهای گلخانه‌ای، از جمله زیست‌توده، جنگل‌ها و اقیانوس‌ها و نیز سایر زیست‌بوم‌های خشکی، ساحلی و دریایی» (شق د بند ۱ ماده ۴) و همچنین سازگاری با آثار تغییرات اقلیمی (شق ه بند ۱ ماده ۴). این کنوانسیون همچنین همکاری و ترویج «تحقیقات علمی، فناوری، فنی، اجتماعی-اقتصادی و سایر تحقیقات» (شق گ بند ۱ ماده ۴ و ماده ۵)، «تبادل اطلاعات علمی، فناوری، فنی، اجتماعی-اقتصادی و حقوقی مرتبط» (شق ه بند ۱ ماده ۴) و همکاری در «آموزش، تربیت و افزایش آگاهی عمومی مرتبط با تغییرات اقلیمی» (شق ی بند ۱ ماده ۴) را از جمله از طریق تسهیل «مشارکت عمومی در رسیدگی به تغییرات اقلیمی و آثار آن و توسعه واکنش‌های مناسب» (شق ۳ بند الف ماده ۶)، الزامی می‌داند.

۲۱۵. دیوان معتقد است که همکاری بین‌المللی در حوزه تغییرات اقلیمی امری ضروری است و وظیفه عرفی به همکاری برای حفاظت از محیط‌زیست در چندین مقررۀ معاهدات مربوط به تغییرات اقلیمی، از جمله کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی انعکاس یافته است.^{۲۰۵}

۲۱۶. می‌توان توجیه منطقی همکاری ذیل کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی را در مقدمه این معاهده یافت که بیان می‌دارد «ماهیت جهانی تغییرات اقلیمی، گسترده‌ترین همکاری ممکن از سوی تمامی دولت‌ها و مشارکت آن‌ها در واکنش بین‌المللی مؤثر و مناسب را ایجاب می‌کند» (بند ششم مقدمه). دیوان بر این باور است که شقوق (ج)، (د)، (ه)، (گ)، (ح) و (ی) در بند ۱ و همچنین بندهای ۳ تا ۵ ماده ۴ کنوانسیون چارچوب، محتوای دقیق و قلمرو وظیفه همکاری را مشخص می‌کنند. در اجرای این مفاد، همه طرف‌ها باید به منظور دستیابی به هدف هر مقررۀ با حسن‌نیت با یکدیگر همکاری کنند.

۲۱۷. کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی در بندهای ۳ تا ۵ ماده ۴ خود تعهدات خاصی را برای «دولت‌های توسعه‌یافته طرف معاهده و سایر طرف‌های توسعه‌یافته مندرج در پیوست دو»

paragraph 8 and 9, of the Convention (decision 3/CP.3 and Article 2, paragraph 3, and Article 3, paragraph 14, of the Kyoto Protocol), 10 November 2001, UN doc. FCCC/CP/2001/13/Add.1, p. 32; and decision 1/CP.10, Buenos Aires programme of work on adaptation and response measures, 17-18 December 2004, UN doc. FCCC/CP/2004/10/Add.1, p. 2) (see paragraph 184 above).

205. See paragraphs 140-141 above and 260-267 below.

در نظر می‌گیرد تا کمک‌های مالی، انتقال فناوری و سایر اشکال حمایت را به دولت‌های در حال توسعه عضو ارائه دهند، به‌ویژه به آن دسته از دولت‌هایی که به‌طور مشخص در برابر آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر هستند و از این طریق، به آن‌ها در انجام تعهداتشان ذیل کنوانسیون چارچوب کمک کنند.

۲۱۸. وظیفه همکاری، تعهد رفتاری است که تحقق آن بر اساس معیار مراقبت مقتضی ارزیابی می‌شود.^{۲۰۶} همکاری با حسن‌نیت در این زمینه مستلزم توجه به راهنمایی‌های ارائه‌شده توسط تصمیمات کنفرانس اعضا در زمینه انتقال مالی، انتقال فناوری و ظرفیت‌سازی است. دستورالعمل‌ها، چارچوب‌ها و سازکارهای تصویب‌شده از طریق تصمیمات کنفرانس اعضا به اجرای مؤثر مفاد کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی کمک می‌کنند. به نظر دیوان، ارزیابی مورد به مورد کفایت تعهدات فعلی در زمینه انتقال مالی و فناوری باید با اتکا به اصل حسن‌نیت انجام شود؛ اصلی که وظیفه همکاری را هدایت می‌کند.^{۲۰۷}

۴. تعهدات دولت‌ها به موجب پروتکل کیوتو

۲۱۹. دیوان در این بخش به بررسی پروتکل کیوتو ذیل کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی می‌پردازد. پروتکل کیوتو برخی از تعهدات مقرر در کنوانسیون چارچوب را عینیت بخشیده و برای طرف‌های ضمیمه یک که در ضمیمه ب پروتکل فهرست شده‌اند، تعهدات کمی در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مقرر کرده است. به‌ویژه این پروتکل، طی نخستین دوره تعهدات از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ تعهداتی را برای اعضا دائر بر محدودسازی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بر اساس اهداف فردی مورد توافق در نظر گرفته است (بند ۱ ماده ۳). دومین دوره تعهدات برای برخی دولت‌ها، از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰، به موجب /صلاحیه دوحه به پروتکل کیوتو در ۸ دسامبر ۲۰۱۲ تصویب و در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۰ لازم‌الاجرا شد. در حال حاضر، دوره تعهداتی پس از ۲۰۲۰ تعیین نشده است.

۲۲۰. پروتکل کیوتو تعهدات مربوط به تعدیل انتشار گازهای گلخانه‌ای ذیل کنوانسیون چارچوب را مشخص و تقویت می‌کند. این پروتکل برای ۳۷ دولت توسعه‌یافته و اقتصادهای در حال گذار و همچنین اتحادیه اروپا که در ضمیمه ب آن فهرست شده‌اند، اهداف الزام‌آور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تعیین می‌کند. طی نخستین دوره تعهدات، از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، دولت‌ها و موجودیت‌های مندرج در ضمیمه ب که طرف پروتکل کیوتو بودند، ملزم شدند که به‌طور متوسط، انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را به ۵ درصد کمتر از سطح انتشار در ۱۹۹۰ کاهش دهند (بند ۱ ماده ۳). پروتکل همچنین سیستمی

206. See paragraphs 280-300 below.

207. See paragraph 141.

را برای پایش پیشرفت دولت‌ها و موجودیت‌های مندرج در ضمیمه ب ایجاد کرده است.

۲۲۱. در غیاب دوره تعهداتی جدید، چندین مشارکت‌کننده اظهار داشته‌اند که پروتکل کیوتو دیگر موضوعیت ندارد و نیازی به بررسی آن توسط دیوان در این قضیه نیست. در واقع، در مقدمه پرسش‌ها و در میان اسنادی که مجمع عمومی از دیوان خواسته بود در پاسخ خود به آن‌ها توجه ویژه داشته باشد، پروتکل کیوتو فهرست نشده است. با این حال، دیوان یادآور می‌شود که فقدان دوره تعهداتی جدید، اثر حقوقی پروتکل کیوتو را از بین نمی‌برد.^{۲۰۸} پروتکل کیوتو همچنان لازم‌الاجرا است و مفاد آن می‌تواند همچنان، از جمله، به عنوان: یک) ابزارهای تفسیر برای شناسایی تعهدات ذیل چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی؛ و دو) مقررات ماهوی برای ارزیابی پایبندی طرف‌های ضمیمه ب به اهداف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای قابل اعمال، مورد استفاده قرار گیرد؛ یعنی برای تعیین اینکه آیا دولت در طول دوره تعهداتی مربوطه، به تعهدات کاهش انتشار خود پایبند بوده است یا خیر. بنابراین، عدم پایبندی دولت به تعهدات کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌تواند عمل متخلفانه بین‌المللی باشد.

۵. تعهدات دولت‌های عضو به موجب موافقت‌نامه پاریس

۲۲۲. دیوان در این بخش به بررسی تعهدات دولت‌های عضو موافقت‌نامه پاریس می‌پردازد.

۲۲۳. دیوان ملاحظه می‌کند که اظهارات اکثر مشارکت‌کنندگان در این فرآیند رسیدگی عمدتاً بر موافقت‌نامه پاریس متمرکز بوده است؛ موافقت‌نامه‌ای که به عنوان جامع‌ترین معاهده در مواجهه با مسئله تغییرات اقلیمی معرفی شده است. در واقع، این موافقت‌نامه جدیدترین سند جهانی الزام‌آور حقوقی در زمینه تغییرات اقلیمی است و مفاد آن تعهداتی را در ارتباط با تعدیل انتشار، سازگاری، تأمین مالی، توسعه و انتقال فناوری، شفافیت اقدامات و حمایت‌ها و ظرفیت‌سازی تعیین می‌کند. موضوع و هدف موافقت‌نامه پاریس که در بند ۱ ماده ۲ آن منعکس شده است، تقویت واکنش جهانی به تهدید تغییرات اقلیمی است؛ از طریق:

الف) حفظ افزایش میانگین دمای جهانی در زیر ۲ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطوح پیش‌صنعتی و تلاش برای «محدودسازی افزایش دما به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطوح پیش‌صنعتی»، با تصدیق اینکه این امر به‌طور چشمگیری خطرات و آثار تغییرات اقلیمی را کاهش می‌دهد؛
ب) افزایش توانایی سازگاری با آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی و تقویت تاب‌آوری اقلیمی و توسعه با انتشار پایین گازهای گلخانه‌ای به گونه‌ای که تهدیدی برای تولید غذا ایجاد نکند؛ و
پ) هماهنگ کردن جریان‌های مالی با مسیری به سوی توسعه با انتشار پایین گازهای گلخانه‌ای

208. See paragraph 120 above.

و مقاوم در برابر تغییرات اقلیمی.

دیوان بر این نظر است که هدف «حفظ افزایش میانگین دمای جهانی در زیر ۲ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطوح پیشاصنعتی» و تلاش برای «محدودسازی افزایش دما به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطوح پیشاصنعتی» نمایانگر عینیت‌بخشی مهم از هدف کلی کنوانسیون چارچوب در پیشگیری از غلظت/تراکم خطرناک گازهای گلخانه‌ای در جو است. بند ۱ ماده ۲ موافقت‌نامه پاریس این رابطه را تأیید و بیان می‌کند که هدف [محدودیت] دمایی به «تقویت اجرای کنوانسیون [چارچوب]، از جمله هدف آن» معطوف است. در واقع، مقدمه موافقت‌نامه پاریس روشن می‌کند که این توافق «در پیگیری هدف کنوانسیون و تحت راهنمایی اصول آن» منعقد شده است. با توجه به اهداف موافقت‌نامه، مندرج در شق (الف) تا (پ) بند ۱ ماده ۲ و همچنین ارتباط موافقت‌نامه با کنوانسیون چارچوب، دیوان بر این نظر است که تعهدات ذیل موافقت‌نامه پاریس که با رسیدگی کنونی دیوان مرتبط هستند، می‌توانند در قالب تعهدات مربوط به تعدیل انتشار، سازگاری و همکاری، از جمله در زمینه‌های ظرفیت‌سازی و انتقال مالی و فناوری دسته‌بندی شوند.

(الف) ملاحظات کلی

۲۲۴. به‌طور کلی، دیوان یادآور می‌شود که اگرچه موافقت‌نامه پاریس، محدودسازی افزایش میانگین دمای جهانی به زیر ۲ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطوح پیشاصنعتی را به‌عنوان هدف و ۱/۵ درجه سانتی‌گراد را به‌عنوان تلاش اضافی پیش‌بینی می‌کند، ۱/۵ درجه سانتی‌گراد به هدف علمی مورد اجماع ذیل موافقت‌نامه پاریس تبدیل شده است. در بیست‌وششمین نشست کنفرانس اعضا که سومین نشست مجمع طرف‌های موافقت‌نامه پاریس بود، طرف‌ها «به این امر اذعان کردند که آثار تغییرات اقلیمی در افزایش دمای ۱.۵ درجه سانتی‌گراد در مقایسه با افزایش ۲ درجه‌ای بسیار کمتر خواهد بود و تصمیم گرفتند تلاش‌هایی برای محدودکردن افزایش دما به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد انجام دهند.^{۲۰۹} متعاقباً در پنجمین نشست مجمع طرف‌های موافقت‌نامه پاریس، طرف‌ها بار دیگر این تصمیم را تأیید و همه اعضا را تشویق کردند تا:

«با در نظر گرفتن آخرین یافته‌های علمی و شرایط متفاوت ملی، اهداف جاه‌طلبانه و کلان اقتصادی کاهش انتشار که تمام گازهای گلخانه‌ای، بخش‌ها و دسته‌بندی‌ها را در برگیرد و مطابق با محدودسازی گرمایش جهانی به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد باشد، ارائه کنند».^{۲۱۰}

به نظر دیوان، این تصمیمات بیانگر توافق ماهوی طرف‌ها در خصوص تفسیر مواد ۲ و ۴

209. See decision 1/CMA.3, Glasgow Climate Pact, 13 November 2021, UN doc. FCCC/PA/CMA/2021/10/Add.1, p. 4, para. 21 (emphasis added).

210. decision 1/CMA.5, Outcome of the first global stocktake, 13 December 2023, UN doc. FCCC/PA/CMA/2023/16/Add.1, p. 7, para. 39.

موافقت‌نامه پاریس است و بنابراین، طبق شق (الف) بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات، به منزله توافق‌های بعدی مربوط به تفسیر موافقت‌نامه پاریس محسوب می‌شوند.^{۲۱۱} بر این اساس، دیوان هدف [محدودیت] دمایی ۱.۵ درجه سانتی‌گراد را به‌عنوان هدف اولیه مورد توافق طرف‌ها برای محدود کردن افزایش میانگین دمای جهانی ذیل موافقت‌نامه پاریس در نظر می‌گیرد. دیوان همچنین اضافه می‌کند که این تفسیر با بند ۱ ماده ۴ موافقت‌نامه پاریس که مستلزم تدابیر و اقدامات تعدیلی بر اساس بهترین دانش موجود است، همخوانی دارد.^{۲۱۲}

۲۲۵. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، هدف [محدودیت] دمایی در موافقت‌نامه پاریس در راستای پیشبرد هدف و مقصود کلی کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی یعنی «تثبیت غلظت/تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو در سطحی که بتواند از مداخله خطرناک انسانی در سیستم اقلیمی جلوگیری کند» طراحی شده است (ماده ۲ کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی). دیوان بر این نظر است که هدف کلی کنوانسیون چارچوب، موضوع و هدف موافقت‌نامه پاریس را تشکیل می‌دهد و هدف [محدودیت] دمایی، ابزاری برای دستیابی به این موضوع و هدف فراهم می‌کند.

۲۲۶. دیوان در این مرحله یادآور می‌شود که ماده ۲ موافقت‌نامه پاریس که متضمن هدف [محدودیت] دمایی مذکور است، تصریح می‌کند که: «این موافقت‌نامه به گونه‌ای که بازتاب‌دهنده انصاف و اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، با توجه به شرایط ملی متفاوت باشد، اجرا خواهد شد». در موافقت‌نامه چندین بار به اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط اشاره شده است که نشان‌دهنده نقش اساسی این اصل در تفسیر مقررات موافقت‌نامه است.^{۲۱۳} با این حال مشاهده می‌شود که این اصل که در کنوانسیون چارچوب و نیز در تصمیمات کنفرانس اعضا پیش‌بینی شده، به نحوی متفاوت در موافقت‌نامه پاریس تدوین شده است؛ بدین معنا که عبارت با توجه به شرایط ملی متفاوت به آن افزوده شده است. از نظر دیوان، این عبارت اضافی هسته اصلی «مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط» را تغییر نمی‌دهد، بلکه با اذعان به اینکه وضعیت دولت به‌عنوان دولت توسعه‌یافته یا در حال توسعه، وضعیتی ثابت و ایستا نیست، ظرفیتی بر آن می‌افزاید. این امر به ارزیابی شرایط جاری آن دولت بستگی دارد. به کارگیری عبارت به گونه‌ای/اجرا خواهد شد که منعکس کند^{۲۱۴} در ماده ۲، این انتظار را ایجاد می‌کند که موافقت‌نامه پاریس توسط طرف‌ها به گونه‌ای اجرا شود که مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط آن‌ها را با توجه به شرایط متفاوت ملی، بازتاب دهد.

211. See paragraph 184 above.

212. See paragraph 74 above.

213. See third preambular paragraph, and Article 2, paragraph 2, Article 4, paragraph 3, and Article 4, paragraph 19.

214. Will be implemented to reflect

۲۲۷. علاوه بر این، موافقت‌نامه پاریس مشتمل بر مقرراتی است که دولت‌های توسعه‌یافته عضو را ملزم می‌کند که در زمینه مسئولیت‌های مربوط به تعدیل و سازگاری، از دولت‌های در حال توسعه عضو حمایت لازم را به‌صورت منابع مالی (ماده ۹)، انتقال فناوری (ماده ۱۰) و اقدامات ظرفیت‌سازی (ماده ۱۱) به عمل آورند. این مقررات بازتاب‌دهنده وظیفه همکاری است.

۲۲۸. دیوان همچنین یادآور می‌شود که موافقت‌نامه پاریس مشتمل بر تعهدات رفتاری و تعهدات به نتیجه متعددی است که به‌طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند. همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، در خصوص تعهدات رفتاری ناشی از وظیفه عرفی پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست، طرف‌ها موظف‌اند با رعایت مراقبت مقتضی اقدام کنند.^{۲۱۵} علت این امر آن است که «مفاهیم تعهدات مبتنی بر مراقبت مقتضی و تعهدات رفتاری به یکدیگر مرتبط‌اند».^{۲۱۶}

۲۲۹. بنابراین، پایبندی طرف‌ها به تعهدات رفتاری خود ذیل موافقت‌نامه پاریس بر اساس این ارزیابی می‌شود که آیا طرف مورد نظر با رعایت مراقبت مقتضی و به‌کارگیری تمام تلاش‌های ممکن، از تمام ابزارهای در اختیار خود در اجرای آن تعهد استفاده کرده است یا خیر.^{۲۱۷}

(ب) تعهدات تعدیلی به موجب موافقت‌نامه پاریس

۲۳۰. دیوان یادآور می‌شود که تعدیل متضمن مداخله انسانی به منظور کاهش انتشارها یا تقویت چاهک‌های جذب کربن است.^{۲۱۸} دیوان متذکر می‌شود که تعهدات دولت‌های عضو در زمینه تعدیل، طبق موافقت‌نامه پاریس، در ماده ۴ آن پیش‌بینی شده است. بند ۱ ماده مزبور مقرر می‌دارد که به منظور تحقق هدف [محدودیت] دمایی مندرج در ماده ۲، «طرف‌ها بر آن‌اند که نقطه اوج جهانی انتشار گازهای گلخانه‌ای را در سریع‌ترین زمان ممکن حاصل کنند [...] و پس از آن، کاهش سریع را اعمال کنند»، به نحوی که در نیمه دوم قرن حاضر، با ایجاد توازن میان انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت و حذف آن‌ها از طریق چاهک‌ها، به سطح انتشار صفر خالص دست یابند.

۲۳۱. دیوان ملاحظه می‌کند که تحقق هدف [محدودیت] دمایی مندرج در ماده ۲ که در بند ۱ ماده ۴ نیز به آن ارجاع شده است، و همچنین هدف دستیابی به نقطه اوج جهانی انتشار گازهای گلخانه‌ای در سریع‌ترین زمان ممکن، تعهداتی هستند که متوجه همه اعضا به مثابه یک کل^{۲۱۹}

215. See paragraph 135 above.

216. Responsibilities and obligations of States with respect to activities in the Area, Advisory Opinion, 1 February 2011, ITLOS Reports 2011, p. 41, para. 111.

217. See Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), pp. 55-56, para. 101.

218. See paragraph 85 above.

219. All parties as a whole.

هستند. بنابراین، هدف دمای مقرر در ماده ۲ که در بند ۱ ماده ۴ نیز مورد ارجاع قرار گرفته است، علاوه بر آنکه جزء موضوع و هدف موافقت‌نامه محسوب می‌شود، سیاق لازم برای تفسیر سایر تعهدات مندرج در بخش‌های دیگر موافقت‌نامه پاریس، از جمله تعهدات مربوط به تعدیل در ماده ۴ را نیز تشکیل می‌دهد. همان گونه که چندین مشارکت‌کننده در پاسخ به پرسش مطرح‌شده از سوی یکی از قضات دیوان یادآور شده‌اند، این سیاق، همراه با معنای عادی و متداول اصطلاحات موافقت‌نامه و نیز موضوع و هدف آن، نقش مهمی در تفسیر سایر مقررات موافقت‌نامه، از جمله ماده ۴ ایفا می‌کند.

۲۳۲. ماده ۵ موافقت‌نامه پاریس به تشریح شیوه‌های تحقق توازن خالص میان انتشار گازهای گلخانه‌ای و چاهک‌های کربن که در بند ۱ ماده ۴ پیش‌بینی شده است، می‌پردازد و مقرر می‌دارد که «طرف‌ها باید اقدامات لازم را برای حفظ و در صورت اقتضا، تقویت مخازن و چاهک‌های گازهای گلخانه‌ای از جمله جنگل‌ها به عمل آورند». بنابراین، موافقت‌نامه پاریس، تعهدات مربوط به ارتقا و تقویت مخازن و چاهک‌های کربن را که در ماده ۴ کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد مقرر شده است، تحکیم می‌بخشد.

۲۳۳. به منظور تحقق اهداف خود، موافقت‌نامه پاریس، تعهداتی در خصوص «مشارکت‌های معین ملی» برقرار می‌کند که به موجب آن طرف‌ها اقدامات اقلیمی خویش را تبیین و اعلام می‌کنند. طبق بند ۲ ماده ۴ موافقت‌نامه، هر یک از طرف‌ها متعهدند تا مشارکت‌های معین ملی متوالی که قصد دستیابی به آن را دارند، تهیه، اعلام و حفظ کنند. دیوان اکنون به بررسی تعهدات خاص مربوط به تعدیل در چارچوب موافقت‌نامه پاریس خواهد پرداخت.

(یک) تعهد به تهیه، اعلام و حفظ مشارکت‌های معین ملی

۲۳۴. تعهدات فردی مربوط به تعدیل انتشار هر یک از دولت‌ها عمدتاً در بند ۲ ماده ۴ موافقت‌نامه پاریس منعکس شده است که مقرر می‌دارد: «هر یک از طرف‌ها متعهد است مشارکت‌های معین ملی متوالی که قصد دستیابی به آن را دارند، تهیه، اعلام و حفظ کنند. طرف‌ها باید اقدامات تعدیلی داخلی را با هدف دستیابی به اهداف این مشارکت‌ها دنبال کنند». هر دو جمله در بند ۲ ماده ۴، تعهدات حقوقی الزام‌آور برای دولت‌ها ایجاد می‌کند. استفاده از واژه دستوری باید^{۲۲۰} و همچنین ارجاع به هر یک از/عضا^{۲۲۱} در جمله اول و/عضا^{۲۲۲} در جمله دوم، روشن می‌کند که این ماده دو تعهد حقوقی الزام‌آور را مقرر می‌دارد که باید جداگانه توسط هر طرف اجرا شود.

۲۳۵. در خصوص تعهد مندرج در جمله اول بند ۲ ماده ۴، دیوان ملاحظه می‌کند که تعهد به

220. Shall

221. Each Party

222. Parties

تهیه، اعلام و حفظ مشارک‌های معین ملی متوالی، ماهیتاً رویه‌ای (شکلی) و همچنین تعهد به نتیجه محسوب می‌شود. تعهد به نتیجه دیگری که به تهیه، اعلام و حفظ مشارک‌های معین ملی مربوط می‌شود، در بند ۹ ماده ۴ موافقت‌نامه پاریس یافت می‌شود که مقرر می‌دارد: «هر یک از اعضا باید هر پنج سال یک مشارکت معین ملی را اعلام کند». به طور مشابه، بند ۱۳ ماده ۴ مقرر می‌دارد: «اعضا باید نسبت به مشارک‌های معین ملی خود مسئول باشند» و بند ۱۲ ماده ۴ نیز مقرر می‌دارد که اعضا موظف‌اند آن‌ها را ثبت کنند.

۲۳۶. با در نظر گرفتن این تعهدات به نتیجه، عدم تهیه، اعلام و حفظ مشارک‌های معین ملی متوالی، عدم مسئولیت در برابر آن‌ها و عدم ثبت آن‌ها، نقض تعهدات مذکور را تشکیل می‌دهد. همان طور که دیوان در ارتباط با تعهد به تصویب سیاست‌های ملی و اتخاذ اقدامات متناسب تصریح کرده است، صرف انجام رسمی تهیه، اعلام و حفظ مشارک‌های معین ملی متوالی برای انطباق با تعهدات ماده ۴ کافی نیست.^{۲۳۳} محتوای مشارک‌های معین ملی نیز به همان اندازه برای تعیین میزان انطباق با تعهدات اهمیت دارد.

(دو) محتوای مشارک‌های معین ملی

۲۳۷. دیوان اکنون به این مسئله می‌پردازد که آیا محتوای مشارک‌های معین ملی تحت چارچوب موافقت‌نامه پاریس، به صلاحدید هر طرف واگذار شده است یا خیر. دیوان یادآور می‌شود که برخی از مشارکت‌کنندگان در اظهارات مکتوب و شفاهی خود استدلال کرده‌اند که محتوای مشارک‌های معین ملی خودتعریف‌شده یا تابع صلاحدید طرف‌ها است.

۲۳۸. اینکه مشارک‌های معین ملی تابع صلاحدید هستند یا خیر و تا چه حدی چنین است، بستگی به تفسیر ماده ۴ دارد، که باید با حسن‌نیت و بر اساس معنای عادی و متداول اصطلاحات مندرج در ماده ۴ در سیاق آن و در پرتو موضوع و هدف موافقت‌نامه پاریس انجام شود.

۲۳۹. دیوان ملاحظه می‌کند که بند ۲ ماده ۴ در خصوص محتوای مشارک‌های معین ملی و میزان حاشیه صلاحیدی که به هر طرف برای تعیین مشارک‌های معین ملی خود اعطا شده، سکوت کرده است. این مقرر نه الزامات مشخصی برای محتوای مشارک‌های معین ملی مقرر می‌دارد و نه دلالت بر این امر دارد که اعضا در تهیه آن‌ها، حاشیه صلاحدید نامحدودی دارند.

۲۴۰. با این حال، دیوان یادآور می‌شود که بند ۳ ماده ۴ موافقت‌نامه پاریس، انتظارات و استانداردهایی را تعیین می‌کند که در تهیه مشارک‌های معین ملی برای اعضا قابل اعمال است. این بند مقرر می‌دارد:

223. See paragraph 208 above.

«مشارکت‌های معین ملی متوالی هر طرف نشان‌دهنده پیشرفت آن‌ها در مشارکت معین ملی کنونی‌شان و منعکس‌کننده بالاترین هدف بلندپروازانه آن‌ها است، به گونه‌ای که مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط را با توجه به شرایط ملی مختلف بازتاب می‌دهد».

اگرچه بند ۳ ماده ۴ در ارتباط با محتوای مشارکت‌های معین ملی از واژه will به جای واژه shall استفاده می‌کند، دیوان، همان‌طور که برخی مشارکت‌کنندگان پیشنهاد کرده‌اند، بر این نظر است که این ماده نباید صرفاً به صورت توصیه‌ای خوانده شود. بلکه واژه will در اینجا به معنای دستوری به کار رفته و بازتاب‌دهنده این انتظار است که «مشارکت‌های معین ملی متوالی، روندی صعودی را نشان خواهند داد» و «بالاترین جاه‌طلبی ممکن هر عضو را منعکس خواهند کرد»، بدون آنکه به طور دقیق تعیین کند چه چیزی روند صعودی محسوب می‌شود یا چه چیزی بالاترین جاه‌طلبی ممکن هر عضو را منعکس می‌کند. بر عهده دیوان است که در این فرآیند رسیدگی، معنای اصطلاحات مندرج در بند ۳ ماده ۴ را روشن کند و بدین وسیله تعهدات اعضا در رابطه با محتوای مشارکت‌های معین ملی‌شان را شفاف کند.

۲۴۱. نخست، اینکه «مشارکت‌های معین ملی متوالی هر طرف، روند صعودی را نشان خواهند داد»، فراتر از مشارکت‌های معین ملی کنونی آن طرف، به این معناست که مشارکت‌های معین ملی یک طرف باید به مرور زمان سختگیرانه‌تر (شدیدتر) شوند. وجود چنین استانداردهایی در تنظیم مشارکت‌های معین ملی همچنین از شق (الف) بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی که مستلزم آن است که دولت‌های توسعه‌یافته تدابیر و اقدامات مربوط به تعدیل انتشار را انجام دهند و همچنین از وظیفه عرفی پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست که ایجاب می‌کند دولت‌ها مراقبت مقتضی را از جمله در فعالیت‌هایی مثل تنظیم مشارکت‌های معین ملی اعمال کنند، نشأت می‌گیرد.^{۲۲۴}

۲۴۲. دوم، مشارکت‌های معین ملی یک طرف باید منعکس‌کننده «بالاترین جاه‌طلبی ممکن آن» باشد. اگرچه این اصطلاح در موافقت‌نامه پاریس تعریف نشده است، دیوان معتقد است که سطح جاه‌طلبی مورد انتظار در مشارکت‌های معین ملی هر طرف، کاملاً به صلاحدید طرف‌ها واگذار نشده است. این ماده، هنگامی که در سیاق موافقت‌نامه و در پرتو موضوع و هدف آن و همچنین تعهد عرفی پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست تفسیر شود، نشان می‌دهد که محتوای مشارکت‌های معین ملی هر طرف باید در راستای اجرای تعهدات خود ذیل موافقت‌نامه پاریس، قادر به مشارکت کافی در دستیابی به هدف [محدودیت] دمایی باشد. در مورد حاضر، سیاق مربوطه، از جمله در ماده ۳ یافت می‌شود که انتظار دارد طرف‌ها «تلاش‌های جاه‌طلبانه‌ای را همان‌طور که در مواد ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ تعریف شده است، به منظور دستیابی به هدف این موافقت‌نامه که

224. See paragraphs 135-139 above.

در ماده ۲ مقرر شده است، به عمل آورده و اعلام کنند» (تأکید اضافه شد). این مقرر ضرورت آن را نشان می‌دهد که سطح جاه‌طلبی در مشارکت‌های معین ملی یک طرف باید با موضوع و هدف موافقت‌نامه، مندرج در ماده ۲ مرتبط باشد، یعنی محدود کردن افزایش میانگین دمای جهانی به کمتر از ۱.۵ درجه سانتی‌گراد که دیوان آن را به‌عنوان هدف اصلی دمایی تحت موافقت‌نامه تفسیر کرده است.^{۲۲۵}

۲۴۳. علاوه بر این، بند ۹ ماده ۴ مقرر می‌دارد که مشارکت‌های معین ملی باید «بر اساس نتایج بررسی وضعیت جهانی مورد اشاره در ماده ۱۴ شکل بگیرند». در این زمینه، نتیجه نخستین بررسی وضعیت جهانی که در تصمیم ۱/CMA.5 در چارچوب بیست‌وهشتمین نشست کنفرانس اعضا به تصویب رسیده است، روشن می‌کند که «با وجود پیشرفت کلی در تعدیل انتشار، سازگاری و ابزارهای اجرایی و حمایت، اعضا هنوز به‌طور جمعی در مسیر دستیابی به مقصود موافقت‌نامه پاریس و اهداف بلندمدت آن نیستند».^{۲۲۶} این تصمیم همچنین تصریح می‌کند که: «محدود کردن گرمایش جهانی به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد بدون یا با حداقل تجاوز از این سطح، نیازمند کاهش عمیق، سریع و پایدار انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی به میزان ۴۳ درصد تا ۲۰۳۰ و ۶۰ درصد تا ۲۰۳۵ نسبت به سطح ۲۰۱۹ و دستیابی به انتشار صفر خالص دی‌اکسید کربن تا ۲۰۵۰ است».^{۲۲۷}

۲۴۴. زمینه دقیق‌تر این موضوع در شفافیت و تعهدات ماهوی مندرج در ماده ۴ دیده می‌شود. بند ۸ این ماده مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو، هنگام اعلام مشارکت‌های معین ملی خود باید «اطلاعات لازم برای وضوح، شفافیت و قابلیت فهم» را مطابق تصمیم ۱/CP.21 و سایر تصمیمات مرتبط کنفرانس اعضا به‌عنوان نشست/مجمع اعضای این موافقت‌نامه ارائه کنند. افزون بر این، بند ۱۳ ماده ۴ دولت‌ها را ملزم می‌کند که نسبت به مشارکت‌های معین ملی خود مسئول و پاسخگو باشند و این کار را به گونه‌ای انجام دهند که یکپارچگی زیست‌محیطی، شفافیت، دقت، جامعیت، قابلیت قیاس و انسجام و اجتناب از محاسبه دوباره تضمین شود. به نظر دیوان، چنین الزامات مربوط به شفافیت و پاسخگویی در صورتی معنا دارد که دولت‌ها در تعیین مشارکت‌های ملی خود حاشیه صلاحیت نامحدود نداشته باشند.

۲۴۵. در پرتو آنچه گفته شد، دیوان بر این باور است که حاشیه صلاحیت دولت‌ها در تهیه مشارکت‌های معین ملی خود محدود است. بنابراین دولت‌ها در اعمال حاشیه صلاحیت خود موظف‌اند که مراقبت مقتضی را اعمال کنند و از این امر که مشارکت‌های معین ملی آن‌ها تعهداتشان به

225. See paragraph 224 above.

226. Decision 1/CMA.5, 13 December 2023, UN doc. FCCC/PA/CMA/2023/16/Add.1, p. 3, para. 2.

227. Ibid., p. 5, para. 27.

موجب موافقت‌نامه پاریس را تحقق می‌بخشد، اطمینان حاصل کنند و بدین ترتیب، هنگامی که همه این مشارکت‌ها در نظر گرفته شوند، قادر به دستیابی به هدف دمایی محدودسازی گرمایش جهانی به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطح پیشاصنعتی و همچنین هدف کلی «تثبیت غلظت/تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو در سطحی که از مداخله خطرناک انسانی در سیستم اقلیمی جلوگیری کند» باشند.

۲۴۶. دیوان یادآور می‌شود که استاندارد مراقبت مقتضی به مجموعه‌ای از عوامل متفاوت بستگی دارد.^{۲۲۸} در سیاق کنونی، به دلیل جدیت تهدید ناشی از تغییرات اقلیمی، استاندارد مراقبت مقتضی در تهیه مشارکت‌های معین ملی، سختگیرانه است.^{۲۲۹} این بدان معناست که هر عضو موظف است نهایت تلاش خود را به کار گیرد تا اطمینان حاصل شود که مشارکت‌های معین ملی ارائه‌شده نمایانگر بالاترین سطح ممکن از بلندپروازی آن دولت در راستای تحقق اهداف این موافقت‌نامه باشد.

۲۴۷. تعهد به تهیه و ارائه مشارکت‌های معین ملی که قادر به تحقق اهداف موافقت‌نامه باشند، درباره تمام طرف‌های موافقت‌نامه پاریس اعمال می‌شود.^{۲۳۰} با این حال، با توجه به ماهیت متفاوت مراقبت مقتضی و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، معیار اعمال‌شده هنگام ارزیابی مشارکت‌های معین ملی طرف‌های مختلف با توجه به عوامل متعددی از جمله سهم تاریخی آن‌ها در انتشار تجمعی گازهای گلخانه‌ای، سطح توسعه و شرایط ملی دولت مورد نظر، متفاوت خواهد بود. دیوان در رأی خود در قضیه مربوط به درخواست/اجرای کنوانسیون پیشگیری و سرکوب جنایت نسل‌کشی (بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو) رابطه میان مفهوم حقوقی مراقبت مقتضی و شرایط ملی یک دولت را به رسمیت شناخت و یادآور شد که مراقبت مقتضی نیازمند ارزیابی موردی و عینی است و ممکن است بسته به شرایط دولت مورد نظر و توانایی آن در تأثیرگذاری بر اقدامات یا رویدادهای مهم متفاوت باشد.^{۲۳۱} بنابراین، بین مفهوم مراقبت مقتضی و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط در پرتو شرایط ملی متفاوت، پیوندی وجود دارد.^{۲۳۲}

۲۴۸. این مسئله توسط موافقت‌نامه پاریس تأیید می‌شود. بند ۴ ماده ۴ موافقت‌نامه مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو توسعه‌یافته «باید با اتخاذ اهداف کاهش مطلق انتشار در سطح کل اقتصاد، رهبری را ادامه دهند (پیشگام باشند)»، در حالی که از دولت‌های عضو در حال توسعه انتظار می‌رود

228. Responsibilities and obligations of States with respect to activities in the Area, Advisory Opinion, 1 February 2011, ITLOS Reports 2011, p. 43, para. 117.

229. See paragraph 138 above.

230. See paragraph 234 above.

231. I.C.J. Reports 2007 (I), p. 221, para. 430.

232. See paragraphs 137 above and 290-292 below.

که «به تقویت تلاش‌های خود در رابطه با تعدیل انتشار ادامه دهند و تشویق می‌شوند که در پرتو شرایط ملی متفاوت، به مرور زمان به سمت اهداف کاهش یا محدودسازی انتشار در سطح کل اقتصاد حرکت کنند». با این حال، تعهد به تهیه و ارائه مشارکت‌های معین ملی که قادر به تحقق اهداف موافقت‌نامه پاریس باشند، شامل همه طرف‌های موافقت‌نامه است. این موضوع توسط تصمیم راهنمای مقررات پاریس^{۲۳۳} نیز تأیید می‌شود که به موجب آن هر طرف موظف است هنگام ارائه مشارکت‌های معین ملی خود، اطلاعاتی ارائه کند دائر بر اینکه چگونه این مشارکت‌های معین ملی را در چارچوب شرایط ملی خود، منصفانه و جاه‌طلبانه در نظر گرفته است؛ ازجمله در رابطه با ملاحظات/انصاف و عدالت^{۲۳۴} و همچنین چگونگی رعایت پیشرفت، بالاترین جاه‌طلبی ممکن و مسئولیت مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط با توجه به شرایط ملی متفاوت.^{۲۳۵}

۲۴۹. با توجه به آنچه گفته شد، دیوان نتیجه‌گیری می‌کند که مشارکت‌های معین ملی برخلاف آنچه برخی از طرف‌ها استدلال کرده‌اند، صرفاً بنا به صلاحدید اعضا نیست بلکه باید استانداردهای مشخصی را طبق موافقت‌نامه پاریس رعایت کنند. همه مشارکت‌های معین ملی که توسط اعضا طبق موافقت‌نامه تهیه، ارائه و حفظ می‌شوند، هنگامی که به‌طور کلی در نظر گرفته شوند، باید قادر به تحقق اهداف موافقت‌نامه ذیل ماده ۲ آن باشند.

(سه) اجرای مشارکت‌های معین ملی و اقدامات تعدیلی داخلی

۲۵۰. دیوان اکنون به تعهد مندرج در جمله دوم بند ۲ ماده ۴ می‌پردازد که مقرر می‌دارد: «طرف‌ها باید اقدامات تعدیلی داخلی را با هدف دستیابی به اهداف مشارکت‌های معین ملی متوالی خود پیگیری کنند». مشارکت‌کنندگان دیدگاه‌های مختلفی در مورد این مقرر ارائه داده‌اند؛ برخی استدلال کردند که بند ۲ ماده ۴ تعهدات الزام‌آور حقوقی برای طرف‌ها ایجاد نمی‌کند.

۲۵۱. تعهد طرف‌ها دائر بر اینکه باید اقدامات تعدیلی داخلی را پیگیری کنند ماهوی است. این تعهد بر عهده طرف‌ها است که باید به معنای همه طرف‌ها تلقی شود و بدین ترتیب، موجد تعهدات جداگانه برای هر یک از طرف‌های موافقت‌نامه است. افزون بر این، و همان گونه که اکثر مشارکت‌کنندگان اشاره کردند، تعهد به پیگیری اقدامات تعدیلی داخلی، یک تعهد رفتاری است نه تعهد به نتیجه.^{۲۳۶}

233. Paris Rulebook decision

234. Decision 4/CMA.1, Further guidance in relation to the mitigation section of decision 1/CP.21, 15 December 2018, UN doc. FCCC/PA/CMA/2018/3/Add.1, p. 11, Annex I, paragraph 6 (a) and (b).

235. Ibid., Annex I, paragraph 6 (c) and (d).

236. See Responsibilities and obligations of States with respect to activities in the Area, Advisory Opinion, 1 February 2011, ITLOS Reports 2011, p. 41, para. 110.

۲۵۲. بر این اساس، از آنجا که تعهدات تعدیلی داخلی طبق بند ۲ ماده ۴ ماهیت تعهد رفتاری دارند، طرف‌ها ملزم‌اند در اتخاذ تدابیر لازم برای دستیابی به اهداف مندرج در مشارکت‌های معین ملی متوالی خود، مراقبت مقتضی را اعمال کنند. بنابراین، پابندی یک طرف به تعهدات خود در پیگیری اقدامات تعدیلی داخلی ذیل بند ۲ ماده ۴ بر پایه این ارزیابی می‌شود که آیا آن طرف در تلاش‌های خود و در به‌کارگیری ابزارهای مناسب برای اتخاذ اقدامات تعدیلی داخلی، ازجمله در ارتباط با فعالیت‌هایی که توسط کنشگران خصوصی انجام می‌شود، مراقبت مقتضی را اعمال کرده‌اند یا خیر. در واقع، همان گونه که دادگاه بین‌المللی حقوق دریا خاطرنشان کرده است، «تعهد به مراقبت مقتضی به‌طور ویژه در شرایطی اهمیت دارد که فعالیت‌های مورد نظر عمدتاً توسط اشخاص یا موجودیت‌های خصوصی انجام می‌شوند».^{۲۳۷}

۲۵۳. آنچه طبق بند ۲ ماده ۴ از طرف‌ها خواسته می‌شود، تضمین دستیابی به مشارکت‌های معین ملی اعلام‌شده نیست، بلکه تلاش حداکثری برای دستیابی به چنین نتیجه‌ای است. دیوان بر این باور است که تعهد به پیگیری اقدامات تعدیلی داخلی که با هدف دستیابی به اهداف مشارکت‌های معین ملی آن‌ها اتخاذ می‌شود، ایجاب می‌کند که دولت‌ها فعالانه عمل کرده و اقداماتی را دنبال کنند که به‌طور معقول، قادر به دستیابی به مشارکت‌های معین ملی تنظیم‌شده از سوی آنان باشد. این اقدامات می‌تواند شامل ایجاد یک نظام ملی، ازجمله قانونگذاری، رویه‌های اداری و سازکار اجرایی باشد و نظارت کافی برای کارآمدی این نظام با هدف دستیابی به اهداف مندرج در مشارکت‌های معین ملی اعمال کند.^{۲۳۸}

۲۵۴. در این خصوص قابل ذکر است که معیار مراقبت مقتضی با توجه به شرایط خاصی که بر آن اعمال می‌شود، متفاوت خواهد بود. این شرایط شامل تعهد مورد نظر، سطح علم و دانش، خطر ایراد زیان و فوریت موضوع می‌شود.^{۲۳۹} در رسیدگی حاضر، دیوان بر این نظر است که معیار مراقبت مقتضی مرتبط با تعهد به پیگیری اقدامات تعدیلی داخلی سختگیرانه است زیرا بهترین شواهد علمی موجود نشان می‌دهد که «خطرات و آثار نامطلوب پیش‌بینی‌شده و خسارات و زیان‌های ناشی از تغییرات اقلیمی با هر درجه افزایش دمای جهانی تشدید می‌شود (اطمینان بسیار بالا)».^{۲۴۰}

237. Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 90, para. 236.

238. See paragraph 136 above.

239. See paragraphs 134-138 above.

240. IPCC, 2023 Summary for Policymakers, p. 14, Statement B.2) (see paragraphs 138 above and 258-259 below).

(ج) تعهدات سازگاری به موجب موافقت‌نامه پاریس

۲۵۵. دیوان خاطرنشان می‌کند که سازگاری یکی از اهداف اصلی موافقت‌نامه پاریس است که هدف آن افزایش «توانایی طرف‌ها برای سازگاری با آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی و تقویت تاب‌آوری اقلیمی» است (شق ب بند ۱ ماده ۲). افزون بر این، بند ۴ ماده ۷ موافقت‌نامه پاریس مقرر می‌دارد که «طرف‌ها اذعان دارند که نیاز کنونی به سازگاری، قابل توجه است و سطوح بالاتر تعدیل می‌تواند نیاز به تلاش‌های بیشتر برای سازگاری را کاهش دهد و همچنین نیاز بیشتر به سازگاری می‌تواند به معنای افزایش هزینه‌های سازگاری باشد». این مقرر به‌زتاب درکی است که طرف‌ها به اشتراک گذاشته‌اند و زمینه را برای سایر مقررات واضح استاندارد مندرج در ماده ۷ فراهم می‌آورد، اما خود به‌تنهایی هیچ معیار یا تعهد حقوقی الزام‌آوری ایجاد نمی‌کند. سایر مقرراتی که زمینه را در ارتباط با تعهدات سازگاری فراهم می‌کنند، عبارت‌اند از بند ۲ ماده ۷ که در آن طرف‌ها «اذعان داشته‌اند که سازگاری، چالشی جهانی است»، بند ۵ ماده ۷ که در آن طرف‌ها «تأکید می‌کنند که اقدامات سازگاری باید رویکردی کشور-محور (مبتنی بر نیازها و اولویت‌های ملی)، پاسخگو به جنسیت، مشارکتی و کاملاً شفاف را دنبال کنند» و بند ۶ ماده ۷ که در آن طرف‌ها «اهمیت حمایت و همکاری بین‌المللی در زمینه تلاش‌های سازگاری را شناسایی کرده‌اند». این مقررات، تعهداتی که ماهیت الزام‌آور حقوقی برای طرف‌ها داشته باشد، وضع نمی‌کنند بلکه بازتاب درک مشترک طرف‌ها از ماهیت مسئله مورد نظر هستند. از نظر دیوان، این مقررات زمینه را برای تفسیر سایر مقررات حاوی تعهد فراهم می‌کنند.

۲۵۶. دیوان تشخیص می‌دهد که تعهدات مشخص مرتبط با سازگاری در بند ۹ ماده ۷ موافقت‌نامه پاریس درج شده است، که مقرر می‌دارد: «هر طرف باید در صورت اقتضا، در فرآیندهای برنامه‌ریزی سازگاری و اجرای اقدامات، از جمله توسعه یا ارتقاء برنامه‌ها، سیاست‌ها و/یا مشارکت‌های مرتبط، شرکت کند». این مقرر که با عبارت هر طرف باید^{۲۴۱} آغاز می‌شود، تعهد حقوقی الزام‌آوری را برای انجام اقدامات برنامه‌ریزی سازگاری بر عهده طرف‌ها قرار می‌دهد.

۲۵۷. در حالی که بند ۹ ماده ۷ هیچ اقدام خاصی را که طرف‌ها باید انجام دهند مقرر نمی‌دارد، اما نوع اقدامات و فرآیندهایی را که طرف‌ها می‌توانند برای تحقق تعهدات خود تحت این ماده انجام دهند، مشخص می‌کند. این اقدامات عبارت‌اند از: اجرای اقدامات، تعهدات و/یا تلاش‌های سازگاری (شق الف بند ۹ ماده ۷)، تدوین و اجرای برنامه‌های ملی سازگاری (شق ب بند ۹ ماده ۷)، ارزیابی آثار و آسیب‌پذیری‌های ناشی از تغییرات اقلیمی با هدف تدوین اقدامات اولویت‌بندی‌شده مشخص ملی، با در نظر گرفتن افراد، مکان‌ها و زیست‌بوم‌های آسیب‌پذیر (شق ج بند ۹ ماده ۷)،

پایش، ارزیابی و یادگیری از طرح‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات سازگاری (شق د بند ۹ ماده ۷) و ایجاد تاب‌آوری سیستم‌های اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی، ازجمله از طریق تنوع‌بخشی اقتصادی و مدیریت پایدار منابع طبیعی (شق هـ بند ۹ ماده ۷).

۲۵۸. دیوان بر این باور است که اجرای تعهدات سازگاری طرف‌ها باید بر اساس معیار مراقبت مقتضی ارزیابی شود. بنابراین بر عهده طرف‌هاست که تدابیر مناسب (نمونه‌هایی از آن در بند ۹ ماده ۷ ارائه شده است) را به کار گیرند که قادر به «افزایش ظرفیت سازگاری، تقویت تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تغییرات اقلیمی» باشند (بند ۱ ماده ۷). در این ارتباط، طرف‌ها باید مطابق با بهترین شواهد علمی موجود، نهایت تلاش خود را به کار گیرند تا به اهداف فوق دست یابند. در این زمینه، دیوان خاطرنشان می‌کند که هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی در ۲۰۲۳ اعلام کرده است که سازگاری، چالشی بسیار فوری در پاسخ به تغییرات اقلیمی است و گزینه‌های سازگاری که وجود دارد، در کاهش خطرات اقلیمی در برخی زمینه‌های خاص مؤثر هستند، مانند بازسازی زیست‌بوم‌ها، ایجاد سیستم‌های هشدار سریع و زیرساخت‌های تقویت‌کننده تاب‌آوری.^{۲۴۲} این گزینه‌ها و همچنین سایر اقدامات مانند کشاورزی احیاکننده، تنوع‌بخشی محصولات، مقاوم‌سازی ساختمان‌ها در برابر شرایط جوی و مدیریت زمین برای کاهش خطر آتش‌سوزی که توسط طرف‌ها از طریق به‌کارگیری تدابیر مناسب و اعمال بیشترین تلاش ممکن اجرا می‌شوند، از نظر دیوان می‌توانند تعهدات سازگاری طرف‌ها طبق بند ۹ ماده ۷ موافقت‌نامه پاریس را محقق کنند.

۲۵۹. در پایان، دیوان خاطرنشان می‌کند که تعهدات مربوط به سازگاری در چارچوب موافقت‌نامه پاریس، مکمل تعهدات تعدیلی در پیشگیری و کاهش پیامدهای زیان‌بار تغییرات اقلیمی است. این پیوند به‌صراحت در بند ۴ ماده ۷ موافقت‌نامه پاریس تصریح شده است، که بیان می‌دارد: «ممکن است سطوح بالاتر تعدیل، نیاز به تلاش‌های بیشتر برای سازگاری را کاهش دهد».

(د) تعهدات همکاری شامل کمک مالی، انتقال فناوری و ظرفیت‌سازی به موجب موافقت‌نامه پاریس

۲۶۰. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در این فرآیند رسیدگی اظهار داشتند وظیفه همکاری که در ماده ۱۲ موافقت‌نامه پاریس منعکس شده است، نقش مهمی در اجرای معاهدات تغییرات اقلیمی ایفا می‌کند. دیوان خاطرنشان می‌کند که موافقت‌نامه پاریس، تعهدات همکاری را در حوزه‌های خاص، مانند سازگاری، زیان و خسارت، مقرر می‌دارد (بندهای ۶ و ۷ ماده ۷؛ بند ۴ ماده ۸). علاوه بر این، ماده ۱۲ تعهد به «همکاری در اتخاذ اقدامات، در صورت اقتضا، برای تقویت آموزش، مهارت‌آموزی،

242. See IPCC, Climate Change 2023: Synthesis Report, pp. 55-56, section 2.2.3.

آگاهی عمومی، مشارکت عمومی و دسترسی عمومی به اطلاعات در زمینه تغییرات اقلیمی» را مقرر می‌کند.

۲۶۱. همان‌طور که پیش‌تر در ارتباط با تعهد همکاری طبق کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی یاد شد،^{۲۴۳} چنین تعهداتی برای دولت‌ها هم به موجب حقوق بین‌الملل معاهداتی، از جمله مواد ۷، ۹ و ۱۲ موافقت‌نامه پاریس و هم به موجب حقوق بین‌الملل عرفی وجود دارد. این تعهدات یکدیگر را تقویت می‌کنند و در رسیدگی حاضر، دیوان بر این نظر است که وظیفه عرفی به همکاری برای حفاظت از محیط‌زیست،^{۲۴۴} تعهدات همکاری معاهده-محور به موجب موافقت‌نامه پاریس را تقویت می‌کند.^{۲۴۵} در واقع، همکاری میان دولت‌ها اصل اساسی در حل مشکلات جهانی است و «از طریق همکاری است که دولت‌های ذی‌ربط می‌توانند به‌طور مشترک خطرات خسارت به محیط‌زیست را مدیریت کنند».^{۲۴۶}

۲۶۲. مشارکت‌کنندگان پیشنهادهای مشخصی در خصوص قلمرو تعهد به همکاری از طریق مقرره کمک‌های مالی، مانند اعطای بخشش بدهی به طرف‌های در حال توسعه ارائه کردند. دیوان خاطرنشان می‌کند که دولت‌ها آزادند شیوه‌های همکاری را انتخاب کنند، مشروط بر اینکه این شیوه‌ها با تعهدات مربوط به حسن‌نیت و مراقبت مقتضی مطابقت داشته باشند. بنابراین، دیوان ضروری نمی‌داند که یک شکل از همکاری را بر دیگری ارجحیت دهد. با این حال، دیوان بر این نظر است که اشکال اصلی همکاری که در موافقت‌نامه پاریس مقرر شده است، شامل کمک‌های مالی، انتقال فناوری و ظرفیت‌سازی است. این موارد در ادامه بررسی خواهند شد.

(یک) کمک مالی

۲۶۳. چندین مشارکت‌کننده بر اهمیت تأمین مالی اقلیمی در دسترس، عادلانه و شفاف برای دولت‌های در حال توسعه تأکید و استدلال کرده‌اند که دولت‌های توسعه‌یافته باید برای کمک به دولت‌های در حال توسعه در اجرای تعهدات تعدیلی و سازگاری خود منابع مالی فراهم کرده و انتقال فناوری انجام دهند.

۲۶۴. دیوان خاطرنشان می‌کند که موافقت‌نامه پاریس، تعهداتی برای دولت‌های توسعه‌یافته در خصوص ارائه منابع مالی به دولت‌های در حال توسعه، هم برای تعدیل و هم برای سازگاری مقرر می‌کند. بند ۵ ماده ۴ موافقت‌نامه پاریس به‌طور کلی ایجاب می‌کند که از دولت‌های در حال

243. See paragraphs 214-218.

244. See paragraphs 140-142 above.

245. See also paragraphs 301-308 below.

246. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 49, para. 77.

توسعه عضو برای اجرای تعهدات تعدیلی آن‌ها حمایت شود و اذعان می‌دارد که تقویت حمایت از دولت‌های در حال توسعه، امکان دستیابی به سطح بالاتری از هدف بلندپروازانه را فراهم می‌کند. ماده ۹ موافقت‌نامه پاریس مقرر می‌دارد: «دولت‌های توسعه‌یافته عضو باید منابع مالی را برای کمک به دولت‌های در حال توسعه عضو در خصوص تعدیل و سازگاری ارائه دهند». استفاده از واژه باید برای معرفی تعهد، ماهیت الزام‌آور حقوقی این مقرره را نشان می‌دهد. افزون بر این، عبارت به‌عنوان / ادامه تعهدات موجود آن‌ها ذیل کنوانسیون باید به‌عنوان تکرار تعهد دولت‌های توسعه‌یافته عضو به ارائه منابع مالی به دولت‌های در حال توسعه عضو، مطابق بند ۳ ماده ۴ کنوانسیون چارچوب، تفسیر شود. علاوه بر تعهدات مربوط به بسیج و تأمین مالی اقلیمی، موافقت‌نامه پاریس، رژیم اطلاع‌رسانی در خصوص تأمین مالی اقلیمی را در بندهای ۵ تا ۷ ماده ۹ ایجاد می‌کند که شامل تعهدات حقوقی الزام‌آور برای دولت‌های توسعه‌یافته عضو جهت اطلاع‌رسانی درباره منابع مالی پیش‌بینی‌شده اقلیمی است.

۲۶۵. اگرچه موافقت‌نامه پاریس هیچ مقدار یا سطحی از حمایت مالی را که باید ارائه شود مشخص نمی‌کند، دیوان معتقد است که مطابق با قواعد عرفی تفسیر معاهدات، این تعهد باید در پرتو سایر مقررات موافقت‌نامه، ازجمله هدف جمعی دمایی مقرر در ماده ۲ تفسیر شود.^{۲۴۷} بر این اساس، طرف‌ها موظف‌اند تعهدات خود را طبق ماده ۹ به شیوه و در سطحی اجرا کنند که امکان دستیابی به اهداف مندرج در ماده ۲ را فراهم سازد. این سطح می‌تواند بر اساس چندین عامل، ازجمله ظرفیت دولت‌های توسعه‌یافته و نیازهای دولت‌های در حال توسعه، ارزیابی شود.

(دو) توسعه و انتقال فناوری و ظرفیت‌سازی

۲۶۶. چندین مقرره در موافقت‌نامه پاریس به توسعه و انتقال فناوری اشاره دارند. ازجمله بند ۲ ماده ۱۰ که تعهدی برای طرف‌ها مقرر می‌کند تا «اقدامات همکاری در زمینه توسعه و انتقال فناوری را تقویت کنند». همچنین بند ۶ ماده ۱۰ ایجاب می‌کند که حمایت مالی به دولت‌های در حال توسعه عضو به منظور تسهیل انتقال و توسعه فناوری ارائه شود.

۲۶۷. ماده ۱۱ موافقت‌نامه پاریس، فعالیت‌های ظرفیت‌سازی را تنظیم می‌کند و همکاری میان اعضا را برای ارتقاء ظرفیت دولت‌های در حال توسعه در اجرای موافقت‌نامه، به‌ویژه دولت‌های کمتر توسعه‌یافته و دولت‌های جزیره‌ای در حال توسعه، تشویق می‌کند. از دیدگاه دیوان، مرتبط‌ترین تعهدات مربوط به ظرفیت‌سازی در مقررات زیر درج شده است: بند ۴ ماده ۱۱ که ایجاب می‌کند دولت عضو، چه توسعه‌یافته و چه در حال توسعه، که ظرفیت دولت در حال توسعه عضو را ارتقا

247. See paragraph 224 above.

می‌دهد، باید تعهد رویه‌ای (شکلی) خود در زمینه اطلاع‌رسانی منظم اقدامات و تدابیر ظرفیت‌سازی مربوطه را انجام دهد؛ بند ۵ ماده ۱۱ که مقرر می‌دارد:

«فعالیت‌های ظرفیت‌سازی باید از طریق ترتیبات نهادی مناسب برای حمایت از اجرای این موافقت‌نامه، از جمله ترتیبات نهادی مناسب مقرر در کنوانسیون چارچوب که این موافقت‌نامه را پشتیبانی می‌کنند، ارتقا یابند».

۲۶۸. به دلایل فوق، دیوان بر این نظر است که معاهدات تغییرات اقلیمی، تعهدات سختگیرانه‌ای را به منظور تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت برای دولت‌ها ایجاد می‌کنند. کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، هدف کلی «تثبیت غلظت/تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو در سطحی که مانع از مداخله خطرناک انسانی در سیستم اقلیمی شود» را تعیین می‌کند، بدون آنکه برای دستیابی به این هدف، اهداف کمی مشخص و الزام‌آوری از نظر حقوقی ارائه دهد. مطابق کنوانسیون چارچوب و بر اساس اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، همه اعضا موظف‌اند سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات ملی خود را برای مقابله با تغییرات اقلیمی تدوین کنند و گزارش دهند (بند ۱ ماده ۴)، در حالی که دولت‌های توسعه‌یافته عضو و سایر اعضای مندرج در پیوست یک، تعهدات بیشتری دارند تا از جمله سیاست‌ها و تدابیر مربوطه را برای محدودسازی انتشار گازهای گلخانه‌ای و حفاظت و ارتقاء ظرفیت مخازن و چاهک‌های کربن به اجرا گذارند (بند ۲ ماده ۴). علاوه بر این، همه اعضا تعهدات سازگاری مندرج در بند ۱ ماده ۴ را دارا هستند و دولت‌های توسعه‌یافته عضو مندرج در پیوست دو که زیرمجموعه‌ای از اعضای پیوست یک هستند، تعهد بیشتری برای کمک به دولت‌های در حال توسعه عضو در تأمین هزینه‌های سازگاری دارند (بند ۴ ماده ۴). همچنین کنوانسیون چارچوب تعهدات، همکاری متمایزی را در خصوص توسعه فناوری‌ها برای پیشگیری و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مقرر می‌دارد.

۲۶۹. پروتکل کیوتو، از جانب خود و در راستای هدف کلی کنوانسیون چارچوب، اهداف کمی الزام‌آوری را در خصوص انتشار گازهای گلخانه‌ای برای طرف‌های مندرج در پیوست (ب) مقرر می‌کند. در حالی که در حال حاضر دوره تعهداتی فعال وجود ندارد، این معاهده همچنان لازم‌الاجرا و مرتبط است، از جمله به عنوان ابزاری برای ارزیابی میزان پایبندی اعضا به تعهداتشان در طول اولین دوره تعهد.

۲۷۰. به تازگی موافقت‌نامه پاریس، هدفی را تعیین می‌کند که عمده‌تاً شامل محدودسازی افزایش میانگین دمای جهانی به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطح پیشاصنعتی است (ماده ۲). این «هدف

[محدودیت] دمایی»، بیان مشخص و کمیت‌بندی‌شده از هدف کلی مقرر در کنوانسیون چارچوب است. ویژگی‌های برجسته موافقت‌نامه، تعهدات آن در زمینه تعدیل انتشار (مواد ۳ تا ۶)، سازگاری (ماده ۷)، زیان و خسارت (ماده ۸) و همکاری به شکل حمایت مالی، فناوری و ظرفیت‌سازی (مواد ۹ تا ۱۱) هستند. همه اعضا به منظور رعایت تعهدات تعدیلی خود باید اقداماتی انجام دهند که در راستای تعهدات آن‌ها ذیل موافقت‌نامه پاریس، یعنی سهم کافی در دستیابی به هدف جمعی [محدودیت] دمایی باشد. این اقدامات باید در مشارکت‌های معین ملی اعضا منعکس شود و این مشارکت‌های معین ملی، هر پنج سال یک بار باید به نحوی تعدیل شوند که سختگیرانه‌تر باشند و وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، باید قادر به دستیابی به هدف [محدودیت] دمایی و اهداف موافقت‌نامه باشند. اگرچه ممکن است گستره موضوعی و محتوای اقدامات مندرج در مشارکت‌های معین ملی با توجه به ابزارهای در دسترس و ظرفیت‌های اعضا متفاوت باشد، اعضا از حاشیه صلاحدید نامحدود در تهیه مشارکت‌های معین ملی خود برخوردار نیستند. هر طرف، تعهد به مراقبت مقتضی دارد تا نهایت تلاش خود را به کار گیرد تا اطمینان حاصل شود که مشارکت‌های معین ملی که ارائه می‌دهد، بالاترین جاه‌طلبی ممکن آن عضو را برای تحقق اهداف موافقت‌نامه نشان می‌دهد (بند ۲ ماده ۴). بنابراین، دولت‌های عضو متعهدند که حداکثر تلاش خود را به منظور محقق‌ساختن محتوای مشارکت‌های معین ملی خود به کار گیرند.

ج. تعهدات دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل عرفی در رابطه با تغییرات اقلیمی

۲۷۱. دیوان اکنون تعیین خواهد کرد که (۱) تکلیف/وظیفه عرفی دولت‌ها برای پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه به محیط‌زیست و (۲) تکلیف/وظیفه عرفی دولت‌ها به همکاری برای حفاظت از محیط‌زیست چگونه باید در خصوص تغییرات اقلیمی تفسیر و اجرا شود. سپس دیوان به (۳) رابطه میان تعهدات ناشی از معاهدات و تعهدات ناشی از حقوق عرفی در زمینه تغییرات اقلیمی خواهد پرداخت.

۱. تکلیف پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه به محیط‌زیست

۲۷۲. تکلیف پیشگیری از ایراد زیان زیست‌محیطی فرامرزی برای نخستین بار به‌عنوان اصل حقوق بین‌الملل در رأی داورى تریل/اسملتر (ایالات متحده آمریکا/کانادا) به رسمیت شناخته شد، که در آن مقرر شده است:

«هیچ دولتی حق ندارد از قلمرو سرزمینی خود به نحوی استفاده کند یا اجازه دهد از آن به گونه‌ای استفاده شود که باعث ایراد آسیب ناشی از دود به قلمرو دولت دیگر یا به اموال و افراد

موجود در چارچوب آن قلمرو شود، به‌ویژه زمانی که موضوع، پیامدهای جدی دارد و آسیب با شواهد روشن و متقاعدکننده، ثابت شده باشد».^{۲۴۸}

دیوان خود در قضیه کانال کورفو (انگلستان علیه آلبانی) تصریح کرد که «تعهد هر دولت است که آگاهانه اجازه ندهد قلمرو سرزمینی آن برای اعمالی که مغایر حقوق دیگر دولت‌ها است، مورد استفاده قرار گیرد».^{۲۴۹} دیوان سپس اذعان کرد که:

«تعهد کلی دولت‌ها برای تضمین اینکه فعالیت‌های تحت صلاحیت و کنترل آن‌ها به محیط‌زیست سایر دولت‌ها یا مناطق خارج از کنترل ملی آن‌ها لطمه‌ای وارد نمی‌کند، اکنون بخشی از مجموعه حقوق بین‌الملل مرتبط با محیط‌زیست است».^{۲۵۰}

و اینکه اصل پیشگیری، به‌عنوان قاعده حقوق عرفی زیست‌محیطی، دولت‌ها را متعهد می‌کند که:

«از تمام ابزارهای در دسترس خود استفاده کنند تا از انجام فعالیت‌هایی که در قلمرو سرزمینی آن‌ها یا در هر منطقه تحت صلاحیت آن‌ها انجام می‌شود که باعث خسارت قابل توجه به محیط‌زیست دولت دیگری می‌شود، پیشگیری کنند».^{۲۵۱}

۲۷۳. تکلیف به پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست شامل سیستم اقلیمی نیز می‌شود، که بخشی جدایی‌ناپذیر و حیاتی از محیط‌زیست است و باید برای نسل‌های حاضر و آینده محافظت شود.^{۲۵۲} با توجه به ملاحظات فوق،^{۲۵۳} دیوان اکنون به‌طور خاص به برخی عناصر تعهد پیشگیری به موجب حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه «حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت» می‌پردازد. عناصر اصلی این تکلیف عبارت‌اند از: الف) زیان زیست‌محیطی که باید پیشگیری شود؛ و ب) مراقبت مقتضی به‌عنوان استاندارد رفتاری مورد نیاز.

(الف) خطر ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست از جمله سیستم اقلیمی

۲۷۴. برای آنکه تکلیف به پیشگیری ایجاد شود، باید خطر ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست

248. Decision of 11 March 1941, United Nations, Reports of International Arbitral Awards, Vol. III, p. 1965.

249. Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1949, p. 22.

250. Legality of the Threat and Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996 (I), p. 242, para. 29.

251. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 56, para. 101; see paragraph 132 above; see also Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015 (II), p. 706, para. 104.

252. See paragraphs 73-74 above.

253. See paragraphs 132-139.

وجود داشته باشد.^{۲۵۴} دیوان اذعان داشته است، اینکه چه چیزی «خطر ناشی از زیان قابل توجه زیست‌محیطی» محسوب می‌شود، بستگی به بستر زیست‌محیطی دارد که فعالیت در آن انجام خواهد شد.^{۲۵۵} دولت‌ها در برابر تکلیف به پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه، هم در مواردی مسئول‌اند که هنوز زبانی رخ نداده ولی خطر زیان قابل توجه آتی وجود دارد، و هم در مواردی که بخشی از زیان قبلاً وارد شده و همچنان خطر زیان قابل توجه بیشتر وجود دارد.

۲۷۵. اینکه آیا فعالیت متضمن خطر زیان قابل توجه است یا خیر، «هم به احتمال یا پیش‌بینی‌پذیری وقوع زیان و هم به شدت یا گستره آن» بستگی دارد و بنابراین باید بر اساس عواملی از جمله ارزیابی خطر و میزان زیان به صورت توأمان تعیین شود.^{۲۵۶} لازم است خطرهایی را که ممکن باشد فعالیت‌های کنونی در آینده، از جمله در بلندمدت ایجاد کنند، در نظر گرفت. در هر حال، میزان خطر ناشی از زیان، همواره عنصری مهم در اجرای استاندارد مراقبت مقتضی است؛ هرچه احتمال و شدت زیان احتمالی بیشتر باشد، استاندارد رفتاری مورد نیاز سختگیرانه‌تر خواهد بود.

۲۷۶. دیوان بر این نظر است که ممکن است خطر زیان قابل توجه در موقعیت‌هایی نیز وجود داشته باشد که زیان قابل توجه به محیط‌زیست، ناشی از اثر تجمعی اقدامات مختلفی باشد که توسط دولت‌های گوناگون و کنشگران خصوصی تحت صلاحیت یا کنترل آن‌ها انجام می‌شود، حتی اگر در چنین شرایطی دشوار باشد که سهم خاصی از مسئولیت را به دولت مشخصی نسبت داد. دولت‌ها موظف‌اند آثار تجمعی احتمالی اقدامات خود و فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده تحت صلاحیت یا کنترلشان را ارزیابی کنند. هرچند «چنین اگر فعالیت‌هایی جداگانه بررسی شوند، ممکن است از لحاظ زیست‌محیطی قابل توجه نباشند، ... در صورت ارزیابی در تعامل با سایر فعالیت‌ها می‌توانند آثار قابل توجهی ایجاد کنند».^{۲۵۷}

۲۷۷. دیوان به ارزیابی هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی دائر بر خطر زیان قابل توجه به سیستم اقلیمی ناشی از اثر تجمعی فعالیت‌های گوناگون انسانی اشاره می‌کند.^{۲۵۸} این خطر از این جهت متمایز است که برخلاف موارد زیان فرامرزی، تغییرات اقلیمی انسان‌زاد ذاتاً پیامد فعالیت‌هایی است که در صلاحیت یا تحت کنترل همه دولت‌ها انجام می‌شود، هرچند سهم تاریخی و کنونی دولت‌ها

254. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), pp. 55-56, para. 101; Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015 (II), p. 711, para. 118, and p. 737, para. 217; Dispute over the Status and Use of the Waters of the Silala (Chile v. Bolivia), Judgment, I.C.J. Reports 2022 (II), p. 648, para. 99.

255. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015 (II), pp. 720-721, para. 155.

256. Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 91, para. 239, and p. 137, para. 397.

257. Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 128, para. 365.

258. See paragraphs 77-83 above.

به‌طور جداگانه تفاوت چشمگیری دارد. این مجموع همه فعالیت‌هاست که در گذر زمان به انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت منجر می‌شود و خطر ایراد زیان قابل‌توجه به سیستم اقلیمی را ایجاد می‌کند، نه فعالیت خاص مسبب انتشار. این بدان معنا نیست که رفتار انفرادی منجر به انتشار، حتی اگر به‌تنهایی از لحاظ زیست‌محیطی ناچیز باشد، نمی‌تواند منشأ تعهد به پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه فرامرزی شود. با این حال، این امر بدین معناست که خطر مرتبط با تغییرات اقلیمی نتیجه ترکیب فعالیت‌های دولت‌های مختلف است و دولت‌ها باید این خطر را از طریق پاسخی هماهنگ و مبتنی بر همکاری مرتفع کنند.

۲۷۸. تعیین «زیان قابل‌توجه به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست» باید با در نظر گرفتن بهترین یافته‌های علمی موجود صورت گیرد؛ دانشی که در حال حاضر در گزارش‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی یافت می‌شود. این گزارش‌ها زیان‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی از جمله شامل بالآمدن سطح دریاها، رخدادهای شدید جوی و پیامدهای جدی برای زیست‌بوم‌ها و تنوع زیستی را معرفی می‌کنند.^{۲۵۹} با استناد به بهترین یافته‌های علمی موجود و بر مبنای ملاحظات فوق، دیوان بر این نظر است که آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی، از جمله افزایش سطح دما، بالآمدن سطح دریاها، آثار منفی بر زیست‌بوم‌ها و تنوع زیستی و رخدادهای شدید جوی نشان می‌دهد که انباشت انتشار گازهای گلخانه‌ای در جو در حال ایراد زیان قابل‌توجه به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست است. این مسئله که آیا هر زیان مشخص، یا خطر زیان، به یک دولت، مصداق اثر نامطلوب مرتبط با تغییرات اقلیمی به شمار می‌رود یا نه، باید به‌صورت عینی و موردی در هر وضعیت یا قضیه خاص ارزیابی شود.

۲۷۹. بر این اساس، دیوان معتقد است که ماهیت پراکنده و چندوجهی اشکال گوناگون رفتاری که در تغییرات اقلیمی انسان‌زاد نقش دارند، مانع از اجرای تکلیف پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست نمی‌شود. این تکلیف نتیجه خطر کلی زیان قابل‌توجهی است که دولت‌ها از طرق بسیار متفاوت و از رهگذر فعالیت‌های انجام‌شده در چارچوب صلاحیت یا تحت کنترل خود، در ایجاد آن سهیم هستند.

(ب) مراقبت مقتضی به مثابه استاندارد رفتاری مورد نیاز

۲۸۰. دیوان بار دیگر تأکید می‌کند که دولت‌ها باید تکلیف خود در پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه به محیط‌زیست را با رعایت مراقبت مقتضی انجام دهند. مراقبت مقتضی، استاندارد رفتاری است که محتوای آن در وضعیت خاص از عناصر مختلفی از جمله شرایط دولت مربوطه نشأت

259. See IPCC, Climate Change 2023: Synthesis Report, pp. 46-51, section 2.1.2; see Part II.B above.

می‌گیرد و ممکن است در طول زمان تغییر کند.^{۲۶۰} در تعیین آنچه رعایت مراقبت مقتضی از سوی یک دولت در وضعیت خاص، ازجمله در زمینه تغییرات اقلیمی ایجاب می‌کند، عناصر زیر به‌طور ویژه اهمیت دارند:

(یک) اقدامات مناسب

۲۸۱. دیوان یادآور می‌شود که رعایت مراقبت مقتضی مستلزم آن است که یک دولت «از تمام ابزارهای در اختیار خود استفاده کند تا از انجام فعالیت‌هایی که در قلمرو سرزمینی آن یا در هر منطقه تحت صلاحیت آن انجام می‌شود و موجب خسارت قابل‌توجه به محیط‌زیست دولت دیگر می‌شود، جلوگیری به عمل آورد».^{۲۶۱} این بدان معناست که دولت‌ها باید:

«یک نظام ملی برقرار کنند که ازجمله شامل قانونگذاری، رویه‌های اداری و سازکار اجرایی لازم برای تنظیم فعالیت‌های مورد نظر باشد و با هدف دستیابی به هدف مورد نظر، مراقبت کافی به عمل آورند تا چنین نظامی به‌طور مؤثر عمل کند».^{۲۶۲}

۲۸۲. تا جایی که به تغییرات اقلیمی مربوط است، چنین قواعد و اقدامات مناسبی شامل، اما نه محدود به سازکارهای تنظیمی تعدیل انتشار است که با هدف دستیابی به کاهش عمیق، سریع و پایدار گازهای گلخانه‌ای طراحی شده‌اند و برای پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه به سیستم اقلیمی ضروری‌اند. اقدامات سازگاری نیز خطر ایراد زیان قابل‌توجه را کاهش می‌دهند و بنابراین در ارزیابی اینکه آیا دولت تعهدات عرفی خود را در خصوص مراقبت مقتضی انجام می‌دهد یا نه، اهمیت دارند. این قواعد و اقدامات باید رفتار اپراتورهای دولتی و خصوصی در چارچوب صلاحیت یا تحت کنترل دولت‌ها را تنظیم کرده و همراه با سازکارهای مؤثر اجرایی و نظارتی باشند تا اجرای آن‌ها تضمین شود.

(دو) اطلاعات علمی و فناوری

۲۸۳. دیوان بر این نظر است که دسترسی به اطلاعات علمی و فناوری و نیاز به جمع‌آوری و تحلیل آن‌ها از دیگر عوامل مهم است. اطلاعات علمی می‌تواند شواهد لازم برای ارزیابی احتمال و شدت زیان احتمالی را فراهم و استاندارد مراقبت مقتضی را مشخص کند. بنابراین، هنگامی که شواهد علمی به‌طور عمومی پذیرفته‌شده نشان دهد که احتمال وقوع زیان قابل‌توجه بسیار بالاست،

260. See Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, I.C.J. Reports 1997, p. 77, para. 140.

261. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 56, para. 101.

262. Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 89, para. 235.

استاندارد مراقبت مقتضی برای همه دولت‌ها سختگیرانه‌تر خواهد بود.^{۲۶۳} رعایت مراقبت مقتضی همچنین مستلزم آن است که دولت‌ها مطابق با اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، فعالانه به دنبال اطلاعات علمی مورد نیاز برای ارزیابی احتمال و شدت زیان باشند. از سوی دیگر، در شرایطی که دولت فاقد ظرفیت دسترسی به اطلاعات علمی مربوطه یا توانایی اقدام صحیح بر اساس آن‌ها باشد، از جمله زمانی که منابع لازم را در اختیار ندارد، عدم اتخاذ اقدامات پیشگیرانه مناسب ممکن است به معنای نقض مراقبت مقتضی تلقی نشود.

۲۸۴. ممکن است استاندارد مراقبت مقتضی در پرتو دانش علمی یا فناوریانه جدید، سختگیرانه‌تر شود. دیوان آگاه است که تحقیقات علمی درباره تغییرات اقلیمی به‌خوبی توسعه یافته است. در این زمینه، گزارش‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی به‌عنوان بازنویسی‌های جامع و معتبر از بهترین یافته‌های علمی موجود درباره تغییرات اقلیمی در زمان انتشار آن‌ها محسوب می‌شوند.^{۲۶۴}

۲۸۵. در خصوص دانش فنی، دیوان یادآور می‌شود که دولت‌ها نیازمند پیگیری همکاری فنی و ابتکارات مربوط به اشتراک‌گذاری دانش هستند. این امر، هم پیچیدگی علمی تغییرات اقلیمی و هم جایگاه آن به‌عنوان مسئله مورد نگرانی مشترک را نشان می‌دهد. اقدامات تعدیلی و سازگاری در دسترس دولت‌ها و توانایی آن‌ها برای کمک به پیشگیری از زیان قابل توجه، به اشتراک اطلاعات بستگی دارد. این اقدام همچنین احتمال اینکه اقدام سازگاری یا تعدیلی خاص، خود خطر زیان قابل توجه فرامرزی را ایجاد کند کاهش می‌دهد.

۲۸۶. علاوه بر این، در دسترس بودن ابزارهای فناوریانه برای پیشگیری یا کاهش زیان مربوطه، بر آنچه می‌توان به‌طور معقول از یک دولت انتظار داشت، تأثیر می‌گذارد. هنگامی که یک خطر با فناوری‌های در دسترس قابل رفع است، انتظار می‌رود دولت‌ها از آن‌ها استفاده کنند. با این حال، زمانی که فناوری‌ها خود می‌توانند خطرات بیشتری ایجاد کنند، انتظار می‌رود دولت‌ها با احتیاط و تدبیر از آن‌ها استفاده کنند. در این زمینه، هزینه فناوری‌های مربوطه می‌تواند عاملی تعیین‌کننده در مشخص کردن آنچه به‌طور معقول از دولت انتظار می‌رود، با توجه به توانمندی‌های آن باشد.

(سه) قواعد و استانداردهای بین‌المللی مرتبط

۲۸۷. یافته دیوان دائر بر اینکه «برای ارزیابی خطرات زیست‌محیطی، استانداردهای جاری باید مدنظر قرار گیرند»، در تعیین مراقبت مقتضی مورد نیاز در رابطه با تغییرات اقلیمی نیز اعمال

263. See paragraph 138 above.

264. See paragraphs 74, 77-83 and 277-279 above.

می‌شود.^{۲۶۵} استانداردهای جاری می‌توانند از هنجارهای الزام‌آور و غیرالزام‌آور ناشی شوند. بنابراین، چنین استانداردهایی نه تنها ممکن است در معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی منعکس شوند، بلکه می‌توانند در برخی تصمیمات کنفرانس‌های اعضای معاهدات تغییرات اقلیمی (کاپ‌ها) و در هنجارها و رویه‌های فنی توصیه‌شده نیز به‌طور مناسب بازتاب داده شوند.

۲۸۸. چندین مشارکت‌کننده بر نقش تصمیمات کنفرانس اعضا تأکید کردند. جدا از اهمیت این تصمیمات در ارتباط با تفسیر و اجرای معاهدات تغییرات اقلیمی،^{۲۶۶} دیوان بر این نظر است که تصمیمات کنفرانس اعضا تا جایی که بازتاب‌دهنده رویه دولت‌ها و نشانگر اعتقاد حقوقی دولت‌ها به الزام‌آوری رویه باشند می‌توانند در رابطه با شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی نیز اهمیت داشته باشند. اینکه آیا یک تصمیم مشخص کنفرانس اعضا چنین ارزش و اهمیت حقوقی دارد یا خیر، تنها می‌تواند در شرایط عینی و به‌صورت موردی تعیین شود.

۲۸۹. تکلیف عمومی به پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست شامل عناصر ماهوی (مثلاً تعهد به اتخاذ اقدامات مناسب) و عناصر رویه‌ای (مثلاً تعهد به اطلاع‌رسانی و مشورت) می‌شود که از طریق هر دو، دولت‌ها تکلیف خود به مراقبت مقتضی را در پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه فرامرزی به محیط‌زیست ایفا می‌کنند.^{۲۶۷} با این حال، همان‌طور که دیوان اشاره کرده است، «یک پیوند کارکردی، در خصوص پیشگیری، بین این دو دسته از تعهدات وجود دارد» که «از اینکه دولت‌های طرف معاهده ملزم شوند جداگانه در قبال این تعهدات پاسخگو باشند، جلوگیری نمی‌کند».^{۲۶۸}

(چهار) توانمندی‌های متفاوت

۲۹۰. دیوان اذعان می‌دارد که تعهد یک دولت «برای استفاده از تمام ابزارهای در اختیار خود» به منظور پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست^{۲۶۹} حاکی از آن است که توانمندی‌های یک دولت، عامل کلیدی در تعیین استاندارد مراقبت مقتضی در وضعیت خاص است، همان‌طور که در اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط منعکس شده است. به نظر

265. See Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, I.C.J. Reports 1997, p. 77, para. 140; Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 107, para. 285.

266. See paragraph 184 above.

267. See Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015 (II), p. 706, para. 104.

268. See Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 49, para. 79.

269. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 56, para. 101; Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015 (II), p. 706, para. 104.

دیوان، هنگام تعیین اقدامات مناسب که باید توسط دولت اتخاذ شود، باید اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط مدنظر قرار گیرد.

۲۹۱. بر این اساس، همان‌طور که کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص حقوق بین‌الملل عام یادآور شده است، «درک می‌شود که درجه مراقبتی که از یک دولت با اقتصاد کاملاً توسعه‌یافته، منابع انسانی و مادی کافی و سیستم‌ها و ساختارهای پیشرفته حکمرانی انتظار می‌رود، با دولتی که در چنین موقعیتی نیست، متفاوت است».^{۲۷۰} به‌طور مشابه، در چارچوب کنوانسیون حقوق دریا، دادگاه بین‌المللی حقوق دریا تصدیق کرده است که اجرای تعهد به پیشگیری از ایراد زیان به محیط‌زیست دریایی «مستلزم آن است که یک دولت با توانمندی بیشتر و منابع کافی بیش از دولتی که در چنین موقعیتی نیست، اقدام کند».^{۲۷۱} اجرای تعهد مراقبت مقتضی مستلزم آن است که حتی دولت اخیر (کم‌توان) نیز از تمام ابزارهای در اختیار خود برای حفاظت از سیستم اقلیمی، مطابق با توانمندی‌ها و منابع موجود، استفاده کند. این برداشت در اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط منعکس می‌شود که در بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌طور ضمنی وجود دارد.^{۲۷۲}

۲۹۲. اگرچه دولت‌های توسعه‌یافته، در زمینه تغییرات اقلیمی باید اقدامات سختگیرانه‌تری برای پیشگیری از زیان زیست‌محیطی انجام دهند و استاندارد رفتاری سختگیرانه‌تری را رعایت کنند، استاندارد مورد نیاز در هر مورد در نهایت بستگی به وضعیت خاص هر دولت دارد؛ یعنی تمام ابزارهای در اختیار آن.^{۲۷۳} تفاوت میان قابلیت‌های متناسب دولت‌ها، به‌عنوان یکی از عواملی که مراقبت مورد نیاز را تعیین می‌کند، نباید صرفاً ناشی از تمایز میان دولت‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه باشد، بلکه باید به شرایط ملی خاص هر یک از آن‌ها نیز بستگی داشته باشد. ماهیت چندعاملی و پویایی استاندارد مراقبت مقتضی ایجاب می‌کند که هرچه دولت‌ها از نظر اقتصادی پیشرفت کنند و ظرفیت آن‌ها افزایش یابد، الزامات مراقبت مقتضی نیز سختگیرانه‌تر شود. در نهایت، اشاره به ابزارها و توانمندی‌های در دسترس نمی‌تواند تأخیر غیرموجه یا معافیت کلی از تعهد به رعایت مراقبت مقتضی را توجیه کند.

(پنج) رویکرد یا اصل احتیاطی و اقدامات مربوطه

۲۹۳. اطلاعات علمی درباره امکان وقوع و شدت زیان احتمالی، استاندارد مراقبت مقتضی را مشخص می‌کند.^{۲۷۴} دولت‌ها ملزم‌اند زمانی که شواهد علمی معتبر از وجود خطر زیان قابل توجه

270. See commentary to Article 3, ILC Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, Yearbook of the International Law Commission, 2001, Vol. II, Part Two, p. 155, para. 17.

271. Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 92, para. 241.

272. See paragraphs 148-151 above.

273. See Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 56, para. 101.

274. See paragraph 283 above.

وجود دارد، اقدامات مناسب را برای پیشگیری از آن اتخاذ کنند. با این حال، دولت‌ها نباید در مواجهه با عدم قطعیت علمی، از اقدام پیشگیرانه خودداری کنند یا آن را به تأخیر بیندازند. مطابق با اصل ۱۵ اعلامیه ریو، هنگامی که تهدیدی از ورود خسارت جدی یا برگشت‌ناپذیر وجود داشته باشد، نبود قطعیت کامل علمی نباید به عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن اقدامات مقرون به صرفه در جهت پیشگیری از تخریب محیط زیست مورد استفاده قرار گیرد.^{۲۷۵}

۲۹۴. دیوان با نتیجه‌گیری دادگاه بین‌المللی حقوق دریا موافق است که «هرجا نشانه‌های معقولی از خطرات بالقوه وجود داشته باشد»، اگر دولتی آن خطرات را نادیده بگیرد، به تعهد خود در رعایت مراقبت مقتضی عمل نکرده است و از این منظر، رویکرد احتیاطی، بخشی جدایی‌ناپذیر از تعهد عام مراقبت مقتضی در چارچوب تکلیف پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط زیست به شمار می‌آید.^{۲۷۶} بر اساس مطالب فوق، دیوان بر این نظر است که رویکرد یا اصل احتیاطی، در مواردی که قابل اعمال باشد، دولت‌ها را در تعیین استاندارد رفتاری مورد نیاز برای اجرای تکلیف عرفی‌شان در پیشگیری از زیان قابل توجه هدایت می‌کند.

(شش) ارزیابی خطر و ارزیابی آثار زیست محیطی

۲۹۵. تکلیف به اعمال مراقبت مقتضی در پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط زیست ایجاب می‌کند که دولت‌ها نه تنها اقدامات ماهوی انجام دهند، بلکه برخی گام‌های رویه‌ای (شکلی) را نیز بردارند. این تعهدات رویه‌ای از تعهدات مربوط به اتخاذ اقدامات ماهوی برای پیشگیری از خطرات متمایز هستند.

۲۹۶. دیوان در خصوص فعالیت صنعتی که منبع مشترکی را در بستری فرامرزی تحت تأثیر قرار می‌داد، خاطرنشان کرده است که «مراقبت مقتضی و تعهد به نظارت و پیشگیری که لازمه آن است، محقق شده تلقی نمی‌شود، اگر چنانچه یک طرف [...] ارزیابی اثرات زیست محیطی را در خصوص پیامدهای احتمالی فعالیت‌هایی که ممکن است در بستر فرامرزی اثر منفی قابل توجهی داشته باشند، انجام نداده باشد».^{۲۷۷} دیوان در خصوص چنین وضعیت‌هایی به رسمیت شناخته است که «اکنون می‌توان انجام ارزیابی آثار زیست محیطی را الزام وفق حقوق بین‌الملل عام دانست»^{۲۷۸} و اینکه [اصل] زیربنایی این تعهد نه تنها بر فعالیت‌های صنعتی بلکه «به طور کلی بر فعالیت‌هایی

275. See also Article 3, paragraph 3, of the UNFCCC.

276. Responsibilities and obligations of States with respect to activities in the Area, Advisory Opinion, 1 February 2011, ITLOS Reports 2011, p. 46, para. 131.

277. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 83, para. 204.

278. Ibid.

که ممکن است در بستر فرامرزی آثار منفی قابل توجهی داشته باشند» نیز اعمال می‌شود.^{۲۷۹}

۲۹۷. بنابراین دیوان معتقد است که الزام به انجام ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در مورد فعالیت‌های صنعتی در بستر فرامرزی، مبین قاعده عام‌تر است که مستلزم ارزیابی خطرات وارده به محیط‌زیست است. از آنجا که حقوق بین‌الملل عرفی «گستره موضوعی و محتوای ارزیابی زیست‌محیطی را مشخص نمی‌کند»^{۲۸۰} و با توجه به ماهیت چندوجهی و بسترساز استاندارد مراقبت مقتضی، هر ارزیابی اثرات زیست‌محیطی برای پیشگیری از زیان قابل توجه به سیستم اقلیمی باید ویژگی‌های خاص خطر مربوطه را در نظر بگیرد.

۲۹۸. دیوان یادآور می‌شود که: «تعیین محتوای ارزیابی اثرات زیست‌محیطی باید با توجه به شرایط خاص هر قضیه انجام شود [...]»:

وظیفه هر دولت است که در قوانین داخلی خود یا در فرآیند صدور مجوز برای هر پروژه، محتوای خاص ارزیابی اثرات زیست‌محیطی مورد نیاز در هر مورد را با توجه به ماهیت و گستره توسعه پیشنهادی و آثار منفی احتمالی آن بر محیط‌زیست و همچنین ضرورت اعمال مراقبت مقتضی در انجام ارزیابی تعیین کند».^{۲۸۱}

دیوان بر این نظر است که خطرات ناشی از تغییرات اقلیمی ویژگی‌هایی دارند که ممکن است بر مناسب بودن برخی شیوه‌های ارزیابی خطرات زیست‌محیطی تأثیر بگذارند. بنابراین ممکن است معقول باشد که دولت‌ها ارزیابی‌های خود از خطر ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای را از طریق رویه‌های کلی دربرگیرنده انواع مختلف فعالیت‌ها انجام دهند. چنین رویه‌های کلی مانع از آن نمی‌شود که آثار احتمالی خاص مرتبط با اقلیم نیز به‌عنوان بخشی از ارزیابی‌های آثار زیست‌محیطی در سطح فعالیت‌های پیشنهادی مشخص، مثلاً برای ارزیابی اثرات احتمالی بعدی آن‌ها بررسی شوند. اگرچه دیوان آگاه است که ممکن است ماهیت تجمعی و پراکنده انتشار گازهای گلخانه‌ای، ارزیابی خطر را کمی دشوار کند، این مسئله را مهم می‌داند که تمام دولت‌ها ارزیابی‌های اثرات زیست‌محیطی را در خصوص فعالیت‌های پیشنهادی مشخص با اهمیت ویژه که در انتشار گازهای گلخانه‌ای سهیم هستند و در حوزه صلاحیت یا کنترل آن‌ها انجام می‌شوند، بر اساس بهترین یافته‌های علمی موجود انجام دهند. چنین ارزیابی‌های خاص مرتبط با اقلیم می‌تواند اطلاعاتی را

279. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015 (II), p. 706, para. 104.

280. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 83, para. 205.

281. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015 (II), p. 707, para. 104, citing Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), I.C.J. Reports 2010 (I), p. 83, para. 205.

که سابقاً ناشناخته بودند دربارهٔ امکان کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای از طریق فعالیت‌های پیشنهادی مشخص مربوطه فراهم کنند.

(هفت) اطلاع‌رسانی و مشورت

۲۹۹. گاهی رعایت مراقبت مقتضی در پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست شامل تعهد دولت‌ها به اطلاع‌رسانی و مشورت توأم با حسن‌نیت با سایر دولت‌ها در خصوص خطرات ناشی از آثار نامطلوب رفتارشان نیز می‌شود. این تعهد، زمانی وجود دارد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در چارچوب صلاحیت یا کنترل یک دولت، خطر ایراد زیان قابل توجه ایجاد کنند و اطلاع‌رسانی و مشورت برای تعیین اقدامات مناسب به منظور پیشگیری از آن خطر ضروری باشد.^{۲۸۲} دیوان بیان می‌دارد که با توجه به ویژگی خاص فرآیندهای منجر به تغییرات اقلیمی، اطلاع‌رسانی و مشورت به‌ویژه زمانی ضرورت دارد که یک فعالیت، به‌طور قابل توجهی تلاش‌های جمعی برای مقابله با ایراد زیان به سیستم اقلیمی را تحت تأثیر قرار دهد، مانند اجرای تغییر رویکردهای سیاستی در خصوص بهره‌برداری از منابع مرتبط با انتشار گازهای گلخانه‌ای یا در خصوص اطلاعاتی که برای همکاری معنادار میان دولت‌ها به منظور مقابله با آثار نامطلوب ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای ضروری است.

(هشت) نتیجه‌گیری

۳۰۰. دیوان با در نظر گرفتن برخی عناصر استاندارد مراقبت مقتضی^{۲۸۳} خاطرنشان می‌کند که ممکن است اجرای صحیح آن‌ها در وضعیت مشخص به دلیل ماهیت متغیر و پویایی استاندارد مزبور، اقدامی پیچیده باشد. با این حال، دیوان بر این نظر است که عناصر مربوطه، چه به‌صورت جداگانه و چه به‌صورت ترکیبی، راهنمایی برای شناسایی استاندارد رفتاری مناسب در موقعیت‌های مختلف فراهم می‌کنند. بنابراین، دیوان بر این باور است که تعیین وجود یا عدم خطر زیان قابل توجه و همچنین چگونگی اعمال یا عدم اعمال عنصر مربوطه تعهد به اعمال مراقبت مقتضی برای حفاظت از محیط‌زیست در وضعیت خاص باید به‌طور عینی انجام شود.

۲. تکلیف همکاری

۳۰۱. دیوان یادآور می‌شود که تعهد دولت‌ها به همکاری برای حفاظت از محیط‌زیست دارای

282. See Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015 (II), p. 706, para. 104.

283. See paragraphs 280-299 above.

ماهیت عرفی است.^{۲۸۴} دیوان بر اهمیت همکاری در زمینه منابعی که میان تعداد محدودی از دولت‌ها مشترک است، تأکید و خاطر نشان کرده است که:

«تعهد به همکاری، مکمل مهمی برای تعهدات ماهوی هر دولت ساحلی است. به نظر دیوان، این تعهدات به‌ویژه زمانی حیاتی هستند که [...] منبع مشترک مورد نظر «تنها از طریق همکاری نزدیک و مستمر بین دولت‌های ساحلی قابل حفاظت باشد».^{۲۸۵}

۳۰۲. این ملاحظه به‌ویژه در مورد سیستم اقلیمی قابل اعمال است، چرا که منبعی مشترک برای تمامی دولت‌ها محسوب می‌شود. بر این اساس، دادگاه بین‌المللی حقوق دریا در نظر مشورتی خود در زمینه تغییرات اقلیمی، همکاری را/اصلی بنیادین در پیشگیری از آلودگی محیط‌زیست دریایی از طریق انتشار گازهای گلخانه‌ای قلمداد کرده است.^{۲۸۶} همکاری بین دولت‌ها اساس تلاش‌های بین‌المللی مؤثر در زمینه تغییرات اقلیمی را تشکیل می‌دهد.

۳۰۳. دیوان معتقد است که اصول مورد بحث فوق‌الذکر^{۲۸۷} که بخشی از حقوق قابل اعمال بر درخواست حاضر را تشکیل می‌دهند، در شکل‌دهی به ماهیت تکلیف همکاری اهمیت دارند. برای مثال، توسعه پایدار از طریق همکاری نزدیک و مستمر در زمینه تغییرات اقلیمی تقویت می‌شود. دیوان همچنین اعلام کرده است که «یکی از اصول اساسی حاکم بر ایجاد و انجام تعهدات حقوقی، صرف‌نظر از منبع آن‌ها، اصل حسن‌نیت است. اعتماد و اطمینان در همکاری بین‌المللی، ذاتی هستند».^{۲۸۸} همکاری بین دولت‌ها، چه تحت معاهده و چه تحت تکلیف عرفی، بر اساس اصل حسن‌نیت انجام می‌شود.^{۲۸۹}

۳۰۴. دیوان بر این نظر است که ماهیت خاص تغییرات اقلیمی ایجاب می‌کند که دولت‌ها اقدامات جداگانه‌ای را در همکاری با سایر دولت‌ها انجام دهند. معاهدات مربوط به تغییرات اقلیمی اشکال خاصی از این نوع همکاری را تشویق و پیش‌بینی می‌کنند.^{۲۹۰} در حالی که دولت‌ها متعهد هستند که سهم جداگانه خود را در تلاش‌های جمعی ذیل تعهد به پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه به محیط‌زیست انجام دهند، تفسیر و اجرای تعهدات ماهوی آن‌ها تحت این تکلیف نیز باید وضعیت سایر دولت‌ها را در نظر بگیرد و تا حد امکان در همکاری با سایر دولت‌ها انجام شود. تکلیف به

284. See paragraphs 140-142 above.

285. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 51, para. 81).” (Dispute over the Status and Use of the Waters of the Silala (Chile v. Bolivia), Judgment, I.C.J. Reports 2022 (II), p. 649, para. 101.

286. Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 110, para. 296; see also paragraphs 350-351 below.

287. Paragraphs 146-161.

288. Nuclear Tests (Australia v. France), Judgment, I.C.J. Reports 1974, p. 268, para. 46; see also Border and Transborder Armed Actions (Nicaragua v. Honduras), Jurisdiction and Admissibility, Judgment, I.C.J. Reports 1988, p. 105, para. 94.

289. See Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), p. 67, para. 145) (see paragraph 141 above.

290. See paragraphs 214-218 and 260-267 above.

همکاری مستلزم اشکال پایدار و مستمر همکاری است که معاهدات و شیوه‌های هماهنگ اجرای آن‌ها یکی از نمودهای اصلی آن محسوب می‌شوند. در حالی که دولت‌ها ملزم به انعقاد معاهدات نیستند، موظف‌اند تلاش‌های توأم با حسن‌نیت را برای دستیابی به شکل‌های مناسب اقدام جمعی انجام دهند. در زمینه تغییرات اقلیمی، این امر مستلزم توافق بر اشکال همکاری با حسن‌نیت است، مانند آنچه در موافقت‌نامه پاریس منعکس شده است. با این حال، این بدان معنا نیست که دولت‌ها تنها با انعقاد و اجرای معاهدات، تکلیف خودشان به همکاری را ایفا می‌کنند.^{۲۹۱}

۳۰۵. تکلیف به همکاری در زمینه نیاز به دستیابی به یک هدف [محدودیت] دمایی جمعی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.^{۲۹۲} دولت‌ها باید برای تحقق اهداف مشخص کاهش انتشار یا تعیین روش‌شناسی برای مشخص کردن سهم هر دولت به‌طور جداگانه، ازجمله در خصوص دستیابی به هر هدف [محدودیت] دمایی جمعی همکاری کنند. تکلیف به همکاری برای تمامی دولت‌ها قابل اعمال است، هرچند ممکن است سطح آن با توجه به معیارهای اضافی، به‌ویژه اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط، متفاوت باشد.

۳۰۶. دیوان تصدیق می‌کند که تکلیف به همکاری، به دولت‌ها تا حدی حاشیه صلاحدید می‌دهد تا روش‌های تنظیم انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را تعیین کنند. با این حال، این حاشیه صلاحدید نمی‌تواند بهانه‌ای برای خودداری دولت‌ها از همکاری در سطح موردنیاز مراقبت مقتضی یا انجام تلاش خود به‌عنوان مشارکت کاملاً داوطلبانه باشد که تحت بررسی قرار نگیرد. تکلیف به همکاری مبتنی بر شناخت وابستگی متقابل دولت‌ها و مستلزم چیزی بیش از انتقال مالی یا فناوری است؛ به‌ویژه تلاش‌های دولت‌ها برای توسعه، حفظ و اجرای مستمر یک سیاست اقلیمی جمعی که مبتنی بر توزیع منصفانه مسئولیت‌ها و مطابق با اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط است.

۳۰۷. معاهدات تغییرات اقلیمی به این مسئله نمی‌پردازند که آیا به دلیل فوریت فزاینده بحران اقلیمی، تعهدات معاهده-محور بیشتری لازم است یا خیر. وظایف عرفی دولت‌ها در زمینه همکاری و پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه به محیط‌زیست، استاندارد حقوقی را برای تعیین این امر فراهم می‌کنند که آیا هر گونه شکل موجود همکاری، ازجمله معاهدات و اجرای آن‌ها، همچنان هدف آن‌ها را برآورده می‌کند و آیا اقدامات جمعی بیشتری، ازجمله ایجاد تعهدات بیشتر معاهده-محور باید انجام شود یا خیر.

۳۰۸. تغییرات اقلیمی دغدغه مشترک است. همکاری برای دولت‌ها موضوع اختیاری نیست، بلکه نیاز فوری و تعهد حقوقی است.

291. See Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, pp. 85-86, para. 223; see also paragraph 314 below.

292. See, in the context of treaty obligations, paragraphs 224-229 above.

۳. ارتباط میان تعهدات ناشی از معاهدات و تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی مربوط به تغییرات اقلیمی

۳۰۹. اکنون دیوان به بررسی رابطه میان تعهدات ناشی از معاهدات و تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه تغییرات اقلیمی می‌پردازد.

۳۱۰. دیوان یادآور می‌شود که قواعد معاهداتی و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی به‌عنوان هنجارهایی که متعلق به دو منبع متفاوت حقوق بین‌الملل هستند، موجودیت جداگانه‌ای دارند.^{۲۹۳} با این حال، زمانی که چندین هنجار بر موضوع واحد تأثیر می‌گذارند، باید تا حد امکان به گونه‌ای تفسیر شوند که منجر به ایجاد مجموعه‌ای واحد از تعهدات هماهنگ شود.^{۲۹۴}

۳۱۱. معاهدات، به‌ویژه معاهدات چندجانبه زیست‌محیطی باید با در نظر گرفتن هر گونه قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل که در روابط بین طرف‌ها قابل اعمال است، تفسیر شوند (شق ج بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات). چنین قواعدی شامل قواعد حقوق بین‌الملل عرفی نیز می‌شوند. همان‌طور که دیوان تأیید کرده است، معاهدات باید «در چارچوب کل نظام حقوقی حاکم در زمان تفسیر» تفسیر و اجرا شوند.^{۲۹۵}

۳۱۲. از سوی دیگر، معاهدات می‌توانند در شناسایی و تعیین محتوای قواعد حقوق بین‌الملل عرفی نقش داشته باشند. دیوان اعلام کرده است که مفاد معاهدات می‌توانند محتوای قواعد حقوق بین‌الملل عرفی را روشن کنند.^{۲۹۶} و کنوانسیون‌های چندجانبه می‌توانند نقش مهمی در ثبت و تعریف قواعد ناشی از عرف و حتی در توسعه آن‌ها داشته باشند.^{۲۹۷} علاوه بر این، معاهدات می‌توانند بیانگر اصولی باشند که پیش‌تر در حقوق بین‌الملل عرفی موجود بوده‌اند و این اصول عرفی حتی ممکن است «تحت تأثیر [معاهده] توسعه یافته و به حدی برسند که تعدادی از قواعد مندرج در [معاهده] دارای جایگاه مستقل از آن شوند».^{۲۹۸} این امر زمانی محتمل‌تر است که قواعد عرفی و معاهداتی مربوط از اصل بنیادین مشترک ناشی شوند.^{۲۹۹}

293. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986, p. 95, para. 178.

294. See paragraph 165 above.

295. Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1971, p. 31, para. 53.

296. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), Judgment, I.C.J. Reports 2012 (I), p. 128, para. 66.

297. Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta), Judgment, I.C.J. Reports 1985, pp. 29-30, para. 27.

298. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986, pp. 96-97, para. 181.

299. Ibid.

۳۱۳. دیوان تقریباً سی سال پیش در خصوص تعامل میان قواعد مختلف حفاظت از محیط‌زیست تأکید کرده است که:

«با توجه به بینش‌های علمی جدید و آگاهی روزافزون از اینکه مداخله‌گری در طبیعت با روشی نسنجیده و بی‌وقفه، چه مخاطراتی برای بشریت، هم نسل حاضر و هم نسل‌های آینده به همراه دارد، قواعد و استانداردهای جدیدی طی دو دهه گذشته در شمار زیادی از اسناد، تدوین و ارائه شده است. این هنجارهای جدید باید مورد توجه قرار گیرند و به این استانداردها وزن و اهمیت مناسب داده شود، نه تنها زمانی که دولت‌ها در نظر دارند فعالیت‌های جدیدی انجام دهند، بلکه هنگام ادامه فعالیت‌هایی که در گذشته آغاز شده‌اند».^{۳۰۰}

بنابراین معاهدات تغییرات اقلیمی استانداردهایی را ایجاد می‌کنند که می‌توانند به شناسایی و اعمال میزان مراقبت مقتضی در موارد خاص، کمک یا آن را تسهیل کنند. دیوان همچنین بر این باور است که تعهدات ناشی از معاهدات تغییرات اقلیمی، همان طور که در اینجا تفسیر شده‌اند، و رویه دولت‌ها در اجرای آن‌ها، بر تعهدات عرفی عام تأثیر می‌گذارند؛ درست همان طور که تعهدات عرفی عام، راهنمایی برای تفسیر معاهدات تغییرات اقلیمی فراهم می‌کنند.^{۳۰۱}

۳۱۴. از آنجا که تعیین محدوده تأثیر معاهدات تغییرات اقلیمی و شیوه اجرای آن‌ها بر فهم صحیح تعهدات عرفی مربوطه و کاربرد آن‌ها به‌طور انتزاعی دشوار است، دیوان معتقد است که در این مرحله، رعایت کامل و با حسن‌نیت معاهدات تغییرات اقلیمی از سوی یک دولت به نحوی که دیوان آن‌ها را تفسیر کرده است،^{۳۰۲} نشان می‌دهد که این دولت تا حد زیادی به تعهدات عرفی عام در زمینه پیشگیری از زیان زیست‌محیطی قابل توجه و همکاری پایبند است. با این حال، این بدان معنا نیست که تعهدات عرفی صرفاً با پایبندی دولت‌ها به تعهدات خود به موجب معاهدات تغییرات اقلیمی محقق می‌شوند.^{۳۰۳} اگرچه معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند، آن‌ها تعهدات مستقلی ایجاد می‌کنند که لزوماً با یکدیگر همپوشانی ندارند.

۳۱۵. از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که تعهدات عرفی هر دولتی که در حال حاضر عضو یک یا چند معاهده تغییرات اقلیمی نیست، دست‌کم تا حدی در رویه عمومی دولت‌ها تجلی می‌یابد؛ رویه‌ای که مطابق با تعهدات دولت‌ها به موجب معاهدات تغییرات اقلیمی، همان طور که در اینجا تفسیر شده،^{۳۰۴} شکل گرفته است. تعهدات عرفی برای همه دولت‌ها یکسان است و صرف‌نظر از

300. Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, I.C.J. Reports 1997, p. 78, para. 140.

301. see, with regard to the duty to co-operate, Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, pp. 110-111, paras. 297-299.

302. See paragraphs 174-270 above.

303. See Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, pp. 85-86, para. 223.

304. See paragraphs 174-270 above.

اینکه یک دولت، عضو معاهدات تغییرات اقلیمی باشد یا نه، به‌طور مستقل وجود دارد. بر این اساس، دیوان معتقد است که ممکن است یک دولت غیرعضو با جامعه دولتهای عضو سه معاهده تغییرات اقلیمی به گونه‌ای همکاری کند که معادل عملکرد یک دولت عضو باشد؛ لذا در برخی موارد، می‌توان تلقی کرد که تعهدات عرفی خود را از طریق رویه‌ای که با رفتار مورد انتظار دولت‌ها وفق معاهدات تغییرات اقلیمی منطبق است، انجام داده است. با این حال، اگر یک دولت غیرعضو به این شکل همکاری نکند، مسئولیت اثبات انطباق سیاست‌ها و رویه‌های خود با تعهدات عرفی‌اش، کاملاً بر عهده آن دولت خواهد بود.

د. تعهدات دولت‌ها به موجب سایر معاهدات زیست‌محیطی

۳۱۶. تعهدات دولت‌ها برای حفاظت از سیستم اقلیمی شامل رفتار آن‌ها نسبت به تمامی بخش‌های سیستم اقلیمی می‌شود. همچنین اسناد بین‌المللی دیگری نیز وجود دارند که به حفاظت از یک یا چند بخش از سیستم اقلیمی، همان‌طور که توسط هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی و کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی تعریف شده و نیز تعاملات میان این بخش‌ها کمک می‌کنند.^{۳۰۵} چارچوب حقوقی ایجادشده توسط این اسناد، بخشی از حفاظت از سیستم اقلیمی به موجب حقوق بین‌الملل را شکل می‌دهند و بنابراین در تحلیل دیوان ذیل پرسش (الف) اهمیت دارند. دیوان معتقد است که این امر برای اسنادی که در قطعنامه ۷۷/۲۷۶ مجمع عمومی به آن‌ها اشاره شده است، یعنی کنوانسیون لایه اوزون، پروتکل مونترال، کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی صدق می‌کند.^{۳۰۶}

۳۱۷. مشارکت‌کنندگان، به اسناد و سازکارهای متعدد دیگر، از جمله طرح جبران و کاهش کربن برای هوانوردی بین‌المللی که تحت نظارت سازمان بین‌المللی هوانوردی کشوری (ایکائو) ایجاد شده است، همچنین به اسناد مختلف منطقه‌ای اشاره کرده‌اند. همان‌گونه که پیش‌تر یادآوری شد،^{۳۰۷} دیوان در چارچوب این نظر مشورتی، مأمور به بررسی همه معاهداتی که می‌توانند قابل اعمال و مرتبط با حفاظت از سیستم اقلیمی باشند، نیست. با وجود این، دیوان بر اهمیت نقش برخی سازمان‌های بین‌المللی، همچون ایکائو در تنظیم فعالیت‌های مولد گازهای گلخانه‌ای در حوزه‌های تخصصی‌شان تأکید می‌کند. تا جایی که دولت‌های عضو این اسناد، تعهداتی در چارچوب آن‌ها دارند که با حفاظت از سیستم اقلیمی مرتبط است، موظف‌اند هنگام اتخاذ تدابیری برای تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست، این تعهدات را به‌طور کامل مورد توجه قرار دهند.

305. See paragraph 75 above.

306. See paragraphs 125-130 above.

307. See paragraph 130.

۳۱۸. بنابراین، دیوان به‌ترتیب به بررسی تعهدات مرتبط در کنوانسیون لایه اوزون، پروتکل مونترال، کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی خواهد پرداخت.

۱. کنوانسیون لایه اوزون و پروتکل مونترال

۳۱۹. در مقدمه کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی به کنوانسیون ۱۹۸۵ برای حفاظت از لایه اوزون و پروتکل ۱۹۸۷ مونترال اشاره شده است. لایه اوزون، بخشی از جو است که خود یکی از بخش‌ها و اجزای سیستم اقلیمی به شمار می‌آید. دیوان یادآور می‌شود که هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی تصریح کرده است که ممکن است مقابله با تخریب لایه اوزون به کاهش تغییرات اقلیمی کمک کند.^{۳۰۸}

۳۲۰. ماده ۲ کنوانسیون لایه اوزون متضمن تعهد عام برای «حمایت از سلامت انسان و محیط‌زیست در برابر آثار بالفعل و بالقوه نامطلوب ناشی از فعالیت‌های انسانی است که لایه اوزون را تغییر می‌دهند یا احتمال دارد تغییر دهند». بدین منظور، طرف‌های متعاقد باید متناسب با ابزارهای در دسترس و توانمندی‌های خود، اقداماتی برای همکاری انجام دهند و تدابیر مناسب قانونی یا اداری را اتخاذ کنند.

۳۲۱. پروتکل مونترال که به‌عنوان مکمل کنوانسیون لایه اوزون است، در مقدمه خود تصریح می‌کند «که انتشار جهانی برخی مواد می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی لایه اوزون را تخریب کرده و به گونه‌ای دیگر تغییر دهد که احتمالاً منجر به آثار زیان‌بار بر سلامت انسان و محیط‌زیست شود».

۳۲۲. نشست‌های اعضای پروتکل مونترال، نقش مهمی در اجرای تعهدات دولت‌ها ذیل این سند ایفا کرده‌اند. نوزدهمین نشست اعضا منجر به اعلامیه مونترال شد که به‌صراحت، «اهمیت تسریع روند ترمیم لایه اوزون به گونه‌ای که سایر مسائل زیست‌محیطی، به‌ویژه تغییرات اقلیمی را نیز مورد توجه قرار دهد»، به رسمیت شناخت.^{۳۰۹}

۳۲۳. دولت‌های عضو پروتکل مونترال متعهدند بر اساس جدول زمانی مشخص، تولید و مصرف تمامی مواد اصلی کاهنده لایه اوزون، از جمله برخی گازهای گلخانه‌ای را از طریق اتخاذ تدابیر کنترلی به‌تدریج متوقف کنند.

۳۲۴. تعهداتی که بر عهده دولت‌های عضو معاهدات مربوط به لایه اوزون است، تا جایی که دولت‌های مزبور، عضو این اسناد نیز باشند، مکمل تعهدات مقرر در معاهدات تغییرات اقلیمی هستند.

308. IPCC, 2022 contribution of Working Group III, Statement E.6.4.

309. Montreal Declaration, UNEP, Report of the Nineteenth Meeting of the Parties to the Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer (Montreal, 17-21 September 2007), UN doc. UNEP/OzL.Pro.19/7, Annex I.

این موضوع در شق (الف) بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و نیز ماده سوم اصلاحیه کیگالی منعکس شده است. بنابراین، دیوان بر این باور است که تعهدات ناشی از معاهدات لایه اوزون برای حفاظت از سیستم اقلیمی و به‌ویژه برای حفاظت از جو به‌عنوان یکی از بخش‌ها و اجزای آن، حائز اهمیت‌اند. از این رو این‌ها تعهداتی هستند که در تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی در کل، نقش دارند.

۲. کنوانسیون تنوع زیستی

۳۲۵. در مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی تصریح شده است که حفاظت از تنوع زیستی نگرانی/دغدغه مشترک بشری است و ماده ۱ این کنوانسیون سه هدف را مشخص می‌کند: «حفاظت از تنوع زیستی، بهره‌برداری پایدار از اجزای آن و توزیع منصفانه و عادلانه منافع ناشی از استفاده از منابع ژنتیکی». دیوان همچنین یادآور می‌شود که بیوسفر، یکی از بخش‌ها و اجزای سیستم اقلیمی است که شامل:

«تمام زیست‌بوم‌ها و موجودات زنده در جو، روی زمین (بیوسفر خشکی) یا در اقیانوس‌ها (بیوسفر دریایی)، از جمله مواد آلی مرده مشتق‌شده، مانند پوشش گیاهی، ماده آلی خاک و ذرات آلی اقیانوسی» می‌شود.^{۳۱۰}

۳۲۶. کنوانسیون تنوع زیستی، تنوع زیستی را به تمایز بین موجودات زنده و ترکیبات اکولوژیکی که آن‌ها بخشی از آن هستند تعریف می‌کند. این تعریف شامل تنوع زیست‌بوم‌ها نیز می‌شود.^{۳۱۱} زیست‌بوم‌ها به نوبه خود در ماده ۲ شامل محیط‌زیست غیرزنده هستند، تا جایی که با زندگی تعامل داشته و یک واحد عملکردی را شکل می‌دهند.

۳۲۷. مطابق ماده ۳ کنوانسیون تنوع زیستی، دولت‌های عضو کنوانسیون مسئولیت دارند تا اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌های انجام‌شده تحت صلاحیت یا کنترل آن‌ها به محیط‌زیست دیگر دولت‌ها یا مناطق فراتر از صلاحیت ملی خسارتی وارد نمی‌کند. این مقرر، قاعده عرفی پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست را منعکس می‌کند. دیوان ملاحظه می‌کند که در برخی موارد، اقدامات و تدابیر حفاظت از زیست‌بوم می‌تواند همزمان به‌عنوان اقدامات تعدیلی یا سازگارانه با تغییرات اقلیمی عمل کند. همچنین دیوان خاطرنشان می‌کند که ماده ۵ کنوانسیون تنوع زیستی، تعهد دولت‌های عضو به همکاری را، تا حد امکان و به‌طور مناسب، در مناطق فراتر از صلاحیت ملی و در خصوص سایر موضوعات منفعت مشترک و به منظور حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی مقرر می‌کند.

310. See IPCC, 2021, Climate Change 2021: The Physical Science Basis, Contribution of Working Group I to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change; see paragraph 75 above).

311. See paragraph 127 above.

۳۲۸. دیوان خاطرنشان می‌کند که طبق بند (الف) ماده ۶ کنوانسیون، هر دولت عضو باید مطابق با شرایط و توانمندی‌های خاص خود، «راهبردها، طرح‌ها یا برنامه‌های ملی برای حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی» تدوین کند. مطابق بند (ب) ماده ۶، دولت‌ها باید «تا حد امکان و به‌طور مناسب، حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی را در طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های بخشی یا بین‌بخشی مرتبط ادغام کنند». این راهبردها و طرح‌ها می‌توانند شامل اقداماتی برای تعدیل و/یا سازگاری با تغییرات اقلیمی باشند، به‌ویژه زمانی که مربوط به حفاظت از زیست‌بوم‌های آسیب‌پذیر باشند. دیوان یادآور می‌شود که کنفرانس اعضای کنوانسیون در تصمیم ۱۹ دسامبر ۲۰۲۲، چارچوب جهانی تنوع زیستی کونمینگ-مونترال^{۳۱۲} را به منظور تحقق اجرای متوازن و ارتقاء یافته همه تعهدات تحت کنوانسیون، از جمله سه هدف آن تصویب کرده است.^{۳۱۳} در این زمینه، چارچوب فوق، دولت‌های عضو را تشویق می‌کند تا «تأثیر تغییرات اقلیمی و اسیدی شدن اقیانوس‌ها بر تنوع زیستی را به حداقل رسانده و از طریق اقدامات تعدیلی، سازگاری و کاهش خطر بلایا، تاب‌آوری آن را افزایش دهند».^{۳۱۴}

۳۲۹. دیوان همچنین خاطرنشان می‌کند که طبق بند (ج) ماده ۷ کنوانسیون تنوع زیستی، دولت‌های عضو موظف‌اند تا حد امکان و به‌طور مناسب، فرآیندها و دسته‌بندی‌های فعالیت‌هایی را که آثار نامطلوب قابل‌توجهی بر حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی دارند یا احتمالاً خواهند داشت، شناسایی کرده و بر آن‌ها نظارت کنند. هنگامی که چنین آثار نامطلوب قابل‌توجهی مطابق ماده ۷ شناسایی شده باشد، دولت‌های عضو متعهد هستند تا حد امکان و به‌طور مناسب، مطابق با بند (۱) ماده ۸، آن فرآیندها و دسته‌بندی‌های فعالیت‌های مربوطه را، از جمله فعالیت‌هایی که در انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت نقش دارند، تنظیم یا مدیریت کنند. در این زمینه، تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون تنوع زیستی مکمل تعهداتی است که در معاهدات تغییرات اقلیمی تعیین شده‌اند، مشروط بر آنکه دولت‌های ذی‌ربط، طرف آن اسناد نیز باشند.

۳۳۰. دیوان معتقد است که این تعهدات ذیل کنوانسیون تنوع زیستی برای حفاظت از سیستم اقلیمی و به‌ویژه برای حفظ بیوسفر به‌عنوان یکی از اجزای آن اهمیت دارند زیرا هدف آن‌ها حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی و پیشگیری از آثار نامطلوب بر آن است. بدین ترتیب، این‌ها تعهداتی هستند که در تأمین حفاظت از سیستم اقلیمی در کل نقش دارند.

312. Kunming-Montreal Global Biodiversity Framework

313. See paragraph 325 above.

314. Decision 15/4, Kunming-Montreal Global Biodiversity Framework, 19 December 2022, UN doc. CBD/COP/DEC/15/4, Annex, p. 10, target 8.

۳. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با بیابان‌زایی

۳۳۱. مقدمه کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی بر اهمیت «نقش مقابله با بیابان‌زایی در دستیابی به اهداف کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی» تأکید می‌کند.^{۳۱۵} ارتباط میان بیابان‌زایی، فرسایش زمین، خشکسالی و تغییرات اقلیمی از سوی نهادهای علمی بین‌الدولی مورد توجه قرار گرفته است.^{۳۱۶}

۳۳۲. بیابان‌زایی در شق (الف) ماده ۱ به‌عنوان «فرسایش خاک در مناطق خشک، نیمه‌خشک و خشک نیمه‌مرطوب، در نتیجه عوامل مختلف، از جمله تغییرات اقلیمی و فعالیت‌های انسانی» تعریف شده است. بیابان‌زایی، فرسایش زمین و خشکسالی بر ژئوسفر و بیوسفر تأثیر می‌گذارد که بخش‌های مرتبط با یکدیگر از سیستم اقلیمی هستند، همان گونه که در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی تعریف شده‌اند.

۳۳۳. طبق شق (الف) بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی، دولت‌های عضو موظف‌اند «رویکردی یکپارچه اتخاذ کنند که جنبه‌های فیزیکی، زیستی و اقتصادی-اجتماعی فرآیندهای بیابان‌زایی و خشکسالی را مدنظر قرار دهد». جنبه‌های فیزیکی که باید در چنین رویکرد یکپارچه‌ای مورد توجه قرار گیرند، شامل تغییرپذیری اقلیمی و تغییرات اقلیمی است. علاوه بر این، مطابق شق (د) بند ۲ ماده ۴، دولت‌های عضو موظف‌اند «همکاری میان دولت‌های عضو متأثر را در زمینه حفاظت زیست‌محیطی و حفظ منابع خاک و آب، که به بیابان‌زایی و خشکسالی مربوط می‌شود، ارتقاء دهند». آن‌ها باید تغییرات اقلیمی را به‌عنوان یکی از جنبه‌های فیزیکی بیابان‌زایی و خشکسالی در نظر بگیرند. ماده ۶ کنوانسیون، تعهداتی را برای دولت‌های توسعه‌یافته عضو مقرر می‌کند تا از جمله از طریق تأمین منابع مالی، از تلاش‌های دولت‌های در حال توسعه متأثر عضو در مقابله با بیابان‌زایی و کاهش اثرات خشکسالی حمایت کنند. نهایتاً ماده ۸ کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی مستلزم آن است که دولت‌های عضو، هماهنگی اقدامات و تعهدات خود را در چارچوب کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی، کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و کنوانسیون تنوع زیستی ترویج دهند.

۳۳۴. تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی، تکمیل‌کننده تعهدات مندرج در کنوانسیون‌های تغییرات اقلیمی محسوب می‌شوند، البته تا حدی که این دولت‌ها عضو آن اسناد نیز باشند. دولت‌های عضو با عمل به تعهدات خود ذیل کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی، به حفاظت

315. See paragraph 128 above.

316. IPCC, 2019, Summary for Policymakers, Climate Change and Land: an IPCC special report on climate change, desertification, land degradation, sustainable land management, food security, and greenhouse gas fluxes in terrestrial ecosystems, pp. 7-8, subsection A.2, and pp. 15-16, subsection A.5; see also Intergovernmental Science-Policy Platform on Biodiversity and Ecosystem Services (IPBES), "Assessment Report on Land Degradation and Restoration" (2018), pp. 13, 27 and 31.

از سیستم اقلیمی در کل کمک می‌کنند و به‌ویژه در حفظ ژئوسفر و هیدروسفر و همچنین تعامل آن‌ها با سایر بخش‌ها و اجزای سیستم اقلیمی نقش دارند. در این راستا دیوان بر این باور است که دولت‌های عضو کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی، با رعایت تعهدات خود، به حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست کمک می‌کنند.

۳۳۵. دیوان معتقد است که معاهدات زیست‌محیطی بررسی‌شده در این بخش، معاهدات تغییرات اقلیمی و تعهدات مربوطه ذیل حقوق بین‌الملل عرفی بر یکدیگر اثرگذار هستند.^{۳۱۷} بنابراین، دولت‌های عضو موظفاندهنگام اجرای تعهدات خود ذیل معاهدات تغییرات اقلیمی و حقوق بین‌الملل عرفی، تعهداتشان ذیل این معاهدات زیست‌محیطی را نیز مدنظر قرار دهند، درست همان گونه که هنگام اجرای تعهدات خود ذیل این معاهدات زیست‌محیطی، باید به تعهداتشان ذیل معاهدات تغییرات اقلیمی و حقوق بین‌الملل عرفی نیز توجه داشته باشند.

هـ. تعهدات دولت‌ها به موجب حقوق دریاها و مسائل مربوطه

۳۳۶. دیوان خاطرنشان می‌کند که اگرچه از نظر برخی از مشارکت‌کنندگان، مرتبط‌بودن کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا محل تردید است، اکثر مشارکت‌کنندگانی که به کنوانسیون مزبور اشاره کرده‌اند، آن را با این نظر مشورتی مرتبط می‌دانند، چرا که انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، اثرات زیانباری بر محیط‌زیست دریایی (که بیش از ۷۰ درصد از کره زمین و بیش از ۹۵ درصد از بیوسفر را تشکیل می‌دهد) نیز دارد. این مشارکت‌کنندگان، کنوانسیون مذکور را معاهده‌ای می‌دانند که می‌توان آن را به شیوه‌ای تکاملی^{۳۱۸} تفسیر کرد تا مسائل جدید یا نوظهور ازجمله مسائل مرتبط با تغییرات اقلیمی را پوشش دهد. بسیاری از مشارکت‌کنندگان اظهار نمودند که بخش دوازدهم این کنوانسیون که مربوط به حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی است، در این رسیدگی‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۳۳۷. دیوان یادآور می‌شود که دادگاه بین‌المللی حقوق دریا در ۲۱ مه ۲۰۲۴ نظر مشورتی خود را در مورد تعهدات دول عضو کنوانسیون حقوق دریا دائر بر (الف) پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط‌زیست دریایی در رابطه با اثرات زیانباری که ناشی از تغییرات اقلیمی بوده یا احتمال دارد از آن ناشی شود و توسط انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت در جو ایجاد شده‌اند، و (ب) حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی در رابطه با اثرات تغییرات اقلیمی صادر کرد.^{۳۱۹} اگرچه

317. See paragraphs 309-315.

318. Evolutive

319. See paragraph 123 above.

پرسش‌هایی که در درخواست حاضر جهت اخذ نظر مشورتی به دیوان تقدیم شده است، موسع‌تر از پرسش‌های تقدیم‌شده به دادگاه بین‌المللی حقوق دریا است، دیوان اعتقاد دارد که موضوعات مشترکی بین این دو درخواست وجود دارد.

۳۳۸. دیوان در این خصوص خاطرنشان می‌کند که دادگاه بین‌المللی حقوق دریا از زمان تأسیس خود، چه در رسیدگی‌های ترافیکی و چه در رسیدگی‌های مشورتی، رویه قضایی قابل‌توجهی را نسبت به کنوانسیون حقوق دریاهای ایجاد کرده است. اگرچه دیوان ملزم نیست تا در اعمال کارکردهای قضایی‌اش، تفسیر خود از کنوانسیون حقوق دریا را بر اساس تفسیر دادگاه بین‌المللی حقوق دریا الگوبرداری کند، معتقد است تا جایی که موظف به تفسیر این کنوانسیون می‌شود، باید اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای برای تفسیر ارائه‌شده توسط این دادگاه قائل شود. به نظر دیوان، «مقصود اصلی در این زمینه، دستیابی به شفافیت مورد نیاز و یکپارچگی لازم در حقوق بین‌الملل، و همچنین امنیت حقوقی است».^{۳۳۰}

۱. تعهدات دولت‌ها به موجب کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا

۳۳۹. دیوان خاطرنشان می‌کند که یکی از اهداف کنوانسیون حقوق دریا، حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی (موضوع بخش دوازدهم این کنوانسیون) است. در این راستا، به‌عنوان بخشی از پاسخ خود به پرسش (الف)، دیوان بررسی خواهد کرد که آیا دول عضو کنوانسیون حقوق دریا متعهد به تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت هستند یا خیر. دیوان ابتدا به این پرسش خواهد پرداخت که آیا انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت در چارچوب تعریف آلودگی دریایی^{۳۳۱} مندرج در شق ۴ بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون قرار می‌گیرد یا خیر. این ماده مقرر می‌دارد که:

«آلودگی محیط‌زیست دریایی به معنای ورود مستقیم یا غیرمستقیم مواد یا انرژی توسط انسان به محیط‌زیست دریایی، از جمله مصب‌هاست که منجر به اثرات زیانباری همچون آسیب به منابع زنده و حیات دریایی، به‌خطرانداختن سلامت بشر، ایجاد وقفه در فعالیت‌های دریایی (شامل ماهی‌گیری و سایر استفاده‌های مشروع از دریا)، لطمه به کیفیت آب مورد استفاده دریا و کاهش مطبوعیت آن می‌شود یا احتمال دارد منجر به چنین اثراتی شود».

۳۴۰. طبق این تعریف، دیوان معتقد است که انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، مواد یا انرژی‌ای محسوب می‌شوند که توسط انسان، مستقیم یا غیرمستقیم به محیط‌زیست دریایی وارد شده

^{320.} Ahmadou Sadio Diallo (Republic of Guinea v. Democratic Republic of the Congo), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 2010 (II), p. 664, para. 66.

^{321.} Marine Pollution

و منجر به / اثرات زیانبار می‌شود یا احتمال دارد منجر به آن شود. بر این اساس می‌توان انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت را به‌عنوان آلودگی محیط‌زیست دریایی در چارچوب تعریف کنوانسیون حقوق دریا تلقی کرد.^{۳۳۲} از این رو به اعتقاد دیوان، بخش دوازدهم این کنوانسیون در مورد حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی، در زمینه انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت قابل اعمال بوده و در نتیجه جهت پاسخ به پرسش (الف) مطرح‌شده در این رسیدگی مشورتی حائز اهمیت است.

۳۴۱. بر این اساس، دیوان به‌ترتیب، مهم‌ترین تعهدات دولت‌ها طبق کنوانسیون حقوق دریا برای تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی را بررسی خواهد کرد.

۳۴۲. دیوان خاطرنشان می‌کند که وفق ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریا، «دولت‌ها متعهد به حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی هستند». به نظر دیوان، تعهد ناشی از ماده ۱۹۲ مشتمل بر دو وجه است: تعهد مثبت^{۳۳۳} به اتخاذ اقدامات لازم برای حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی، و تعهد منفی^{۳۳۴} به خودداری از اقدامات منجر به تخریب این محیط.^{۳۳۵}

۳۴۳. با عنایت به وخامت تهدید ناشی از پدیده تغییرات اقلیمی و نظر به احتمال بالای زیان شدید و جبران‌ناپذیر ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت بر محیط‌زیست دریایی، معیار مراقبت مقتضی که باید در اجرای تعهد به حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی اعمال شود، معیاری دقیق و سختگیرانه است.^{۳۳۶} همان گونه که دادگاه بین‌المللی حقوق دریا تصدیق کرده است، «هرچه فعالیتی پرخطرتر باشد، می‌بایست سطح سختگیرانه‌تری از معیار مراقبت مقتضی اعمال شود».^{۳۳۷} بنابراین، دیوان با این استدلال موافق است که ماده ۱۹۲ دولت‌های عضو را ملزم می‌دارد که اقداماتی تا حد / مکان جامع و / اثرگذار را برای حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی و «پیشگیری یا کاهش تأثیرات زیانبار تغییرات اقلیمی و اسیدی‌شدن اقیانوس‌ها بر آن»، به عمل آورند.^{۳۳۸} این اقدامات می‌بایست مطابق با تعهداتی که طبق کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و موافقت‌نامه پاریس بر عهده دولت‌ها است (چنانچه دول مربوطه، عضو این اسناد باشند)، اتخاذ شوند.^{۳۳۹}

۳۴۴. دیوان همچنین خاطرنشان می‌کند که اگرچه دولت‌های عضو طبق ماده ۱۹۳ کنوانسیون

322. See Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, pp. 65-71, paras. 161-179.

323. Positive Obligation

324. Negative Obligation

325. See Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 133, para. 385, and pp. 133-134, para. 387.

326. See paragraph 138 above.

327. Responsibilities and obligations of States with respect to activities in the Area, Advisory Opinion, 1 February 2011, ITLOS Reports 2011, p. 43, para. 117; Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 91, para. 239.

328. Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 138, para. 399.

329. Ibid., p. 134, para. 388.

حقوق دریا، «حق حاکمیت دارند تا منابع طبیعی خود را مطابق با سیاست‌های محیط‌زیستی خود بهره‌برداری کنند»، این حق تابع تکلیف آن‌ها برای حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی است.^{۳۳۰}

۳۴۵. بند ۱ ماده ۱۹۴ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر می‌دارد که:

«دولت‌ها بر حسب مورد، منفرداً یا مجتمعاً باید مطابق با این کنوانسیون کلیه اقداماتی را که برای پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط‌زیست دریایی ناشی از هر منبعی ضروری هستند، اتخاذ کنند. برای این منظور، آن‌ها باید از عملی‌ترین ابزارهایی که در اختیار دارند و متناسب با توانایی‌هایشان استفاده و تلاش کنند سیاست‌های خود را در این ارتباط هماهنگ سازند».

۳۴۶. دولت‌های عضو متعهدند تا با هدف غایی پیشگیری از وقوع آلودگی، کلیه اقدامات لازم را برای کاهش و کنترل آن انجام دهند، اگرچه ملزم به تضمین توقف فوری آلودگی دریایی ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت نیستند.^{۳۳۱}

۳۴۷. به اعتقاد دیوان، تعهد فوق، از نوع تعهد رفتاری است. معیار مراقبت مقتضی که دولت‌ها باید در اجرای کلیه اقدامات ضروری برای پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریایی آن را رعایت کنند، معیاری دقیق و سختگیرانه است. این اقدامات می‌توانند شامل تدابیر تقنینی، فرآیندهای اداری و سازوکارهای اجرایی لازم برای تنظیم فعالیت‌های مربوطه باشند.^{۳۳۲} علاوه بر این، به اعتقاد دیوان، لزوماً کافی نیست که دول عضو به منظور محقق کردن تعهد مندرج در بند ۱ ماده ۱۹۴ کنوانسیون حقوق دریاها، صرفاً تعهدات خود وفق کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و موافقت‌نامه پاریس را انجام دهند. به نظر دیوان، اینکه چه اقدامی در چارچوب مفهوم بند ۱ ماده ۱۹۴ کنوانسیون حقوق دریاها ضروری محسوب می‌شود، باید مطابق با معیارهای عینی و با در نظر گرفتن بهترین علوم موجود، قواعد و استانداردهای بین‌المللی مرتبط با تغییرات اقلیمی و امکانات و توانایی‌های در دسترس دول مربوطه، از جمله شرایط ملی متفاوت آن‌ها سنجیده شود.^{۳۳۳}

۳۴۸. بند ۲ ماده ۱۹۴ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر می‌دارد که:

«دولت‌ها کلیه اقدامات ضروری را به عمل خواهند آورد تا اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل آن‌ها به گونه‌ای انجام می‌شوند که موجب خسارت ناشی از آلودگی به سایر دولت‌ها و محیط‌زیست آن‌ها نمی‌شوند، و همچنین اینکه آلودگی ناشی از حوادث یا فعالیت‌های

330. Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, pp. 72-73, para. 187, and p. 132, para. 380.

331. See Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 77, para. 199.

332. See Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, p. 89, para. 235.

333. See *ibid.*, pp. 79-80, paras. 206-207, and pp. 91-92, para. 241.

تحت صلاحیت یا کنترل آن‌ها، فراتر از مناطقی که حقوق حاکمه خود را مطابق با این کنوانسیون اعمال می‌کنند، گسترش نمی‌یابد».

۳۴۹. دیوان معتقد است که اصطلاح فعالیت‌ها در بند ۲ ماده ۱۹۴ شامل فعالیت‌هایی می‌شود که منجر به انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شوند. معیار مراقبت مقتضی که باید در اجرای تعهد مندرج در بند ۲ ماده ۱۹۴ اعمال شود، معیاری دقیق و سختگیرانه است.^{۳۳۴}

۳۵۰. دیوان اکنون به ماده ۱۹۷ کنوانسیون می‌پردازد که به شرح زیر است:

«دولت‌ها در سطح جهانی و در موارد مقتضی در سطح منطقه‌ای، مستقیماً یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح، در تنظیم و تبیین قواعد، معیارها و رویه‌ها و روش‌های توصیه‌شده بین‌المللی منطبق با این کنوانسیون برای حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی، با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص منطقه‌ای، با یکدیگر همکاری خواهند کرد».

۳۵۱. تعهد به همکاری بر اساس ماده ۱۹۷ یک نوع تعهد رفتاری است که دولت‌ها را ملزم می‌کند با لحاظ معیار مراقبت مقتضی عمل کنند. دیوان اعتقاد دارد که این تعهد، ماهیتی مستمر دارد و دول عضو را ملزم می‌دارد تا علاوه بر سایر موارد، به‌طور پیوسته در جهت تنظیم و تبیین قواعد، معیارها و رویه‌ها و روش‌های توصیه‌شده تلاش کنند. تصویب معاهداتی مانند کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و موافقت‌نامه پاریس برای حمایت و حفاظت از سیستم اقلیمی، دول عضو را از این الزام مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها معاف نمی‌کند.^{۳۳۵} علاوه بر این، دیوان با دادگاه بین‌المللی حقوق دریا هم‌نظر است که ماده ۱۹۷ تعهد به همکاری مندرج در قسمت دوم بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها را در بر نمی‌گیرد. به نظر دیوان، دولت‌ها همچنین موظف‌اند بر اساس مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ این کنوانسیون، برای ترویج مطالعات، انجام برنامه‌های تحقیقاتی، تشویق تبادل اطلاعات و داده‌ها و تعیین معیارهای علمی مناسب برای تنظیم مقررات، با یکدیگر همکاری کنند.^{۳۳۶}

۳۵۲. ماده ۲۰۶ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر می‌دارد که:

«وقتی که دولت‌ها با دلایل معقولی اعتقاد دارند که فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده تحت صلاحیت یا کنترل آن‌ها ممکن است باعث آلودگی قابل توجه یا تغییرات مهم و مضر در محیط‌زیست دریایی شوند، باید تا حد امکان آثار بالقوه چنین فعالیت‌هایی بر محیط‌زیست دریایی را ارزیابی کرده و گزارش‌های نتایج این ارزیابی‌ها را به نحو مقرر در ماده ۲۰۵ مبادله کنند».

۳۵۳. دیوان استدلال می‌کند که در رابطه با تغییرات اقلیمی و با در نظر گرفتن تأثیر انتشار

334. See paragraphs 138 and 343 above.

335. See Climate Change, Advisory Opinion, ITLOS Reports 2024, pp. 113-114, para. 311.

336. Ibid., para. 312.

گازهای گلخانه‌ای انسان ساخت بر محیط‌زیست دریایی، ماده ۲۰۶ کنوانسیون حقوق دریاها دول عضو را ملزم می‌دارد که در صورت وجود دلایل معقولی دائر بر اینکه فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده تحت صلاحیت یا کنترل آن‌ها (که منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای هستند) می‌توانند منجر به آلودگی قابل توجه یا تغییرات مهم و مضر به محیط‌زیست دریایی شوند، تا حد امکان ارزیابی‌های اثرات زیست‌محیطی را انجام دهند. این تعهد به فعالیت‌هایی که بر مناطق خارج از صلاحیت ملی تأثیر می‌گذارند نیز تعمیم می‌یابد.^{۳۳۷}

۳۵۴. دیوان بیان می‌دارد که کنوانسیون حقوق دریاها، معاهدات تغییرات اقلیمی و سایر معاهدات محیط‌زیستی مرتبط و همچنین تعهدات مربوطه وفق حقوق بین‌الملل عرفی هم‌دیگر را تقویت و تکمیل می‌کنند.^{۳۳۸} بنابراین، دولت‌های عضو، هنگام اجرای تعهدات‌شان وفق معاهدات تغییرات اقلیمی و دیگر معاهدات محیط‌زیستی مرتبط و همچنین حقوق بین‌الملل عرفی باید تعهدات خود بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها را مطمح‌نظر قرار دهند؛ درست همان گونه که هنگام اجرای تعهدات‌شان وفق کنوانسیون حقوق دریاها نیز باید تعهدات خود بر اساس معاهدات تغییرات اقلیمی، دیگر معاهدات محیط‌زیستی مرتبط و حقوق بین‌الملل عرفی را مدنظر قرار دهند.

۲. تعهدات دولت‌ها در رابطه با بالآمدن سطح دریا و مسائل مربوطه

۳۵۵. دیوان خاطرنشان می‌کند که بسیاری از مشارکت‌کنندگان، نگرانی‌های جدی خود را درباره بالآمدن سطح دریا و پیامدهای آن، به‌ویژه برای ثبات مناطق دریایی ابراز کرده‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند که بالآمدن سطح دریا نباید منجر به کاهش حقوق دریایی^{۳۳۹} دولت‌ها شود. از نظر این دسته از مشارکت‌کنندگان، صرف‌نظر از اثرات فیزیکی بالآمدن سطح دریا (ازجمله عقب‌نشینی سواحل)، مواردی همچون خطوط مبدأ^{۳۴۰} کنونی، حقوق دریایی، حدود و مرزبندی‌های دریایی^{۳۴۱} و دولت‌بودگی باید حفظ شوند. آن‌ها همچنین معتقدند که غرقاب کامل قلمروشان نباید موجب محرومیت آن‌ها از حقوق دریایی‌شان شود.

۳۵۶. دیوان بیان می‌کند که هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، بالآمدن سطح دریا را /جنباب‌ناپذیر^{۳۴۲} توصیف کرده و با اطمینان بسیار نتیجه گرفته است که پیرو همین امر، خطرات برای

337. See Responsibilities and obligations of States with respect to activities in the Area, Advisory Opinion, 1 February 2011, ITLOS Reports 2011, pp. 50-52, paras. 145-150.

338. See paragraphs 309-315.

339. Maritime Entitlements

340. Baselines

341. Maritime Delimitations

342. Unavoidable

زیست‌بوم‌های ساحلی، مردم و زیرساخت‌ها همچنان افزایش خواهد یافت.^{۳۴۳}

۳۵۷. آمار و داده‌های علمی نشان می‌دهند که بالآمدن سطح دریا احتمالاً پیامدهای نامطلوبی برای دولت‌ها (به‌ویژه دولت‌های جزیره‌ای کوچک و دولت‌های ساحلی هم‌سطح / زیرسطح دریا) خواهد داشت؛ ازجمله اینکه به‌طور بالقوه می‌تواند منجر به جابجایی اجباری جمعیت در داخل قلمرو سرزمینی آن‌ها یا فراتر از مرزها شده و همچنین بر تمامیت سرزمینی دولت‌ها و حاکمیت دائم آن‌ها بر منابع طبیعی‌شان تأثیر بگذارد. به اعتقاد دیوان، از آنجا که این موارد با حق تعیین سرنوشت ارتباط نزدیکی دارند، بالآمدن سطح دریا بر اجرای این حق بی‌تأثیر نیست.

۳۵۸. دیوان خاطر نشان می‌کند که کنوانسیون حقوق دریا حاوی مقرراتی است که دولت‌های عضو را ملزم می‌دارد تا نقشه‌های رسمی یا فهرست‌هایی از مختصات جغرافیایی^{۳۴۴} که حدود بیرونی مناطق دریایی آن‌ها را نشان می‌دهد، تهیه و به‌طور مناسب اطلاع‌رسانی کنند. در مورد دریای سرزمینی،^{۳۴۵} بند ۱ ماده ۱۶ تصریح می‌کند که:

«خطوط مبدأ تعیین شده برای اندازه‌گیری عرض دریای سرزمینی بر اساس مواد ۷، ۹ و ۱۰، یا محدوده‌های ناشی از آن و نیز خطوط تحدید حدود ترسیم شده مطابق مواد ۱۲ و ۱۵ باید بر روی نقشه‌های رسمی با یک مقیاس یا مقیاس‌های مناسب به منظور تشخیص موقعیت آن‌ها نشان داده شوند».

مطابق بند ۲ ماده ۱۶، یک دولت «باید اطلاع‌رسانی مناسبی در مورد چنین نقشه‌ها یا فهرست‌های مختصات جغرافیایی انجام دهد و رونوشتی از هر یک از این نقشه‌ها یا فهرست‌ها را نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع کند». در مورد منطقهٔ انحصاری اقتصادی،^{۳۴۶} بند ۱ ماده ۷۵ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر می‌دارد که خطوط حدود بیرونی این منطقه باید بر روی نقشه‌های رسمی با یک مقیاس یا مقیاس‌های مناسب به منظور تشخیص موقعیت آن‌ها نشان داده شوند. بند ۲ ماده ۷۵ مقرر می‌دارد که دولت ساحلی باید اطلاع‌رسانی مناسبی در مورد چنین نقشه‌ها یا فهرست‌های مختصات جغرافیایی انجام دهد و رونوشتی از هر یک از این نقشه‌ها یا فهرست‌ها را نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع کند. به‌طور مشابه، در مورد فلات قاره،^{۳۴۷} بند ۱ ماده ۸۴ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر می‌دارد که خطوط حدود بیرونی فلات قاره باید بر روی نقشه‌های رسمی با یک مقیاس یا مقیاس‌های مناسب به منظور تشخیص موقعیت آن‌ها نشان داده شوند. بند ۲ ماده ۸۴ مقرر می‌دارد که «دولت ساحلی باید اطلاع‌رسانی مناسبی در مورد چنین نقشه‌ها یا

343. IPCC, 2023 Summary for Policymakers, p. 15, Statement B.2.2.

344. Geographical Co-ordinates

345. Territorial Sea

346. Exclusive Economic Zone

347. Continental Shelf

فهرست‌های مختصات جغرافیایی انجام دهد». همچنین دولت ساحلی موظف است «رونوشتی از هر یک از این نقشه‌ها یا فهرست‌ها را نزد دبیرکل سازمان ملل متحد، و در موارد مربوط به نقشه‌هایی که حدود بیرونی فلات قاره را نشان می‌دهند، نزد دبیرکل مقام بین‌المللی اعماق دریاها^{۳۴۸} تودیع کند».

۳۵۹. دیوان همچنین بیان می‌دارد که پس از تعیین مناسب عرض مناطق دریایی که از خطوط مبدأ اندازه‌گیری می‌شوند و پس از آنکه دولت، نقشه‌ها یا فهرست‌های مختصات جغرافیایی را مطابق با کنوانسیون حقوق دریاها (به‌ویژه بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۶، بند ۲ ماده ۷۵ و بند ۲ ماده ۸۴) به‌طور مناسب اطلاع‌رسانی کرد، هیچ الزامی در این کنوانسیون برای به‌روزرسانی این موارد توسط دولت‌های عضو پیش‌بینی نشده است. به همین ترتیب، دیوان بیان می‌کند که کنوانسیون حقوق دریاها فاقد هر گونه مقرره‌ای است که دولت‌های عضو را ملزم به به‌روزرسانی خطوط مبدأ عادی^{۳۴۹} علامت‌گذاری شده (ماده ۵) یا نقشه‌ها و فهرست‌های مختصات جغرافیایی مربوط به خطوط مبدأ مستقیم^{۳۵۰} (ماده ۱۶) و مجمع‌الجزایری^{۳۵۱} (پس از آنکه مطابق با بندهای ۸ و ۹ ماده ۴۷ کنوانسیون، علامت‌گذاری، منتشر و تودیع شده باشند) کند.

۳۶۰. دیوان خاطرنشان می‌کند که خارج از چارچوب این فرآیند رسیدگی، بسیاری از دولت‌ها این دیدگاه را ابراز داشته‌اند که پس از تعیین مناسب خطوط مبدأ مناطق دریایی خود مطابق با کنوانسیون حقوق دریاها، هیچ تعهدی برای به‌روزرسانی نقشه‌ها یا فهرست‌های مختصات جغرافیایی نشان‌دهنده این خطوط وجود ندارد. چنین دیدگاه‌هایی به‌ویژه در چارچوب سازمان ملل متحد و همچنین در بیانیه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله «بیانیه ۲۰۲۱ مجمع جزایر اقیانوسیه در مورد حفظ مناطق دریایی در برابر افزایش ناشی از تغییرات اقلیمی سطح دریا» که در ۲۰۲۲ نیز توسط دولت‌های عضو سازمان دولت‌های آفریقایی، کارائیب و اقیانوسیه مورد حمایت قرار گرفت، بیان شده است. دیوان اعتقاد دارد که این رویه با تفسیر کنوانسیون حقوق دریاها مرتبط و قابل استناد است.

۳۶۱. دیوان از اقدامات انجام‌شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه بالآمدن سطح دریا در ارتباط با حقوق بین‌الملل که از ۲۰۱۸ آغاز شده، آگاه است. گزارش نهایی گروه مطالعاتی راجع به بالآمدن سطح دریا در ارتباط با حقوق بین‌الملل که در هفتادوششمین نشست کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۲۵) به تصویب رسید، نشان‌دهنده همگرایی دیدگاه دولت‌های سراسر مناطق

348. The Authority

349. Normal Baselines

350. Straight Baselines

351. Archipelagic Baselines

جهان در رابطه با عدم تعهد برای دول عضو کنوانسیون حقوق دریاها در مورد به‌روزرسانی نقشه‌ها یا فهرست‌های مختصات جغرافیایی مربوط به مناطق دریایی خودشان (پس از تنظیم صحیح و مناسب آن‌ها مطابق کنوانسیون مزبور) است.^{۳۵۲}

۳۶۲. دیوان معتقد است که مقررات کنوانسیون حقوق دریاها، در شرایط تغییرات فیزیکی ناشی از بالا آمدن سطح دریا به دلیل تغییرات اقلیمی، دول عضو را ملزم نمی‌کند تا پس از تعیین صحیح و مناسب خطوط مبدأ و حدود بیرونی مناطق دریایی خود مطابق با کنوانسیون، نقشه‌ها یا فهرست‌های مختصات جغرافیایی‌شان را به‌روزرسانی کنند. به همین دلیل، دول عضو کنوانسیون حقوق دریاها تعهدی در خصوص به‌روزرسانی این نقشه‌ها یا فهرست‌های مختصات جغرافیایی ندارند.

۳۶۳. تعدادی از مشارکت‌کنندگان استدلال کردند که بالا آمدن سطح دریا تهدیدی جدی برای تمامیت سرزمینی و در نتیجه موجودیت [دولت‌بودگی] دولت‌های جزیره‌ای کوچک نیز محسوب می‌شود. به نظر آن‌ها، در صورت ازدست‌رفتن کامل سرزمین یک دولت و جابجایی جمعیت آن، باید فرض اصلی بر این باشد که دولت‌بودگی آن تداوم دارد. به اعتقاد دیوان، پس از ایجاد دولت، ناپدید شدن یکی از عناصر تشکیل‌دهنده آن لزوماً به معنای زوال دولت‌بودگی‌اش نخواهد بود.

۳۶۴. دیوان سابقاً تأکید کرده که تغییرات اقلیمی که یکی از آثار زیانبار آن، پدیده بالا آمدن سطح دریاهاست، نگرانی/دغدغه مشترک جامعه بشری است. دیوان همچنین تصریح کرده است که در مقوله تغییرات اقلیمی، دولت‌ها بر اساس عرف بین‌المللی تعهد به همکاری دارند.^{۳۵۳} علاوه بر این، دیوان خاطرنشان ساخته که تکلیف به همکاری در کانون منشور ملل متحد، به‌ویژه ماده ۱ آن، جای دارد؛ این ماده هدف سازمان را بیان و دولت‌ها را متعهد به «حصول همکاری بین‌المللی در حل مشکلات بین‌المللی با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه» می‌کند.^{۳۵۴} به نظر دیوان، پدیده بالا آمدن سطح دریاها چالش‌هایی در ابعاد مختلف [از جمله] اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بشردوستانه ایجاد می‌کند. بر این اساس، دیوان نتیجه می‌گیرد که تکلیف به همکاری در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود و مستلزم آن است که دولت‌ها با همکاری یکدیگر، اقدامات مناسبی را برای مقابله با آثار زیانبار این پدیده مهم اتخاذ کنند. چنین تکلیفی برای همکاری، ریشه در این واقعیت دارد که دولت‌ها نیازمند یکدیگرند و این وابستگی متقابل، همبستگی میان مردمان جهان را ضروری می‌کند.^{۳۵۵} در این راستا، همکاری برای مقابله با بالا آمدن سطح

352. Official Records of the General Assembly, Eightieth Session, Supplement No. 10 (UN doc. A/80/10), Report of the International Law Commission on its work at its Seventy-sixth Session, p. 11, para. 36; and Annex I, Final Report of the Study Group on sea level rise in relation to international law.

353. See paragraphs 140-142 and 301-308.

354. See paragraph 115.

355. See paragraph 308 above.

دریا، برای دولت‌ها انتخاب نیست، بلکه تعهد حقوقی است.

۳۶۵. دیوان از مطالب فوق چنین نتیجه‌گیری می‌کند که تعهد حقوقی به همکاری، دولت‌ها را ملزم می‌دارد که در خصوص پدیدهٔ بالا آمدن سطح دریاها با یکدیگر همکاری کنند. هدف این همکاری، دستیابی به راه‌حل‌های منصفانه‌ای است که به حقوق دولت‌های تحت تأثیر و جمعیت آن‌ها توجه داشته باشد.

۳. سایر اسناد مرتبط

۳۶۶. دیوان متذکر می‌شود که برخی از مشارکت‌کنندگان در این فرآیند رسیدگی، با استناد به دیگر معاهدات راجع به حفاظت از محیط‌زیست دریایی، آن‌ها را از جمله مرتبط‌ترین اسناد برای پاسخ به پرسش (الف) دانسته‌اند.

۳۶۷. همان گونه که پیش‌تر اشاره شد،^{۳۵۶} در چارچوب این نظر مشورتی، از دیوان خواسته نشده است تا به تمامی معاهداتی که می‌توانند مرتبط با حفاظت از سیستم اقلیمی باشند، بپردازد. در این رابطه، اگرچه دیوان قصد ارائهٔ فهرستی انحصاری از معاهدات مرتبط با تغییرات اقلیمی را ندارد، تأکید می‌کند که بررسی تعهدات دولت‌ها بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها، به قابلیت اعمال سایر منابع ایجاد تعهد، اعم از جهانی، منطقه‌ای یا دوجانبه که ممکن است برای دولت‌های عضو اسناد مربوطه لازم‌الاجرا باشند، خدشه‌ای وارد نمی‌کند. دیوان معتقد است که دولت‌ها با اجرای تعهدات خود طبق اسناد خاص دیگری مانند کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری از آلودگی دریایی ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳،^{۳۵۷} معروف به *مارپول*^{۳۵۸} و *ضمیمهٔ ششم آن* که تحت نظر سازمان بین‌المللی دریانوردی تصویب شده‌اند، در حفاظت از سیستم اقلیمی مشارکت می‌کنند. در این خصوص، دیوان بر اهمیت نقش برخی از سازمان‌های بین‌المللی خاص، از جمله سازمان بین‌المللی دریانوردی در زمینهٔ تنظیم‌گری مقررات حاکم بر فعالیت‌های منتشرکنندهٔ گازهای گلخانه‌ای تأکید می‌ورزد.

۳۶۸. دیوان همچنین خاطرنشان می‌کند که تعدادی از مشارکت‌کنندگان به موافقت‌نامهٔ ذیل کنوانسیون حقوق دریاها دربارهٔ حفاظت و استفادهٔ پایدار از تنوع زیستی دریایی در مناطق خارج از صلاحیت ملی،^{۳۵۹} معروف به *موافقت‌نامهٔ بی‌بی/ان‌جی*^{۳۶۰} اشاره کردند. این موافقت‌نامه که در ۱۹ ژوئن ۲۰۲۳ به تصویب رسید، هنوز لازم‌الاجرا نشده است. این سند در واقع به‌عنوان موافقت‌نامهٔ

356. See paragraph 173.

357. International Convention for the Prevention of Pollution from Ships (MARPOL)

358. MARPOL

359. Agreement on Marine Biological Diversity of Areas Beyond National Jurisdiction (BBNJ)

360. BBNJ

اجرائی^{۳۶۱} کنوانسیون حقوق دریاها عمل می‌کند. موافقت‌نامه بی‌بی‌ان‌جی در راستای هدف خود برای تضمین حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی دریایی در مناطق خارج از صلاحیت ملی، شامل مقرراتی در رابطه با ایجاد ابزارهای مدیریتی منطقه‌محور از جمله مناطق حفاظت‌شده دریایی است. این مقررات، اهداف دولتهای عضو را به‌ویژه مبنی بر:

«حمایت، صیانت، احیا و حفظ تنوع زیستی و زیست‌بوم‌ها، از جمله با هدف ارتقاء بهره‌وری و سلامت آن‌ها و تقویت تاب‌آوری در برابر عوامل تنش‌زایی، مانند عوامل مرتبط با تغییرات اقلیمی، اسیدی‌شدن اقیانوس‌ها و آلودگی دریایی» (بند ج ماده ۱۷) منعکس می‌کنند. بر اساس ماده ۱۸ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات، تا زمانی که این موافقت‌نامه لازم‌الاجرا نشده است، دولتهای امضاکننده و دولتهای عضو آن متعهدند از هر اقدام مغایر با موضوع و هدف مصرح در موافقت‌نامه خودداری کنند.

و. تعهدات دولتها به موجب حقوق بین‌الملل بشر

۳۶۹. دیوان یادآوری می‌کند که مقدمه قطعنامه حاوی پرسش‌های مطرح‌شده از سوی مجمع عمومی، از دیوان درخواست دارد که توجه ویژه‌ای به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین حقوق به رسمیت شناخته‌شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر داشته باشد. این قطعنامه همچنین بر اهمیت کنوانسیون حقوق کودک تأکید می‌کند (بند پنجم مقدمه).

۳۷۰. مشارکت‌کنندگانی که به تعهدات دولتها ذیل حقوق بین‌الملل بشر پرداختند، دیدگاه‌های متفاوتی در این خصوص ابراز داشتند که آیا حقوق بین‌الملل بشر، فی‌نفسه، تعهداتی را برای دولتها در رابطه با تغییرات اقلیمی ایجاد می‌کند یا خیر. هر چند که برخی از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که حقوق بین‌الملل بشر، فی‌نفسه، تعهدات مستقلی برای حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست ایجاد نمی‌کند، اکثر آن‌ها استدلال کردند که چنین تعهداتی وجود دارد.

۳۷۱. دیوان خاطرنشان می‌کند که دولتها بر اساس حقوق بین‌الملل بشر، متعهد به رعایت، حمایت و تضمین برخورداری از حقوق بشر برای افراد و مردمان هستند. محور اصلی حقوق بشر، حمایت از افراد و مردمان بوده و به حوزه‌های فعالیتی خاص محدود نمی‌شود. به منظور پاسخ به پرسش مطرح‌شده از سوی مجمع عمومی، دیوان ابتدا به بررسی اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی بر برخورداری از حقوق بشر خواهد پرداخت. سپس دیوان مسئله حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار به‌عنوان حق بشری را بررسی خواهد کرد. در ادامه دیوان اقدام به بررسی گستره سرزمینی اعمال حقوق بین‌الملل

بشر خواهد نمود. در پرتو این ملاحظات، دیوان به تبیین تعهدات دولت‌ها ذیل حقوق بین‌الملل بشر برای حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست خواهد پرداخت.

۱. اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی بر برخورداری از حقوق بشر

۳۷۲. مشارکت‌کنندگان عموماً بر این باورند که اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی، برخورداری کامل از حقوق بشر را با مشکل مواجه می‌کند.

۳۷۳. محیط‌زیست، پایه و اساس زندگی بشری است که سلامت و بهزیستی نسل‌های حاضر و آینده به آن وابسته است.^{۳۶۲} بنابراین، دیوان اعتقاد دارد که حفاظت از محیط‌زیست، پیش‌شرط لازم برای برخورداری از حقوق بشر است که ترویج آن یکی از اهداف سازمان ملل متحد مطابق با بند ۳ ماده ۱ منشور است.

۳۷۴. دیوان همچنین خاطرنشان می‌کند که مقدمه موافقت‌نامه پاریس تصریح می‌دارد: «تغییرات اقلیمی دغدغه مشترک بشریت است. دولت‌های عضو، هنگام اتخاذ اقداماتی برای مقابله با تغییرات اقلیمی باید تعهدات خود راجع به حقوق بشر، حق بر سلامت، حقوق مردمان بومی، جوامع محلی، مهاجران، کودکان، اشخاص دارای معلولیت و افراد در موقعیت‌های آسیب‌پذیر و حق بر توسعه، همچنین برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان و عدالت میان‌نسلی را رعایت کرده، ترویج نموده و مطمح‌نظر قرار دهند».

۳۷۵. انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، اثر نامطلوبی بر سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست دارد. هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی بر وابستگی متقابل بین آسیب‌پذیری جمعیت‌های بشری و زیست‌بوم‌ها تأکید کرده است.^{۳۶۳} تخریب سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست، امکان برخورداری از طیف وسیعی از حق‌های بشری را با اختلال مواجه می‌کند.

۳۷۶. بنابراین، دیوان بر این نظر است که اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی، از جمله تأثیر بر سلامت و معیشت افراد از طریق رویدادهایی مانند بال‌آمدن سطح دریا، خشکسالی، بیابان‌زایی و بلایای طبیعی می‌تواند به میزان قابل‌توجهی امکان برخورداری از برخی حق‌های بشر را با اختلال مواجه سازد. دیوان بدون اینکه در پی ارائه فهرستی حصری باشد، به بررسی برخی از این حقوق خواهد پرداخت.

362. See Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996 (I), p. 241, para. 29.

363. See IPCC, Climate Change 2023: Synthesis Report, pp. 97-99, section 4.3; IPCC, 2022, Climate Change 2022: Impacts, Adaptation, and Vulnerability, Contribution of Working Group II to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change (hereinafter "IPCC, 2022 contribution of Working Group II"), pp. 9-13; see also paragraph 73 above.

۳۷۷. پیامدهای نامطلوب تغییرات اقلیمی به طرق مختلفی می‌تواند امکان برخورداری از حق حیات را دچار مشکل کند. حق حیات در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. این حق در معاهدات حقوق بشری نیز گنجانده شده است، از جمله در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که مقرر می‌دارد حق حیات / از حقوق ذاتی شخص / انسان است و همچنین در ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک که حق ذاتی هر کودک برای حیات را به رسمیت می‌شناسد. رعایت، حمایت و تحقق این حق می‌تواند وابسته به اقداماتی باشد که دولت‌های عضو این اسناد به منظور حفظ محیط‌زیست و صیانت از آن در برابر اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی (ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت) اتخاذ می‌کنند. کمیته حقوق بشر متذکر شده است که «تخریب محیط‌زیست می‌تواند امکان برخورداری مؤثر از حق حیات را تضعیف کند و تخریب شدید محیط‌زیست می‌تواند [...] منجر به نقض این حق شود».^{۳۶۴} همچنین کمیته در نظر تفسیری شماره ۳۶ خود در خصوص حق حیات چنین بیان داشته است که:

«تخریب محیط‌زیست، تغییرات اقلیمی و توسعه ناپایدار از بغرنج‌ترین و جدی‌ترین تهدیدها علیه حق حیات نسل‌های کنونی و آینده به شمار می‌روند. بنابراین، تعهدات دولت‌های عضو بر اساس حقوق بین‌الملل محیط‌زیست باید بر محتوای ماده ۶ میثاق سایه افکند، همچنان که تعهد دولت‌ها به رعایت و تضمین حق حیات نیز باید بر تعهدات آن‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تأثیرگذار باشد. اجرای تعهد به رعایت و تضمین حق حیات و به‌ویژه حیات همراه با کرامت، علاوه بر سایر موارد، وابسته به اقداماتی است که دولت‌های عضو برای حفاظت از محیط‌زیست و صیانت از آن در برابر زیان‌ها، آلودگی‌ها و تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت کنشگران خصوصی و دولتی اتخاذ می‌کنند».^{۳۶۵}

۳۷۸. از نظر دیوان، شرایط ناشی از تغییرات اقلیمی که به‌طور بالقوه زندگی افراد را در معرض خطر قرار می‌دهد، می‌تواند منجر به این شود که آن‌ها برای در امان ماندن به کشور دیگری پناه ببرند یا نتوانند به کشور خودشان بازگردند. به اعتقاد دیوان، اگر دلایل محکمی وجود داشته باشد دائر بر اینکه در صورت بازگشت یک فرد به کشور مبدأ، خطر واقعی ایراد زیان جبران‌ناپذیر به حق حیات وی وجود دارد (که نقض ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است)، دولت‌ها بر اساس اصل منع/عاده،^{۳۶۶} موظف به رعایت تعهداتی هستند.^{۳۶۷}

364. Teitiota v. New Zealand, 24 October 2019, doc. CCPR/C/127/D/2728/2016, para. 9.5

365. General comment No. 36 on Article 6: right to life, 30 October 2018, UN doc. CCPR/C/GC/36, para. 62, footnotes omitted

366. Principle of non-Refoulement

367. See Human Rights Committee, Teitiota v. New Zealand, 24 October 2019, UN doc. CCPR/C/127/D/2728/2016, para. 9.11.

۳۷۹. به نظر دیوان، تغییرات اقلیمی، تهدیدی علیه توانایی افراد برای برخورداری از حق بر سلامت نیز محسوب می‌شود. «حق هر کسی برای برخورداری از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت جسمی و روانی» توسط ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد حمایت قرار گرفته است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاطر نشان کرده است که این حق، علاوه بر سایر موارد، دولت‌ها را ملزم می‌دارد تا از آلوده کردن غیرقانونی هوا، آب و خاک اجتناب کنند.^{۳۶۸} شورای حقوق بشر تأکید کرده است که اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی، گستره وسیعی از پیامدها برای برخورداری مؤثر از حقوق بشر، از جمله حق برخورداری از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت جسمی و روانی را به همراه دارد.^{۳۶۹} علاوه بر این، سازمان جهانی سلامت، تغییرات اقلیمی را به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید بالقوه برای سلامت جهانی در قرن بیست‌ویکم معرفی کرده است.^{۳۷۰} بنابراین، بین حق بر سلامت و شرایط محیط‌زیستی که یک فرد در آن زندگی می‌کند، پیوند نزدیکی وجود دارد. در نتیجه، دولت‌ها مسئول ارتقاء شرایط محیط‌زیستی برای تضمین برخورداری از حق بر سلامت هستند. این حق همچنین توسط ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک که حق برخورداری کودک از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت را تأیید می‌کند مورد حمایت قرار گرفته است.

۳۸۰. به اعتقاد دیوان، بین محیط‌زیست و حق داشتن سطح زندگی مناسب،^{۳۷۱} ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. این حق، خود شامل دسترسی به غذا، آب و مسکن می‌شود که در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است. شورای حقوق بشر تأکید کرده است که تغییرات اقلیمی می‌تواند مانع برخورداری مؤثر افراد از این حقوق شود.^{۳۷۲}

۳۸۱. دیوان، تأثیرپذیری حق بر حریم خصوصی، خانواده و منزلگاه (که در ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد حمایت واقع شده‌اند) از اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی را نیز محتمل دانسته و معتقد است که ممکن است قصور یک دولت در اجرای اقدامات مناسب و به‌موقع در زمینه سازگاری با پیامدهای نامطلوب تغییرات اقلیمی ناقض حقوق مذکور باشد.^{۳۷۳}

368. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment No. 14: The right to the highest attainable standard of health (Art. 12), 11 August 2000, UN doc. E/C.12/2000/4, para. 34.

369. Human Rights Council, resolution 53/6 of 12 July 2023, seventeenth preambular paragraph.

370. See WHO, Health, environment and climate change, Report by the Director-General, seventy-first World Health Assembly, 9 April 2018, doc. A71/10, paras. 3-7.

371. Adequate Standard of Living

372. Human Rights Council, resolution 53/6 of 12 July 2023, preamble; resolution 50/9 of 7 July 2022, preamble.

373. See Daniel Billy and others v. Australia (Torres Strait Islanders Petition), 21 July 2022, UN doc. CCPR/C/135/D/3624/2019, paras. 8.9-8.12.

۳۸۲. ممکن است تغییرات اقلیمی به حقوق زنان، کودکان و مردمان بومی نیز آسیب برساند.^{۳۷۴} همان طور که پیش‌تر اشاره شد، مقدمه موافقت‌نامه پاریس مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو، هنگام اتخاذ اقداماتی برای مقابله با تغییرات اقلیمی باید حقوق مردمان بومی، جوامع محلی، مهاجران، کودکان، اشخاص دارای معلولیت، افراد در موقعیت‌های آسیب‌پذیر و همچنین برابری جنسیتی را رعایت کرده، ترویج نموده و مطمئن‌نظر قرار دهند.^{۳۷۵}

۳۸۳. کمیته منع تبعیض علیه زنان بیان کرده است که اقدامات تعدیلی و سازگاری راجع به تغییرات اقلیمی «باید مطابق با اصول حقوق بشری عدم تبعیض و برابری ماهوی، مشارکت و توانمندسازی، پاسخگویی و دسترسی به عدالت، شفافیت و حاکمیت قانون طراحی و اجرا شوند».^{۳۷۶}

۳۸۴. دیوان همچنین خاطرنشان می‌کند که بنا بر اعلام کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، در حال حاضر رویدادهای آب‌وهوایی شدید و کمبود فزاینده آب، از عوامل اصلی سوءتغذیه و همچنین مرگ‌ومیر و بیماری‌های نوزادان و کودکان محسوب می‌شوند.^{۳۷۷} افزون بر این، طبق یافته‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، زنان و مردمان بومی می‌توانند به شکل شدیدتری تحت تأثیر پیامدهای تغییرات اقلیمی قرار گیرند.^{۳۷۸} بنابراین، دیوان معتقد است که برخورداری این گروه‌ها از حقوق بشر در معرض خطر ناشی از اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی قرار دارد.

۳۸۵. در نهایت، دیوان خاطرنشان می‌کند که در آرا و تصمیمات دادگاه‌های ملی و منطقه‌ای^{۳۷۹} حقوق بشر به موضوع اعمال حقوق بین‌الملل بشر در رابطه با اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی پرداخته

374. See Joint Statement on “Human Rights and Climate Change”, Committee on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, Committee on Economic, Social and Cultural Rights, Committee on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of their Families, Committee on the Rights of the Child and Committee on the Rights of Persons with Disabilities, 16 September 2019, para. 3; see also Human rights and climate change, Human Rights Council resolution 53/6 of 12 July 2023; Human Rights Council, Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights on the relationship between climate change and human rights, 15 January 2009, UN doc. A/HRC/10/61, paras. 42 et seq.

375. See paragraph 374.

376. General recommendation No. 37 on the gender related dimensions of disaster risk reduction in the context of climate change, 7 March 2018, UN doc. CEDAW/C/GC/37, para. 14.

377. See Human Rights Council, Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights on the relationship between climate change and human rights, 15 January 2009, UN doc. A/HRC/10/61, para. 48.

378. IPCC, 2007, Climate Change 2007: Impacts, Adaptation and Vulnerability, Contribution of Working Group II to the Fourth Assessment Report of the IPCC, p. 398; IPCC, 2022 contribution of Working Group II, Water, Technical Summaries B.3.5, B.4.1, B.4.4, B.5 and B.7; IPCC, 2023 Summary for Policymakers, p. 31, Statement C.5.3, and p. 15, Statement B.2.4.

379. See, inter alia, Inter-American Court of Human Rights, Advisory Opinion OC-32/25 of 29 May 2025, Series A No. 32; European Court of Human Rights, Verein KlimaSeniorinnen Schweiz and Others v. Switzerland, Grand Chamber, judgment of 9 April 2024, application No. 53600/20; Inter-American Court of Human Rights, Case of La Oroya Population v. Peru, Preliminary Objections, Merits, Reparations and Costs, Judgment of 27 November 2023, Series C No. 511.

شده است.

۳۸۶. بر اساس تمامی آنچه گفته شد، دیوان معتقد است که ممکن است اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی، برخورداری مؤثر از حقوق بشر را با مشکل مواجه کند.

۲. حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار

۳۸۷. دیوان خاطرنشان می‌کند که تعدادی از مشارکت‌کنندگان به بحث در مورد وجود حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار پرداختند.

۳۸۸. رابطه تنگاتنگ بین انسان و محیط‌زیست، در ۱۹۶۸ در قطعنامه ۲۳۹۸ مجمع عمومی (XXIII)^{۳۸۰} و در ۱۹۷۲ در اعلامیه استکهلم به رسمیت شناخته شد. اصل اول این اعلامیه چنین اذعان داشته است که:

«انسان هم مخلوق و هم شکل‌دهنده محیط‌زیست خود است؛ محیطی که بقای جسمانی را برای وی فراهم می‌کند و فرصت رشد فکری، اخلاقی، اجتماعی و معنوی را در اختیارش می‌گذارد [...] هر دو جنبه محیط‌زیست انسان، یعنی محیط طبیعی و مصنوعی [ساخته دست بشر]، برای بهزیستی او و برخورداری از حقوق پایه بشری حتی حق حیات، ضروری هستند». علاوه بر این، اصل اول اعلامیه ریو مقرر می‌دارد که «انسان‌ها [...] حق بهره‌مندی از زندگی سالم و مثمر ثمر همسو با طبیعت را دارند».

۳۸۹. در ۱۹۹۴ کمیسیون حقوق بشر وجود ارتباط بین تخریب محیط‌زیست و حقوق بشر را به رسمیت شناخت.^{۳۸۱} دیوان یادآوری می‌کند که حقوق بشر به‌عنوان حقوقی تفکیک‌ناپذیر، وابسته به یکدیگر و درهم‌تنیده به رسمیت شناخته شده‌اند.^{۳۸۲} بر این اساس، دیوان معتقد است که تحقق کامل برخورداری مؤثر از بسیاری از حق‌های بشری، منوط به این است که دارندگان حقوق مزبور، امکان زندگی در محیطی پاک، سالم و پایدار را داشته باشند.

۳۹۰. دیوان تصریح می‌کند که چندین سند منطقه‌ای حقوق بشر، با عبارت‌پردازی‌های مختلف، حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار را به رسمیت می‌شناسند. منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم در ماده ۲۴ مقرر می‌دارد که «همه مردم حق برخورداری از محیط‌زیستی رضایت‌بخش و مساعد برای توسعه خود را دارند». به‌طور مشابه، ماده ۳۸ منشور عربی حقوق بشر بیان می‌کند که «هر کسی حق دارد از سطح زندگی مناسب برای خود و خانواده‌اش برخوردار باشد که بهزیستی و زندگی شرافتمندانه را تضمین کند [...] و همچنین حق دارد از محیط‌زیست ایمن برخوردار باشد». پروتکل الحاقی

380. See paragraph 51 above.

381. Ksentini Report, 6 July 1994, UN doc. E/CN.4/Sub.2/1994/9, Chap. V, pp. 42-57, paras. 161-234.

382. See Declaration and Programme of Action, World Conference on Human Rights, Vienna, 1993, para. 5.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (پروتکل سن سالوادور) نیز در ماده ۱۱ خود تأیید می‌کند که «هر کسی حق زندگی در محیط‌زیست سالم را دارد».

۳۹۱. اهمیت حق بر محیط‌زیست پاک و سالم با این واقعیت آشکار می‌شود که بیش از صد دولت، با عبارت‌پردازی‌های مختلف، این حق را در قوانین اساسی یا داخلی خود گنجانده‌اند.^{۳۸۳} چندین دادگاه ملی و منطقه‌ای در مورد حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار اظهارنظر کرده‌اند. در طی دوره بررسی ادواری جهانی^{۳۸۴} شورای حقوق بشر، بسیاری از دولت‌ها به تشریح نحوه اجرای حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار در قلمرو خود پرداختند.

۳۹۲. مجمع عمومی در قطعنامه ۳۰/۷۶ خود در ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۲ «حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار را به‌عنوان حق بشری به رسمیت می‌شناسد» (بند ۱) که این امر، گواهی بر پذیرش این حق است. در واقع، این قطعنامه که با ۱۶۱ رأی موافق، ۸ رأی ممتنع و بدون هیچ رأی مخالفی به تصویب رسید، بیان می‌دارد که «اکثریت قریب به اتفاق دولت‌ها از طریق موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، قوانین اساسی، مقررات، قوانین یا سیاست‌های ملی خود، برخی اشکال حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار را به رسمیت شناخته‌اند» (بند بیستم مقدمه) و اینکه این حق «با سایر حقوق مرتبط است» (بند ۲). از این رو قطعنامه بر «اهمیت وجود محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار برای برخورداری از تمامی حق‌های بشری» تأکید کرده (بند هجدهم مقدمه) و جایگاه مهمی را که دولت‌ها برای این حق قائل هستند آشکار می‌کند.^{۳۸۵}

۳۹۳. بر اساس تمامی آنچه گفته شد، دیوان بر این باور است که محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار، پیش‌شرط برخورداری از بسیاری از حق‌های بشری از جمله حق حیات، حق سلامت و حق داشتن سطح زندگی مناسب، شامل دسترسی به آب، غذا و مسکن است. حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار، ماحصل وابستگی متقابل میان حقوق بشر و حفاظت از محیط‌زیست است. در نتیجه، از این حیث که دولت‌های عضو معاهدات حقوق بشری ملزم به تضمین برخورداری مؤثر از این حقوق هستند، به‌سختی می‌توان پذیرفت که تعهدات مزبور بدون تضمین همزمان حمایت از حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار به‌عنوان حق بشری محقق شوند. بنابراین، حق بشری بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار، جزء جدایی‌ناپذیر برخورداری از سایر حق‌های بشری است. بدین ترتیب، دیوان نتیجه می‌گیرد که بر اساس حقوق بین‌الملل، حق بشری بر محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار، برای برخورداری از سایر حق‌های بشری امری ضروری است.

383. Human Rights Council, Right to a healthy environment: good practices, Report of the Special Rapporteur on the issue of human rights obligations relating to the enjoyment of a safe, clean, healthy and sustainable environment, 30 December 2019, UN doc. A/HRC/43/53, Annex II.

384. Universal Periodic Review (UPR)

385. See also Human Rights Council resolution 48/13, The human right to a clean, healthy and sustainable environment, 8 October 2021.

۳. گستره سرزمینی معاهدات حقوق بشری

۳۹۴. دیوان در این مرحله به بررسی مسئله گستره سرزمینی برخی از معاهدات جهانی حقوق بشر خواهد پرداخت که مرتبط با پاسخ به پرسش (الف) هستند. تعیین گستره سرزمینی معاهدات جهانی حقوق بشر باید در پرتو مقررات خاص هر سند صورت پذیرد. این دیوان سابقاً شمول معاهدات حقوق بشری را در موارد اعمال صلاحیت یک دولت در ورای قلمرو سرزمینی خود به رسمیت شناخته است.

۳۹۵. بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناسایی شده در میثاق حاضر را نسبت به تمام افراد داخل در قلمرو سرزمینی و تابع صلاحیت‌شان محترم شمرده و تضمین کنند».

۳۹۶. دیوان در نظر مشورتی خود درباره پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین اعلام کرد که می‌توان بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را این گونه تفسیر کرد که «هم افراد حاضر در قلمرو سرزمینی یک دولت و هم افراد خارج از آن را که تابع صلاحیت دولت مزبور هستند دربرمی‌گیرد».^{۳۸۶} دیوان اظهار کرد که هرچند صلاحیت دولت‌ها اصولاً سرزمینی است، در مواردی می‌تواند در ورای قلمرو سرزمینی ملی نیز اعمال شود. دیوان همچنین استدلال کرد که با توجه به موضوع و هدف میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در مواردی که یک دولت عضو در ورای قلمرو سرزمینی ملی خود اعمال صلاحیت می‌کند، ملزم به رعایت مقررات میثاق است.^{۳۸۷}

۳۹۷. دیوان متذکر می‌شود که این تفسیر از بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، با رویه کمیته حقوق بشر که میثاق را در موارد اعمال صلاحیت یک دولت در سرزمین خارجی قابل اعمال دانسته، مطابقت دارد.^{۳۸۸} این تفسیر با کارهای مقدماتی^{۳۸۹} میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همسو است که به باور دیوان، نشان می‌دهد تدوین‌کنندگان میثاق، «قصد نداشته‌اند به دولت‌ها اجازه دهند تا هنگام اعمال صلاحیت در ورای قلمرو سرزمینی ملی خود از تعهداتشان شانه خالی کنند».^{۳۹۰} بلکه «هدف آنان صرفاً این بود که نمی‌خواستند اشخاص مقیم خارج، از دولت متبوع خود، حقوقی را مطالبه کنند که در حیطه صلاحیت آن نیست، بلکه در صلاحیت دولتی است که در آن اقامت دارند».^{۳۹۱}

386. I.C.J. Reports 2004 (I), p. 179, para. 108.

387. Ibid., para. 109.

388. See Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 179, para. 109.

389. Travaux Préparatoires.

390. Ibid.

391. Ibid.

۳۹۸. در این راستا دیوان نتیجه گرفت که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «نسبت به اقداماتی که یک دولت در چارچوب اعمال صلاحیت خود در ورای قلمرو سرزمینی‌اش انجام می‌دهد، قابل اعمال است».^{۳۹۲}

۳۹۹. دیوان در رأی سال ۲۰۰۵ خود دربارهٔ فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو (جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا)^{۳۹۳} و در نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ خود دربارهٔ پیامدهای حقوقی ناشی از سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین از جمله بیت‌المقدس شرقی،^{۳۹۴} بر این یافته‌ها تأکید کرد.

۴۰۰. در خصوص میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دیوان اعلام کرده است که این میثاق، حاوی هیچ مقرره‌ای در مورد *دامنهٔ شمول* خود نیست و افزوده است که: «علت این امر می‌تواند این باشد که میثاق مذکور، حقوقی را تضمین می‌کند که ذاتاً سرزمین‌محور هستند. با این حال، نمی‌توان این احتمال را رد کرد که میثاق، هم شامل قلمروهای تحت حاکمیت دولت عضو باشد و هم شامل قلمروهایی باشد که آن دولت بر آنها صلاحیت سرزمینی اعمال می‌کند. دلیل این ادعا می‌تواند ماده ۱۴ میثاق باشد. این ماده تدابیر موقتی را برای هر دولتی که «در زمان عضویت نتوانسته باشد در سرزمین اصلی یا دیگر سرزمین‌های تحت صلاحیت خود، آموزش و پرورش ابتدایی اجباری و رایگان را تأمین کند»، پیش‌بینی می‌کند».^{۳۹۵}

۴۰۱. علاوه بر این، راجع به کنوانسیون حقوق کودک، دیوان اظهار نموده است که ماده ۲ این کنوانسیون مقرر می‌دارد «دولت‌های عضو باید حقوق مندرج در کنوانسیون را در مورد هر کودک واقع در حوزهٔ صلاحیت‌شان رعایت و تضمین کنند». دیوان سپس چنین نتیجه گرفته است که کنوانسیون مزبور به همین دلیل در سرزمین *اشغالی فلسطین* قابل اعمال بوده است.^{۳۹۶}

۴۰۲. در چارچوب فرآیند رسیدگی مشورتی حاضر، تعیین شرایط خاص اعمال صلاحیت فراسرزمینی دولتها توسط دیوان ضرورتی ندارد، چرا که این امر تابع مقررات خاص هر معاهده است. در این ارتباط، دیوان تأکید می‌کند که گسترهٔ حقوق معاهداتی بشر و حقوق عرفی بشر، متمایز از یکدیگر هستند.

۴۰۳. با در نظر گرفتن اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی بر برخورداری از حقوق بشر، دیوان معتقد

392. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 180, para. 111.

393. I.C.J. Reports 2005, p. 243, para. 216.

394. Para. 99.

395. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 180, para. 112.

396. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 181, para. 113.

است که بهره‌مندی کامل از حق‌های بشری بدون حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست میسر نخواهد بود. دولت‌ها به منظور تضمین برخورداری مؤثر از حقوق بشر باید اقداماتی را برای حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست اتخاذ کنند. این اقدامات می‌تواند شامل مواردی از جمله اتخاذ اقدامات سازگاری و تعدیلی با اهتمام مناسب به ملاحظات حقوق بشری، تصویب استانداردها و مقررات قانونی و تنظیم‌گری فعالیت‌های کنشگران خصوصی باشد. بر اساس حقوق بین‌الملل بشر، دولت‌ها ملزم به اتخاذ اقدامات ضروری در این زمینه هستند.

۴۰۴. دیوان بر این باور است که حقوق بین‌الملل بشر، معاهدات تغییرات اقلیمی و سایر معاهدات محیط‌زیستی مرتبط و همچنین تعهدات مربوطه ذیل حقوق بین‌الملل عرفی، یکدیگر را تقویت و تکمیل می‌کنند.^{۳۹۷} بنابراین، دولت‌ها هنگام اجرای تعهدات‌شان ذیل معاهدات تغییرات اقلیمی و دیگر معاهدات محیط‌زیستی مرتبط و همچنین حقوق بین‌الملل عرفی باید تعهدات خود را بر اساس حقوق بین‌الملل بشر مطمح‌نظر قرار دهند؛ درست همان گونه که هنگام اجرای تعهدات حقوق بشری‌شان نیز باید تعهدات خود ذیل معاهدات تغییرات اقلیمی، دیگر معاهدات محیط‌زیستی مرتبط و حقوق بین‌الملل عرفی را مدنظر قرار دهند.

بخش پنجم. پرسش (ب) مطرح‌شده نزد دیوان: پیامدهای حقوقی ناشی از فعل‌ها و ترک فعل‌های دولت‌ها که زبان قابل‌توجهی به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست وارد می‌کند.

۴۰۵. دیوان اکنون به پرسش (ب) می‌پردازد که در بخش مرتبط به این شرح است: «پیامدهای حقوقی این تعهدات برای دولت‌هایی که با فعل‌ها و ترک فعل‌های خود، زبان قابل‌توجهی به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست وارد کرده‌اند، چیست...؟». همان گونه که سابقاً اشاره شد،^{۳۹۸} به نظر دیوان، این پرسش، ناظر بر پیامدهای حقوقی برای دولت‌هایی است که هر یک از تعهدات مرتبط با پرسش (الف) را نقض کرده باشند. همان گونه که دیوان پیش‌تر متذکر شد،^{۳۹۹} اصطلاح «پیامدهای حقوقی» در پرسش (ب) باید به این معنا فهم شود که به پیامدهای حقوقی ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی دولت‌ها اشاره دارد؛ پیامدهایی که باید بر اساس قواعد اولیه و قواعد عرفی راجع به مسئولیت دولت تعیین شوند. قواعد و اصول حاکم بر آسیب‌های ناشی از اعمال منع‌نشده در حقوق بین‌الملل، در محدوده پرسش (ب) واقع نشده و به این ترتیب، توسط دیوان مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

۴۰۶. علاوه بر این، شایان ذکر است که در چارچوب این نظر مشورتی، تعیین مسئولیت فردی یک دولت یا گروهی از دولت‌ها در قبال خسارات وارده به سیستم اقلیمی بر عهده دیوان نیست؛^{۴۰۰}

397. See paragraphs 309-315 above.

398. See paragraphs 104-106.

399. See paragraph 104.

400. See paragraphs 107-110 above.

چنین مسئولیتی صرفاً به صورت موردی قابل تعیین است. به اعتقاد دیوان، در رابطه با پرسش (ب)، هدف این نظر مشورتی ارائه پاسخی است که چارچوب حقوقی کلی حاکم بر مسئولیت دولت‌ها را در خصوص عدم پایبندی به تعهداتشان «برای تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشارات گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت» تبیین کند. به بیان دیگر، وظیفه دیوان این است که به شکلی کلی، چارچوب حقوقی را مشخص کند که طبق آن بتوان اقدامات دولت‌ها را ارزیابی کرد تا مشخص شود که آیا یک دولت یا گروهی از دولت‌ها، مسئول نقض تعهدات خود در رابطه با حفاظت از سیستم اقلیمی هستند یا خیر؛ آیا یک دولت یا گروهی از دولت‌ها می‌توانند به مسئولیت یک دولت یا گروهی از دولت‌های دیگر که مرتکب نقض شده‌اند، استناد کنند یا خیر؛ و اینکه چه راه‌حل‌های جبرانی در صورت چنین نقض‌هایی در اختیار دولت یا دولت‌های زیان‌دیده قرار دارد.

الف. حقوق قابل اعمال

۴۰۷. دیوان معتقد است که تعهدات موضوع پرسش (ب)، همان تعهدات مقرر شده در معاهدات مختلف، به‌ویژه معاهدات تغییرات اقلیمی و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی هستند که در پرسش (الف) بررسی شدند. قواعد ناظر بر مسئولیت دولت‌ها در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی، برای تعیین پیامدهای حقوقی نقض تعهدات مزبور توسط دولت‌ها (اعم از اینکه با فعل باشد یا با ترک فعل) نیز قابل اعمال هستند. در این رابطه، دیوان یادآوری می‌کند که سابقاً نیز به مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها استناد کرده است که در بسیاری از جنبه‌ها، بازتاب‌دهنده قواعد عرفی حاکم بر مسئولیت دولت‌ها هستند.^{۴۰۱}

۴۰۸. در ارتباط با تعهدات اولیه در چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی، دیوان بیان می‌دارد که شماری از تعهدات حقوقی را طبق کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس در زمینه حفاظت از سیستم اقلیمی در برابر گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت احصاء و تعیین کرده است.^{۴۰۲} در صورت نبود قواعد خاص مغایر، نقض هر یک از تعهدات مندرج در پرسش (الف) می‌تواند مسئولیت یک دولت عضو را بر اساس قواعد راجع به مسئولیت دولت‌ها به همراه داشته باشد.

۴۰۹. در ارتباط با تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی، دیوان بیان می‌دارد که مهم‌ترین تعهد اولیه برای دولت‌ها در رابطه با تغییرات اقلیمی، تعهد به پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به

401. See e.g. Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), pp. 138-139, para. 177; Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 195, para. 140.

402. See paragraphs 268-270 above.

سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست است^{۴۰۳} که شامل تمام دولت‌ها می‌شود؛ از جمله آن‌هایی که عضو یک یا چند معاهده مربوط به تغییرات اقلیمی نیستند. بر اساس این تعهد و همچنین سایر تعهدات رفتاری که در پاسخ به پرسش (الف) مشخص شدند، یک دولت صرفاً به دلیل عدم حصول نتیجه مطلوب، مسئول شناخته نمی‌شود، بلکه در صورتی مسئولیت دارد که از اتخاذ کلیه اقداماتی که در حیطه اختیاراتش برای پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه بوده است، کوتاهی کرده باشد. در این ارتباط، مفهوم مراقبت مقتضی که مستلزم ارزیابی عینی و موردی است، معیاری مرتبط برای تعیین میزان پایبندی (به تعهدات) محسوب می‌شود.^{۴۰۴} بنابراین، هر دولتی که در اجرای تعهد اولیه خود برای پیشگیری از ایراد زیان قابل توجه به محیط‌زیست، از جمله سیستم اقلیمی، مراقبت مقتضی را به کار نگیرد، مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده و مسئولیت آن را در پی خواهد داشت.

۴۱۰. دیوان متذکر می‌شود که دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در فرآیند رسیدگی حاضر در این مورد متفاوت است که آیا قواعد عام حاکم بر مسئولیت دولت‌ها در زمینه تغییرات اقلیمی اعمال می‌شوند یا خیر؛ و اینکه آیا پیامدهای حقوقی ناشی از نقض تعهدات - تعهداتی که در پاسخ به پرسش (الف) مشخص شدند - توسط دولت‌ها، منحصراً یا عمدتاً تابع چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی هستند یا خیر. اختلاف نظر میان مشارکت‌کنندگان، به این مسئله مربوط می‌شود که آیا قواعد عرفی حاکم بر مسئولیت دولت‌ها، به موجب اعمال حقوق خاص مربوط به پیامدهای حقوقی نقض تعهدات راجع به حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست، کنار گذاشته می‌شوند یا خیر. این اختلاف نظر، متفاوت با مباحث مطرح شده از سوی مشارکت‌کنندگان در این خصوص است که آیا قواعد اولیه حقوق بین‌الملل مندرج در معاهدات تغییرات اقلیمی، نسبت به تعهدات ناشی از قواعد عرفی یا دیگر قواعد حقوق بین‌الملل، حقوق خاص محسوب می‌شوند یا خیر.^{۴۰۵} این نتیجه‌گیری دیوان که تعهدات اولیه ناشی از معاهدات تغییرات اقلیمی، در مقایسه با تعهدات دولت‌ها وفق دیگر قواعد حقوق بین‌الملل، حقوق خاص محسوب نمی‌شوند، مسئله فوق را حل نمی‌کند.^{۴۰۶}

۴۱۱. در این خصوص، دیوان با یادآوری نتیجه‌گیری خود در پاسخ به پرسش (الف)، اشاره می‌کند که کاربست قاعده حقوق خاص منجر به این نمی‌شود که معاهدات تغییرات اقلیمی مانع از اجرای کامل سایر قواعد اولیه حقوق بین‌الملل شوند.^{۴۰۷} در مورد مسئله قابلیت اعمال قواعد حاکم بر مسئولیت دولت‌ها که در پرسش (ب) مطرح شده است، دیوان خاطرنشان می‌کند که این قواعد

403. See paragraphs 132-139 above.

404. See paragraph 137 above.

405. See paragraph 163 above.

406. See paragraphs 164-171 above.

407. See paragraph 171 above.

«بدون وجود حقوق خاص صریح، متناسب با ماهیت عمل متخلفانه مورد نظر تغییر نمی‌یابند».^{۴۰۸} در نتیجه، قواعد حاکم بر مسئولیت دولتها در چارچوب حقوق بین‌الملل عام، در مواردی و به میزانی که شرایط وقوع عمل متخلفانه بین‌المللی یا محتوا یا اجرای مسئولیت بین‌المللی یک دولت تابع قواعد خاص حقوق بین‌الملل باشد، اعمال نمی‌شوند. برای قابل اعمال بودن قاعده حقوق خاص، باید «برخی تعارضات واقعی بین مقررات [...] یا یک قصد آشکار دائر بر اینکه یک مقرر می‌بایست دیگری را مستثنا کند» وجود داشته باشد.^{۴۰۹} اینکه آیا دولتها با توافق بر سر قواعد خاص، از قواعد عام حاکم بر مسئولیت دولتها عدول کرده‌اند یا خیر، مسئله تفسیری است که باید در مورد هر نظام ظاهراً خاصی جداگانه بررسی شود.

۴۱۲. بنابراین، دیوان معتقد است که وجود قصد آشکار برای ایجاد حقوق خاصی که اعمال قواعد عام حاکم بر مسئولیت دولتها را تغییر داده یا مستثنا کند، باید در خود چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی یافت شود.^{۴۱۰} چنین تفسیری باید موضوع و هدف سند مربوطه را مطمح نظر قرار دهد. افزون بر این، نه تنها وجود این قواعد خاص و نحوه اجرای آنها باید از طریق تفسیر سند مربوطه مشخص شود، بلکه حدود و ثغور استثناسدگی نیز باید توسط همین قواعد خاص تعیین شود.

۴۱۳. مشارکت‌کنندگان برای اثبات این ادعا که چارچوب معاهداتی تغییرات اقلیمی به عنوان حقوق خاص در حوزه مسئولیت دولتها محسوب می‌شود، دو استدلال عمده ارائه کردند. استدلال اول مربوط به سازکارهای رویه‌ای مندرج در مواد ۸ و ۱۵ موافقت‌نامه پاریس است که به ترتیب به ضرر و زیان و رعایت تعهدات^{۴۱۱} می‌پردازند. استدلال دوم مربوط به ماده ۱۴ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی است که یک سازوکار حل و فصل اختلاف طبق این معاهده ایجاد می‌کند و در هر دو پروتکل کیوتو (ماده ۱۹) و موافقت‌نامه پاریس (ماده ۲۴) نیز گنجانده شده است. دیوان هر یک از این سازکارها را به منظور تعیین اینکه آیا حقوق خاص محسوب می‌شوند یا خیر، بررسی خواهد کرد.

۴۱۴. دیوان یادآوری می‌کند که ماده ۸ موافقت‌نامه پاریس که سازکار ضرر و زیان را ایجاد می‌کند، در بخش مرتبط چنین مقرر می‌دارد:

«۲. سازکار بین‌المللی ورشو برای ضرر و زیان ناشی از آثار تغییرات اقلیمی، تابع اختیار و هدایت کنفرانس اعضا که به عنوان نشست اعضای موافقت‌نامه پاریس عمل می‌کند خواهد بود و می‌تواند

408. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, I.C.J. Reports 2007 (I), p. 209, para. 401.

409. See Article 55, paragraph 4 of the commentary, ILC Articles on State Responsibility, p. 140; see also paragraph 167 above.

410. See paragraphs 162-171 above.

411. Compliance

توسط این کنفرانس گسترش یافته و تقویت شود.

۳. دولت‌های عضو، در صورت لزوم، باید بر اساس رویکردی تعاملی و تسهیل‌گرانه، درک، اقدام و حمایت خود در مورد ضرر و زیان ناشی از اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی را از جمله از طریق سازوکار بین‌المللی ورشو ارتقاء دهند».

دیوان خاطرنشان می‌کند که ماده ۸ دولت‌های عضو موافقت‌نامه را به اتخاذ رویکردی تعاملی و تسهیل‌گرانه در مورد ضرر و زیان ناشی از اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی از جمله با بهره‌گیری از سازوکار ایجادشده طبق این ماده ترغیب می‌کند. با این حال، این مقرر به مسائل مربوط به مسئولیت یا پرداخت غرامت از سوی دولت‌های عضو در قبال چنین ضرر و زیانی نمی‌پردازد، چرا که عبارت «در صورت لزوم، بر اساس رویکردی تعاملی و تسهیل‌گرانه» بر تعامل و همکاری و نه پرداخت غرامت یا مسئولیت تأکید دارد.

۴۱۵. این تفسیر در بند ۵۱ مصوبه‌ای که کنفرانس اعضا برای تصویب موافقت‌نامه پاریس صادر کرد، تأیید شده است. این بند بیان می‌دارد که «ماده ۸ موافقت‌نامه، دربردارنده هیچ مبنایی برای طرح هر گونه ادعای مسئولیت یا پرداخت غرامت نبوده و چنین مبنایی را نیز ایجاد نمی‌کند».^{۴۱۲} به علاوه، محدودبودن وظیفه صندوق ضرر و زیان به ارائه حمایت‌های تکمیلی و اضافی، مؤید این امر است که دولت‌های عضو نمی‌خواهند مبنای کمک‌های مالی را مسئولیت دولت‌ها قرار دهند.^{۴۱۳} بر این اساس، دیوان هیچ حقوق خاص صریحی را در ماده ۸ موافقت‌نامه پاریس نمی‌یابد که بتواند مانع اعمال قواعد عام حاکم بر مسئولیت دولت‌ها شود (آن‌ها را مستثنا سازد).

۴۱۶. در ادامه و با مراجعه به ماده ۱۵ موافقت‌نامه پاریس، دیوان متذکر می‌شود که بند ۱ این ماده، کمیته اجرا و رعایت موافقت‌نامه پاریس^{۴۱۴} را ایجاد می‌کند که دارای اختیاراتی برای تسهیل اجرا و ارتقاء رعایت مفاد این موافقت‌نامه است. با این حال، دیوان خاطرنشان می‌کند که این سازوکار نظارتی، اختیار حل و فصل اختلافات یا پیش‌بینی راهکارهای جبرانی را ندارد. به اعتقاد دیوان، این سازوکار، صلاحیتی برای تعیین مسئولیت دولت‌ها ندارد. این تفسیر توسط بند ۲ ماده ۱۵ تأیید می‌شود که مقرر می‌دارد کمیته اجرا و رعایت موافقت‌نامه پاریس، سازوکاری شفاف، غیرخصمانه و غیرتنبیهی^{۴۱۵} است. بر این اساس، دیوان هیچ حقوق خاص صریحی را در ماده ۱۵ موافقت‌نامه پاریس نمی‌یابد که بتواند مانع اعمال قواعد عام حاکم بر مسئولیت دولت‌ها شود (آن‌ها را مستثنا کند).

412. Decision 1/CP.21, 12 December 2015, UN doc. FCCC/CP/2015/10/Add.1, p. 8, para. 51.

413. See decision 5/CMA.5, Operationalization of the new funding arrangements, including a fund, for responding to loss and damage referred to in paragraphs 2-3 of decisions 2/CP.27 and 2/CMA.4, 6 December 2023, UN doc. FCCC/PA/CMA/2023/16/Add.1, Annex I, Governing Instrument of the Fund, p. 39, para. 7.

414. Paris Agreement Implementation and Compliance Committee (PAICC)

415. Transparent, Non-Adversarial and Non-Punitive

۴۱۷. نظام حل و فصل اختلافات مندرج در ماده ۲۴ موافقت‌نامه پاریس نیز خود گواه دیگری بر صحت این استنباط است که سازوکار ضرر و زیان و کمیته اجرا و رعایت موافقت‌نامه، به‌عنوان نظام خاص برای رسیدگی به اختلافات ناشی از نقض مقررات موافقت‌نامه پاریس طراحی نشده‌اند. ماده ۲۴ موافقت‌نامه پاریس بیان می‌دارد که «مقررات ماده ۱۴ کنوانسیون [چارچوب] راجع به حل و فصل اختلافات، با اعمال تغییرات لازم در مورد این موافقت‌نامه اعمال خواهد شد». لازم به یادآوری است که ماده ۱۴ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، یک بند ارجاع اختلاف است که [علاوه بر سایر موارد] حل و فصل اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای کنوانسیون مزبور را تحت صلاحیت این دیوان یا داوری قرار می‌دهد. با توجه به اینکه ماده ۱۴ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و ماده ۲۴ موافقت‌نامه پاریس، هیچ قاعده خاصی را برای اعمال توسط ارکان صالح وفق این بند ارجاع اختلاف پیش‌بینی نکرده‌اند، دیوان معتقد است قواعدی که باید توسط این دیوان یا هر دیوان داوری احتمالی در صورت نقض مقررات معاهدات تغییرات اقلیمی اعمال شود، همان قواعد عام حاکم بر مسئولیت دولت‌ها طبق حقوق بین‌الملل عرفی است.

۴۱۸. بنابراین، دیوان با بررسی متن، موضوع، هدف و سیاق معاهدات تغییرات اقلیمی به این نتیجه می‌رسد که هیچ نشانه‌ای مبنی بر قصد طرفین برای مستثنا کردن اعمال قواعد عام حاکم بر مسئولیت دولت‌ها وجود ندارد. به‌ویژه، دیوان در مواد ۸ و ۱۵ یا سازکارهای رویه‌ای مندرج در آن‌ها، هیچ شواهدی از قصد آشکار طرفین موافقت‌نامه پاریس برای عدول از قواعد عرفی بین‌المللی مسئولیت دولت‌ها در موارد نقض تعهدات معاهده‌ای نمی‌یابد.

۴۱۹. دیوان همچنین خاطرنشان می‌کند که شماری از دولت‌ها هنگام پیوستن به معاهدات تغییرات اقلیمی، با صدور اعلامیه‌ای، بر تداوم اعمال قواعد عرفی بین‌المللی مربوط به مسئولیت دولت‌ها تأکید کرده‌اند. به اعتقاد دیوان، این اعلامیه‌ها مؤید آن هستند که معاهدات تغییرات اقلیمی نه از قواعد حقوق بین‌الملل عام در زمینه مسئولیت دولت‌ها عدول می‌کنند و نه جایگزین آن‌ها می‌شوند. این تفسیر در اکثر پاسخ‌های داده‌شده به پرسش یکی از اعضای دیوان نیز مورد حمایت قرار گرفته است.

۴۲۰. بنابراین، دیوان چنین نتیجه می‌گیرد که مسئولیت در قبال نقض تعهدات مندرج در معاهدات تغییرات اقلیمی و ضرر و زیان ناشی از اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی باید بر اساس قواعد تثبیت‌شده مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل عرفی تعیین شود.

ب. تعیین مسئولیت دولت در زمینه تغییرات اقلیمی

۴۲۱. دیوان خاطرنشان می‌کند که تغییرات اقلیمی، پدیده‌ای بسیار پیچیده و چندوجهی است

که می‌تواند مسئولیت‌های احتمالی را برای چندین دولت در بلندمدت به همراه داشته باشد. ماهیت بی‌سابقه و ابعاد گسترده زیان‌های ناشی از تغییرات اقلیمی، مسائل خاصی را در رابطه با اعمال قواعد عرفی مسئولیت دولت‌ها مطرح می‌کند. دلیل این امر آن است که انباشت گازهای گلخانه‌ای، حاصل یک فعالیت واحد یا مجموعه‌ای از فعالیت‌های مشخص یا مرتبط با یک یا چند دولت معین نیست. به علاوه، این آثار تجمیعی و انباشتی گازهای گلخانه‌ای نشأت گرفته از فعالیت‌های انسانی و همچنین منابع طبیعی است که به سیستم اقلیمی آسیب وارد می‌کند. اگرچه به طور کلی تمام دولت‌ها هم در انتشار این گازها نقش دارند و هم تحت تأثیر تبعات تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرند، باید خاطر نشان کرد که سهم دولت‌ها در انباشت گازهای گلخانه‌ای در جو به میزان قابل توجهی متفاوت بوده و میزان تأثیرپذیری آن‌ها از پیامدهای تغییرات اقلیمی نیز یکسان نیست. دیوان در چارچوب پاسخ خود به مجمع عمومی، بررسی برخی مسائل ناشی از این ویژگی‌های خاص تغییرات اقلیمی در زمینه اعمال قواعد عرفی مسئولیت دولت‌ها را ضروری می‌داند.

۴۲۲. مهم‌ترین این مسائل، موضوعات مربوط به بحث انتساب و رابطه سببیت است که با توجه به ویژگی‌های خاص تغییرات اقلیمی، نیاز به شفاف‌سازی دارند. در واقع، با توجه به اینکه طبق قواعد حاکم بر مسئولیت دولت‌ها، تنها یک فعل یا ترک فعل قابل انتساب به یک دولت می‌تواند موجب مسئولیت بین‌المللی شود، نیاز به چنین شفاف‌سازی‌هایی بدیهی است. علاوه بر این، در مواردی که مطالبه جبران خسارت می‌شود، باید احراز شود که خسارت مورد ادعا، هم در عالم واقع و هم از لحاظ حقوقی توسط یک دولت ایجاد شده است.

۴۲۳. مسئله زمانمندی، مسئله مرتبط دیگری است که در زمینه تغییرات اقلیمی مطرح می‌شود زیرا نقض تعهدی که در پرسش (الف) مشخص شده است، لزوماً ناشی از یک فعل یا ترک فعل رخ داده در بازه زمانی مشخص نیست. مشارکت‌کنندگان در مورد مسئله زمانمندی، دیدگاه‌های متفاوتی بیان کردند. دیوان بیان می‌دارد که این مسئله دارای دو جنبه متمایز، هرچند مرتبط است: نخست، گستره زمانی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حفاظت از سیستم اقلیمی در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت؛ دوم، گستره زمانی نقض این تعهدات بین‌المللی توسط دولت‌ها. در ارتباط با مورد دوم، برخی از مشارکت‌کنندگان تلاش کردند تا با استناد به قواعد راجع به مسئولیت دولت‌ها در مورد افعال دارای ویژگی مستمر^{۴۱۶} و افعال مرکب،^{۴۱۷} بر چالش‌های مربوط به تعیین زمان دقیق وقوع نقض تعهدات دولت‌ها در قبال حفاظت از سیستم اقلیمی غلبه کنند. همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، مسئله گستره زمانی تعهدات و همچنین مسئله نقض تعهدات مزبور، ازجمله عناصر و

416. ILC Articles on State Responsibility, Article 14.

417. Ibid., Article 15.

مؤلفه‌های ارزیابی موردی و عینی برای تعیین مسئولیت دولت‌ها به شمار می‌روند^{۴۱۸} که پرداختن به آن‌ها خارج از چارچوب این نظر مشورتی است.

۴۲۴. در مقابل، دیوان معتقد است که مسائل کلی راجع به بحث انتساب و رابطه سببیت که به دلیل دیدگاه‌های متفاوت مشارکت‌کنندگان نیاز به شفاف‌سازی دارند، مستلزم ارزیابی اختصاصی و موردی از رفتار دولت نیستند. از این رو دیوان در ادامه به برخی مسائل مطرح‌شده [در این فرآیند رسیدگی] درباره قابلیت اعمال و اجرای قواعد مربوطه خواهد پرداخت.

۱. مسائل مربوط به انتساب

۴۲۵. در ابتدا دیوان تأکید می‌کند که در این فرآیند رسیدگی، اصطلاح/انتساب در معانی مختلفی به کار رفته است. اگرچه انتساب در علوم مرتبط با حوزه اقلیم به «فرآیند ارزیابی سهم نسبی عوامل مختلف در ایجاد تغییر یا رویداد، همراه با سنجش میزان قطعیت آن»^{۴۱۹} اشاره دارد، در چارچوب تعیین مسئولیت دولت‌ها به معنای «فرآیند نسبت‌دادن یک فعل یا ترک فعل مشخص به یک دولت» طبق حقوق بین‌الملل است.^{۴۲۰} انتساب به این مفهوم اخیر، یکی از ارکان ضروری برای احراز وقوع عمل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شود و می‌توان گفت که در تمامی دعاوی بین‌المللی، بدون انتساب، نمی‌توان مسئولیت دولت مربوطه را بر مبنای حقوق بین‌الملل ثابت کرد.

۴۲۶. برخی از مشارکت‌کنندگان ابراز داشتند که اعمال قواعد حاکم بر مسئولیت دولت‌ها در حوزه تغییرات اقلیمی دشوار است زیرا انتشار گازهای گلخانه‌ای به خودی خود، عمل متخلفانه بین‌المللی محسوب نمی‌شود و انتساب آن با چالش‌هایی روبه‌رو است. آن‌ها همچنین اظهار نمودند که تعدد دولت‌های مسئول و زیان‌دیده، مسئله انتساب را اگر نه غیرممکن، ولی دشوار می‌کند. سایر مشارکت‌کنندگان عنوان کردند که در اعمال چارچوب حقوقی عام راجع به انتساب که در مواد ۴ تا ۱۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها منعکس شده است، هیچ مشکلی وجود ندارد و اینکه رفتار قابل انتساب به دولت‌ها، مواردی از قبیل تصویب قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌ها از جمله تصمیماتی که تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی را ترویج می‌کنند و همچنین کوتاهی در تنظیم‌گری مناسب انتشار گازهای گلخانه‌ای تحت صلاحیت یا کنترل دولت را در بر می‌گیرد.

۴۲۷. دیوان در بررسی دشواری‌های ادعایی راجع به انتساب فعل‌ها یا ترک فعل‌ها به یک دولت، ابتدا به این نکته تأکید می‌کند که انتساب باید بر مبنای معیارهای تعیین‌شده در حقوق

418. See paragraph 97 above.

419. IPCC, 2021, Climate Change 2021: The Physical Science Basis, Contribution of Working Group I to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change, Annex VII, Glossary, p. 2219.

420. See Article 2, paragraph 12 of the commentary, ILC Articles on State Responsibility, p. 36.

بین‌الملل صورت پذیرد. به اعتقاد دیوان، قاعده تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل دائر بر اینکه رفتار هر ارگان دولتی باید به مثابه فعل آن دولت تلقی شود^{۴۲۱} در حوزه تغییرات اقلیمی نیز قابل اعمال است. کوتاهی یک دولت در اتخاذ اقدامات مناسب برای حفاظت از سیستم اقلیمی در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای از جمله از طریق تولید سوخت فسیلی، مصرف سوخت فسیلی، اعطای مجوزهای اکتشاف سوخت فسیلی یا ارائه یارانه‌های سوخت فسیلی می‌تواند به مثابه عمل متخلفانه بین‌المللی تلقی شود که قابل انتساب به آن دولت است. دیوان همچنین تأکید می‌کند که عمل متخلفانه بین‌المللی مورد بحث، خود انتشار گازهای گلخانه‌ای نیست، بلکه نقض تعهدات معاهداتی و عرفی تعیین‌شده در پرسش (الف) است که ناظر بر حفاظت از سیستم اقلیمی در برابر زیان‌های قابل توجه ناشی از انتشار چنین گازهای انسان‌ساختی است.

۴۲۸. برخی از مشارکت‌کنندگان همچنین استدلال کردند که رفتار کنشگران خصوصی که منجر به انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود، قابل انتساب به دولت‌ها نیست. در رابطه با کنشگران خصوصی، دیوان اظهار می‌دارد که تعهداتی که ذیل پرسش (الف) تعیین و مشخص کرده است، شامل تعهد دولت‌ها [از حیث انجام مراقبت مقتضی] به تنظیم‌گری و نظارت بر فعالیت‌های کنشگران خصوصی نیز می‌شود. از این رو انتساب در این زمینه به این معنا است که فعل‌ها یا ترک فعل‌های یک دولت که به منزله کوتاهی در انجام مراقبت مقتضی نظارتی است، به خود آن دولت نسبت داده شود. در چنین شرایطی، دیگر مسئله انتساب رفتار کنشگران خصوصی به یک دولت مطرح نمی‌شود. معیار حقوقی ارزیابی رعایت تعهد به تنظیم‌گیری و نظارت و همچنین ماهیت فعل‌ها یا ترک فعل‌هایی که منجر به انتساب می‌شوند، در چندین قضیه توسط دیوان مشخص شده است.^{۴۲۲} بنابراین، در مواردی که یک دولت، برای مثال، با عدم اتخاذ اقدامات نظارتی و تقنینی لازم برای محدودکردن میزان آلاینده‌های ناشی از فعالیت کنشگران خصوصی تحت صلاحیت‌اش، از انجام مراقبت مقتضی کوتاهی کرده باشد، ممکن است مسئول شناخته شود.

۴۲۹. دیوان همچنین خاطرنشان می‌کند که از نظر برخی از مشارکت‌کنندگان، استناد به مسئولیت در حوزه تغییرات اقلیمی دشوار است و دلیل این امر آن است که رفتار متخلفانه در این زمینه ماهیتی تجمعی دارد، به این معنا که همزمان چندین دولت را در بازه زمانی دربرگرفته و شامل تعدادی از دولت‌ها می‌شود که به شمار زیادی از دولت‌های زیان‌دیده آسیب می‌رسانند. در این رابطه،

421. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment, I.C.J. Reports 2005, p. 242, para. 213, citing Difference Relating to Immunity from Legal Process of a Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1999 (I), p. 87, para. 62.

422. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), pp. 79-80, para. 197; United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran), Judgment, I.C.J. Reports 1980, p. 31, para. 63.

دیوان اظهار می‌دارد که اگرچه تغییرات اقلیمی در اثر انتشار تجمعی گازهای گلخانه‌ای پدید می‌آید، از لحاظ علمی این امکان وجود دارد که سهم کلی هر دولت در انتشار جهانی این گازها را با در نظر گرفتن میزان آلاینده‌های گذشته و کنونی آن، محاسبه کرد. برای مثال، از زمان تصویب کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، دولت‌ها ملزم به ارائه اطلاعات مربوط به آلاینده‌های خود هستند. گزارش ۲۰۲۳ هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی حاوی داده‌هایی درباره آلاینده‌های خالص انباشتی بر اساس مناطق مختلف است و سایر مطالعات نیز داده‌هایی را درباره میزان آلاینده‌ها در گذشته و حال ارائه می‌دهند که می‌توان آن‌ها را به دولت‌های مجزا [و مشخص] منتسب کرد.^{۴۳۳} شایان ذکر است که سایر محاکم و دیوان‌ها پیوند میان انتشار گازهای گلخانه‌ای و تغییرات اقلیمی، پیوند میان تغییرات اقلیمی و آثار نامطلوب متوجه خواهان‌های دعوا، پیوند میان چنین زیان‌هایی و فعل‌ها یا ترک فعل‌های دولت خاص، و همچنین انتساب‌پذیری مسئولیت در قبال چنین آثار نامطلوبی را بررسی کرده‌اند. در این مرحله، یادآوری این نکته حائز اهمیت است که آنچه عمل متخلفانه محسوب می‌شود، نه خود آلاینده‌ها، بلکه فعل‌ها یا ترک فعل‌هایی هستند که با نقض تعهدات بین‌المللی یک دولت، موجب ایراد زیان قابل توجه به سیستم اقلیمی می‌شوند.

۴۳۰. دیوان اذعان می‌دارد که تعدد دولت‌های دخیل در پدیده تغییرات اقلیمی، بدون تردید، می‌تواند تعیین این را که آیا نقض تعهد مشخص شده در پرسش (الف) توسط یک دولت خاص، زیان قابل توجهی به سیستم اقلیمی وارد کرده است یا خیر و این را که نقض تعهد مزبور تا چه حد موجب ورود چنین زیانی شده است دشوارتر کند. با این حال، دیوان معتقد است که اصولاً قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در مورد مسئولیت دولت‌ها، قابلیت پرداختن به وضعیتی را دارند که در آن تعدد دولت‌های مسئول یا زیان دیده وجود دارد. دیوان در رأی خود درباره فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو (جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا) چنین وضعیتی را به رسمیت شناخت. در این رأی، دیوان اذعان کرد که: «در وضعیت‌های خاصی که در آن‌ها آسیب واردآمده ناشی از علل متعددی باشد که قابل انتساب به دو یا چند کنشگر هستند [...] مسئولیت بخشی از چنین آسیبی باید میان [آن] کنشگران تقسیم شود».^{۴۳۴} اگرچه این اظهارات دیوان در بستر تغییرات اقلیمی مطرح نشدند، دارای اهمیت و پیامدهای کلی بوده و نشانگر این هستند که قواعد مربوط به مسئولیت دولت‌ها قابلیت پرداختن به وضعیتی‌هایی را دارند که در آن‌ها خسارت واردآمده ناشی از رفتار متخلفانه چندین دولت باشد، و همچنین اینکه می‌توان تنها یک دولت را در قبال خسارت واردآمده مسئول شناخت؛ بدون آنکه لازم باشد به مسئولیت احتمالی سایر دولت‌های مربوط نیز استناد کرد.

423. IPCC, Climate Change 2023: Synthesis Report, p. 45; European Commission, Joint Research Centre Science for Policy Report, CO2 Emissions of all World Countries, 2022, p. 5.

424. I.C.J. Reports 2022 (I), pp. 49-50, para. 98.

۴۳۱. بنابراین در بستر تغییرات اقلیمی، دیوان بر این نظر است که هر دولت زیان‌دیده می‌تواند جداگانه، مسئولیت هر دولتی را که مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده و منجر به خسارت به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست شده است، مورد استناد قرار دهد. و در مواردی که چندین دولت مسئول عمل متخلفانه بین‌المللی واحد باشند، می‌توان به مسئولیت هر یک از آن‌ها در رابطه با عمل مزبور استناد کرد.

۴۳۲. از این رو دیوان معتقد است که قواعد مربوط به مسئولیت دولت‌ها، امکان تعیین مسئولیت دولت‌ها در بستر تغییرات اقلیمی را میسر می‌کنند. موضوعات و مسائل مبتنی بر واقعیت که در زمینه انتساب و تخصیص مسئولیت مطرح می‌شوند، باید به‌صورت موردی (و بر اساس اوضاع و احوال هر پرونده) بررسی و حل شوند.

۲. مسائل مربوط به رابطه سببیت

۴۳۳. دیوان ابتدا با ذکر این نکته آغاز می‌کند که ایجاد خسارت، به خودی خود شرط لازم برای تعیین مسئولیت نیست. برای احراز مسئولیت دولت، آنچه لازم است وجود عمل متخلفانه بین‌المللی و انتساب آن به یک دولت است، خواه این عمل باعث ایجاد زیان شود یا نشود. رابطه سببیت یا علیت، مفهوم حقوقی است که در تعیین جبران خسارت نقش دارد. نظر به اینکه جبران خسارت متضمن وجود خسارت است، باید رابطه سببیت بین عمل متخلفانه یک دولت یا گروهی از دولت‌ها و خسارت خاص وارده بر دولت زیان‌دیده یا افراد زیان‌دیده (در موارد نقض تعهدات حقوق بشری) احراز شود.

۴۳۴. بسیاری از مشارکت‌کنندگان، مسئله رابطه سببیت در ایجاد زیان را مطرح کردند. در این خصوص، برخی از آن‌ها استدلال کردند که به دلیل ماهیت غیرمتمرکز تغییرات اقلیمی، اثبات رابطه سببیت در این زمینه غیرممکن است. سایر مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که در زمینه تغییرات اقلیمی، باید وجود رابطه سببیت بین عمل متخلفانه و خسارت وارده، مفروض قلمداد شود.

۴۳۵. دیوان هیچ‌یک از این مواضع را قانع‌کننده نمی‌داند. همان‌طور که دیوان سابقاً نیز اشاره کرده است، «این واقعیت که خسارت در نتیجه اسباب همزمان [متعددی] به وجود آمده، برای معاف کردن [یک دولت] از تعهد به جبران خسارت کافی نیست».^{۴۳۵} در عین حال، نمی‌توان وجود رابطه سببیت را مفروض قلمداد کرد زیرا این رابطه، یکی از ارکان ضروری برای تعلق جبران خسارت به شمار می‌رود.^{۴۳۶}

425. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Reparations, Judgment, I.C.J. Reports 2022 (I), p. 49, para. 97.

426. Ibid., p. 48, para. 93.

۴۳۶. استاندارد حقوقی موجود برای احراز رابطه سببیت که در رویه قضایی دیوان توسعه یافته است، قابلیت اعمال بر احراز رابطه سببیت میان (۱) عمل متخلفانه بین‌المللی ناشی از عدم پایبندی دولتها به تعهدات خود مبنی بر حفاظت از سیستم اقلیمی در برابر زیان‌های ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت و (۲) خسارات وارده به سایر دولتها در نتیجه چنین عمل متخلفانه‌ای را دارد. این استاندارد، مستلزم وجود «ارتباط سببی به اندازه کافی مستقیم و قطعی میان عمل متخلفانه [...] و آسیب وارده به خواهان» است.^{۴۲۷} علاوه بر این، همان گونه که دیوان اذعان نموده است، «ارتباط سببی میان عمل متخلفانه و خسارت مورد بحث، ماهیتی ثابت و ایستا ندارد و «بسته به قاعده اولیه نقض شده و ماهیت و میزان آسیب، می‌تواند متفاوت باشد».^{۴۲۸} بر این اساس، دیوان اعتقاد دارد که استاندارد «ارتباط سببی به اندازه کافی مستقیم و قطعی» میان یک فعل یا ترک فعل متخلفانه ادعایی و خسارت ادعایی، به حد کافی انعطاف‌پذیر است که بتواند پاسخگوی چالش‌های ناشی از پدیده تغییرات اقلیمی باشد.

۴۳۷. در خصوص [چگونگی] کاربست این استاندارد حقوقی در حوزه تغییرات اقلیمی، دیوان خاطرنشان می‌کند که رابطه سببیت شامل دو مؤلفه متمایز است. نخست اینکه آیا می‌توان یک رویداد یا روند اقلیمی مشخص را به تغییرات اقلیمی انسان‌زاد نسبت داد؛ و دوم اینکه تا چه میزان می‌توان خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی را به دولت خاص یا گروهی از دولتها نسبت داد. اگرچه مؤلفه دوم مستلزم بررسی عینی و موردی ادعاهای خاص دولتها درباره خسارت است، در بسیاری از موارد، مراجعه به یافته‌های علمی می‌تواند پاسخگوی مؤلفه نخست باشد. شواهد علمی ارائه شده در این فرآیند رسیدگی نشان می‌دهد که در نتیجه انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، زیان قابل توجهی به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست وارد شده است.^{۴۲۹} به عنوان مثال، گزارش تلفیقی سال ۲۰۲۳ هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، حاوی اطلاعات و داده‌هایی است که سهم بشر در تغییرات اقلیم را به طور واضحی به افزایش مشهود امواج گرما، سیل و خشکسالی پیوند می‌دهد.^{۴۳۰} در مورد احراز رابطه علیت میان خسارت وارده و عمل متخلفانه بین‌المللی، دیوان در گذشته چنین اظهار داشت که:

«در موارد ادعای خسارت محیط‌زیستی، ممکن است مسائل خاصی در رابطه با وجود خسارت و رابطه سببیت مطرح شود. ممکن است خسارت ناشی از چندین سبب همزمان باشد، یا وضعیت

427. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua), Compensation, Judgment, I.C.J. Reports 2018 (I), p. 26, para. 32; Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Reparations, Judgment, I.C.J. Reports 2022 (I), p. 48, para. 93.

428. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Reparations, Judgment, I.C.J. Reports 2022 (I), p. 48, para. 93.

429. See paragraph 277 above.

430. p. 48, figure 2.3.

یافته‌های علمی درباره رابطه سببی میان عمل متخلفانه و خسارت، غیرقطعی و مبهم باشد. این‌ها مشکلاتی هستند که باید به محض بروز، در پرتو واقعیت‌های پرونده مورد نظر و شواهد ارائه شده به دیوان، رسیدگی شوند. در نهایت، این بر عهده دیوان است که تصمیم بگیرد آیا ارتباط سببی کافی میان عمل متخلفانه و آسیب وارد آمده وجود دارد یا خیر.^{۴۳۱}

۴۳۸. با توجه به موارد فوق، دیوان چنین نتیجه می‌گیرد که هرچند رابطه سببی میان فعل‌ها یا ترک فعل‌های متخلفانه یک دولت و زیان ناشی از تغییرات اقلیمی، نسبت به موارد مربوط به آلودگی‌های محلی، ضعیف‌تر (یا شکننده‌تر) است، این بدان معنا نیست که تعیین رابطه سببی در حوزه تغییرات اقلیمی غیرممکن است، بلکه صرفاً به این معناست که رابطه سببی باید در هر مورد از طریق ارزیابی عینی و موردی و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های پیش‌گفته توسط دیوان، احراز شود.

۳. ویژگی عام‌الشمول تعهدات بنیادین

۴۳۹. دیوان اکنون به این مسئله می‌پردازد که آیا ویژگی برخی تعهدات مشخص شده در چارچوب پرسش (الف)، منجر به ایجاد پیامدهای حقوقی خاصی برای دولت‌ها می‌شود یا خیر. تعدادی از مشارکت‌کنندگان در این فرآیند رسیدگی اظهار داشتند که دیوان پیش از این احراز نموده است که شماری از تعهدات مرتبط با تغییرات اقلیمی، عام‌الشمول هستند که از جمله بارزترین آن‌ها می‌توان به برخی تعهدات بین‌المللی در حوزه حقوق بشر اشاره کرد.

۴۴۰. دیوان اذعان می‌دارد که برخی از قواعد بین‌المللی ناظر بر مشترکات جهانی، نظیر سیستم اقلیمی، می‌توانند موجد تعهدات عام‌الشمول باشند.^{۴۳۲} در بستر کنونی، دیوان معتقد است که تمامی دولت‌ها در حفاظت از مشترکات زیست‌محیطی جهانی، از قبیل جو و دریاهای آزاد، دارای منافع مشترک هستند. در نتیجه، تعهدات دولت‌ها در خصوص حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، به‌ویژه تعهد به پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه فرامرزی ذیل حقوق بین‌الملل عرفی، عام‌الشمول هستند. در بستر معاهداتی، دیوان خاطرنشان می‌کند که کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی و موافقت‌نامه پاریس اذعان می‌دارند که تغییرات اقلیمی دغدغه مشترک بشریت بوده^{۴۳۳} و مستلزم پاسخی جهانی است.^{۴۳۴} هدف این معاهدات، حمایت از منافع اساسی تمامی دولت‌ها در حفاظت از سیستم اقلیمی

431. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua), Compensation, Judgment, I.C.J. Reports 2018 (I), p. 26, para. 34.

432. See Conclusion 17, paragraph 3 of the commentary, ILC Conclusions on identification and legal consequences of peremptory norms of general international law (jus cogens), Yearbook of the International Law Commission, 2022, Vol. II, Part Two, p. 66.

433. UNFCCC, first preambular paragraph; Paris Agreement, eleventh preambular paragraph.

434. Paris Agreement, Article 2.

است که بقای آن به نفع جامعه بین‌المللی در کل است. به همین دلیل، دیوان معتقد است که تعهدات دولت‌ها ذیل این معاهدات، در زمره تعهدات عام‌الشمول معاهداتی^{۴۳۵} قرار می‌گیرند.

۴۴۱. همان طور که دیوان در گذشته اشاره کرد، تعهدات عام‌الشمول «به دلیل ماهیت ذاتی خود [...] مورد توجه همه دولت‌ها» هستند.^{۴۳۶} دیوان پیش از این نیز احراز کرده بود که معاهدات ناظر بر حمایت از منافع مشترک، در مورد برخی از مقررات خود، دلالت بر وجود تعهداتی با ویژگی عام‌الشمول معاهداتی دارند.^{۴۳۷} در نتیجه، تمامی دولت‌های طرف معاهده دارای منفعت حقوقی در حمایت از تعهدات اصلی تعدیلی مندرج در معاهدات تغییرات اقلیمی هستند و می‌توانند به مسئولیت دولت‌های دیگر به دلیل عدم ایفای آن‌ها استناد کنند.

۴۴۲. دیوان خاطرنشان می‌کند که طبق قواعد حاکم بر مسئولیت دولت‌ها، «اگر [...] تعهد نقض شده در قبال جامعه بین‌المللی در کل باشد [...] هر دولتی غیر از دولت زیان‌دیده حق دارد به مسئولیت دولت دیگر استناد کند».^{۴۳۸} از این امر چنین برمی‌آید که ممکن است مسئولیت ناشی از نقض چنین تعهداتی مانند تعهدات تعدیلی در زمینه تغییرات اقلیمی، توسط هر دولتی مورد استناد قرار گیرد، مشروط بر اینکه تعهدات مزبور بر مبنای حقوق بین‌الملل عرفی شکل گرفته باشند. هرگاه این تعهدات بر مبنای معاهدات تغییرات اقلیمی ایجاد شده باشند، تمامی طرف‌های معاهده می‌توانند به مسئولیت ناشی از نقض آن‌ها استناد کنند زیرا چنین تلقی می‌شود که هر طرف معاهده دارای منفعت حقوقی در حمایت از این تعهدات است. همان طور که دیوان در قضیه «مسائل مرتبط با تعهد به محاکمه یا استرداد (بلژیک علیه سنگال)» اذعان کرده است:

«منفعت مشترک در رعایت تعهدات مربوطه وفق [معاهده]، متضمن حق هر دولت طرف [معاهده] برای طرح دعوا در خصوص توقف نقض ادعایی توسط یک دولت طرف دیگر است».^{۴۳۹}

۴۴۳. با این حال، از نظر دسترسی به راه‌حل‌های جبرانی، میان جایگاه دولت‌های زیان‌دیده یا دولت‌های به‌طور خاص متأثر از یک سو، و دولت‌های غیرزیان‌دیده از سوی دیگر، تفاوت وجود دارد. با اینکه یک دولت غیرزیان‌دیده می‌تواند علیه دولت ناقض یک تعهد جمعی طرح دعوا کند، نمی‌تواند برای خود مطالبه جبران خسارت کند، بلکه صرفاً می‌تواند توقف عمل متخلفانه و اطمینان

435. Erga Omnes Partes.

436. Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (New Application: 1962) (Belgium v. Spain), Second Phase, Judgment, I.C.J. Reports 1970, p. 32, para. 33.

437. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (The Gambia v. Myanmar), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2022 (II), pp. 515-516, para. 107; see also Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), Judgment, I.C.J. Reports 2012 (II), p. 449, para. 68; Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (New Application: 1962) (Belgium v. Spain), Second Phase, Judgment, I.C.J. Reports 1970, p. 32, para. 33.

438. ILC Articles on State Responsibility, Article 48, paragraph 1 (b).

439. Judgment, I.C.J. Reports 2012 (II), p. 450, para. 69.

و تضمین به عدم تکرار، و همچنین اجرای تعهد جبران خسارت به نفع دولت زیان دیده یا ذی‌نفعان تعهد نقض شده را مطالبه کند. این پیامدهای حقوقی در ادامه بررسی خواهند شد.

ج. پیامدهای حقوقی ناشی از اعمال متخلفانه

۴۴۴. این امر به‌طور کامل تثبیت شده است که هر عملی متخلفانه بین‌المللی یک دولت، مسئولیت بین‌المللی آن دولت را به دنبال دارد. در بستر کنونی، عمل متخلفانه بین‌المللی می‌تواند از نقض تعهدات معاهداتی همچون تعهد رویه‌ای (شکلی) یک دولت مبنی بر تهیه، اعلام یا اجرای مشارکت‌های معین ملی ذیل ماده ۴ موافقت‌نامه پاریس تا نقض تعهدات عرفی همچون کوتاهی یک دولت در تنظیم‌گری و نظارت بر انتشار گازهای گلخانه‌ای (وفق تکلیفش به انجام مراقبت مقتضی) به منظور پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه، یا کوتاهی در انجام ارزیابی‌های اثرات زیست‌محیطی متغیر باشد.

۴۴۵. دیوان در بستر این فرآیند رسیدگی مشورتی نمی‌تواند به‌طور دقیق مشخص کند که ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مربوط به نقض تعهدات راجع به حفاظت از سیستم اقلیمی در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، چه پیامدهایی دارد زیرا چنین پیامدهایی به نقض خاص مورد نظر و ماهیت زیان خاص واردآمده بستگی دارد. به‌عنوان ملاحظه کلی، دیوان خاطرنشان می‌کند که نقض تعهدات تعیین‌شده وفق پرسش (الف) توسط دولت‌ها، می‌تواند تمام پیامدهای حقوقی پیش‌بینی‌شده در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را به همراه داشته باشد. این پیامدها شامل تعهد به توقف و عدم تکرار هستند که صرف‌نظر از وجود زیان، اعمال می‌شوند؛ همچنین پیامدهایی هستند که مستلزم جبران کامل خسارت هستند، ازجمله اعاده وضع به حال سابق، غرامت و/یا جلب رضایت. دیوان همچنین یادآور می‌شود که نقض تعهدات توسط دولت‌ها، تکلیف مستمر دولت مسئول به اجرای تعهد نقض‌شده را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. در ادامه، دیوان به‌ترتیب به هر یک از این موارد خواهد پرداخت.

۱. تکلیف به اجرای تعهد

۴۴۶. نقض تعهدات بین‌المللی توسط یک دولت، تکلیف اساسی آن دولت را به اجرای تعهدات مزبور از بین نمی‌برد. دولت‌ها علی‌رغم نقض تعهدات خود، تکلیف مستمری به اجرای آن تعهدات دارند.^{۴۴۰} به‌عنوان نمونه، دولت‌ها صرف‌نظر از هرگونه نقض تعهدات مربوطه ذیل معاهدات تغییرات اقلیمی، تکلیف مستمری به حفظ و بهبود ظرفیت جذب مخازن و چاهک‌ها دارند. به همین ترتیب،

440. See Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, I.C.J. Reports 1997, p. 68, para. 114.

در مورد دولت عضوی که برنامه مشارکت معین ملی نامناسبی وفق ماده ۴ موافقت‌نامه پاریس تنظیم کرده باشد، یک دادگاه یا دیوان صالح می‌تواند به آن دولت دستور دهد که با تصویب برنامه مشارکت معین ملی مطابق با تعهدات خود وفق موافقت‌نامه پاریس، به تعهدات مزبور عمل کند.

۲. تکلیف به توقف و تضمین به عدم تکرار

۴۴۷. طبق حقوق بین‌الملل عرفی، دولتی که مسئول عمل متخلفانه بین‌المللی است، چنانچه آن عمل تداوم داشته و تعهد نقض شده هنوز لازم‌الاجرا باشد، متعهد است عمل مزبور را متوقف کند.^{۴۴۱} در این زمینه، دیوان بر این باور است که تعهد به پایان دادن به عمل متخلفانه می‌تواند مستلزم آن باشد که یک دولت، تمامی اقدامات اداری، تقنینی و سایر مواردی را که به منزله عمل متخلفانه بین‌المللی از جانب آن دولت هستند، لغو کند.

۴۴۸. تکلیف به توقف [عمل متخلفانه] همچنین می‌تواند مستلزم آن باشد که دولت‌ها از تمامی ابزارهای موجود در اختیارشان برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای خود استفاده کرده و تدابیر دیگری را به نحوی و تا حدی اتخاذ کنند که پایبندی به تعهداتشان را تضمین کند. علاوه بر این، در شرایط مقتضی، یک دولت مسئول می‌تواند ملزم به ارائه تضمینات مناسب مبنی بر عدم تکرار [عمل متخلفانه] شود.^{۴۴۲}

۳. تکلیف به جبران خسارت

۴۴۹. همان طور که در بالا اشاره شد، جبران خسارت متضمن وجود خسارتی است که باید توسط دولت زیان‌دیده یا افراد زیان‌دیده، در صورت نقض تعهدی وفق حقوق بین‌الملل بشر، اثبات شود. بنابراین، برای تحقق جبران خسارت، باید رابطه سببیت بین عمل متخلفانه یک دولت یا گروهی از دولت‌ها و خسارت خاص وارده به دولت زیان‌دیده یا به افراد زیان‌دیده، در مورد حقوق بشر، احراز شود.

۴۵۰. ماده ۳۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها مقرر می‌دارد که دولت مسئول متعهد است که خسارت ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی را به‌طور کامل جبران کند.^{۴۴۳} همان طور که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه کارخانه کورزو بیان کرده است، جبران خسارت باید «تمام پیامدهای عمل غیرقانونی را از بین برده و وضعیتی را که به احتمال زیاد در

441. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), pp. 201-202, para. 163 (3) (A)-(C).

442. See ILC Articles on State Responsibility, Article 30 (b).

443. See also Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 198, para. 152.

صورت عدم ارتکاب آن عمل وجود می‌داشت، دوباره برقرار سازد.^{۴۴۴} جبران کامل خسارت می‌تواند از طریق اعاده وضع به حال سابق، پرداخت غرامت، جلب رضایت یا ترکیبی از آن‌ها محقق شود. نمی‌توان ماهیت و میزان مناسب جبران خسارات را به‌طور انتزاعی برآورد کرد و این امر به شرایط یک پرونده خاص بستگی دارد.

(الف) اعاده وضع به حال سابق

۴۵۱. دیوان اذعان می‌دارد که ممکن است اقدام جبرانی اعاده وضع به حال سابق که شامل برقراری مجدد وضعیتی است که پیش از عمل متخلفانه ارتكابی وجود داشته است در مورد زیان‌های زیست‌محیطی دشوار یا غیرممکن باشد، چرا که غالباً چنین زیان‌هایی به‌راحتی برگشت‌پذیر نیستند. با وجود این، دیوان معتقد است که ممکن است در شرایط تغییرات اقلیمی ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای، اعاده وضع به حال سابق در قالب بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده یا تخریب‌شده و احیای زیست‌بوم‌ها و تنوع زیستی صورت پذیرد. اینکه آیا این اشکال ویژه از اعاده وضع به حال سابق به‌عنوان جبران خسارت وارده به دولت‌ها در رابطه با تغییرات اقلیمی مناسب هستند یا خیر، باید به‌صورت موردی تعیین شود. نمی‌توان چنین امری را به‌طور انتزاعی مشخص کرد.

(ب) پرداخت غرامت

۴۵۲. در صورتی که اعاده وضع به حال سابق در عمل غیرممکن باشد، دولت‌های مسئول، تعهد به پرداخت غرامت دارند. دیوان معتقد است که کارکرد غرامت، به‌عنوان شکلی از جبران خسارت، پرداختن به ضرر و زیان‌های ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی است. غرامت باید متناظر با خسارت‌های قابل ارزیابی مالی باشد که دولت زیان‌دیده یا اتباع آن متحمل شده‌اند. در این نظر مشورتی، از دیوان خواسته نشده است که جبران خسارت را برای دولت‌های خاصی تعیین کند یا چنین دولت‌هایی را به‌صورت مجزا و فردی مشخص کند، و همچنین خواسته نشده است که به تعیین کمی غرامت قابل پرداخت توسط دولت‌های مشخص یا شماری از دولت‌ها بپردازد. با این حال، دیوان معتقد است که، در بستر تبیین چارچوب حقوقی قابل اعمال برای مسئولیت دولت‌ها، بررسی این موضوع در قلمرو نظر مشورتی حاضر است که آیا در صورت احراز وجود ارتباط سببی به اندازه کافی مستقیم و قطعی میان اعمال متخلفانه یک یا چند دولت و زیان‌های وارده، غرامت بابت زیان‌های قابل توجه ناشی از تغییرات اقلیمی قابل پرداخت است یا خیر.

۴۵۳. دیوان پیش از این فرصت یافته بود تا این موضوع را تأیید کند که خسارت زیست‌محیطی

طبق حقوق بین‌الملل مستحق غرامت است و این غرامت، هم در قبال خسارت وارد شده به محیط‌زیست به خودی خود که می‌تواند شامل «غرامت در قبال لطمه یا زیان وارده به دارایی‌ها و منابع زیست‌محیطی در دوره پیش از بازایی آن‌ها باشد» و هم در قبال هزینه‌هایی که دولت‌های زیان‌دیده در نتیجه چنین خسارتی متحمل شده‌اند، قابل پرداخت خواهد بود.^{۴۴۵} در خصوص ارزیابی و تقویم خسارت وارده به محیط‌زیست، دیوان اعلام داشته است که:

«نبود ادله و شواهد کافی در خصوص گستره خسارات مادی، در هیچ شرایطی مانع از صدور حکم پرداخت غرامت در قبال خسارات مزبور نخواهد شد. به‌عنوان مثال، در قضیه /حمودو سادیو دیالو، دیوان میزان غرامت قابل پرداخت را بر مبنای ملاحظات منصفانه تعیین کرد».^{۴۴۶}

۴۵۴. بنابراین، در مواردی که در خصوص میزان دقیق خسارات وارده، ابهام و عدم قطعیت وجود دارد، غرامت استثنائاً در حدود احتمالاتی که شواهد نشان می‌دهد و با در نظر گرفتن ملاحظات منصفانه، به‌صورت مبلغی کلی قابل پرداخت است.^{۴۴۷} در زمینه تغییرات اقلیمی، ممکن است محاسبه جبران خسارت در قالب غرامت، دشوار باشد زیرا معمولاً در رابطه با میزان دقیق خسارات وارده، درجه‌ای از ابهام و عدم قطعیت وجود دارد.

(ج) جلب رضایت

۴۵۵. اینکه آیا نقض تعهدات مربوط به انتشار گازهای گلخانه‌ای از سوی یک یا چند دولت، اقتضای جلب رضایت را دارد یا خیر، و اینکه جلب رضایت مزبور چه شکلی می‌تواند به خود بگیرد، به ماهیت و شرایط نقض مربوطه بستگی خواهد داشت. ممکن است جلب رضایت به شکل اظهار تأسف، عذرخواهی رسمی، اقرار یا بیانیه عمومی، یا آموزش جامعه در خصوص تغییرات اقلیمی صورت پذیرد. در گذشته، دیوان همچنین تصدیق کرده بود که اعلام رسمی یک دادگاه یا دیوان بین‌المللی مبنی بر متخلفانه بودن رفتار یک دولت، شکل بالقوه‌ای از جلب رضایت است.^{۴۴۸}

۴۵۶. پیش از نتیجه‌گیری، دیوان خاطرنشان می‌کند که به باور برخی، رسیدگی مشورتی حاضر با تمامی مواردی که سابقاً به دیوان ارجاع شده‌اند، متفاوت است. در عین حال، همان طور که دیوان پیش‌تر نتیجه گرفت، پرسش‌های مجمع عمومی، از نوع حقوقی هستند^{۴۴۹} و دیوان در

445. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua), Compensation, Judgment, I.C.J. Reports 2018 (I), pp. 28-29, paras. 41-43.

446. Ibid., pp. 26-27, para. 35.

447. See Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Reparations, Judgment, I.C.J. Reports 2022 (I), p. 52, para. 106.

448. Corfu Channel (United Kingdom v. Albania), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1949, p. 35.

449. See paragraph 40.

مقام مرجع قضایی، تنها به پرسش‌هایی می‌تواند پاسخ دهد که در چارچوب و حدود کاکرد قضایی‌اش به آن ارجاع شده‌اند؛ این نقشی است که در نظم حقوقی بین‌المللی به دیوان محول شده است. با این حال، پرسش‌های مجمع عمومی نشانگر چیزی بیش از مسئله حقوقی هستند: آن‌ها به مسئله وجودی در ابعاد سیاره‌ای مربوط می‌شوند که همه اشکال حیات و سلامت خود سیاره ما را به خطر می‌اندازند. حقوق بین‌الملل که مجمع عمومی به مرجعیت آن تمسک جسته است، نقش مهم اما در نهایت محدودی در حل این مسئله دارد. راه‌حل جامع برای این معضل هولناک و خودساخته، مستلزم بهره‌گیری از تمامی عرصه‌های دانش بشری اعم از حقوق، علوم، اقتصاد یا هر حوزه دیگری است. از همه مهم‌تر، دستیابی به راه‌حلی پایدار و رضایت‌بخش، نیازمند عزم و خرد انسانی در سطوح فردی، اجتماعی و سیاسی برای تغییر عادات، آسایش و شیوه کنونی زندگی‌مان به منظور تضمین آینده‌ای مطمئن برای خود و آیندگان است. دیوان با ارائه این نظر مشورتی، در فعالیت‌های سازمان ملل متحد و جامعه بین‌المللی نمایندگی شده در این نهاد، سهیم می‌شود؛ با این امید که یافته‌هایش بتواند مبنایی حقوقی برای جهت‌دهی و آگاهی‌بخشی به کنش‌های اجتماعی و سیاسی در مقابله با بحران جاری اقلیمی باشد.

بندهای اجرایی

۴۵۷. به این دلایل، دیوان

(۱) با اتفاق آرا دریافت که صلاحیت ارائه نظر مشورتی را دارد؛

(۲) با اتفاق آرا تصمیم می‌گیرد که با درخواست نظر مشورتی موافقت کند؛

(۳) در خصوص پرسش (الف) مطرح‌شده از سوی مجمع عمومی:

الف. با اتفاق آرا،

معتقد است که معاهدات تغییرات اقلیمی، تعهدات الزام‌آوری را به منظور تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، برای دولت‌های عضو مقرر می‌دارند. این تعهدات شامل موارد زیر می‌شود:

(الف) دولت‌های عضو کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، متعهد به اتخاذ اقداماتی هستند که به تعدیل انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با تغییرات اقلیمی کمک کند؛

(ب) دولت‌های عضو فهرست‌شده در ضمیمه ۱ کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، تعهدات مضاعفی دارند تا با محدودسازی انتشار گازهای گلخانه‌ای و تقویت چاهک‌ها و مخازن گازهای گلخانه‌ای خود، پیشگام مبارزه با تغییرات اقلیمی باشند؛

(ج) دولت‌های عضو کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، موظف به

همکاری با یکدیگر برای دستیابی به هدف اصلی این کنوانسیون هستند؛

(د) دولت‌های عضو پروتکل کیوتو ملزم به رعایت مقررات قابل اعمال این پروتکل هستند؛

(هـ) دولت‌های عضو موافقت‌نامه پاریس متعهدند با اعمال مراقبت مقتضی، اقداماتی را مطابق با مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط خود اتخاذ کنند که بتواند سهم مؤثری در دستیابی به هدف دمایی تعیین شده در این موافقت‌نامه ایفا کند؛

(و) دولت‌های عضو موافقت‌نامه پاریس متعهدند تا مشارکت‌های معین ملی متوالی و جاه‌طلبانه خود را تهیه، اعلام و حفظ کنند. این مشارکت‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شوند که در مجموع، وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، توانایی دستیابی به هدف دمایی محدودسازی گرمایش جهانی به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطوح پیشاصنعتی را داشته باشند.

(ز) دولت‌های عضو موافقت‌نامه پاریس متعهدند تا اقداماتی را در پیش بگیرند که بتواند اهداف تعیین شده در مشارکت‌های معین ملی متوالی آن‌ها را محقق سازد؛ و

(ح) دولت‌های عضو موافقت‌نامه پاریس، دارای تعهدات مربوط به سازگاری (با تغییرات اقلیمی) و همکاری از جمله از طریق انتقال فناوری و منابع مالی هستند که باید با حسن‌نیت انجام شوند.

ب. با اتفاق آراء،

معتقد است که حقوق بین‌الملل عرفی، تعهداتی را به منظور تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت، برای دولت‌ها مقرر می‌کند. این تعهدات شامل موارد زیر می‌شود:

(الف) دولت‌ها موظف‌اند با اعمال مراقبت مقتضی و به‌کارگیری کلیه ابزارهای در دسترس خود، از ایراد زیان قابل‌توجه به محیط‌زیست پیشگیری کنند. این وظیفه شامل پیشگیری از فعالیتهایی است که در حیطه صلاحیت یا تحت کنترل آن‌ها انجام می‌شود و ممکن است به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست زیان قابل‌توجهی وارد کند. تمامی این اقدامات باید مطابق با اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های ذی‌ربط هر دولت انجام پذیرد؛

(ب) دولت‌ها موظف‌اند با رعایت اصل حسن‌نیت، به منظور پیشگیری از ایراد زیان قابل‌توجه به سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست، با یکدیگر همکاری کنند. این امر، مستلزم اشکال پایدار و مستمری از همکاری میان دولت‌ها در هنگام اتخاذ اقداماتی برای پیشگیری از ایراد چنین زیان‌هایی است؛

ج. با اتفاق آراء،

معتقد است که دولت‌های عضو کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اوزون و پروتکل مونترال در مورد مواد مخرب لایه اوزون و اصلاحیه کیگالی آن، کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با بیابان‌زایی در کشورهای تجربه‌کننده خشکسالی و/یا بیابان‌زایی

شدید، به‌ویژه در آفریقا، بر اساس این معاهدات، متعهد به تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت هستند.

د. با اتفاق آراء،

معتقد است که دولت‌های عضو کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها، متعهد به اتخاذ اقداماتی برای حفاظت و صیانت از محیط‌زیست دریایی از جمله در برابر اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی بوده و ملزم به همکاری با حسن‌نیت هستند.

هـ. با اتفاق آراء،

معتقد است که دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل بشر، متعهدند با اتخاذ اقدامات ضروری برای حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر بخش‌های محیط‌زیست، برخورداری مؤثر از حقوق بشر را محترم شمرده و تضمین کنند.

(۳) در خصوص پرسش (ب) مطرح‌شده از سوی مجمع عمومی:

با اتفاق آراء،

معتقد است که نقض تعهدات شناسایی‌شده در پاسخ به پرسش (الف) از سوی یک دولت، عمل متخلفانه بین‌المللی محسوب شده و مسئولیت آن دولت را در پی دارد. دولت مسئول، تکلیف مستمر به اجرای تعهد نقض‌شده دارد. پیامدهای حقوقی ناشی از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی می‌تواند شامل این تعهدات باشد:

(الف) توقف فعل‌ها یا ترک فعل‌های متخلفانه، در صورتی که همچنان ادامه داشته باشند؛

(ب) اطمینان و تضمین به عدم تکرار فعل‌ها یا ترک فعل‌های متخلفانه، در صورتی که شرایط

چنین ایجاب کند؛ و

(ج) جبران کامل خسارت به دولت‌های زیان‌دیده به شکل اعاده وضع به حال سابق، پرداخت غرامت

و جلب رضایت؛ مشروط بر اینکه شرایط عمومی حقوق مسئولیت دولت‌ها محقق شده باشد، از جمله اینکه بتوان ارتباط سببی به اندازه کافی مستقیم و قطعی میان عمل متخلفانه و آسیب وارده را احراز کرد.